

الْمُنْتَقَى

مِنْ

مُوسَى وَعِيسَى الْأَحْمَرِيُّ النَّبِيُّ

اللغة البرية

إعداد القسم العلمي

جمعية خدمة المحتوى
الإسلامي باللغات



جمعية الدعوة
وتوعية الجاليات بالربوة



شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة



جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغير في النص.

-  Tel: +966 50 244 7000
-  info@islamiccontent.org
-  Riyadh 13245- 2836
-  www.islamhouse.com

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم على نبينا محمد، وعلى آله وصحبه أجمعين، ومن تبعهم
:بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد

بزرگترین چیزی که مسلمان باید به آن توجه کند؛ خواندن، تأمل، تدبر، و آموزش و عمل - بعد از کتاب
الله - به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ترکت فیکم
»أیها الناس، ما إن اعتصمتم به، فن تضلوا أبداً: کتاب الله، وسنة نبیه

ای مردم در میان شما چیزی را گذاشتم، اگر به آن چنگ بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد: که آن کتاب
الله و سنت پیامبرش است. روایت امام مالک، الله متعال فرموده است: {وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا
}نَهَاكُم عَنْهُ فَأَنْتَهُوا

:و آنچه که رسول الله به شما داد، بگیریید و از آنچه که شما را از آن نهی کرد اجتناب کنید]. الحشر
از این رو، انجمن خدمات محتوای اسلامی برای زبان ها و انجمن دعوت و توعیه جالیات در ربوه، [7
تلاش ورزیدند، تا دایره المعارف احادیث نبوی را تهیه و آن را به شماری از زبان ها ترجمه نمایند
الله تبارک و تعالی گزینش مجموعه از این دایره المعارف را که مسلمان در امور دین و دنیای شان به
آن نیاز دارند، همراه با شرح مختصری از آن، و توضیح معانی، دلالت ها، و برخی از فواید و چاپ آن
را فراهم نمود، در این کتاب زیر نام: "برگزیده از دایره المعارف احادیث نبوی" و ترجمه آن به تمام
زبان های زنده دنیا جهت عام ساختن فایده از محتوای آن، و ابلاغ سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم
برای تمام بشریت و به زبان های خودشان میسر ساخت
از الله متعال خواستاریم که این عمل را پذیرفته و آن را با برکت و خالصانه برای خودش قرار دهد، و
نیز برای تمام کسانی که در تهیه و ترجمه و پخش آن کمک کرده اجر و پاداش بدهد. و صلی الله وسلم
علی نبینا محمد

(1) - عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ، وَإِنَّمَا لِأَمْرٍ مَّا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَرَوَّجُهَا، فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ».

وفي لفظ للبخاري: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ أَمْرٍ مَّا نَوَى». [صحيح] - [متفق عليه]

(1) - از عمر بن الخطاب - رضي الله عنه - روایت است گفت که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: همه اعمال بستگی به نیت دارد، و هر کس از کردارش به اندازه نیتش اجر و ثواب می برد، پس کسی که هجرت وی برای الله و پیامبرش بوده باشد، این هجرت به سوی الله و پیامبر اوست، و هر کس هجرتش به خاطر مال دنیا باشد، و یا به خاطر زنی که بخواهد با او ازدواج کند، (اهمیت هجرت او برابر با همین قصد و همت اوست، و «لفظ بخاری چنین است: «همانا (قبولی اعمال و کردار به نیت بستگی دارد [صحيح]- [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم می فرماید: که همه اعمال از روی نیت محاسبه می شود، و این حکم در همه عبادات و معاملات عام است، پس هر کس اراده منفعت بردن از عملش را داشته باشد، جز آن منفعت به دست نمی آورد، و ثواب را نخواهد داشت، و هر کس با عملش بخواهد به الله متعال نزدیک شود، از عملش اجر و پاداش خواهد گرفت. هر چند عمل عادی باشد، مانند خوردن و آشامیدن.

سپس رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم مثال را بیان نمود تا تأثیر نیت را در اعمال با وجود برابری آنها در صورت ظاهری نشان دهد، پس توضیح داد که هر کسی قصد هجرت و خروج از وطن خود را برای جلب رضایت پروردگارش داشته باشد، هجرت او هجرت شرعی و پسندیده است، و به خاطر صداقت نیتش ثواب آن را بدست می آورد، و هر کسی از هجرت خود اراده بدست آوردن منفعت دنیوی مانند مال و منزلت و تجارت و یا همسر داشته باشد، پس از هجرت خود جز آن منفعتی را که اراده کرده است به دست نمی آورد، و از اجر و پاداش نیز بهره ای نخواهد برد.

از فوائد حدیث:

1. تشویق نمودن به اخلاص، زیرا الله متعال هیچ عملی را قبول نخواهد کرد مگر آنکه به خاطر او انجام شده باشد.

2. اعمالی که به انجام دادن آن مسلمان به الله متعال نزدیک می شود، اگر آن را از راه عادت انجام دهد پاداش برایش حاصل نخواهد شد، تا اینکه با انجام آنها قصد نزدیکی به الله متعال را داشته باشد

(4560)

(2) - عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ» متفق عليه.
ولمسلم: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ». [صحيح] - [متفق عليه]

(2) - از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ» یعنی: «هرکس در این امر (چیزی نو) آوری بیاورد که از آن نیست، آن [چیز] پذیرفته نمی شود» متفق علیه. و نزد مسلم آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» یعنی: «هرکس کاری انجام دهد که امر ما [بر آن نیست، آن کار] مردود است [صحيح]-[متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته اند که هرکس در دین اختراعی کند یا عملی انجام دهد که دلیلی از کتاب و سنت دال بر آن نباشد، آن کار به صاحبش پس داده می شود و نزد الله پذیرفته نمی شود.

از فوائد حدیث:

1. مبنای عبادات بر آن چیزی است که در کتاب و سنت آمده است، بنابراین الله تعالی را عبادت نمی کنیم مگر بر اساس شرع، نه بر اساس بدعت ها و نوآوریها.
2. دین به رای و نیکو پنداشتن ما نیست، بلکه به پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم است.
3. این حدیث دال بر کمال دین است.
4. بدعت هر چیزی است که در دین نوساخته شود، و در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب او وجود نداشته باشد؛ عقیده باشد یا قول یا عمل.

5. این حدیث از اصول اسلام است و همانند ترازویی است برای اعمال، زیرا همانطور که عملی که برای خشنودی الله نباشد پذیرفته نمی‌شود و انجام دهنده‌اش ثوابی ندارد، به همان صورت هر عملی که بر اساس رهنمود پیامبر صلی الله علیه وسلم نباشد به انجام دهنده‌اش بازگردانده می‌شود و از او پذیرفته نمی‌شود.
6. نوآوری‌هایی که از آن نهی شده آن امور نوساخته‌ای هستند که به امر دین مربوط باشند نه امور دنیا.

(4792)

(3) - عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخِذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَتَقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحَجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَعَجَبْنَا لَهُ، يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ، قَالَ: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: «مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ» قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ أَمَارَتِهَا، قَالَ: «أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُقَاتَةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّيْءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ» قَالَ: ثُمَّ انْطَلَقَ، فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ لِي: «يَا عَمْرُ، أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ؟» قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ، أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(3) - از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است فرمود: يك روزی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، مردی با لباس بسیار سفید، موهای بسیار سیاه بر ما ظاهر شد، در حال که هیچ اثری از سفر بر او دیده نمی شد، و هیچ یکی از ما او را نمی شناخت تا اینکه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست، و زانوی خود را بر زانوهایش گذاشت، و کف دست خود را بر ران های خود گذاشت. و گفت: ای محمد از اسلام به من خبر بده، به او گفت: (اسلام) این است که: (گواهی بدهی به اینکه معبودی برحق جز الله نیست و محمد فرستاده الله است، نماز را بر پا داری، زکات را بدهی، رمضان را روزه بگیری و زیارت خانه کعبه را اگر راهی به سوی آن یافتی انجام دهی) «گفت: راست گفتی» ما از این که از او می پرسد و تصدیق می کند، شگفت زده شدیم، گفت: از ایمان به من خبر بده. فرمود: اینکه به الله، فرشتگان، کتابها، پیامبران، روز آخرت، و ایمان به قدر خیر و شر آن ایمان بیاوری. گفت: راست می گویی. گفت: از احسان به من خبر بده، فرمود: الله را چنان عبادت کنی که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی پس او تو را می بیند. «گفت: پس مرا از قیامت خبر بده». فرمود: «آیا سوال شونده از سوال کننده دانایتر نیست؟» گفت: «پس از نشانه های آن به من خبر بده». فرمود: اینکه کنیزی با داریش را به دنیا بیاورد، و این که پا برهنه ها و بی چاره ها و چوپانانی را ببینی که ساختمان های بلند اعمار می کنند سپس رفت و اندکی درنگ کردم، فرمود: «ای عمر! آیا می دانی سوال کننده چه کسی بود؟» گفت: «الله و رسولش داناترند». فرمود: «او جبرئیل بود، آمد تا دین شما را به شما بیاموزد [صحیح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

عمر بن خطاب رضی الله عنه می فرماید که جبرئیل علیه السلام به صورت مردی ناشناس نزد صحابه رضی الله عنهم ظاهر شد، در حالی که لباسش بسیار سفید و موهایش بسیار سیاه بود، و آثار سفر از قبیل خستگی و گرد و غبار و موهای نامرتب و کثیف بودن لباس بر او نمایان نبود، و هیچ یکی از حاضران او را نمی شناختند در حال که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود، پس به شیوه متعلم در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشست و از او در باره اسلام پرسید، پس او با این ارکان پاسخ داد که شامل اقرار به شهادتین، و اقامه نمازهای پنج گانه، پرداخت زکات به مستحقان آن، و گرفتن روزه ماه رمضان، و اداء حج برای کسی که توان آنرا داشته باشد

پرسش کننده گفت: راست می گویی، صحابه از پرسش او تعجب کردند، که او از آنچه پرسان می کند که ظاهراً در مورد آن معلومات ندارد، و سپس جواب های او را نیز تایید می نماید.

سپس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد ایمان پرسید، و او با این شش رکن که شامل ایمان به وجود الله متعال، و صفات او، و یکتا بودن او در افعالش مانند آفرینش، و یکتا بودن او در عبادت، و اینکه فرشتگان که الله متعال آنها را از نور آفریده است؛ بندگان صالحی هستند که از او امر الله متعال سرپیچی نمی کنند، و فرمان او را عملی می کنند، و ایمان به کتاب هایی که از جانب الله متعال بر پیامبران او نازل شده است، مانند قرآن و تورات و انجیل و غیره، و فرستادگانی که دین الله را از جانب او ابلاغ کردند، از جمله نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و آخرین آنان، محمد صلی الله علیه و آله و سایر پیامبران و رسولان، و ایمان به روز قیامت، و آنچه بعد از مرگ و قبر و حیات برزخ می آید، و اینکه انسان پس از مرگ زنده می شود و محاسبه می شود، و سرنوشت او یا بهشت و یا جهنم است، و اعتقاد به اینکه الله متعال چیزها را بر اساس آنچه قبلاً می داند مقدر کرده است. و حکمت و نوشته او بر آن مستلزم، و اراده او نسبت به او و وقوع آنها بر حسب آنچه که برای آنها مقدر کرده و آفریده است می باشد. سپس از او درباره احسان پرسید، او برایش خبر داد که احسان این است که الله را چنان عبادت کند که گویا او را می بیند، اگر رسیدن به این مقام برایش محقق نمی شد، پس الله متعال را چنان عبادت کند که الله او را می بیند، زیرا مقام مشاهده اولی و بالاتر است و دومی مقام نظارت است.

سپس از او پرسید که قیامت چه وقت است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان نمود که علم قیامت از آن چیزی است که الله متعال در علم خود محفوظ داشته است، پس هیچ کس از مخلوق آن را نمی داند، نه سوال شونده و نه سؤال کننده.

سپس از او درباره نشانه های قیامت پرسید. او روشن ساخت که از نشانه های آن فراوانی کنیزان و فرزندانشان است، یا کثرت سرپیچی فرزندان از مادرانشان است که با آنها مانند کنیز رفتار می کنند، و اینکه چوپان ها و فقرا در آخر زمان امکانات دنیا برایشان فراهم می شود، و به تزیین و ساخت ساختمان ها افتخار می کنند می باشد.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که سوال کننده جبرئیل بود، و برای تعلیم این دین حنیف به صحابه آمده بود.

از فوائد حدیث:

1. خوش اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اینکه با یاران خود می نشیند و آنان با او می نشینند.
2. مشروعیت مهربانی با سوال کننده و نزدیک ساختن او به گونه ای که بدون ترس ولرز بپرسد.

3. ادب با معلم، همان گونه که جبرئیل علیه السلام در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانند شخص مؤدب نشست تا از او بیاموزد.
4. ارکان اسلام پنج و اصول ایمان شش است.
5. وقتی اسلام و ایمان با هم یکجا ذکر می شود، اسلام با امور ظاهری و بیرونی و ایمان با مسائل باطنی و درونی تفسیر می شود.
6. بیان این که دین درجات متفاوتی دارد، که درجه اول آن: اسلام، دوم آن: ایمان و سوم آن: احسان می باشد و این بالاترین درجه دین است.
7. اصل در سوال کننده عدم علم است، و نادانی انگیزه سوال است، پس صحابه از سوال کردن و تصدیق او شگفت زده شدند.
8. شروع با مهمتر سپس مهم؛ زیرا با ذکر شهادتین در تفسیر اسلام، و با ذکر ایمان به الله جل جلاله در تفسیر ایمان آغاز صورت گرفت.
9. پرسیدن اهل علم از آنچه را که سوال کننده از آن غافل نیست، تا دیگران بدانند.
10. علم قیامت همان چیزی است که الله متعال به خود اختصاص داده است.

(4) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَإِقَامَ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(4) - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَإِقَامَ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ» یعنی: «اسلام بر پنج [بنا] استوار است: شهادت دادن به اینکه معبودی [به حق] نیست جز الله، و اینکه محمد بنده [و پیامبر اوست، و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات و حج خانه] کعبه [و روزه رمضان]». [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم اسلام را با پنج رکن آن به بنایی تشبیه کرده که بر این پنج رکن استوار است، و بقیه خصلت‌های اسلام همانند کامل کننده‌های این بنیان هستند. نخستین این ارکان: شهادتین هستند: شهادت به لا اله الا الله و محمدا رسول الله، که این دو یک رکن به حساب می‌آیند، و از یکدیگر جدا نمی‌شوند، و بنده با اعتراف به یگانگی الله و شایستگی او به عبادت به یگانگی، و در حالی که به مقتضای آن عمل می‌کند و به رسالت محمد صلی الله علیه وسلم مؤمن است، و از وی پیروی می‌کند و این را به زبان می‌آورد. رکن دوم: برپا داشتن نماز است، یعنی نمازهای فرض پنج‌گانه در شبانه روز: نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء، با شروط و ارکان و واجبات آن. رکن سوم: پرداخت زکات فرضی، و آن عبادتی است مالی که در هر مالی که به اندازه مشخصی برسد در شرع واجب می‌گردد، و به مستحقان آن پرداخت می‌شود. رکن چهارم: حج، یعنی قصد مکه برای برپا داشتن مناسک از روی عبادت الله عزوجل. رکن پنجم: روزه رمضان است، یعنی دست کشیدن از خوردن و نوشیدن و دیگر مُفطرات به نیت عبادت الله، از طلوع فجر تا غروب خورشید

از فوائد حدیث:

1. ملازم بودن شهادتین، به طوری که یکی از آنها بدون دیگری درست نیست، بنابراین [هر دو شهادت] یک رکن حساب می‌شوند.
2. شهادتین اساس دین است، بنابراین هیچ قول و عملی پذیرفته نمی‌شود مگر با این دو

(5) - عَنْ مُعَاذٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كُنْتُ رِدْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى حِمَارٍ يُقَالُ لَهُ عَفِيرٌ، فَقَالَ: «يَا مُعَاذُ، هَلْ تَدْرِي حَقَّ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَمَا حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ؟»، قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «فَإِنَّ حَقَّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَحَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ مَنْ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَلَا أَبَشِّرُ بِهِ النَّاسَ؟ قَالَ: «لَا تُبَشِّرُهُمْ، فَيَتَّكِلُوا».

[صحيح] - [متفق عليه]

(5) - از معاذ رضی الله عنه روایت است که فرمود: من بر عقب پیامبر صلی الله علیه وسلم سوار بر الاغی به نام عفیر بودم که فرمود ای معاذ، آیا می دانی حق الله بر بندگانش و حق بندگان بر الله چیست؟ «گفتم: الله و رسولش دانانترند، فرمود: «حق الله بر بندگان این است که او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند، و حق بندگان بر الله این است که کسانی را که به او شرک نمی‌ورزند عذاب نکند». گفتم ای رسول الله آیا مردم را به آن مژده ندهم؟ فرمود: «آنها را مژده نده، چون به آن اتکا می کنند [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم حق الله بر بندگان و حق بندگان بر الله را بیان می کند، و این که حق الله بر بندگان این است که تنها او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند و حق بندگان بر الله این است موحدانی را که برای او چیزی را شریک قرار نمی دهند عذاب نکند. سپس معاذ گفت: ای رسول الله، آیا به مردم مژده ندهم تا شاد شوند و به این فضیلت یکی دیگر را مژده دهند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم او را منع کرد، از ترس اینکه بر آن اتکا کنند

از فوائد حدیث:

1. بیان حق الله متعال که بر بندگان واجب گردانیده است، و آن اینست که او را بپرستند، و چیزی را شریک او قرار ندهند
2. بیان حق بندگان نسبت به الله متعال که آن را از روی فضل و نعمت بالای بندگان خویش بر خود واجب گردانیده است، و آن عبارت است از وارد نمودن آنان به بهشت، و این که آنان را عذاب نکند

3. در این مژده است برای یکتا پرستانی که چیزی را به الله متعال شریک نمی کنند، و این که مسیر شان ورود به بهشت است.
4. معاذ این حدیث را قبل از مرگش اعلام نمود، از ترس اینکه در گناه کتمان علم واقع نگردد.
5. هشدار به عدم انتشار برخی احادیث نزد برخی افراد از ترس اینکه معنای آنها را نمی فهمند؛ به ویژه احادیثی که جنبه عملی نداشته باشد و نه حدی از حدود شرعی داشته باشد.
6. یکتاپرستان نافرمان تحت اراده الله هستند، اگر بخواهد عذاب شان می کند و اگر بخواهد آنها را می بخشد، سپس مسیر شان بسوی بهشت است.

(65007)

(6) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمُعَاذٌ رَدِيفُهُ عَلَى الرَّحْلِ قَالَ: «يَا مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ»، قَالَ: لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ، قَالَ: «يَا مُعَاذُ»، قَالَ: لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ، ثَلَاثًا، قَالَ: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ»، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا أُخْبِرُ بِهِ النَّاسَ فَيَسْتَبْشِرُوا؟ قَالَ: «إِذَا يَتَكَلَّمُوا». وَأُخْبِرَ بِهَا مُعَاذٌ عِنْدَ مَوْتِهِ تَأْتِمًا. [صحيح] - [متفق عليه]

(6) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر - صلی الله علیه و سلم همراه با معاذ بر سواری سوار بودند، فرمودند: "ای معاذ"، گفت: به شما گوش به فرمان هستم ای رسول الله، فرمودند: "ای معاذ"، گفت: گوش به فرمان هستم ای رسول الله، تا سه بار (این را تکرار کرد)، فرمودند: «هیچ بنده ای نیست که صادقانه و از ته قلب گواهی دهد که معبود بر حقی جز الله وجود ندارد، و شهادت دهد که محمد بنده و فرستاده ی او است، مگر اینکه الله متعال او را بر آتش دوزخ حرام می گرداند» گفت: ای رسول الله، آیا این را به مردم نگویم، تا بشارتی برای آنان باشد؟ فرمودند: "بیم آن می رود که بر این مژده تکیه کنند و عمل را ترک نمایند"، بنابراین این معاذ آن را هنگام مرگش خبر داد تا دچار گناه (کتمان علم) نشود [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

معاذ بن جبل رضی الله عنه به عقب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مرکب او سوار بود، او را صدا زد: ای معاذ؟ سه بار ندا بر او را تکرار کرد. برای تأیید اهمیت آنچه به او خواهد گفت.

و همه اینها را معاذ رضی الله عنه پاسخ می دهد که: «من در خدمت هستم یا رسول الله و من تو را به پیروی از امر تو شاد می سازم». یعنی: امر تو را اجابت می کنم یا رسول الله، اجابت پس از اجابت، و از روی اجابت به امر تو امید خوشبختی دارم پس رسول الله صلی الله علیه و سلم به او گفت: که هیچ کسی گواهی نمی دهد که معبودی جز الله نیست، و اینکه محمد پیامبر الله است - به راستی از ته قلب نه این که دورگو باشد. اگر در این حالت بمیرد، الله متعال او را بر آتش حرام می سازد - سپس معاذ رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجازه خواست به مردم بگوید تا شادی کنند و یکدیگر را به خیر مژده دهند؟

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیم داشت که مبادا مردم بر آن (سخن) تکیه کنند و عمل کردن را کم کنند
 معاذ تا قبل از مرگش این موضوع را به کسی نگفته بود، اما قبل از وفات از ترس افتادن در گناه کتمان علم آنرا بیان نمود

از فوائد حدیث:

1. تواضع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که معاذ را در پشت خود بر مرکب اش سوار نمود
2. روش تعلیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که ندا را به معاذ تکرار می کرد تا توجه او را به آنچه می خواهد بگوید جلب کند
3. یکی از شروط گواهی دادن به: لا اله الا الله محمد رسول الله این است که گوینده راستگو و متیقن باشد نه دروغگو و شک کننده
4. اهل توحید در آتش جهنم برای ابد نمی مانند، حتی اگر به خاطر گناهان شان وارد آن شده باشند پس از پاک شدن از آن خارج می شوند
5. فضیلت دو گواهی برای کسانی که صادقانه گفته باشند
6. جواز ترک بیان نمودن حدیث در مواردی اگر موجب فساد می شود

(10098)

(7) - عن طارق بن أشيم الأشجعي رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَرَّمَ مَالَهُ وَدَمَهُ، وَحَسَابُهُ عَلَى اللَّهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(7) - از طارق بن اشيم اشجعی رضی الله عنه روایت است گفت که: از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمودند: «کسی که: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، و به آنچه غیر از الله پرستش می شود کافر شود، مال و خونس حرام است و حسابش نزد الله است». [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خبر می دهد که هر کس به زبان خود بگوید و شهادت دهد که «لا اله الا الله» یعنی نیست معبودی بر حق جز الله متعال و به آنچه غیر از الله پرستش می شود کفر ورزد و از همه ادیان به جز اسلام بیزاری نماید، مال و خون او بالای مسلمانان حرام است، ما فقط با ظاهر وی سر و کار داریم، بناء مال وی سلب نمی شود، خون او ریخته نمی شود، مگر اینکه مرتکب جرم و یا جنایت گردد، که به موجب احکام اسلام جزای خویش را می بیند و الله متعال در روز قیامت با وی حساب می کند، پس اگر راستگو باشد او را پاداش می دهد، و اگر منافق باشد عذابش می دهد.

از فوائد حدیث:

1. شرط ورود به اسلام تلفظ به «لا اله الا الله» و کفر به هر چیزی که غیر از الله متعال پرستش می شود است.
2. منظور از لا اله الا الله (کفر به هر چیزی که غیر از الله متعال پرستش می شود، از قبیل بت ها، قبرها و غیره، و یگانه ساختن او برای عبادت است).
3. هر که با توحید بیاید و در ظاهر به احکام آن پایند باشد، باید به او ضرری نرسد تا از او چیزی نمایان شود که خلاف آن باشد.
4. حرمت مال و خون و ناموس مسلمان مگر به حق.
5. قضاوت در دنیا بر اساس ظاهر است، و در آخرت بر اساس نیتها و مقاصد است.

(8) - عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْمُوجِبَاتُ؟ فَقَالَ: «مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ» [صحيح] - [رواه مسلم]

(8) - از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: مردی نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: یا رسول الله؟ آن دو خصلت چیست که انسان با داشتن آن ها مستحق ورود به بهشت یا جهنم می شود؟ ایشان فرمودند: «هر کس بمیرد در حالی که برای الله هیچ چیزی را شریک قرار ندهد وارد بهشت می شود، و هر کس بمیرد در حالی که برای الله چیزی را شریک قرار دهد وارد جهنم می شود» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از دو خصلت پرسید: خصلتی که لازمه ورود به بهشت است و خصلتی که لازمه ورود به جهنم است؟ او صلی الله علیه وسلم فرمودند: خصلت لازمه بهشت این است که انسان بمیرد در حالی که الله را عبادت کند و چیزی را شریک او قرار ندهد. و خصلتی که اقتضای جهنم را می کند این است که انسان بمیرد در حالی که به الله شرک می ورزد، پس برای الله متعال در الوهیت و یا ربوبیت و یا اسماء و صفاتش همتا قرار دهد.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت توحید و اینکه هر کس در حال ایمان بمیرد و چیزی را شریک الله قرار ندهد وارد بهشت می شود.
2. خطر شرک، و این که هر کس در حالی بمیرد که با الله شرک بورزد وارد جهنم شود.
3. موحدین نافرمان زیر مشیت الله متعال قرار دارند، اگر بخواهد عذاب شان می کند و اگر بخواهد آنها را می بخشد، سپس مسیر شان به بهشت خواهد بود.

(9) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلِمَةً وَقُلْتُ أُخْرَى، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدَاءً دَخَلَ النَّارَ» وَقُلْتُ أَنَا: مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَدْعُو لِلَّهِ نِدَاءً دَخَلَ الْجَنَّةَ. [صحيح] - [متفق عليه]

(9) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم سخنی گفت و من سخنی گفتم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدَاءً دَخَلَ النَّارَ» یعنی: «هرکس در حالی بمیرد که به جای الله همتایی را به فریاد می خواند، به دوزخ درآید» و من گفتم: هر که بمیرد در حالی که برای الله همتایی را به فریاد نمی خواند، وارد بهشت می شود [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را باخبر می سازد که هرکس چیزی از ویژگی هایی که خاص الله است را برای غیر او انجام دهد، مانند دعای غیر الله یا فریادخواهی از غیر الله و در این حال بمیرد از اهل دوزخ است. و ابن مسعود این را بر آن افزوده که: هر کس در حالی بمیرد که چیزی را برای الله شریک نمی آورد، فرجامش بهشت است.

از فوائد حدیث:

1. دعاء، عبادتی است که نباید برای غیر الله انجام شود.
2. فضیلت توحید، و اینکه هرکس بر توحید از دنیا برود سرانجام وارد بهشت می شود. اگرچه برای برخی از گناهانش عذاب داده شود.
3. خطر شرک، و اینکه اگر کسی بر شرک بمیرد وارد دوزخ می شود.

(3419)

(10) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ، حِينَ بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ: «إِنَّكَ سَتَأْتِي قَوْمًا أَهْلَ كِتَابٍ، فَإِذَا جِئْتَهُمْ فَادْعُهُمْ إِلَى أَنْ يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لَكَ بِذَلِكَ، فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لَكَ بِذَلِكَ، فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ فَتَرُدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لَكَ بِذَلِكَ، فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ، وَاتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(10) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگامی که معاذ بن جبل را به یمن فرستادند فرمودند: «تو بسوی اهل کتاب خواهی رفت، چون نزد آنان رفتی آنان را دعوت کن تا گواهی دهند که معبودی جز الله نیست و محمد رسول الله است، اگر در این امر از تو اطاعت کردند، به آنان بگو که الله متعال در هر شبانه روز پنج نوبت نماز بر آنان واجب کرده است، اگر در این امر از تو اطاعت کردند، سپس به آنان بگو که الله متعال بر آنان زکات را فرض نموده است که از ثروتمندان شان گرفته و به فقراي شان تحویل داده می شود، اگر در این امر از تو اطاعت کردند، با خبر باش که از مال های با ارزش شان دوری بجویی، و از دعای مظلوم بترس، چون میان او و الله متعال حجاب و مانعی نیست [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم معاذ بن جبل رضی الله عنه را به سوی سرزمین یمن جهت تعلیم و دعوت بسوی الله فرستاد، برای او بیان نمود که با گروهی از نصرانیان روبرو خواهد شد؛ تا این که برای آن آماده باشد، سپس در دعوت آنان از مسایل مهمتر و بعدا از مسایل مهم آغاز کند، آنان را در نخست به اصلاح عقیده دعوت کند؛ این که شهادت دهند که معبودی جز الله نیست و این که محمد رسول الله است؛ زیرا به وسیله آن وارد اسلام می شوند، و هرگاه به آن تسلیم شدند به آنان امر می کند که نماز را برپا دارند؛ زیرا نماز بزرگترین واجبات بعد از توحید است. هرگاه آنان نماز را برپا نمودند، به ثروتمندان شان دستور می دهد که زکات پولشان را به فقرا بدهند، سپس به او هشدار داد که بهترین مال را نگیرد؛ زیرا واجب این است که وسط گرفته شود، سپس به او توصیه کرد که از ظلم دوری کند؛ تا مبادا مظلوم برای او دعای بد کند، زیرا دعای او مستجاب است.

از فوائد حدیث:

1. معنای گواهی دادن به لا اله الا الله این است که عبادت ویژه الله متعال است، و ترک عبادت غیر او تعالی.
2. معنای گواهی دادن به محمد رسول الله این است که به او و آنچه آورده است ایمان آورده شود و او تصدیق شود و اینکه او آخرین فرستاده های الله متعال به سوی بشریت است.
3. مخاطب قرار دادن عالم که نزد او شبهه وجود داشته باشد مانند مخاطب قرار دادن شخص جاهل نیست؛ بنابراین به معاذ هشدار داد و گفت: "تو به سوی اهل کتاب خواهی رفت".
4. اهمیت این که مسلمان از دین خود آگاه باشد؛ برای رهایی از شبهات شبهه افکنان، و آن با فرا گرفتن علم.
5. باطل قرار دادن دین یهود و نصارا پس از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، و این که آنان در قیامت از نجات یافته گان نخواهند بود تا اینکه وارد دین اسلام شوند و به پیامبر صلی الله علیه وسلم ایمان بیاورند.

(3390)

(11) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَقَدْ ظَنَنْتُ يَا أَبَا هُرَيْرَةَ أَنْ لَا يَسْأَلَنِي عَنْ هَذَا الْحَدِيثِ أَحَدٌ أَوْلَ مِنْكَ؛ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ حِرْصِكَ عَلَى الْحَدِيثِ، أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ».[صحيح] - [رواه البخاري]

(11) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: گفته شد ای رسول الله در روز قیامت خوشبختترین مردم که شفاعت تو را دریافت می نمایند چه کسانی خواهند بود؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «ای ابوهریره فکر کردم که هیچ کس زودتر از تو درباره این حدیث از من سؤال نخواهد کرد، بنابر حرص تو پیرامون این حدیث را که دیدم، خوشبختترین مردم که روز قیامت شفاعتم را حاصل می کنند، آنانی اند که می گویند: «لا اله الا الله، معبودی جز الله نیست، مخلصانه و از تهی دلش و یا نفسش [صحيح]-».

[بخاری روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خیر می دهد که روز قیامت خوشبختترین مردم به دریافت شفاعت وی کسی است که بگوید: «لا اله الا الله مخلصانه از دل اش» یعنی نیست هیچ معبودی جز الله، و این که از شرک و خودنمایی محفوظ باشد.

از فوائد حدیث:

1. اثبات شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در آخرت و این که ویژه موحدان است.
2. شفاعت او صلی الله علیه وسلم توسل اوست به درگاه الله متعال برای موحدانی که مستحق جهنم هستند تا که آنان وارد جهنم نشوند، و کسانی که وارد آن گردیده اند از آن بیرون آورده شوند.
3. برتری کلمه توحید مخلصانه به الله متعال و تأثیر بزرگ آن.
4. تحقق یافتن کلمه توحید با شناخت معنای آن و عمل به آن می باشد.
5. فضیلت ابو هریره رضی الله عنه، و حرص او بر علم.

(12) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ - أَوْ بِضْعٌ وَسِتُّونَ - شُعْبَةً، فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَالحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الإِيمَانِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(12) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند ایمان هفتاد و چند بخش یا شصت و چند بخش است که بهترین آنها سخن: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و کوچکترین آنها برداشتن خار و خاشاک از راه است، و حیا شاخه ای از ایمان است. [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید که ایمان دارای فروع و صفات فراوانی است که شامل اعمال، عقاید و اقوال می شود و اینکه بالاترین و بهترین صفات ایمان سخن: «لا اله الا الله» است، با علم به معنای آن و عمل به آن که الله متعال معبود یگانه است، سزاوار است که به تنهایی و بدون هیچ چیز دیگری پرستش شود و اینکه کمترین عمل ایمانی، دور کردن هر چیزی است که به مردم در راه شان آسیب می رساند سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داد که حیا از صفات ایمان است، و حیا اخلاقی است که انسان را وادار به انجام نیکی و ترک از بدی می سازد

از فوائد حدیث:

1. ایمان مراتب دارد، برخی آنها بهتر از دیگر اند
2. ج- ایمان، قول، عمل و اعتقاد است
3. حیا از الله متعال ایجاب می کند که در جایی که نهی کرده تو را نبیند، و در جایی که دستور داده تو را دریابد
4. ذکر عدد به معنای محدود کردن آن نیست، بلکه بیانگر کثرت اعمال ایمانی است زیرا عرب گاهی برای یک شیء عدد ذکر می کردند مگر اراده نفی چیزی دیگر را نمی داشتند

(13) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الدَّنْبِ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ» قُلْتُ: إِنَّ ذَلِكَ لَعَظِيمٌ، قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «وَأَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ؛ تَخَافُ أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ» قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «أَنْ تُزَانِيَ حَلِيلَةَ جَارِكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(13) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم: کدام گناه نزد الله بزرگتر است؟ فرمود: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ» قُلْتُ: إِنَّ ذَلِكَ لَعَظِيمٌ، قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «وَأَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ؛ تَخَافُ أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ» قُلْتُ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «أَنْ تُزَانِيَ حَلِيلَةَ جَارِكَ». «اینکه برای الله همتایی قرار دهی حال آنکه او تو را آفریده است» گفتم: این قطعاً [بزرگی است، سپس چه چیزی؟ فرمود: «اینکه فرزند خود را بکشی از ترس آنکه با تو غذا بخورد» گفتم: سپس چه؟ فرمود: «اینکه با همسر همسایهات زنا کنی [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره بزرگترین گناهان پرسیده شد؛ ایشان فرمودند بزرگترین این گناهان شرک است، یعنی آنکه برای الله در الوهیت (عبادت یا ربوبیت یا نامها و صفاتش همانند یا نظیر قرار دهی، و این گناهی است که الله تعالی آن را نمی‌بخشد مگر با توبه، و اگر صاحبش بر آن از دنیا برود در آتش دوزخ جاودان می‌ماند. سپس اینکه شخص از ترس آنکه فرزندش با او غذا بخورد (یعنی ترس کمبود و فقر (او را بکشد، حال آنکه قتل نفس حرام است اما گناهش وقتی بزرگتر است که مقتول با قاتل خویشاوندی داشته باشد، و گناهش همچنین وقتی بیشتر است که مقصود قاتل، ترس از این باشد که مقتول در روزی الله با او شریک شود. سپس اینکه مرد با همسر همسایه‌اش زنا کند، به این صورت که تلاش کند همسر او را فریب دهد تا آنکه مطیع او شده با وی زنا کند. زنا حرام است اما گناه آن وقتی بزرگتر است که کسی که با او زنا شده همسر همسایه‌ات باشد که شرع به احسان و نیکوکاری در حق او توصیه کرده است.

از فوائد حدیث:

1. بزرگی گناهان متفاوت است، همچنان که اعمال نیک در فضیلت متفاوتند

2. بزرگترین گناهان شرک به الله تعالى است، سپس کشتن فرزند از ترس آنکه با تو غذا بخورد، سپس آنکه با زن همسایهات زنا کنی
3. روزی به دست الله است و الله سبحانه و تعالی روزی مخلوقات را بر عهده گرفته است
4. بزرگی حق همسایه، و اینکه اذیت او بزرگتر از آزار رساندن به دیگران است
5. تنها خالق شایسته آن است که بدون هیچ شریکی عبادت او شود

(5359)

(14) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَنَا أَغْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشَّرْكِ، مَنْ عَمِلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ عَبْرِي تَرَكْتُهُ وَشِرْكُهُ».

[صحيح] - [رواه مسلم]

(14) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله تبارک و تعالی فرمودند: من بی نیازترین شرکا از شرک هستم، هر کس عملی انجام دهد که در آن با من کسی دیگر را شریک نماید، او را با شرک اش رها می کنم» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید که الله تبارک و تعالی می فرماید: او تعالی بی نیازترین شرکا از شرک است، زیرا او از هر چیز بی نیاز است، و اینکه اگر انسان طاعتی انجام دهد و آن را برای الله و غیر الله قرار دهد؛ الله متعال آن را ترک کرده و از او نمی پذیرد، و آن را به صاحبش بر می گرداند؛ پس عمل باید خالصانه برای الله متعال باشد، زیرا او سبحانه و تعالی فقط آنچه را می پذیرد که خالصانه برای ذات کریم او بوده باشد

از فوائد حدیث:

1. هشدار از شرک با همه اشکال آن؛ و این که آن مانع پذیرش عمل می گردد
2. احساس و درک کردن غنماندی و عظمت الله متعال که با اخلاص در کار کمک می کند

(15) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى»، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَأْبَى؟ قَالَ: «مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى». [صحيح] - [رواه البخاري]

(15) - از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «همه امت من وارد بهشت می شوند مگر کسانی که امتناع می ورزند» گفتند ای رسول الله! کیست که امتناع می ورزد؟ فرمود: هر کسی از من اطاعت کند وارد بهشت می شود و هر کسی از من نافرمانی کند امتناع کرده است [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که همه امتش وارد بهشت می شوند! مگر کسانی که امتناع ورزیدند! صحابه کرام رضی الله عنهم گفتند: ای رسول الله چه کسی امتناع می ورزد؟ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در جواب شان فرمودند: هر کسی از رسول الله صلی الله علیه و آله اطاعت و پیروی نمود وارد بهشت می شود، مگر آن کسی که نافرمانی کرد، و به حکم شریعت گردن نهد، او از داخل شدن به بهشت با اعمال ناشایسته خود انکار کرده است.

از فوائد حدیث:

1. اطاعت از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت الله است، و نافرمانی از او نافرمانی الله است.
2. اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم موجب داخل شدن به بهشت است، و نافرمانی او موجب داخل شدن به آتش جهنم می باشد.
3. مژده برای اطاعت کنندگان این امت، و اینکه همه ی آنان وارد بهشت می شوند، مگر کسی که از الله و رسولش نافرمانی کند.
4. دلسوزی او -صلی الله علیه وسلم- بر امتش و حرص او برای هدایت آنان

(16) - عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تُظْرُونِي كَمَا أَطْرَتِ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ؛ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُهُ، فَقُولُوا: عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(16) - از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «مرا ستایش نکنید همانطوری که نصارا پسر مریم را «ستودند؛ من فقط بنده او هستم، پس بگویید: بنده الله و رسول او [صحيح]- بخاری روایت کرده»

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از غلو و تجاوز از حد شرعی در ستایش او، و وصف او به صفات الله متعال و افعال مخصوص وی نهی نموده است، و یا این که با الله متعال یکجا فرا خوانده شود، همانطور که نصارا با عیسی پسر مریم علیه السلام کردند. سپس بیان نمود که او بنده ای از بندگان الله است، و دستور داد که درباره او بگوییم: بنده الله و رسول او.

از فوائد حدیث:

1. هشدار از تجاوز حد جایز در تعظیم و ستایش؛ زیرا آن موجب شرک می شود.
2. آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن هشدار داده بود در این امت اتفاق افتاد، پس گروهی در حق رسول الله صلی الله علیه وسلم غلو کردند، و گروهی در حق اهل بیت، و گروهی در حق اولیا غلو کردند، بنابراین در شرک واقع گردیدند.
3. رسول الله صلی الله علیه وسلم خود را بنده الله معرفی کرد؛ برای اینکه نشان دهد که او بنده تربیت شده الله است و جایز نیست هیچ یک از خصوصیات پروردگار به وی منسوب شود.
4. رسول الله صلی الله علیه وسلم خود را رسول الله معرفی کرد؛ برای نشان دادن اینکه او فرستاده ای از جانب الله است، پس تصدیق و پیروی او واجب است.

(17) - عن أنس رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَالِدِهِ وَالتَّائِسِ أَجْمَعِينَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(17) - از انس رضی الله عنه روایت است فرمود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فرمودند: «هیچ یکی از شما مومن (کامل) شده نمی تواند تا اینکه من را نسبت به پدر، مادر و فرزندان خویش بیشتر دوست داشته باشد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به ما خبر می دهد که مسلمان تا زمانی مومن، کامل شده نمی تواند تا که محبت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را بر محبت مادرش، پدرش، فرزندش، دخترش و همه مردم دیگر پیش نکند، و این محبت مستلزم اطاعت و حمایت او و ترک نافرمانی او است.

از فوائد حدیث:

1. واجب بودن محبت با رسول صلی الله علیه و آله و سلم، و مقدم شمردن آن بر محبت همه مخلوقات.
2. از نشانه کمال محبت: نصرت سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و فدای جان و مال در راه آن است.
3. محبت با رسول صلی الله علیه و آله و سلم مستلزم اطاعت از او در امر و باور کردن او در آنچه خبر داده است، و دوری از آنچه از او نهی فرموده و آن را سرزنش نموده، و پیروی از او و ترک بدعت ها است.
4. حق پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به همه مردم بزرگتر و مؤکد تر است. زیرا سبب هدایت ما از گمراهی و نجات ما از جهنم و رسیدن به بهشت می شود.

(18) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «دَعُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ، إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِسُؤَالِهِمْ وَاخْتِلَافِهِمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ». [صحيح] - [متفق عليه]

(18) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دَعُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ: إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَثْرَةَ سُؤَالِهِمْ، وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَاجْتَنِبُوهُ، وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ.» «مرا با همان مسایلی که به شما می گویم، رها کنید (و سؤال بی مورد درباره ی مسایلِ ناگفته نپرسید)؛ زیرا امت های گذشته را کثرت سؤال و مخالفت با پیامبران شان به هلاکت رساند؛ بنابراین هرگاه شما را از چیزی بازداشتم، از آن دوری نمایید، و چون شما را به انجام کاری «دستور دادم، تا آنجا که می توانید به آن عمل کنید [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: احکام شرعی به سه دسته است: مسکوت عنه، نواهی و اوامر.

و اما اولی: چیزی که شریعت درباره آن سکوت کرده است: جایی که حکمی وجود ندارد، و اصل در اشیاء واجب نبودن آنهاست؛ و اما در عصر او صلی الله علیه وسلم از پرسیدن در مورد چیزی که اتفاق نیفتاده است خودداری شود، از ترس اینکه مبدا حکم وجوب یا نهی آن واقع شود، زیرا الله متعال آن را از روی رحمت به بندگان ترک نموده و اما بعد از وفات او صلی الله علیه وسلم اگر سؤال به صورت فتوا یا آموزش برای آنچه در امر دین نیاز باشد جایز و حتی به آن امر شده است، و اگر از روی تَعَلُّف و تَكَلُّف (عیبجویی و مشقت) باشد، پس مراد حدیث این است که از سؤال در این مورد خودداری شود؛ زیرا ممکن است اتفاقی مانند آنچه برای بنی اسرائیل افتاد رخ دهد، زمانی که دستور ذبح گاو برای شان داده شد، اگر هر گاوی را ذبح می کردند؛ فرمانبرداری صورت می گرفت، لیکن آنان سخت گیری کردند پس بر آنان سخت گیری اعمال شد.

دوم: نواهی؛ که آنها عبارتند از آن عملی که برای ترک کننده آن پاداش، و عمل کننده بر آن مجازات می شود، پس باید از همه آنها دوری کرد.

سوم: اوامر؛ برای عمل کننده پاداش، و ترک کننده آن مجازات می شود، پس باید تا حد امکان آن را انجام دهد.

از فوائد حدیث:

1. باید روی آنچه مهمتر و ضرور است تمرکز شود، و آنچه در حال حاضر ضرور نیست ترک شود، و عدم مشغول شدن درباره آنچه اتفاق نیفتاده
2. حرمت پرسیدن سؤالاتی که ممکن است مسائل را پیچیده کند، و باز شدن باب شک و شبهه ای که منجر به اختلاف بیشتر می شود
3. امر به ترک تمام منهیات؛ زیرا در ترک آن مشقتی نیست، و لذا به طور عام از آن نهی شده است
4. امر به انجام چیزهای امر شده تا حد توان؛ زیرا ممکن است ملزم به مشقتی شود و یا نتواند انجامش دهد؛ بنابراین تا حد توان به آن امر شده است
5. نهی از زیاده روی در پرسش، علماء پرسیدن را به دو دسته تقسیم کرده اند: یک آنچه به شکل تعلیم در امور دین نیاز باشد، با این چنین پرسیدن امر شده، و پرسیدن صحابه از این نوع بود، و دوم: آنچه به شکل عیبجویی و تکلف باشد که از این نوع نهی شده است
6. هشدار این امت از نافرمانی پیامبرش، همان گونه که در امت های قبل اتفاق افتاده بود
7. زیاده روی در پرسیدن در اموری که نیاز نباشد و اختلاف بر سر انبیاء، موجب هلاکت می شود، مخصوصاً در اموری که دست یافتن به آن ناممکن باشد، مانند مسائل غیبی که فقط الله می داند، و احوال روز قیامت
8. نهی از پرسیدن در مسائل دشوار، اوزاعی گفت: اگر الله بخواهد بنده خود را از نعمت علم محروم کند، مغالطه ها بر زبانش می اندازد، و من آنها را کم دانترین مردم دیده ام، ابن وهب گفت: از مالک شنیدم که می گفت: جدال در علم نور علم را از دل مرد می برد

(19) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «بَلَّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً، وَحَدَّثُوا عَن بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ، وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».

[صحيح] - [رواه البخاري]

(19) - از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از من هر چند یک آیت هم باشد ابلاغ کنید، و در مورد بنی اسرائیل حرف بزنید که هیچ اشکالی ندارد، و هر کس از روی عمد بر من دروغ بگوید، پس مسکن خود را در دوزخ انتخاب کند [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور می دهد که علم از وی تبلیغ شود از داشته های کتاب و یا سنت، اگر چه چیزی کم باشد، مانند آیتی از قرآن کریم و یا یک حدیث، مشروط بر اینکه آنچه را که تبلیغ و یا بسوی آن دعوت می کند عالم باشد. سپس وی صلی الله علیه وسلم بیان داشتند که اشکالی ندارد رویداد هایی را که بر بنی اسرائیل اتفاق افتیده بگونه ای نقل کنیم که با شریعت ما منافات نداشته باشد. سپس از دروغ گفتن بر وی هشدار داد، و این که هر کس از روی عمد بر وی دروغ بگوید، مسکن خود را در دوزخ انتخاب کند.

از فوائد حدیث:

1. تشویق به ابلاغ شریعت الله، و شخص باید آنچه را که حفظ نموده و فهمیده ادا نماید. حتی اگر اندک هم باشد.
2. وجوب تحصیل علم شرعی؛ تا بتواند الله را پرستش و شریعت او را به گونه درست ابلاغ نماید.
3. وجوب تاکید از درستی حدیث قبل از ابلاغ یا نشر آن، از ترس این که شامل این و عید نگردیم.
4. تشویق به صداقت در گفتار و احتیاط در سخن، تا دچار دروغ نگردیم، مخصوصاً در شریعت الله عزوجل.

(20) - عن المقدم بن معديكرب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَلَا هَلْ عَسَى رَجُلٌ يَبْلُغُهُ الْحَدِيثُ عَنِّي وَهُوَ مُتَكِيٌّ عَلَيَّ أَرِيكَتِهِ فَيَقُولُ: بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ كِتَابُ اللَّهِ، فَمَا وَجَدْنَا فِيهِ حَلَالًا اسْتَحْلَلْنَاهُ، وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ حَرَامًا حَرَّمْنَاهُ، وَإِنَّ مَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمَا حَرَّمَ اللَّهُ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه]

(20) - از مقدم بن معديكرب رضي الله عنه روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: «آگاه باشید که چه بسا حدیث من به مردی برسد و او در حالی که به تخت و تکیه گاه خود تکیه زده بگوید: کتاب الله میان من و شماست، پس هر آنچه در آن حلال یافتیم حلالش می دانیم، و هر آنچه در آن حرام یافتیم حرامش می دانیم، [حال آنکه] «آنچه رسول الله حرام بگرداند مانند چیزی است که الله حرام کرده است [صحيح]- ابو داود]».

[و ترمذی و ابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خیر می دهد که روزگاری فرا رسیده است که گروهی از مردم نشسته باشند، یکی از آنان بر بالین خود تکیه زده است، و حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش می رسد، سپس می گوید: فیصله کننده کارها میان ما و شما قرآن کریم است و آن برای ما کافیت، و هر چه در آن حلال یافتیم به آن عمل می نمایم، و آن چه را که حرام یافتیم از آن دوری می ورزیم. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم توضیح داد، هر چیزی را که در سنت خود حرام دانسته و یا نهی کرده او در حکم طوری است که الله در کتابش حرام دانسته باشد؛ چون وی از جانب پروردگارش بحیث تبلیغ کننده است.

از فوائد حدیث:

1. بزرگ پنداشتن سنت همان گونه که قرآن بزرگ پنداشته می شود، و به آن باید عمل شود.
2. اطاعت از رسول اطاعت الله است و نافرمانی از او نافرمانی الله متعال است.
3. اثبات حجت بودن سنت و رد بر کسانی که سنت ها را رد و یا انکار می کنند.
4. هر کس از سنت روی گرداند و ادعا کند که تنها به قرآن اکتفا می کند، در واقع از هردو روگردان است و در ادعای پیروی از قرآن دروغگو است.

5. یکی از دلایل نبوت او صلی الله علیه وسلم این است که از چیزی که در آینده اتفاق می افتد خبر می دهد، و همان گونه که خبر داده واقع گردیده است.

(65005)

(21) - عن عائشة أم المؤمنين وعبد الله بن عباس رضي الله عنهما قالوا: لَمَّا نَزَلَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَفِقَ يَطْرَحُ خَمِيصَةً لَهُ عَلَى وَجْهِهِ، فَإِذَا اغْتَمَّ بِهَا كَشَفَهَا عَنْ وَجْهِهِ، فَقَالَ وَهُوَ كَذَلِكَ: «لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» يُحَدِّثُ مَا صَنَعُوا. [صحيح] - [متفق عليه]

(21) - از عایشه و عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفتند: هنگامی که [ملک الموت و حالت وفات] بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل شد، خمیصه ای (تکه پارچه ای) را بر چهره خود می انداخت و هنگامی که نفسش تنگ می شد آن را از چهره خود برداشته و در همین حال می فرمود: «لعنت الله بر یهودیان و نصرانیان» که [قبرهای پیامبران را مساجد قرار دادند] و نسبت به کاری که انجام دادند هشدار می داد [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

عایشه و ابن عباس رضی الله عنهما خبر داده اند که هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم ایشان تکه پارچه ای را بر صورت خود می انداخت و چون به سبب سكرات مرگ: نفس کشیدن بر ایشان دشوار می شد آن را از چهره برداشته و در این حالت دشوار می فرمود الله یهودیان و نصرانیان را نفرین و از رحمت خود دور سازد؛ زیرا آنان بر قبرهای پیامبران مسجدهایی ساختند. و اگر خطورت و اهمیت این امر نبود در چنین شرایطی آن را بازگو نمی کرد، برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم امت خود را از مشابهت به این کار نهی کردند؛ زیرا این کار یهودیان و نصرانیان و وسیله ای است برای شرک به الله عزوجل.

از فوائد حدیث:

1. منع از قرار دادن قبرهای پیامبران و صالحان به عنوان مساجدی که در آن نماز برگزار شود؛ زیرا این وسیله ای به سوی شرک است.

2. شدت توجه رسول الله صلى الله عليه وسلم و اهتمام ایشان به توحید و ترس ایشان از بزرگداشت قبرها؛ زیرا این کار منجر به شرک می‌شود.
3. جایز بودن لعنت فرستادن به یهود و نصارا و هر کسی که مانند آنان بر روی آرامگاه‌ها مسجد می‌سازد.
4. ساختمان سازی بر روی قبور از سنت‌های یهودیان و نصرانیان است و در حدیث از شبیه ساختن خود به آنان نهی شده است.
5. از جمله قرار دادن قبرها به عنوان مساجد آن است که نزد این قبور و یا به سوی آن نماز خوانده شود، حتی اگر مسجدی بر روی آن ساخته نشده باشد.

(3330)

(22) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَثَنًا، لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». [صحيح] - [رواه أحمد]

(22) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الهی قبر مرا بت قرار مده، الله لعنت کند مردمی را که قبرهای پیامبران شان را مساجد - عبادت گاه - قرار داده اند [صحيح] - [احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از پروردگارش خواست که قبر او را مانند بتی قرار ندهد که مردم آن را با بزرگداشت و رو آوردن به آن هنگام سجده عبادت کنند، سپس او صلی الله علیه وسلم فرمودند که الله متعال کسانی را که قبرهای پیامبران را مساجد - عبادت گاه - قرار دادند از رحمت خود دور و بیرون نموده است؛ زیرا مساجد - عبادت گاه - قرار دادن آن ها ذریعه ای برای عبادت و اعتقاد به آنها است.

از فوائد حدیث:

1. تجاوز از حد شرعی در قبرهای انبیا و صالحان، آنان را به جای الله متعال مورد عبادت قرار می‌دهد، پس باید از وسایل شرک بر حذر بود.

2. رفتن به قبرها برای بزرگداشت و عبادت در آنجا جایز نیست، به هر اندازه که صاحب آن قبرها به الله متعال نزدیک باشند.

3. منع ساختن مساجد بر سر قبرها

4. حرام بودن ادای نماز بر قبرها، اگر چه مسجد ساخته نشده باشد، بجز نماز جنازه بر آن که نماز خوانده نشده است.

(3336)

(23) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا، وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ؛ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ». [حسن] - [رواه أبو داود]

(23) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: خانه های خود را قبرها قرار ندهید، و قبر مرا عبادتگاه قرار ندهید، و بر من درود بفرستید؛ چون هر جا که باشید درود شما به من می رسد [حسن]-[ابو داود روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خانه را از عدم برپایی نماز در آن نهی کرده است، چون مانند به قبرستانی می ماند که در آن نماز ادا نمی شود. و از تکرار زیارت قبر او و نزدیک آن اجتماع نمودن بشکل مرتب و معتاد را نهی کرده؛ زیرا این وسیله ای برای شرک است. و به درود و سلام امر نمود در هر جای زمین که ممکن باشد؛ زیرا درود از نزدیک و دور به او می رسد، و نیازی به آمدن به قبر او نیست.

از فوائد حدیث:

1. نهی از تعطیل قرار دادن خانه ها از عبادت الله متعال
2. منع سفر برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم؛ زیرا او دستور داده که بر او درود گفته شود چون به او می رسد، و اینکه عزم سفر تنها برای مسجد و ادای نماز در آن صورت می گیرد
3. تحریم زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم، با تکرار زیارت آن به نحوی خاص در زمانی خاص، و همچنین زیارت هر قبر دیگر

4. جایگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد پروردگارش، با مشروع قرار دادن درود و سلام بر او در هر زمان و مکان.

5. این در حالیست که منع نماز بر سر قبرها در نزد صحابه ثابت گردید، به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه وسلم از قرار دادن خانه ها مانند قبرستان که در آن نماز ادا نمی شود نهی کرد.

(3350)

(24) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ ذَكَرَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَنِيْسَةً رَأَتْهَا بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ، يُقَالُ لَهَا مَارِيَّةُ، فَذَكَرَتْ لَهُ مَا رَأَتْ فِيهَا مِنَ الصُّورِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أُولَئِكَ قَوْمٌ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الْعَبْدُ الصَّالِحُ، أَوِ الرَّجُلُ الصَّالِحُ، بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ، أُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(24) - از مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها روایت است که: ام سلمه برای رسول الله صلی الله علیه وسلم یادآور شدند که در سرزمین حبشه کلیسایی به نام ماریه را دیده اند، و برای ایشان تصویرهایی را که در آن دیده بودند یادآور شدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أُولَئِكَ قَوْمٌ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الْعَبْدُ الصَّالِحُ، أَوِ الرَّجُلُ الصَّالِحُ، بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ، أُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ» یعنی: «آنان قومی هستند که اگر بنده صالحی یا مرد صالحی در میان آنان وفات کرد، بر روی قبر وی مسجدی بنا کرده، و در آن این تصویرها را می کشند، اینان بدترین مردمان در نزد الله هستند [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها برای پیامبر صلی الله علیه وسلم بازگو کردند که هنگامی که در سرزمین حبشه بودند کلیسایی را دیدند که به آن ماریه می گفتند، و در آن تصاویر و نقش و نگارها و تمثال هایی بود، و این را از روی شگفتی بازگو کردند. پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان اسباب قرار دادن این تصاویر پرداختند، و فرمودند: آنهایی که از آنان یاد می کنید چنین بودند که اگر شخص صالح در میانشان می مرد بر قبر او مسجدی (عبادتگاهی) می ساختند، و در آن نماز می گزاردند، و آن تصاویر را قرار می دادند. و بیان

داشتند که انجام دهنده چنین کاری بدترین مردم نزد الله تعالی است؛ زیرا کارش به شرک منجر می‌شود.

از فوائد حدیث:

1. تحریم اعمار مسجدها بر قبرها، یا نماز خواندن به سوی آن، یا دفن مردگان در مسجدها، به عنوان سد ذریعۀ شرک.
2. ساختن مسجدها بر روی قبرها و نصب تصویرها در آن، از کاری یهودیان و نصرانیان است، و کسی که چنین کند خود را به آنان شبیه ساخته است.
3. تحریم قرار دادن تصاویر موجودات ذی روح.
4. کسی که بر قبر مسجدی بسازد و در آن تصاویری قرار دهد، از بدترین مخلوق الله تعالی است.
5. حمایت کامل شریعت از توحید با سد همه وسائلی که ممکن است به شرک منجر شود.
6. نهی از غلو در صالحان؛ زیرا این سبب وقوع در شرک است.

(10887)

(25) - عن جندب رضي الله عنه قال: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ يَحْمِسُ وَهُوَ يَقُولُ «إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لِي مِنْكُمْ خَلِيلٌ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدِ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَلَوْ كُنْتُ مُتَّخِذًا مِنْ أُمَّتِي خَلِيلًا لَاتَّخَذْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا! أَلَا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ، أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ! إِنِّي أَنُهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(25) - از جندب رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم را پنج سال قبل از رحلتش شنیدم که می فرمود: «من به الله بیزاری می کنم از اینکه از میان شما خلیل (دوست و محبت خیلی قریب) داشته باشم، زیرا الله متعال مرا خلیل گرفته است همانطور که ابراهیم را خلیل گرفت، و اگر از امت خود خلیلی می گرفتم ابوبکر را خلیل می گرفتم، آگاه باشید کسانی که پیش از شما بودند قبرهای پیامبران و صالحان خود را مساجد قرار می دادند، پس آگاه باشید که قبرها را به عنوان مساجد قرار ندهید، و من شما را از آن نهی می کنم [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از مقام خود نزد الله متعال و رسیدن به بالاترین درجه محبت خبر می دهد، چنانکه ابراهیم علیه السلام به آن نایل شد، بنابر این داشتن خلیل را از خود نفی کرد؛ چون دلش مملو از محبت و بزرگداشت و شناخت الله متعال بوده، پس برای غیر الله متعال جایی وجود نداشت، و اگر دوست صمیمی از مخلوق می داشت، او ابوبکر صدیق رضی الله عنه می بود. سپس از تجاوز از حد جایز در محبت هشدار داد، چنانکه یهودیان و مسیحیان در قبرهای پیامبران و صالحان خود چنین کردند، تا این که آن ها را به معبودان شرکی که بجز از الله متعال عبادت می شدند مبدل گشتانند، و بر سر قبرشان مساجد و معابد بنا کردند، و او صلی الله علیه وسلم امتش را منع کرد تا مانند آنان عملی را انجام دهند.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، و اینکه او بهترین صحابه و شایسته ترین مردم در جانشینی رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از وفات وی می باشد.
2. ساخت و اعمار مساجد بر سر قبرها از منکرات امت های پیشین است.

3. نهی نمودن این که قبرها به عنوان عبادتگاه برای ادای نماز و یا ادا نمودن نماز بسوی آن قرار گیرند و بر سر آن ها مساجد یا گنبدها اعمار گردد، از بیم قرار گرفتن توسط آن در شرک
4. هشدار از مبالغه کردن در مورد صالحان تا مبادا منجر به شرک شود
5. خطر آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم بدان هشدار داده است، چنان که پنج شب قبل از رحلتش بر آن تأکید کرده است

(3347)

(26) - عن أبي الهيثاج الأسدي قال: قَالَ لِي عَيِّيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: أَلَا أُبْعَثُكَ عَلَيَّ مَا بَعَثَنِي عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ أَنْ لَا تَدَعَ تِمَثَالًا إِلَّا طَمَسْتَهُ، وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(26) - از ابوالهياج اسدی روایت است که فرمود: علی بن ابی طالب به من فرمود: آیا تو را برای آنچه نفرستم که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من را برای آن فرستاده بود؟ هیچ مجسمه را نماند مگر آن را نابود سازید، و یا قبر بلند را نماند مگر که آن را هموار کنید [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یاران خود را می فرستاد که هیچ مجسمه ای را نماند - و مجسمه عبارت از هر کالبد و یا تصویری از ذی روح می باشد - مگر اینکه آن را بردارند و یا محو کنند و اینکه هیچ قبر بلند را نماند مگر آنرا با زمین برابر سازند، و ساختمان ها و گنبد، های بنا شده بالای آن را ویران کنند، و قبرها را با زمین برابر سازند و یا اندکی بلند کنند یعنی به اندازه یک بلست از زمین بلند سازند

از فوائد حدیث:

1. ممنوعیت تصویر و نقاشی از ذی روح؛ زیرا او از اسباب شرک است
2. مشروعیت از بین بردن کارهای نا مشروع با دست برای اشخاصی که قدرت یا توانایی انجام آن را داشته باشند

3. حریص بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای زدودن تمام آثار جاهلیت از قبیل تصاویر، مجسمه ها و بناهای روی قبور.

(5934)

(27) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الطَّيْرَةُ شِرْكٌ، الطَّيْرَةُ شِرْكٌ، الطَّيْرَةُ شِرْكٌ، -ثَلَاثًا-»، وَمَا مِثًّا إِلَّا، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُدْهِبُهُ بِالتَّوَكُّلِ. [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(27) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «طیره (شوم انگاری (شرک است، طیره شرک است، طیره شرک است - و این را سه بار تکرار کردند -» و این چیز ناگزیر در دل ما می افتد، اما الله عزوجل آن را با توکل از بین می برد [صحيح]-[ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

- پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به طیره یعنی شوم انگاری به واسطه هر چیزی شنیدنی باشد یا دیدنی، از پرندگان باشد یا حیوانات یا بیماران یا عددها یا روزها و مانند آن هشدار داده اند. از آنجایی [در شوم انگاری [از طیر (پرنده (نام برده شده زیرا این نزد - جاهلیت مشهور بود و اصل آن رها کردن پرنده هنگام شروع در هر کاری - سفر یا تجارت یا غیر آن - بود. اگر آن پرنده به سمت راست می رود فال خوب می زدند و به کارشان ادامه می دادند، و اگر به سمت چپ پرواز می کرد شوم انگاری می کردند و از انجام کاری که می خواستند دست می کشیدند. ایشان خبر داده اند که این کار شرک است و شوم انگاری از این جهت شرک است که کسی جز الله خیر نمی آورد و شر را دور نمی کند مگر الله بی آنکه شریکی در این کار داشته باشد

ابن مسعود رضی الله عنه بیان کرده که شاید چیزی از این شوم انگاری در دل مسلمان واقع شود، اما باید با توکل بر الله به همراه انجام اسباب در برابر آن مقاومت کند

از فوائد حدیث:

1. طیره (شوم انگاری (شرک است زیرا در آن تعلق دل به غیر الله رخ می دهد
2. اهمیت تکرار مسائل مهم برای آنکه به یاد سپرده شود و در دل جا گیرد

3. توکل بر الله تعالى، شوم انگاری را از بین می برد

4. امر به توکل بر الله به تنهایی و تعلق دل به او سبحانه و تعالی

(3383)

(28) - عن عمران بن حصین رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَطَيَّرَ أَوْ تَطَيَّرَ لَهُ، أَوْ تَكَهَّنَ أَوْ تَكُهَّنَ لَهُ، أَوْ سَحَرَ أَوْ سُحِرَ لَهُ، وَمَنْ عَقَدَ عُقْدَةً، وَمَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». [حسن] - [رواه البزار]

(28) - از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت است که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که فال بگیرد یا برایش فالگیری شود، یا پیشگویی کند، و یا برای او پیشگویی شود، یا جادوگری کند یا برایش جادوگری شود از ما نیست؛ و هر کسی نزد غیبگویی برود و سخن او را تصدیق کند؛ همانا به آنچه که بر محمد - صلی الله علیه و سلم - نازل شده کافر شده است [حسن]-[بزار روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سخن اش «او از ما نیست» به برخی از امتی های خود هشدار می دهد که این کارها را انجام می دهند؛ از جمله اول: «هر که فالگیری کند و یا برای او فالگیری شود». و اصل این کلمه: از رها کردن پرنده است هنگام که شروع به عملی مانند مسافرت، تجارت و یا غیره می کند، اگر به سمت راست پرواز کند خوش بین می شود و به تصمیم خود اقدام می کند، و اگر به سمت چپ پرواز کند بدبین می شود و از آنچه می خواهد منصرف می شود، پس جایز نیست که خودش این کار را انجام دهد یا کسی را مأمور به انجام آن سازد، و این شامل شگون بد نسبت به هر چیزی می شود، چه شنیدنی یا قابل مشاهده باشد، از پرندگان یا حیوانات یا افراد آسیب دیده یا اعداد، روزها و یا هر چیز دیگری

دوم: «کسی که غیب گویی می کند و یا برای او غیب گویی می شود». یعنی این که هر کس با استفاده از ستارگان و چیزهای دیگر ادعای علم غیب کند یا نزد کسی برود که ادعای علم غیب می کند و در آنچه از دانستن غیب ادعا می کند او را تصدیق کند، پس به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است کافر گردید

سوم) :کسی که جادو کند و یا کسی را مکلف سازد تا برای وی جادو کند (برای این که به کسی سود برساند و یا از کسی ضرر دفع کند، و یا از تار گره بزند و طلسم های سحری حرام بالای آن بخواند و در آن بدمد

از فوائد حدیث:

1. واجب بودن توکل بر الله و ایمان به اراده و تقدیر الهی و نهی از فال بینی و شگون بد و سحر و غیب گویی، و همچنان سوال کردن از ساحران
2. ادعای علم غیب از شرکیات است که با توحید منافات دارد
3. نهی از باور کردن فال بینان و رفتن نزد آنها و خواندن آنچه کف (شناسی و) خواندن طالع در (پیاله و برج ها نامیده می شود، و نگاه کردن در آن؛ هر چند بخاطر معلومات هم باشد

(5981)

(29) - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا عَدْوَى، وَلَا طَيْرَةَ، وَيُعْجِبُنِي الْفَأَلُ» قَالَ قَيْلٌ: «وَمَا الْفَأَلُ؟ قَالَ: «الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(29) - از انس بن مالک رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «لَا عَدْوَى، وَلَا طَيْرَةَ، وَيُعْجِبُنِي الْفَأَلُ» قَالَ قَيْلٌ: «وَمَا الْفَأَلُ؟ قَالَ: «الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ».

سرایت بیماری و نیز بدشگونی حقیقت ندارند؛ ولی به فال نیک گرفتن را می پسندم «گفتند» «به فال نیک گرفتن چیست؟» فرمود: «سخن نیکو» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته اند که سرایت بیماری ها که اهل جاهلیت به آن معتقد بودند و باور داشتند که بیماری بدون تقدیر الهی به ذات خود از کسی به کسی دیگر منتقل می شود باطل است، و اینکه «طیره» یعنی بدشگون دانستن هر چیزی - شنیدنی باشد یا دیدنی - از قبیل پرنده باشد یا حیوان یا معلولان یا شماره ها و یا روزها و غیر آن باطل است، از آنجایی [در شوم انگاری] از طیر (از طیر) پرنده (نام برده شده زیرا این نزد جاهلیت مشهور بود و اصل آن رها کردن پرنده هنگام شروع هر کاری - سفر یا تجارت یا غیر آن

بود، اگر آن پرنده به سمت راست می‌رفت فال خوب می‌گرفتند و به کارشان ادامه می‌دادند، و اگر به سمت چپ پرواز می‌کرد شوم‌انگاری می‌کردند، و از انجام کاری که می‌خواستند انجام دهند دست می‌کشیدند. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر دادند که ایشان فال نیک را می‌پسندند، و فال نیک آن است که انسان از شنیدن سخن نیک خوشحال شود، و به واسطه آن به پروردگارش گمان نیک ببرد.

از فوائد حدیث:

1. توکل بر الله تعالی و اینکه خیر را جز الله کسی دیگر آورده نمی‌تواند، و جز الله کسی دیگر نمی‌توان شر از انسان دور نماید.
2. نهی از تطییر یعنی اینکه شوم انگاشتن چیزی باعث شود که انسان از کاری که می‌خواست انجام بدهد دست بکشد.
3. فال نیک از جمله تطییر که از آن نهی شده نیست بلکه نوعی حسن ظن به الله تعالی است.
4. همه چیز بنابر تقدیر الله عزوجل که یگانه و بی‌شریک است رخ می‌دهد.

(30) - عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدِ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: صَلَّى لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةَ الصُّبْحِ بِالْحَدِيثِيَّةِ عَلَى إِثْرِ سَمَاءٍ كَانَتْ مِنَ اللَّيْلَةِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ، فَقَالَ: «هَلْ تَذَرُونَ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ؟» قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «أَصْبَحَ مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنٌ بِي وَكَافِرٌ، فَمَا مِنْ قَالَ: مُطِرْنَا بِفَضْلِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ، فَذَلِكَ مُؤْمِنٌ بِي وَكَافِرٌ بِالْكَوْكَبِ، وَأَمَّا مَنْ قَالَ: بِنُوءٍ كَذَا وَكَذَا، فَذَلِكَ كَافِرٌ بِي وَمُؤْمِنٌ بِالْكَوْكَبِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(30) - از زید بن خالد الجهنی رضی الله عنه روایت است که او فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما نماز صبح را در حدیبیه ادا نمود در حالی که شب باران باریده بود چون نماز تمام شد رو به مردم کرد و فرمود: «آیا می دانید پروردگار شما چه گفت؟» گفتند الله و رسولش داناترند، فرمود: «بعضی از بندگانم در حالی صبح نمودن که به من ایمان آوردند و بعضی دیگر به من کفر ورزیدند، پس کسی که گفت: به لطف و رحمت الله بالای ما باران شد، این به من ایمان آورده و به ستارگان کفر ورزیده است، و اما آن که گفت: با درخشش ستاره فلان و فلان بالای ما باران شد، این به من کفر ورزیده و به ستارگان «ایمان آورده است [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نماز صبح را در حدیبیه به جای آورد، - روستایی نزدیک مکه - پس از بارندگی در آن شب، هنگامی که سلام کرد و نمازش را تمام کرد روی خود را به سوی مردم کرد و از آنان پرسید: آیا می دانید پروردگارتان چه فرمود؟ پاسخ دادند: الله و رسولش بهتر می دانند. فرمود: الله متعال بیان نمود که مردم در هنگام بارندگی به دو دسته تقسیم می شوند: دسته ای که به الله متعال ایمان دارند و دسته ای که به الله متعال کافر می شوند. و اما کسانی که گفتند: بالای ما به فضل و رحمت الله باران بارید و باریدن باران را به الله متعال نسبت داده اند؛ این ها مومن اند به الله خالق و تصرف کننده امور جهان، و کافر اند به ستارگان. و اما کسانی که گفتند: توسط فلان ستاره بر ما باران بارید؛ این ها به الله کافرند، و مؤمن اند به ستاره، و این یک کفر کوچک است، چون نسبت باران را به ستاره نمودند؛ حالانکه الله متعال ستاره را سبب شرعی و یا تقدیری برای باران قرار نداده است. و اما کسی که باران و دیگر حوادث زمین را به حرکت ستاره ها در هنگام طلوع و سقوط آنها نسبت می دهد و معتقد است که عامل اصلی آنها هستند، پس این انسان کفر ورزیده و مرتکب کفر بزرگ شده است.

از فوائد حدیث:

1. پس از باریدن باران، گفتن این جمله مستحب است: مُطْرِنَا بِفَضْلِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ يَعْنِي بِهِ فَضْلُ اللَّهِ وَمَتْعَالُ اللَّهِ مَا بَارَانَ بَارِيْدٌ.
2. هر کس نعمت باران و سایر چیزها را از نظر خلقت و آفریدن به ستاره نسبت دهد، او کفر بزرگ ورزیده است، و اگر کسی آن را سبب قرار دهد، پس کفر کوچک ورزیده است، زیرا - ستاره - سبب شرعی و حسی نیست.
3. نعمت زمانی سبب کفر می شود که نا سپاسی آن صورت گیرد، و زمانی سبب ایمان می گردد که شکر و سپاس آن شود.
4. ممنوع بودن این سخن که: «**با - آشکار شدن - ستاره فلان بالای ما باران بارید**» هر چند اگر هدف گوینده وقت و زمان هم باشد؛ تا این که ذریعه شرک قرار نگیرد.
5. واجب بودن این که برای حصول نعمت ها و دفع کردن مصیبت ها، دل باید به الله متعال تعلق بگیرد) یعنی این باور باید وجود داشته باشد که این همه امور را تنها الله (متعال انجام می دهد).

(65010)

(31) - عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَقْبَلَ إِلَيْهِ رَهْطًا، فَبَايَعَ تِسْعَةً وَأَمْسَكَ عَنْ وَاحِدٍ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَايَعْتَ تِسْعَةً وَتَرَكْتَ هَذَا؟ قَالَ: «إِنَّ عَلَيْهِ تَمِيمَةً»، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فَقَطَعَهَا، فَبَايَعَهُ، وَقَالَ: «مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ». [حسن] - [رواه أحمد]

(31) - از عُقْبَةَ بن عامر جُهَنِي رضی الله عنه روایت است که: گروهی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند، پس ایشان با نه تن از آنان بیعت کردند، و از بیعت با یکی از آنها امتناع ورزیدند. گفتند: یا رسول الله، با نه تن بیعت کردی و این یکی را رها کردی؟ فرمود: «تمیمه‌ای (بر او بود) تعویذ (بر او بود)». پس او دستش را داخل نموده و آن را پاره کرد، فرمود: «هر کس با او بیعت کرد و فرمود: «هر کس تمیمه‌ای آویزان کند شرک ورزیده است [حسن]» [احمد روایت کرده]

توضیح:

گروهی متشکل از ده نفر به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند و نه تن از آنان بر اسلام و پیروی بیعت کردند، ولی با دهمی بیعت نکرد و چون از ایشان سبب این کارشان را پرسیدند فرمود: بر او تمیمه‌ای (تعویذ (آویزان است، و تمیمه یعنی مهره یا هر چیزی دیگری که به هدف دفع چشم زخم یا ضرر به خود می‌بندند یا آویزان می‌کنند. آن مرد دستش را در محلی که تمیمه از آن آویزان بود برد و آن را پاره کرد و از خود دور نمود، آنگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم با او بیعت کرد، و نسبت به تمیمه‌ها و تعویذها هشدار داد و "حکمش را چنین بیان کرد که: "مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ". «هر کس تمیمه‌ای آویزان کند شرک ورزیده است».

از فوائد حدیث:

1. «هر کس بر غیر الله تکیه کند، الله با او بر عکس قصدی که دارد تعامل می‌کند».
2. اعتقاد به اینکه تمیمه سببی در دفع زیان و چشم زخم است شرک اصغر است، اما اگر معتقد باشد که تمیمه به ذات خود سودمند است مرتکب شرک اکبر شده است.

(32) - عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إِنَّ الرَّقِيَّ وَالْتَمَائِمَ وَالتَّوَلَّةَ شِرْكٌ». [صحيح] - [رواه أبو داود وابن ماجه وأحمد]

(32) - عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت نموده که شنیدم رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می فرمایند: "افسون و تعویذ، بستن چشم زخم به کودکان، و جادوی نزدیک". "کردن زن و شوهر به هم شرک است [صحيح]-[ابو داود و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم کارهایی را بیان نمود که انجام دادن آن شرک است، از جمله:

اول: رقیه دم: (گفتارهای شرکی که اهل جاهلیت توسط آن شفا می جستند
دوم: تعویذ و مهره و امثال آن: که برای دفع بلا به کودکان و حیوانات و غیر آن می چسبانند

سوم: جادو: که برای کسب محبت یکی از همسران برای دیگری ساخته شده است
این کارها از جمله شرک شمرده میشود. زیرا چیزی را سبب مینماید، که نه سبب شرعی است که با دلیل ثابت شده باشد و نه دلیل حسی که با تجربه ثابت شده باشد. و اما اسباب شرعی مانند خواندن قرآن و یا اسباب جسمانی مانند داروهایی که به تجربه ثابت شده است، با اعتقاد به علت بودن آنها و اینکه منفعت و ضرر آن در دست الله است جایز است.

از فوائد حدیث:

1. حفظ توحید و عقیده از هر آنچه که آن را مختل می سازد
2. منع استفاده از افسون های شرکی و بند و تعویذ و غیره
3. اعتقاد انسان به این سه که آنها اسباب اند، شرک اصغر است. زیرا چیزی را که سبب نیست او را سبب قرار داد، ولی اگر معتقد باشد که به خودی خود منفعت و ضرر دارد، شرک اکبر است
4. بر حذر داشتن از انجام دادن کارهای شرکی و حرام
5. حرام بودن دم شرکی مگر آنکه مشروع باشد

6. دل باید تنها به الله و احد بسته باشد، زیرا ضرر و منفعت تنها از آن اوست که شریکی ندارد، پس خیری نمی آورد و بدی را دفع نمی کند جز او ذات متعال
7. خواندن دعا جایز است که سه شرط داشته باشد: 1- معتقد باشد که وسیله است و جز به اذن الله نفعی نمی رساند. 2- از قرآن، و اسماء و صفات الله و ادعیه نبوی و دعاهای مشروع باشد. 3- به زبانی قابل فهم باشد و حاوی سحر و جادو نباشد.

(5273)

(33) - عن بعض أزواج النبي صلى الله عليه وسلم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ أَتَى عَرَّافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً». [صحيح] - [رواه مسلم]

(33) - از بعضی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسیکه نزد فالبین برود، و او را درباره چیزی بپرسد، چهل نماز او پذیرفته نمی شود [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از رفتن نزد فالبین هشدار می دهد- که نام عام برای کسی است که غیب گویی می کند- و ستاره شناس، و کسی که توسط دست زدن در ریگ از مجهولات جستجو می کند و امثال آن که علم غیب را از مقدماتی که استفاده می کنند استنباط می کنند - و این که کسی محضی از او در مورد امور غیبی سؤال کند، الله متعال چهل روز او را از ثواب نمازش محروم می گرداند

از فوائد حدیث:

1. نهی از غیب گویی، و رفتن نزد غیبگو و پرسیدن آنها در امور غیبی
2. ممکن است انسان به سبب یک گناه از ثواب اطاعت محروم شود
3. این حدیث به طالع بینی نظر به برج ها، کف خوانی و پیاله نیز صدق می کند، حتی اگر صرفاً به خاطر معلومات هم باشد، زیرا همه ی اینها تحت پیشگویی و دعوه ی علم غیب قرار می گیرد.

4. اگر این جزای کسی باشد که پیش فالگیر می رود، پس جزای خود فالگیر چگونه باشد؟

5. نماز چهل روز او می شود، به این معنا که بالایش قضاء آوردن نیست، ولی ثواب در آن نیست.

(5986)

(34) - عن ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ: لَا وَالْكَعْبَةَ، فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: لَا يُحْلَفُ بِغَيْرِ اللَّهِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(34) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که از مردی شنید که می گفت: سوگند به کعبه، ابن عمر فرمود به غیر الله سوگند نمی شود، چون از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «کسی که بغیر الله سوگند یاد کند کفر و یا شرک ورزیده است» [صحيح]-[ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد هر کس به غیر الله و اسماء و صفات او سوگند یاد کند به الله کافر و یا شرک ورزیده است، زیرا سوگند مستلزم بزرگی سوگند شونده می باشد، و بزرگی فقط برای الله است؛ پس سوگند یاد نمی شود مگر به الله و اسماء و صفات او سبحانه و تعالی. و این نوع سوگند شرک اصغر می باشد؛ ولی اگر سوگند دهنده توسط آن تعظیم سوگند شونده را مانند تعظیم الله متعال و یا بزرگتر از آن بداند؛ اینجاست که مرتکب شرک اکبر شده است.

از فوائد حدیث:

1. این که تعظیم در سوگند حق الله سبحانه و تعالی می باشد، پس جز به الله و اسماء و صفات او سوگند یاد نمی شود.
2. حرص ورزیدن صحابه کرام به امر به معروف و نهی از منکر
3. به ویژه اگر منکر به شرک یا کفر تعلق بگیرد

(35) - عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي رَهْطٍ مِنَ الْأَشْعَرِيِّينَ أَسْتَحْمِلُهُ، فَقَالَ: «وَاللَّهِ لَا أَحْمِلُكُمْ، مَا عِنْدِي مَا أَحْمِلُكُمْ» ثُمَّ لَبِثْنَا مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَتَى يَابِلَ، فَأَمَرَ لَنَا بِثَلَاثَةِ دَوْدٍ، فَلَمَّا انْطَلَقْنَا قَالَ بَعْضُنَا لِبَعْضٍ: لَا يُبَارِكُ اللَّهُ لَنَا، أَتَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَسْتَحْمِلُهُ فَحَلَفَ أَنْ لَا يَحْمِلَنَا فَحَمَلَنَا، فَقَالَ أَبُو مُوسَى: فَأَتَيْنَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرْنَا ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَ: «مَا أَنَا حَمَلْتُكُمْ، بَلِ اللَّهُ حَمَلَكُمْ، إِنِّي وَاللَّهِ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - لَا أَحْلِفُ عَلَى يَمِينٍ، فَأَرَى غَيْرَهَا خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا كَفَّرْتُ عَنْ يَمِينِي، وَأَتَيْتُ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(35) - از ابو موسی رضی الله عنه روایت است که فرمود: با گروهی از اشعری ها به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم تا برای آنان شتری بدهد، پس او فرمود: «به الله سوگند من شما را بر شتری حمل نمی کنم، و نزد من شتری نیست که برای شما بدهم سپس تا مدتی الله خواسته بود منتظر بودیم، در این اثنا برای رسول الله صلی الله علیه وسلم سه شتر آورده شد، و آنها را برای ما فرستاد، چون به راه افتادیم، برخی از ما به یکدیگر گفتند: الله ما را برکت ندهد، رسول الله صلی الله علیه وسلم سوگند یاد نمود که برای ما شتر نمی دهد سپس برای ما شتر فرستاد، پس ابوموسی گفت: ما نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدیم به او موضوع را یادآور شدیم و فرمود: «این من نبودم که برای شما شتر داده ام، بلکه الله برای شما داده است، و به الله سوگند - اگر خواست الله باشد - هیچ سوگندی نمی خورم که پس از آن خلاف آن را بهتر ببینم، مگر اینکه همان کار بهتر را انجام می دهم و کفاره ی سوگندم را ادا می کنم [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت می کند که او با گروهی از قبیله خود نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و مقصودشان این بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنها برای سوار شدن شتر بدهد؛ برای اینکه بتوانند در جهاد شرکت کنند، او علیه الصلاة والسلام قسم خورد که آنان را حمل نمی کند، و چیزی برای حمل آنان نداشت، پس برگشتند و مدتی ماندند، سپس برای پیامبر علیه الصلاة والسلام سه شتر آورده شد، و وی صلی الله علیه وسلم آنها را برای آنان فرستاد، و برخی به یکدیگر گفتند: الله در این شترها برای ما

برکت ندهد؛ چون پیامبر صلی الله علیه وسلم قسم خورد که ما را بالای شتر حمل نمی کند پس نزد او آمدند و از او پرسیدند، وی علیه الصلاة والسلام فرمودند: آن که شما را بر شتر حمل کرد الله متعال است؛ زیرا اوست که توفیق و رزق دهنده است، اما من سبب آن شدم که به دست من اتفاق افتید. سپس وی صلی الله علیه وسلم فرمودند: به الله سوگند من ان شاء الله به چیزی سوگند نمی خورم که آن کار را انجام می دهم و یا نمی دهم، و می بینم که غیر از آن چیزی که به آن سوگند خورده ام بهتر و برتر است، مگر اینکه انجام دهم چیزی را که برتر است و آنچه را که به آن سوگند خورده ام را ترک می کنم، و سوگندم را کفاره می کنم.

از فوائد حدیث:

1. سوگند خوردن بدون خواستن سوگند جایز است؛ برای تایید خبر حتی اگر در آینده باشد.
2. جواز استثناء با گفتن «ان شاء الله» بعد از سوگند، و اگر نیت استثناء با سوگند همراه و متصل به آن باشد، کفاره حنث لازم نمی شود.
3. تشویق به مخالفت سوگند هرگاه دید که چیز دیگری بهتر از آن است، و کفاره سوگند خویش را ادا نماید.

(2961)

(36) - عَنْ حُدَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَقُولُوا: مَا شَاءَ اللهُ وَشَاءَ فُلَانٌ، وَلَكِنْ قُولُوا: مَا شَاءَ اللهُ ثُمَّ شَاءَ فُلَانٌ». [صحيح بمجموع طرقه] - [رواه أبو داود والنسائي في الكبرى وأحمد]

(36) - از حُدَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود لَا تَقُولُوا: مَا شَاءَ اللهُ وَشَاءَ فُلَانٌ، وَلَكِنْ قُولُوا: مَا شَاءَ اللهُ ثُمَّ شَاءَ فُلَانٌ «یعنی: «نگویید: «آنچه الله و فلانی بخواهند، بلکه بگویید: آنچه الله بخواهد، سپس فلانی بخواهد» [صحيح] [از همه طرق آن-ابو داود و نسایی در الكبرى و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از این نهی کرده‌اند که مسلمان در سخنش بگوید: «آنچه الله بخواهد و فلانی بخواهد»، یا آنچه الله و فلانی بخواهند؛ زیرا مشیت و اراده الله مطلق

است و کسی در آن با وی شریک نیست. اما آوردن واو عطف در این جمله این احساس را می‌رساند که کسی با الله شریک است و [در اراده‌شان] با هم یکسان هستند. اما بگوید: آنچه الله بخواهد، سپس فلانی بخواهد یعنی با گفتن «سپس» به جای «و»، مشیت بنده را تابع مشیت الله کند، زیرا «سپس» نشانگر تعقیب (بعدا آمدن) است.

از فوائد حدیث:

1. تحریم گفتن: «آنچه الله و تو بخواهی» و جملاتی شبیه این که در آن عطف به الله با «و» آمده است، زیرا این از شرک الفاظ و اقوال است»
2. جایز بودن گفتن «آنچه الله، سپس تو بخواهی» و شبیه آن که در آن عطف با «سپس» و «بعد» آمده است زیرا محذور در آن رخ نداده است»
3. اثبات مشیت برای الله و اثبات مشیت برای بنده، و اینکه مشیت بنده تابع مشیت الله تعالی است
4. نهی از شریک ساختن خلق در مشیت الله اگرچه به لفظ باشد
5. اگر بنده معتقد باشد که مشیت و اراده بنده همانند مشیت الله متعال است و در شمول و اطلاق با آن برابر است، یا معتقد باشد که بنده مشیتی مستقل دارد دچار شرک اکبر شده است، اما اگر به پایین‌تر از آن معتقد باشد، دچار شرک اصغر شده است

(37) - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ لَبِيدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ الشِّرْكَ الْأَصْعَرَ» قَالُوا: وَمَا الشِّرْكَ الْأَصْعَرُ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: «الرِّيَاءُ، يَقُولُ اللهُ عز وجل لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا جُزِيَ النَّاسُ بِأَعْمَالِهِمْ: اذْهَبُوا إِلَى الَّذِينَ كُنْتُمْ تُرَاوُونَ فِي الدُّنْيَا، فَاَنْظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ عِنْدَهُمْ جَزَاءً؟». [حسن] - [رواه أحمد]

(37) - از محمود بن لبيد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ الشِّرْكَ الْأَصْعَرَ» یعنی: «بیشترین چیزی که از آن بر شما بیمناک هستم، شرک اصغر است» گفتند: شرک اصغر چیست ای رسول الله؟ فرمود: الرِّيَاءُ، يَقُولُ اللهُ عز وجل لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا جُزِيَ النَّاسُ بِأَعْمَالِهِمْ: اذْهَبُوا إِلَى الَّذِينَ كُنْتُمْ تُرَاوُونَ فِي الدُّنْيَا، فَاَنْظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ عِنْدَهُمْ جَزَاءً؟ یعنی: «ریا؛ الله عزوجل در روز قیامت هنگامی که برای مردم پاداش اعمال ایشان داده شود به آنان [یعنی ریاکاران] می‌گوید: به نزد کسانی بروید که در دنیا برای آنان ریاکاری می‌کردید، و ببینید که آیا نزد «آنان پاداشی می‌یابید؟ [حسن]-[احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می‌دارد که بیشترین چیزی که از آن بر امتش هراس دارد، شرک اصغر یعنی ریا است؛ یعنی اینکه برای مردم اعمال [نیک] انجام دهند. سپس درباره مجازات ریاکاران در روز قیامت خبر داده که به آنان گفته می‌شود: به نزد کسانی بروید که برای آنان کارهای نیک انجام می‌دادید، و ببینید که آیا می‌توانند به شما پاداش دهند! و برای آن عمل به شما اجر دهند؟

از فوائد حدیث:

1. واجب بودن اخلاص برای الله عزوجل، و هراس از ریا.
2. شدت دلسوزی پیامبر صلی الله علیه وسلم برای امت خویش، و کوشش ایشان برای هدایت و نصیحت آنان.
3. اگر این ترس پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به صحابه است که سروران نیکوکاران بودند، پس این بیم نسبت به کسانی که بعد از آنان می‌آیند بیشتر است.

(38) - عن أبي مَرْثَدٍ الْعَنَوِيِّ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَا تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ، وَلَا تُصَلُّوا إِلَيْهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(38) - از ابو مرثد الغنوی رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: بر قبرها ننشینید و به سوی آنها نماز نخوانید [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از نشستن بر قبرها نهی کرده است همچنان از نماز خواندن به سمت قبرها منع فرموده اند، به گونه ای که قبر در جهت قبله نمازگزار باشد. زیرا آن وسیله شرک است.

از فوائد حدیث:

1. نهی از خواندن نماز در میان و بین قبرستانها و یا به سمت آنها، به جز نماز جنازه که در سنت ثابت شده است.
2. نهی از خواندن نماز به سمت قبرها به خاطر جلوگیری از واقع شدن در شرک.
3. اسلام از غلو در قبرها و بی احترامی به آن نهی کرده است، پس زیاده روی و غفلت [افراط و تفریط در دین (نیست)].
4. نظر به فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم: حرمت مسلمان بعد از مرگش باقی است (می فرماید) [شکستن استخوان مرده مانند شکستن آن در حال زنده بودن او (است)].

(10647)

(39) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةَ رُفْقَةً فِيهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(39) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةَ رُفْقَةً فِيهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ».

«ملائکه با گروهی که در بین آنها سگ و زنگوله است همراهی نمی‌کنند» [صحيح]-
[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند که ملائکه در سفر با گروهی همراهی نمی‌کنند که سگی همراهشان است، یا زنگوله‌ای که به حیوان بسته می‌شود و هنگام حرکت صدا می‌دهد.

از فوائد حدیث:

1. نهی از نگهداری سگ و همراه بردن آن با خود، اما سگ شکار یا سگ نگهبان از این نهی مستثنی است.
2. ملائکه‌ای که از همراهی امتناع می‌کنند، ملائکه رحمت هستند نه ملائکه‌ای که اعمال را می‌نویسند، و همواره در اقامت و سفر همراه انسان هستند.
3. نهی از زنگوله، زیرا زنگوله نایی از نای‌های شیطان است، و در آن شباهت با زنگ کلیسای نصرانیان است.
4. مسلمان باید سعی کند که از هر چیزی که باعث دور شدن ملائکه می‌شود دوری کند.

(40) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَأْتِي الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا؟ مَنْ خَلَقَ كَذَا؟ حَتَّى يَقُولَ: مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ وَلْيَنْتَه». [صحيح] - [متفق عليه]

(40) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: شیطان نزد یکی از شما می آید و می گوید: چه کسی فلان را آفریده است؟ چه کسی فلان را خلق کرده است؟ تا اینکه می گوید: پروردگارت را چه کسی آفریده است؟ «هرگاه تا این حد برسد، به الله پناه برده و توقف نماید [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از درمان مؤثر برای پرسش های که شیطان برای مؤمن وسوسه می کند خبر می دهد. پس شیطان می گوید: چه کسی این را آفریده؟ چه کسی این را آفریده؟ چه کسی آسمان را آفریده؟ چه کسی زمین را آفریده؟ پس مؤمن از دید دین فطرت و عقل پاسخ می دهد و می گوید: الله، اما شیطان در این سطح از وسوسه ها متوقف نمی شود، بلکه از این هم جلوتر می رود تا اینکه می گوید: پروردگارت را چه کسی آفریده؟ اینجاست که مؤمن با سه چیز این وسوسه ها را دفع می کند

با ایمان به الله

با پناه بردن به الله متعال از شیطان

و به متوقف شدن و عدم جلو رفتن با وسوسه ها

از فوائد حدیث:

1. روی گردانی از وسوسه ها و خطرات شیطان و فکر نکردن به آنها، و رو آوردن به الله متعال برای رفع آنها
2. هر آنچه که در دل انسان از وسوسه های مخالف شریعت واقع گردد از سوی شیطان می باشد
3. نهی از فکر کردن در ذات الله، و تشویق به تدبر در مخلوقات و نشانه های او

(41) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ: كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيدَنَّهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدَّدِي عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(41) - از بوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الله تعالی فرمود: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ: كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيدَنَّهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدَّدِي عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ». هر که با دوستی از دوستانم دشمنی ورزد با او اعلام جنگ کرده‌ام، و بنده‌ام با چیزی به من نزدیک نشده که برای من محبوب‌تر از آنچه بر او فرض کرده‌ام باشد، و بنده‌ام همواره با نوافل به من تقرب می‌جوید تا آنکه دوستش بدارم، پس چون دوستش داشتم من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود (یعنی او را به شنوایی حق موفق می‌سازد)، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند (یعنی او را به دیدن حق موفق می‌سازم)، و دست او می‌شوم که با آن می‌گیرد (یعنی او را به انجام دادن اعمال نیک موفق می‌سازم)، و پای او می‌شوم که با آن راه می‌رود (یعنی به جاهای ناروا و حرام نمی‌رود)، و اگر از من بخواهد قطعا به او عطا خواهم کرد، و اگر از من پناه بخواهد او را پناه خواهم داد، و در کاری که انجامش می‌دهم به اندازه گرفتن جان مؤمن تَرَدَّدُ نکرده‌ام، او مرگ را نمی‌پسندد و من هم «آزار او را نمی‌پسندم [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث قدسی خیر داده است که الله عزوجل می‌فرماید، هر که دوستی از دوستان مرا آزار دهد و او را خشمگین سازد یا از او کینه به دل گیرد، من با او اعلام دشمنی کرده‌ام. ولی یعنی: مؤمن متقی، و به هر پیمان‌ه که بنده از ایمان و تقوا برخوردار باشد از ولایت الله بیشتر بهره‌مند خواهد بود. و مسلمان با چیزی به پروردگارش نزدیک نشده که

نزد پروردگار محبوب‌تر از فرایضی است که بالای او فرض گردانیده، و رو آوردن به طاعات و ترک حرام‌ها می‌باشد، و بنده همواره توسط نوافل به همراه فرایض به پروردگارش نزدیکی می‌جوید؛ تا آنکه محبت الله متعال را کسب کند. و چون الله او را دوست بدارد، او را در این چهار عضوش توفیق کار درست را می‌دهد:

او را در شنوایی‌اش توفیق می‌دهد، پس جز آنچه الله دوست دارد را نمی‌شنود و او را در بینایی‌اش توفیق می‌دهد، پس نگاه نمی‌کند جز به آنچه که الله متعال نگاه کردن به آن را دوست دارد و می‌پسندد و دست‌ان او را توفیق می‌دهد پس با دست‌انش جز آنچه باعث خشنودی الله است را انجام نمی‌دهد.

و به پاهایش توفیق می‌دهد، بنابراین نمی‌رود جز به سمت آنچه الله می‌پسندد، و تلاش نمی‌کند مگر در آنچه که خیر نهفته باشد و با این، اگر از الله چیزی بخواهد برایش عطا می‌کند، بنابراین مجاب الدعوه می‌شود و اگر به الله پناه ببرد او را پناه می‌دهد و از آنچه می‌ترسد در امان می‌دارد سپس الله تعالی فرمود: در چیزی تردد نکردم مگر در گرفتن جان مؤمن و این از روی رحمت به اوست؛ زیرا مؤمن مرگ را دوست ندارد چراکه دردناک است و الله درد مؤمن را نمی‌پسندد.

از فوائد حدیث:

1. این حدیث را پیامبر صلی الله علیه وسلم از پروردگارش روایت کرده، و آن را حدیث قدسی یا حدیث الهی گویند، و حدیثی است که لفظ و معنایش از سوی الله است اما ویژگی‌های قرآن را که خاص قرآن است ندارد، از جمله آنکه خواندن لفظش مانند قرآن عبادت نیست، و برای خواندنش طهارت لازم نیست، و به چالش کشاندن و اعجاز و دیگر موارد.
2. نهی از آزار رساندن به دوستان الله متعال و ترغیب به محبت آنان و اعتراف به فضیلت شان.
3. امر به دشمنی با دشمنان الله متعال و تحریم دوستی با آنان.
4. کسی که مدعی دوستی و ولایت الله شود اما از شرع او پیروی نکند ادعایش دروغین است.
5. ولایت الهی با انجام واجبات و ترک محرّمات به دست می‌آید.

6. از جمله اسباب کسب محبت الله و مجاب شدن دعاها، انجام نوافل پس از به جا آوردن واجبات و ترک حرامهاست

7. این حدیث نشان دهنده شرف و برتری اولیاء الله و بلندی جایگاه آنان است

(6337)

(42) - عن العِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَامَ فِينَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ، فَوَعَّظَنَا مَوْعِظَةً بَلِيغَةً وَجَلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ، وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعَيْونُ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَعَظْتَنَا مَوْعِظَةً مُودِّعٍ فَاَعْهَدْ إِلَيْنَا بَعْدَهُ. فَقَالَ: «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، وَإِنْ عَبْدًا حَبِشِيًّا، وَسْتَرُونَ مِنْ بَعْدِي اخْتِلَافًا شَدِيدًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ، عَصُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْأُمُورَ الْمُحَدَّثَاتِ، فَإِنَّ كُلَّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(42) - از عِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روايت است فرمود: روزی رسول الله صلى الله عليه وسلم در میان ما برخاست، و ما را موعظه‌ای رسا فرمود که دل‌ها از آن لرزید و چشم‌ها اشک‌آلود شد، پس گفتند: یا رسول الله، ما را موعظه‌ای کسی گفتی که در حال وداع باشد، پس ما را توصیه‌ای کن. فرمود: «علیکم بتقوی الله، و السمع والطاعة، و إن عبدا حبشیا و سترون من بعدی اختلافا شديدا، فعلیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين المهديين، عصوا علیها بالنواجذ، و ایاکم و الامور المحدثات، فإن کل بدعة ضلالة» یعنی: «شما را به تقوای الله و گوش سپردن و اطاعت کردن امر می‌کنم حتی اگر [امیرتان] برده‌ای حبشی بود، و پس از من اختلافی شدید خواهید دید، پس سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده را برگزیرید و با بن دندان آن را بگیرید، و از امور نوپیدا برحذر باشید زیرا هر بدعتی گمراهی است» [صحيح]-[ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روايت کرده]

توضیح:

پیامبر صلى الله عليه وسلم اصحابشان را موعظه‌ای بلیغ گفتند که دل‌ها از آن ترسان شد، و چشمان اشک‌آلود گردید، پس چون مبالغه و عمق موعظه ایشان صلى الله عليه وسلم را دیدند، گفتند: یا رسول الله، گویا این پند کسی است که در حال وداع است، پس از او وصیتی خواستند که پس از ایشان به آن پایبند باشند. ایشان فرمودند: شما را به تقوای الله عزوجل سفارش می‌کنم، که آن انجام واجبات و ترک محرّمات اند، و گوش سپردن و

اطاعت کردن، یعنی برای امرا، حتی اگر برده‌ای به امارت شما یا به ولایت شما رسید، یعنی کمترین مردم امیر شما شد از بیم برانگیخته شدن قننه از طاعت او سر برنتابید و اطاعتش کنید، زیرا هر یک از شما که زنده بماند اختلاف بسیاری را خواهد دید. سپس راه برون رفت از این اختلاف را به آنان نشان داد، و آن تمسک به سنت او و سنت خلفای راشدین هدایت یافته پس از او، یعنی ابوبکر صدیق، و عمر بن الخطاب، و عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب رضی الله عنهم، و گرفتن آن با دندان‌های آسیاب است که منظور از این مثال، جدیت در لزوم سنت و تمسک به آن است، و آنان را از امور نوپیدای تازه ساخته در دین برحذر داشت، زیرا هر بدعتی گمراهی است.

از فوائد حدیث:

1. اهمیت تمسک به سنت و پیروی از آن
2. توجه به پند و اندرز و نرم کردن دل‌ها [با موعظه]
3. امر به پیروی از چهار خلفای راشدین هدایت یافته پس از پیامبر یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و علی، رضی الله عنهم
4. نهی از بدعت‌گذاری در دین و اینکه هر بدعتی گمراهی است
5. شنیدن و اطاعت کردن از هر کسی که امارت مسلمانان به او رسیده در غیر گناه
6. اهمیت تقوای الله عزوجل در همه اوقات و احوال
7. اختلاف در این امت رخ می‌دهد، و هنگام رخ دادن اختلاف لازم است که به سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین بازگشت

(65057)

(43) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: «مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ، وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةِ عِمِّيَّةٍ، يَعْضَبُ لِعَصْبَةِ، أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَةٍ، أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَةً، فَقُتِلَ، فَقِتْلَةُ جَاهِلِيَّةٍ، وَمَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي، يَضْرِبُ بَرَّهَا وَفَاجِرَهَا، وَلَا يَتَحَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا، وَلَا يَفِي لِدِي عَهْدِ عَهْدَهُ، فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(43) - ابوهريره رضي الله عنه از پیامبر صلى الله عليه وسلم روایت می کند که فرمودند: «مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ، وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةِ عِمِّيَّةٍ، يَعْضَبُ لِعَصْبَةٍ، أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَةٍ، أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَةً، فَقُتِلَ، فَقِتْلَةُ جَاهِلِيَّةٍ، وَمَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي، يَضْرِبُ بَرَّهَا وَفَاجِرَهَا، وَلَا يَتَحَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا، وَلَا يَفِي لِدِي عَهْدِ عَهْدَهُ». «فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ»

هر که از اطاعت [حاکم] خارج شد، و خود را از جماعت [مسلمانان] جدا ساخت و [در] این حالت [مرد، مرگ او مرگ جاهلی است، و هر که تحت پرچم مجهولی برای تعصب ایل و تبار یا دعوت به سوی ایل و تبار یا نصرت ایل و تبار جنگید و کشته شد، کشته شدنش جاهلی است] در مسیر جاهلیت مرده است، و هر کسی بر امت قیام کند و نیکوکار و بدکار را بزند، و بین مؤمنان (نیکوکار و بدکار) استثناء قائل نشد و به صاحب عهد و پیمان وفا نکرد، او از من نیست و من از او نیستم [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلى الله عليه وسلم بیان نموده که هر که از طاعت و ایقان امر سر باز زند، و از جماعت مسلمانان که بر بیعت با امامی اتفاق کرده اند خارج شد، و بر این حالت جدایی و عدم طاعت مرد، به مرگ اهل جاهلیت مرده است که از امیری اطاعت نمی کردند و به یک گروه واحد نمی پیوستند بلکه فرقه فرقه و گروه گروه بودند و علیه هم می جنگیدند. پیامبر صلى الله عليه وسلم خبر داده اند که هر کس زیر پرچمی بجنگد، که در آن .

و کسی که علیه امت محمد صلى الله عليه وسلم خارج شود و نیک و بد آن را بزند و برایش مهم نباشد که چه می کند، و از عقوبت کشتن مؤمنان این امت نترسد، و به کافرانی

که پیمان دارند توجه نکند، و به عهد والیان امر اهمیت ندهد و آن را زیر پا نماید، این از گناهان کبیره است و کسی که چنین کند مستحق وعید شدید است

از فوائد حدیث:

1. اطاعت کردن از حاکمان در غیر معصیت الله عزوجل واجب است
2. این حدیث در بر دارنده هشدار شدید برای کسی است که از طاعت امام و حاکم خارج شده، و از جماعت مسلمانان جدا شده که اگر بر این حال بمیرد بر راه و روش اهل جاهلیت مرده است
3. در حدیث از جنگ عصبیت و قوم پرستی نهی شده است
4. وجوب وفا به پیمانها
5. در طاعت و پایبندی به جماعت خیر بسیار، و امن و آرامش و صلاح اوضاع نهفته است
6. نهی از شبیه ساختن خود به اوضاع اهل جاهلیت
7. امر به ملازمت جماعت مسلمانان

(44) - عن مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ الْمُزَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً، يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(44) - از معقل بن یسار مزنی رضی الله عنه روایت است گفت که: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: هیچ بنده ای نیست که الله متعال وی را بر مردم حکمفرما کرده باشد، در حالی بمیرد که با رعیت خود خاین باشد، مگر اینکه بهشت را بر وی حرام کرده است [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم خبر می دهد که هرکس را الله متعال بر مردم فرمانروا و مسؤول قرار داد، خواه مسوولیت عام باشد مانند امیر، یا مسوولیت خاص باشد مانند مرد و زن در خانه های خود، و در حق رعیت کوتاهی کرد، و آنان را فریب داد و نصیحت نکرد، پس حقوق دینی و دنیوی آنان را ضایع کرده است، و مستحق این عذاب سخت می شود.

از فوائد حدیث:

1. این هشدار خاص به حاکم اعظم و نماینده های وی نیست، بلکه برای عموم کسانی است که الله متعال آنان را سرپرست قرار داده است.
2. بر هر کسی که زمام امور مسلمانان را بدوش می گیرد واجب است که آنان را نصیحت کند، در ادای امانت تلاش کند، و از خیانت اجتناب ورزد.
3. عظمت مسوولیت هر یک از متولیان امور عام و یا خاص، بزرگ یا کوچک.

(45) - عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَتَكُونُ أَمْرَاءُ فَتَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ عَرَفَ بَرِيءًا، وَمَنْ أَنْكَرَ سَلِيمًا، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ» قَالُوا: أَفَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ: «لَا، مَا صَلَّوْا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(45) - از مادر مؤمنان، ام سلمة رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «سَتَكُونُ أَمْرَاءُ فَتَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ عَرَفَ بَرِيءًا، وَمَنْ أَنْكَرَ سَلِيمًا، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ» قَالُوا: أَفَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ: «لَا، مَا صَلَّوْا». [صحيح] - [رواه مسلم] یعنی: «امرایى خواهند بود که [برخی از کارهای آنان را به نیکی] می شناسید و برخی را منکر می بینید، پس آنکه [اعمال بد آنان را به بدی] شناخت، [از گناه] پاک مانده، و آنکه انکار کرد در امان مانده، اما [گناهکار] کسی [است] که به آن خشنود شده و پیروی کرده است» گفتند: آیا با آنان «نجنگیم؟ فرمود: «نه، تا وقتی که نماز می گزارند [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر علیه الصلاة والسلام ما را آگاه نموده که امیرانی بر ما حاکم خواهند شد که برخی از اعمال آنان را چون موافق با شرع است خوب می دانیم، و برخی دیگر را به دلیل مخالفت با شرع منکر می بینیم. پس آنکه با دلش منکر را بد دانست و قادر به انکارش نبود؛ از گناه و نفاق پاک مانده است، و کسی که قادر به انکار عملی یا انکار زبانی بود و بر آنان انکار کرد از گناه و مشارکت در آن سالم مانده است. اما کسی که به کار آنان خشنود بود و از آنان در این اعمال پیروی کرد، همانند آنان هلاک خواهد شد. سپس از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند: آیا با این حاکمان که چنین هستند نجنگیم؟ او آنان را از این کار منع کرد و فرمود: نه، تا وقتی که نماز را در میان شما برگزار می کنند [با آنان نجنگید].

از فوائد حدیث:

1. یکی از نشانه های پیامبری پیامبر صلی الله علیه وسلم خیر دادن از امور غیبی است که رخ می دهد، و رخ دادن آن چیز چنانکه ایشان خبر داده اند.
2. راضی شدن به منکر و مشارکت در آن جایز نیست، و انکار آن واجب است.
3. اگر امرای کاری را انجام دادند که مخالف شریعت است، اطاعت از آنان در آن امر جایز نیست.

4. جایز نبودن شورش و خروج بر ولایه امر زیرا به تباهی و خونریزی و ناامنی می‌انجامد بنابراین تحمل منکر والیان امر و صبر بر آزار آنان ساده‌تر است.

5. امر نماز بسیار بزرگ و والا است، زیرا جدا کننده کفر و اسلام است.

(3481)

(46) - عَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «سَتَكُوْنُ اَثَرَةٌ وَاُمُوْرٌ تُنْكِرُوْنَهَا» قَالُوْا: يَا رَسُوْلَ اللهِ فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: «تُوْدُوْنَ الْحَقَّ الَّذِي عَلَيْنَكُمْ، وَتَسْأَلُوْنَ اللهَ الَّذِي لَكُمْ». [صحيح] - [متفق عليه]

(46) - از ابن مسعود رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود **تبعیض [و خاصه‌خواری و ترجیح دیگران بر شما [و اموری رخ خواهد داد که آن را] انکار خواهید کرد»** گفتند: یا رسول الله [در آن شرایط [ما را به چه امر می‌کنید؟ فرمود **«حقی را که بر عهده شماس است انجام می‌دهید، و آنچه برای شماس است را از الله می‌خواهید»**. [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند که والیانی عهده‌دار امور مسلمانان می‌شوند که اموال مسلمانان و دیگر امور دنیای آنان را در اختیار خود می‌گیرند، و آن را چنانکه می‌خواهند مصرف می‌کنند، و حق مسلمانان را از آنان باز می‌دارند. و از آنان در امر دین چیزهایی سر می‌زند که مورد انکار است. صحابه رضی الله عنهم پرسیدند که در آن حال باید چه کار کنند؟ ایشان صلی الله علیه وسلم بیان کردند که خاصه‌خواری آنان و اختیار گرفتن اموال باعث نشود که آنچه درباره آنان بر عهده شماس است یعنی سمع و طاعت را انجام ندهید، بلکه صبر کنید و گوش فرا دهید و اطاعت کنید و در امر حکومت با آنان نزاع نکنید، و از الله حقی که برای شماس است را بخواهید، و بخواهید که آنان را اصلاح نموده و بشر و ظلم آنان را دفع کند.

از فوائد حدیث:

1. این حدیث از دلایل نبوت ایشان صلی الله علیه وسلم است، زیرا درباره چیزی خبر داده که در امتش رخ خواهد داد، و این چیز چنانکه خبر دادند رخ داده است.

2. جایز است بلایی که قرار است رخ دهد را به شخصی که قرار است با آن روبرو شود بگوییم تا وقتی که رخ داد در برابر آن صابر و محتسب باشد.
3. چنگ زدن به کتاب و سنت عامل خروج از فتنه‌ها و اختلافات است.
4. ترغیب به شنیدن و اطاعت کردن از والیان در امر معروف، و عدم خروج و شورش علیه آنان، حتی اگر ظلمی از سوی آنان رخ دهد.
5. بهره بردن از حکمت و پیروی از سنت در دوران فتنه‌ها.
6. انسان باید آن حقی را که بر عهده او و وظیفه اوست انجام دهد، حتی اگر ظلمی علیه او رخ داده باشد.
7. این دلیلی است بر قاعده انتخاب سبکترین شر [از بین دو شر] یا کمترین زیان [از میان دو زیان].

(47) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كُلُّكُمْ رَاعٍ فَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(47) - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «کُلُّكُمْ رَاعٍ فَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»

هریک از شما مسئولید و درباره رعیت خود پرسیده خواهید شد، بنابراین امیری که بر مردم گمارده شده مسئول آنان است و درباره آنان پرسیده خواهد شد، و مرد مسئول اهل خانه خود است و درباره آنان پرسیده خواهد شد، و زن مسئول خانه شوهر خود است و درباره آنان پرسیده خواهد شد، و برده مسئول مال آقای خود است و درباره آن پرسیده خواهد شد، پس بدانید که همه شما مسئولید و همه شما درباره رعیت خود مورد پرسش قرار خواهید گرفت [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خیر داده‌اند که هر مسلمانی در جامعه مسئولیت‌هایی دارد که باید به آن رسیدگی کند و آن را بر دوش بگیرد. امام و امیر مسؤل کسانی است که الله تعالی مسؤلیت آنان را به او سپرده است، بنابراین باید از دین آنها محافظت کند، و از آنان در برابر ستمگران حمایت کند، و با دشمن آنان جهاد کند، و حقوقشان را ضایع نسازد، و مرد در مورد خانواده خود مسؤل است که هزینه زندگی آنان را تامین کند، و با آنان برخورد شایسته کند، و آموزش و تربیت شان را بر عهده گیرد. و مسؤلیت زن در خانه شوهرش این است که امور خانه‌اش را به نیکی اداره نموده، و فرزندانش را تربیت کند، و در برابر این مسؤلیت پرسیده خواهد شد، و خادم - چه برده باشد و چه اجیر - در برابر مال، آقایش مسؤل است و آنچه در اختیار او قرار داده حفظ کند، و خدمت او را به جا بیاورد و در این مورد از او پرسیده خواهد شد، بنابراین هر کس در مورد آنچه مسؤلیتش به او سپرده شده مسؤل است، و هر کس در برابر رعیتش مورد پرسش قرار خواهد گرفت.

از فوائد حدیث:

1. مسئولیت در جامعه اسلامی همه را شامل می‌شود، هر کس به اندازه جایگاه و توانایی و مسئولیتش مسئول است.
2. بزرگی مسئولیت زن، که شامل درست انجام دادن مسئولیت خانه شوهرش و وظایفش در قبال فرزندانش می‌باشد.

(5819)

(48) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: سمعتُ من رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في بيتي هذا: «اللَّهُمَّ مَنْ وَايٍ مِنْ أُمَّرِئِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْتُقْ عَلَيْهِ، وَمَنْ وَايٍ مِنْ أُمَّرِئِي شَيْئًا فَرفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(48) - از عایشه رضی الله عنها روایت است فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در این خانه من بود شنیدم که می‌فرمود: «بار الها، هر که زمام امور امت من را به دوش بگیرد و بر آنها سختی کند با وی سختی کن، و هر که زمام امور امت من را برعهده بگیرد به آنها نرمی کند با وی نرمی کن [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و سلم بر هر آن کس دعای بد نموده است که امر مسلمانان به او سپرده شده باشد، اعم از کوچک و بزرگ، و ولایت عام یا خاص و با آنها سخت گیری کند و نرمی ننماید، الله متعال برای او جزا از جنس عملش می‌دهد و بر وی سختی می‌کند.

و هر کس با آنها مهربانی کند و کارشان را آسان سازد، الله متعال نسبت به او مهربانی می‌کند و کارهای او را آسان می‌سازد.

از فوائد حدیث:

1. بر کسی که چیزی از امور مسلمانان را در دست گرفته باشد، واجب است طبق توان بر آنان آسان بگیرد.
2. جزاء و پاداش از جنس همان عمل است.

3. میزان نرمی یا سختی آن است که با کتاب و سنت منافات نداشته باشد

(5330)

(49) - عن تميم الداري رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ»
قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(49) - از تمیم داری رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود
دین نصیحت کردن است "گفتیم: برای چه کسی؟ فرمودند: "برای الله متعال، و کتابش، و
رسولش، و امامان مسلمانان، و عموم آنان [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: دین (اسلام) بر اخلاص و صداقت
بنا شده است، به طوری که آن گونه که الله دستور داده است، به طور کامل و بدون غفلت
و تقلب انجام شود.
به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفته شد: که نصیحت برای چه کسی است؟ او
فرمود:

اول: نصیحت برای الله متعال: اخلاص در عمل برای او، شرک نیاوردن به او، ایمان
به ربوبیت، الوهیت و اسماء و صفات او، و بزرگ پنداشتن امر او، و دعوت به ایمان با او
دوم: نصیحت برای کتاب او که قرآن کریم است: این که باور داشته باشیم که قرآن
کریم کلام و آخرین کتاب اوست، و همه شرائع قبل از خود را نسخ کرده است، و باید آن را
گرامی بداریم، آن را کما حقہ تلاوت نماییم، به محکم آن عمل نماییم، و به متشابه آن تسلیم
شویم، و در برابر تفسیر تحریف کنندگان از آن دفاع نماییم، از پند و اندرزهای آن عبرت
بگیریم، علوم آن را نشر نماییم، و مردم را به سوی آن دعوت کنیم

سوم: نصیحت برای پیامبرش؛ محمد صلی الله علیه و سلم: اینکه ایمان بیاوریم که او
آخرین پیامبران است، و به آنچه آورده است ایمان بیاوریم، و از او امر او اطاعت کنیم، و
از نواهی او پرهیز نمائیم. و اینکه الله متعال را فقط با آنچه آورده است عبادت کنیم، و حق
او را تعظیم نماییم، او را گرامی بداریم، و دعوتش را پخش کنیم، شریعت او را نشر کنیم
و تهمت ها را از او دور بسازیم

چهارم: نصیحت برای ائمه مسلمین: با یاری آنان در پیروی از حق، و اختلاف نکردن
با آنان بر سر قدرت، و شنیدن و اطاعت از آنان در طاعت خداوند متعال

پنجم: نصیحت برای مسلمانان: با نیکی کردن به آنها و دعوت آنها، و پرهیز از آزار و اذیت آنها، و دوست داشتن خیر به آنها و همکاری با آنها در نیکی و تقوا

از فوائد حدیث:

1. دستور نصیحت برای همه
2. منزلت بزرگ نصیحت از دیدگاه دین
3. دین شامل عقاید، و گفتار و کردار است
4. از لوازم نصیحت این است که نصیحت کننده نفس خود را از الودگی ها پاک کند، و برای نصیحت شونده خواهان خیر باشد
5. زیبا بودن آموزش پیامبر - صلی الله علیه و سلم - به طوریکه یک مطلب کلی را بیان می کند، سپس جزئیات آن را مطرح می کند
6. شروع به مهمتر قبل از مهم، همانطوری که پیامبر - صلی الله علیه و سلم - با نصیحت برای الله متعال شروع کردند، سپس برای کتابش، سپس برای رسول الله صلی الله علیه و سلم -، سپس برای امامان مسلمانان، سپس برای عموم مسلمانان

(50) - عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَذِهِ الْآيَةَ: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ، وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ} [آل عمران: 7].
 قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ سَمَّى اللَّهُ، فَاحْذَرُوهُمْ». [صحيح] - [متفق عليه]

(50) - از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیت را تلاوت فرمود: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ، وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ} [آل عمران: 7]. [الله (آن ذاتی است که قرآن را بر تو نازل کرد که بعضی آن آیاتی محکم است که مفهوم آن واضح و روشن است، و آنها اصل قرآن است) که دیگر آیات در روشنی آن فهمیده می‌شود (و بعضی از آن «متشابهات» هستند) که مفهوم آن مشتبه و مخفی است و احتمال معانی دیگری هم دارند،) اما کسانی که در دل‌هایشان کجی است برای فتنه انگیزی و تاویل نادرست از آیات متشابه پیروی می‌کنند، در حالیکه مفهوم متشابه را به جز الله کسی نمی‌داند. و علمای راسخ در علم می‌گویند: به آن ایمان آوردیم (چون همه قرآن) محکم و متشابه (از نزد پروردگار ما است، و پند نمی‌گیرد) از تعلیمات قرآن (مگر صاحبان عقل و خرد فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر کسانی را دیدی که در دل‌هایشان کجی است برای فتنه انگیزی و تاویل نادرست از آیات متشابه پیروی می‌کنند، آنان کسانی اند که الله متعال ذکر کرده است، پس برحذر باش [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیه را تلاوت نمود: {هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ، وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ}، و در آن الله سبحان فرموده است که اوست که قرآن را بر پیامبرش نازل کرد، که در آن آیات با دلالت‌های روشن است، با احکام معلوم که در آن التباس وجود ندارد، که آن اصل و مرجع کتاب است، و در صورت

اختلاف همان مرجع است، و در میان آن آیت هایی است که دربر گیرنده بیش از یک معنا می باشد، که معنای آن نزد برخی مردم خلط می شود، و یا گمان می کنند که بین آن و آیت دیگر تناقض وجود دارد، سپس الله متعال تعامل مردم را با این آیت ها بیان نمود، پس کسانی که دلایشان از سوی حق میلان دارند و محکم - قاطع - را رها کرده و متشابه و احتمالی را می گیرند، و می خواهند شبهه را ایجاد و مردم را گمراه کنند، و با این کار می خواهند آیت ها را مطابق خواسته های خود تفسیر کنند، و اما راسخان در علم، این متشابه را می دانند و آن را به محکم - قاطع - راجع می کنند، و به آن باور می داشته باشند که آن جانب الله سبحانه و تعالی است، و هرگز قابل خلط و تعارض نیست، اما از آن تذکر و موعظه نمی گیرند مگر صاحبان عقل سلیم. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها فرمود که اگر کسانی را که از متشابه پیروی می کنند ببیند، آنها کسانی هستند که الله متعال در این قول خود از آنها نام برده است: { فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ } پس از آنها برحذر باشید و به سخنانشان گوش ندهید.

از فوائد حدیث:

1. آیات قاطع و محکم قرآن: آن چیز است که دلالتش روشن و معنایش آشکار است، و متشابه: آن چیز است که بیش از یک معنا داشته باشد و مستلزم تأمل و فهم باشد.
2. هشدار از اختلاط با اهل انحراف و صاحبان بدعت و کسانی که برای گمراه کردن و مشکوک کردن مردم مشکلاتی را مطرح می کنند.
3. الله متعال در پایان آیت می فرماید: «**وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ**» اینجا رسوای منحرفان، و ستایش از راسخان است، یعنی: کسی که از تذکر و موعظه پند نگیرد، و از خواسته های خود پیروی کند از صاحبان خرد نیست.
4. پیروی از متشابه سبب انحراف قلب است.
5. وجوب راجع نمودن آیت های متشابه که معنای آنها قابل فهم نیست به آیت های محکم و قاطع.
6. الله متعال برخی از قرآن را قاطع و برخی مشابه قرار داده است، برای امتحانی مردم جهت تشخیص افراد با ایمان از اهل گمراهی.
7. در وقوع متشابه در قرآن: برتری علما بر دیگران، و اعلام تقصیر عقل ها؛ تا این که برای آفریده اش تسلیم شود و به ناتوانی خود اعتراف نماید.
8. فضیلت راسخ بودن در علم و وجوب استواری در آن.

9. برای مفسران در وقوف بر کلمه {الله} {در قول او تعالی} {وما يعلم تأويله إلا الله والراسخون في العلم} {دو دیدگاه است، پس هر که بر کلمه {الله} {توقف کند، پس مراد از تأویل علم حقیقت يك چیز و ذات آن و چیزی که راهی برای درک آن نیست می باشد، مانند موضوع روح و قیامت که الله متعال آن را در علم خود محفوظ داشته است، و کسانی که در علم راسخ و استوار هستند به آن ایمان دارند و حقایق آن را به الله می سپارند، که سالم می مانند و دیگران را نیز سالم نگه می دارند، و هر که آن را وصل نماید و بر کلمه {الله} {توقف ننماید، مراد از تأویل همانا تفسیر، کشف، و تبیین است، پس الله متعال آن را می داند و راسخان در علم آن را نیز می دانند، به آن ایمان آورده و به محکم ارجاع می نمایند.

(65062)

(51) - عن أبي سعيد الخُدْرِيّ رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: **«مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيَعْبِرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيْمَانِ»**. [صحيح] - [رواه مسلم]

(51) - از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم - می فرمود: **«هریک از شما منکری دید باید آن را با دستش تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبانش، و اگر نتوانست با قلبش، و آن ضعیف ترین ایمان است»**. [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای تغییر منکر - تا حد توان - امر میفرماید - و آن عبارت از هر آنچه هست که الله و رسولش آنرا نهی کرده است. هرگاه انسان منکری را مشاهده کرد باید با دست (تغییر عملی) (آن را تغییر دهد، اگر توان داشته باشد، اگر از تغییر توسط دست عاجز باشد، آن را توسط زبان خود با بیان نمودن زیان های آن برای شخص ارتکاب کننده و رهنمایی او بسوی بدیل خیر در مقابل آن شر تغییر دهد. اگر از تغییر در این مرتبه نیز عاجز ماند با دل خود آن را تغییر دهد چنانچه آن منکر را بداند و اراده نماید اگر توان تغییر را در اختیار داشت آن را تغییر می داد، و تغییر توسط دل ضعیف ترین ایمان در تغییر منکر است.

از فوائد حدیث:

1. این حدیث یک اصل در مورد مراتب تغییر منکر است.
2. دستور نهی از منکر بشکل تدریجی، هر یک به اندازه توان و قدرت اش.
3. نهی از منکر باب بزرگی در دین است که هیچ کس ساقط نمی شود، و هر مسلمان به اندازه توانش به آن مکلف است.
4. امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی های ایمان است، و ایمان کم و زیاد می شود.
5. شرط نهی از منکر اینست که باید انسان بداند که آن عمل منکر است.
6. در تغییر منکر شرط اینست که: تغییر دادن منکر، منکری بزرگتر را به دنبال نداشته باشد.
7. نهی از منکر آداب و شرط هایی دارد که باید مسلمان آن ها را بیاموزد.
8. انکار نمودن منکر به سیاست شرعی، دانش و بصیرت نیاز دارد.
9. انکار نکردن توسط قلب به ضعف ایمان دلالت می کند.

(65001)

(52) - عَنِ الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَثَلُ الْقَائِمِ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا، كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا عَلَى سَفِينَةٍ، فَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا وَبَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا، فَكَانَ الَّذِينَ فِي أَسْفَلِهَا إِذَا اسْتَقَوْا مِنَ الْمَاءِ مَرُّوا عَلَى مَنْ فَوْقَهُمْ، فَقَالُوا: لَوْ أَنَا حَرَقْنَا فِي نَصِيبِنَا حَرْقًا وَلَمْ نُؤْذِ مَنْ فَوْقَنَا، فَإِنْ يَتْرُكُوهُمْ وَمَا أَرَادُوا هَلَكُوا جَمِيعًا، وَإِنْ أَخَذُوا عَلَى أَيْدِيهِمْ نَجَّوْا وَنَجَّوْا جَمِيعًا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(52) - از ثُعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «مَثَلُ الْقَائِمِ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا، كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا عَلَى سَفِينَةٍ، فَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا وَبَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا، فَكَانَ الَّذِينَ فِي أَسْفَلِهَا إِذَا اسْتَقَوْا مِنَ الْمَاءِ مَرُّوا عَلَى مَنْ فَوْقَهُمْ، فَقَالُوا: لَوْ أَنَا حَرَقْنَا فِي نَصِيبِنَا حَرْقًا وَلَمْ نُؤْذِ مَنْ فَوْقَنَا، فَإِنْ يَتْرُكُوهُمْ وَمَا أَرَادُوا هَلَكُوا جَمِيعًا، وَإِنْ أَخَذُوا عَلَى أَيْدِيهِمْ نَجَّوْا وَنَجَّوْا جَمِيعًا» یعنی: «مثال کسی که نزد حدود الهی ایستاده [و به آن وارد نمی‌شود] و آنکه در آن واقع شده مانند گروهی است که [برای نشستن] در یک کشتی قرعه کشیدند، پس نصیب برخی (بالای آن شد و نصیب دیگران) طبقه (پایین آن، پس آنان که در پایین بودند هرگاه نیازمند آب بودند از نزد کسانی که بالا بودند می‌گذشتند، پس [با خود] گفتند: اگر در قسمتی که سهم ما است سوراخی ایجاد کنیم و مزاحم کسانی که بالای ما هستند نشویم. حال اگر آنان را با قصدی که دارند رها کنند همه هلاک می‌شوند، و اگر مانع آنان شوند هم خودشان هم همه آنها». [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای کسانی که نزد حدود الله ایستاده‌اند و بر امر الله پایدارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، مثال بیان می‌نماید، برای کسانی که در حدود الله واقع می‌شوند و به آن دست درازی می‌کنند و معروف را ترک گفته‌اند، و مرتکب منکر می‌شوند، و اثر آنان در نجات جامعه مثال زده‌اند، آنان همانند گروهی هستند که سوار کشتی شده‌اند و سپس قرعه انداخته‌اند که کدام یک بالای کشتی بنشینند و کدام یک پایین آن پس برخی بالای کشتی را به دست آورده‌اند و گروهی پایین کشتی را، گروهی که پایین بودند هرگاه می‌خواستند آب بیاورند از بالایی‌ها می‌گذشتند؛ پس آنانی که پایین بودند گفتند: اگر در محل خودمان در پایین سوراخی ایجاد می‌کردیم و از آنجا آب می‌گرفتیم بهتر بود تا بالایی‌ها را اذیت نکنیم. حال اگر بالایی‌ها آنها را رها کنند و اجازه دهند کارشان را انجام

دهند، کشتی با همه آنها غرق می‌شود، و اگر آنان را نهی کنند و مانعشان شوند، همه نجات می‌یابند.

از فوائد حدیث:

1. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در حفظ جوامع و نجات آنها
2. مثال آوردن یکی از روش‌ها آموزش است که برای نزدیک کردن معانی به شکل محسوس به عقل‌ها کاربرد دارد
3. انجام منکر بدون انکار آن، مفسده‌ای است که زیان آن به همه جامعه می‌رسد
4. هلاکت جامعه وقتی رخ می‌دهد که اصحاب گناهان رها شوند تا در زمین تباهی کنند
5. وقتی کار اشتباه است، نیت خوب برای درستی آن کافی نیست
6. در جامعه مسلمان، مسئولیت یک امر جمعی است و محدود به یک فرد نیست
7. عموم مردم با گناهان افراد خاص - اگر آن را انکار نکنند - مورد عذاب قرار می‌گیرند
8. اصحاب منکرات، همانند اهل نفاق، منکر خود را برای جامعه در قالب خیر و نیکوکاری به نمایش می‌گذارند

(3341)

(53) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورٍ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا، وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(53) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود، «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورٍ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا» وَ «مَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا» یعنی: «کسی که به سوی هدایتی فرا بخواند برایش مانند اجر کسانی که از او پیروی کنند خواهد بود، بی آنکه از پاداش آنان چیزی کم شود، و کسی که به سوی گمراهی ای دعوت دهد مانند گناه کسانی که از او پیروی کنند خواهد داشت، بی آنکه از گناهان آنان چیزی کم شود» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که هر کس مردم را با گفتار یا کردار به راهی ارشاد یا راهنمایی یا ترغیب نماید که حق و خیر در آن است، مانند اجر کسانی که از او پیروی کنند را خواهد داشت بدون آنکه از پاداش آن تابع چیزی کم شود. و کسی که مردم را، با گفتار یا کردار به راه باطل و شری که شامل گناه یا امری حرام است راهنمایی کند مانند گناه کسانی که از او پیروی کنند بر وی خواهد بود، بدون آنکه از گناهان آنها چیزی کم شود.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت دعوت به سوی هدایت - کم باشد یا بسیار - و اینکه دعوتگر به سوی آن برایش مانند اجر انجام دهنده‌اش خواهد بود و این از فضل الله و کمال گرم اوست
2. خطر دعوت به سوی گمراهی - کم باشد یا بسیار - و اینکه دعوتگر به سوی گمراهی مانند گناه انجام دهنده‌اش را خواهد داشت
3. پاداش از جنس عمل است، بنابراین کسی که به سوی خیری دعوت دهد مانند اجر انجام دهنده‌اش را خواهد داشت، و کسی که به سوی شری دعوت دهد مانند گناه انجام دهنده‌اش خواهد داشت

4. مسلمان باید از این برحذر باشد که در صورت انجام علنی گناه - طوری که مردم او را ببینند - مردم از او الگو بگیرند، زیرا در این صورت گناه کسانی که از او تقلید کنند نیز بر گردن او خواهد بود، اگرچه آنان را به این کار تشویق نکرده باشد.

(3373)

(54) - عن أبي مسعود الأنصاري رضي الله عنه قال: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنِّي أُبَدِعُ فِي فَاخْمِلِي، فَقَالَ: «مَا عِنْدِي»، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنَا أَذْلُهُ عَلَى مَنْ يَحْمِلُهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(54) - از ابو مسعود الانصاری رضی الله عنه روایت است فرمود: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و عرض کرد: اسپ من مرده و من در راه مانده ام (پس من را بر اسپ سوار کن، رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمود: «من ندارم»، سپس مردی - عرض کرد و گفت: یا رسول الله! من او را به سوی کسی راهنمایی می کنم که او را سوار مرکب - کند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هر کسی (مردم را به کار)». «خیر راهنمایی کرد، پاداشی مانند پاداش انجام دهنده ی آن را دارد [صحيح]- مسلم روایت کرده

توضیح:

مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: سواری ام مرده پس من را سوار کن، به من سواری بدهید تا من را به مقصودم برساند، رسول الله صلی الله علیه وسلم به او عذر پیش کرد که چیزی ندارد تا او را سوار کند، درین حال مردی که حاضر بود گفت: یا رسول الله! من به او کسی را نشان می دهم که او را سوار کند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داد که او در پاداش شریک صدقه کننده است، زیرا او نیازمند را راهنمایی کرد.

از فوائد حدیث:

1. تشویق به راهنمایی کردن به خیر
2. تشویق به نیکی یکی از دلایل همبستگی و یکپارچگی جامعه مسلمانان است

3. وسعت لطف الله متعال
4. این حدیث يك قاعده کلی است، پس همه اعمال خیر در آن گنجانده شده است
5. اگر انسان نتواند خواسته سؤال کننده را برآورده کند، او را به کسی دیگری راهنمایی نماید

(5354)

(55) - عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَوْمَ خَيْبَرَ: «لَأُعْطِينَ هَذِهِ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»، قَالَ: فَبَاتَ النَّاسُ يَدُوكُونَ لَيْلَتَهُمْ أَيُّهُمْ يُعْطَاهَا، فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ عَدَوْا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّهُمْ يَرْجُونَ أَنْ يُعْطَاهَا، فَقَالَ: «أَيْنَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟» فَقِيلَ: هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ، قَالَ: «فَأَرْسَلُوا إِلَيْهِ»، فَأُتِيَ بِهِ فَبَصَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي عَيْنَيْهِ وَدَعَا لَهُ، فَبَرَأَ حَتَّى كَانُ لَمْ يَكُنْ بِهِ وَجَعٌ، فَأَعْطَاهُ الرَّايَةَ، فَقَالَ عَلِيٌّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقَاتِلُهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِثْلَنَا؟ فَقَالَ: «انْفُذْ عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِيهِ، فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ». [صحيح] - [متفق

عليه]

(55) - از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز خیبر فرمودند: «لَأُعْطِيَنَّ هَذِهِ الرَّأْيَةَ عَدَا رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ، يُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»، قَالَ: فَبَاتَ النَّاسُ يَدُوْكَوْنَ لِيَلْتَهُمْ أَيُّهُمْ يُعْطَاهَا، فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ عَدُّوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّهُمْ يَرْجُو أَنْ يُعْطَاهَا، فَقَالَ: «أَيْنَ عَلِيُّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟» فَقِيلَ: «هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَسْتَكِي عَيْنَيْهِ، قَالَ:» فَأَرْسَلُوا إِلَيْهِ»، فَأَتَى بِهِ، فَبَصَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي عَيْنَيْهِ وَدَعَا لَهُ، فَبَرَأَ حَتَّى كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ بِهِ وَجَعٌ فَأَعْطَاهُ الرَّأْيَةَ، فَقَالَ عَلِيُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَاتْلُهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِثْلَنَا؟ فَقَالَ: «أَنْفُذْ عَلَى رِسْلِكَ، حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ، وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِيهِ». «فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْزُ النَّعَمِ».

فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که الله فتح و پیروزی را به دست او رقم خواهد زد، الله و رسولش را دوست دارد و الله و رسولش او را دوست دارند گفت: مردم شب را درحالی سپری کردند که به یکدیگر می گفتند: کدامیک از آنها پرچم را دریافت خواهد کرد. وقت صبح شد، مردم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند و هر یکی از آنها امید داشت پرچم به او واگذار شود، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَيْنَ عَلِيُّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟»: «علی بن ابی طالب کجاست؟» گفته شد: چشمش درد می کند. فرمود به دنبال او بفرستید. «پس علی رضی الله عنه را آوردند و رسول الله صلی الله علیه وسلم» از آب دهانش به چشمان علی مالید و برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است، آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او داد و فرمود: «بدون عجله به سوی آنها برو تا به منطقه ی آنها برسی؛ آنگاه آنان را به سوی اسلام فراخوان، و آنان را از حقوق الله متعال که در دین بر آنها واجب می شود، آگاه کن. به الله سوگند که اگر الله یک نفر را به وسیله ی تو هدایت نماید، برای «تو از شتران سرخ مو بهتر است [صحیح]-[متفق علیه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم صحابه را به پیروزی مسلمانان بر یهودیان خیبر در فردای آن روز و به دست مردی از آنها بشارت می دهد که پرچم برایش داده می شود، و آن پرچمی است که ارتش از آن به عنوان نشان خود استفاده می کنند، از خصوصیات این مرد این است که الله و رسولش را دوست دارد، و الله و رسولش او را دوست دارند، پس صحابه شب را به بحث و گفتگو پرداختند که پرچم به چه کسی داده خواهد شد؟ با آرزوی این افتخار بزرگ، چون صبح شد، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفتند، همه به امید اینکه این افتخار نصیب اش شود

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم جویای علی رضی الله عنه شد؟
گفته شد: او بیمار است و چشمش درد می کند.

پس او صلی الله علیه وسلم از آب دهانش به چشمان علی مالید و برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او داد، و به او دستور داد تا به آرامی پیش برود تا به دژ (قلعه) دشمن نزدیک شود و به آنها داخل شدن در اسلام را پیشنهاد کند، اگر پیشنهاد را پذیرفتند؛ برای آنان از فرائض که باید انجام دهند خبر بده.

سپس او صلی الله علیه وسلم فضیلت دعوت الی الله را برای علی رضی الله عنه توضیح داد، این که اگر دعوت کننده سبب هدایت یک نفر شود، او برایش بهتر از داشتن شتران سرخ است که گرانبهاترین دارایی عرب ها می باشد، که آن را یا با خود داشته باشد و یا آن را صدقه داده باشد.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت علی بن ابی طالب رضی الله عنه و گواهی رسول صلی الله علیه وسلم برای او، نسبت به محبت الله و رسولش به او، و محبت او نسبت به الله و رسولش.
2. حرص ورزی صحابه در انجام کار خیر و شتافتن آنان به سوی آن.
3. مشروعیت ادب هنگام نبرد و پرهیز از بی تدبیری و صداهای مزاحم بی مورد.
4. از جمله دلایل نبوت او صلی الله علیه وسلم خبر دادن او از پیروزی بر یهودیان، و شفای چشمان علی بن ابی طالب با دستان او به خواست الله متعال.
5. بزرگترین هدف جهاد این است که مردم در اسلام داخل شوند.
6. و این که دعوت باید به تدریج صورت گیرد، در ابتدا از کافر خواسته شود که اسلام بیاورد، و دو گواهی را بر زبان بیاورد، سپس به انجام فرایض اسلام امر می شود.
7. فضیلت دعوت به سوی اسلام و خیری که برای دعوت شونده و دعوت کننده به همراه دارد، ممکن است دعوت شونده هدایت شود و دعوت کننده به پاداش بزرگی برسد.

(56) - عن ابنِ عُمَرَ رضي الله عنهما قال: قال رسولُ الله صَلَّى اللهُ عليه وسلم: «مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ». [حسن] - [رواه أبو داود وأحمد]

(56) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است گفت که: رسول الله صلی الله علیه وسلم «فرمودند: «کسی که به هر قومی خود را مشابه سازد، از آنان است [حسن]- ابو داود و [احمد روایت کرده

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: هر که خود را مشابه قوم کافران و فاسقان - یا صالحان بسازد - با انجام کاری از ویژگی‌های شان مانند عقاید، عبادات و یا عادات پس او از جمله آنان شمرده می‌شود - زیرا مشابهت ظاهری موجب مشابهت باطنی آنها می‌شود، و تردیدی نیست که مشابهت مردم ناشی از متاثر شدن از آنها می‌باشد، و ممکن است موجب محبت و تعظیم آنها گردد و باعث تکیه بر آنها شود، که در نتیجه باعث مشابهت - آنها در باطن و عبادت شود -. نعوذ بالله

از فوائد حدیث:

1. هشدار در باره مشابهت با کافران و فاسقان
2. اصرار به مشابه بودن با صالحان و الگو گرفتن از آنان
3. مشابهت ظاهری به محبت درونی تبدیل می‌شود
4. انسان به اندازه مشابهت و نوع آن مستحق تهدید و گناه می‌شود
5. نهی درباره مشابهت با کافران، منحصر به مشابهت در دین، و مشابهت در عادت‌های مخصوص آنان است، اما در غیر اینها مانند: آموزش صنعت‌ها و مانند آن شامل نهی نمی‌شود

(57) - عن تميم الداري رضي الله عنه، قال: سمعتُ رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «لَيَبْلُغَنَّ هَذَا الْأَمْرُ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا يَتْرُكُ اللَّهُ بَيْتَ مَدْرٍ وَلَا وَبْرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ هَذَا الدِّينَ، بَعْرَ عَزِيزٍ أَوْ بَدَلٌ ذَلِيلٍ، عِزًّا يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ، وَذُلًّا يُدِلُّ اللَّهُ بِهِ الْكُفْرَ» وَكَانَ تَمِيمٌ الدَّارِيُّ يَقُولُ: قَدْ عَرَفْتُ ذَلِكَ فِي أَهْلِ بَيْتِي، لَقَدْ أَصَابَ مَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمْ الْخَيْرُ وَالشَّرْفُ وَالْعِزُّ، وَلَقَدْ أَصَابَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَافِرًا الذُّلُّ وَالصَّعَارُ وَالْحِزْيَةُ. [صحيح] - [رواه أحمد]

(57) - از تميم داری رضی الله عنه روایت است که می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: «لَيَبْلُغَنَّ هَذَا الْأَمْرُ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا يَتْرُكُ اللَّهُ بَيْتَ مَدْرٍ وَلَا وَبْرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ هَذَا الدِّينَ، بَعْرَ عَزِيزٍ أَوْ بَدَلٌ ذَلِيلٍ، عِزًّا يُعِزُّ اللَّهُ بِهِ الْإِسْلَامَ وَذُلًّا يُدِلُّ اللَّهُ بِهِ الْكُفْرَ» وَكَانَ تَمِيمٌ الدَّارِيُّ يَقُولُ: قَدْ عَرَفْتُ ذَلِكَ فِي أَهْلِ بَيْتِي، لَقَدْ أَصَابَ مَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمْ الْخَيْرُ وَالشَّرْفُ وَالْعِزُّ، وَلَقَدْ أَصَابَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَافِرًا الذُّلُّ وَالصَّعَارُ وَالْحِزْيَةُ.

این امر (دین) تا به آنجایی می رسد که شب و روز رسیده است؛ و الله متعال هیچ خانه ای را در شهر و روستا رها نمی ماند مگر این دین را وارد آن می کند؛ و آن را با عزت عزیز یا ذلت و خواری ذلیل همراه می گرداند؛ عزتی که الله متعال به وسیله ی آن اسلام را عزت می بخشد، و ذلت و خواری که الله متعال به وسیله ی آن کفر را ذلیل و خواری می گرداند. و تميم داری می گفت: این مساله را در میان خانواده ام شاهد بودم؛ کسانی از خانواده ام که اسلام آوردند، به خیر و شرف و عزت دست یافتند و آنان که کافر ماندند، خواری و ذلیل شده و جزیه پرداختند [صحيح]-[احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که این دین سراسر زمین را در بر می گیرد؛ هر مکانی که شب و روز در آن وجود دارد، این دین به آنجا می رسد؛ و الله متعال هیچ خانه ای را در شهر و روستا و صحرا و بیابان نمی گذارد مگر اینکه دین را وارد آن می سازد؛ پس هرکس آن را بپذیرد و بدان ایمان بیاورد، به سبب عزت اسلام عزیز خواهد بود، و هرکس آن را رد کند و بدان کفر بورز خوار و ذلیل خواهد بود.

و صحابی بزرگوار تميم داری خبر می دهد که این رهنمود نبوی را عینا در بین خانواده اش شاهد بوده است؛ چنانکه هریک از اعضای خانواده اش مسلمان شدند، به خیر و شرف و عزت دست یافتند، اما آنانی که بر کفر خود اصرار ورزیدند خوار و ذلیل شده و ناچار به پرداخت اموالی به عنوان جزیه به مسلمانان شدند.

از فوائد حدیث:

1. مژده به مسلمانان که دین آنها در تمام نقاط زمین گسترش خواهد یافت
2. عزت از آن اسلام و مسلمانان است، و ذلت از آن کفر و کافران است
3. در این حدیث دلیلی از دلایل بر نبوت و علم آن وجود دارد، چنان که پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده بود همانگونه اتفاق افتید

(11220)

(58) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ، ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(58) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود
 وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ، ثُمَّ يَمُوتُ
 وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ «یعنی: «سوگند به کسی که جان
 محمد در دست اوست، هیچ کسی از این امت، یهودی باشد یا نصرانی [خبر مبعث] من را
 نمی‌شنود سپس بمیرد و به آنچه که برای آن فرستاده شده‌ام ایمان نیاورد مگر آنکه از
 «اصحاب دوزخ خواهد بود [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم سوگند یاد می‌کند که هرکسی از این امت - یهودی باشد یا نصرانی یا از دیگران - که دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم به او رسیده از دنیا برود بدون آنکه به آن ایمان بیاورد، از اهل دوزخ خواهد بود و جاودانه در آن می‌ماند

از فوائد حدیث:

1. عام بودن رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم به همه جهان، و وجوب پیروی از او و نسخ همه شریعت‌ها توسط شریعت او
2. - کسی که به پیامبر صلی الله علیه وسلم کافر شود، این ادعا که به دیگر پیامبران صلوات الله علیهم - ایمان دارد برایش سودی ندارد

3. کسی که درباره پیامبر صلی الله علیه وسلم نشنیده و دعوت اسلام به او نرسیده معذور است، و امر او در آخرت به الله تعالی موکول است.
4. شخص از اسلام آوردن سود می برد که این محقق است اگرچه اندکی پیش از مرگ باشد، یا در بیماری شدید باشد، تا وقتی که روح به حلقوم نرسیده باشد.
5. صحیح دانستن دین کافران - از جمله یهودیان و نصرانیان - کفر است.
6. یاد شدن از یهودیان و نصرانیان در حدیث، نوعی هشدار درباره بقیه کافران است؛ زیرا یهودیان و نصرانیان کتاب دارند و اگر حال آنان که کتاب دارند چنین است دیگران که کتاب ندارند من باب اولی در این حکم داخل اند، و همه آنان باید در دین محمد صلی الله علیه وسلم داخل شوند و از او اطاعت کنند.

(3272)

(59) - عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِدَاةَ الْعُقَبَةِ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ: «الْقُطُّ لِي حَصَى» فَلَقَطْتُ لَهُ سَبْعَ حَصِيَّاتٍ، هُنَّ حَصَى الْحَذْفِ، فَجَعَلَ يَنْفُضُهُنَّ فِي كَفِّهِ وَيَقُولُ: «أَمْثَالُ هَؤُلَاءِ فَارْمُوا» ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، أَيَّاكُمْ وَالْعُلُو فِي الدِّينِ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْعُلُو فِي الدِّينِ». [صحيح] - [رواه ابن ماجه والنسائي وأحمد]

(59) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم صبح روز عقبه در حالی که بر شترشان بودند فرمودند: «برایم سنگریزه جمع کن». پس برای او هفت سنگریزه جمع کردم که خذف بود [یعنی بزرگتر از نخود و کوچکتر از بندق] پس آنها را در دستش می گرداند و می فرمود: «با مانند اینها رمی کنید». سپس فرمود: «ای مردم، از علو در دین برحذر باشید زیرا کسانی را که پیش از شما بودند [همین علو در دین هلاک کرد]». [صحيح] - [ابن ماجه و نسایی و احمد روایت کرده]

توضیح:

ابن عباس رضی الله عنهما بیان می کند که در روز قربان یعنی صبح رمی جمره عقبه در حجة الوداع، به همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم او را امر کرد تا برایش هفت سنگریزه جمع کند که هر یک به اندازه نخود یا بندق باشد پس پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را در دستانش گرفت و تکانش داد و فرمود: با همین

اندازه آن رمی را انجام دهید. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم از غلو و سخت‌گیری و گذر کردن از حد در امور دین نهی کردند، زیرا امت‌های پیشین نیز به ذریعه تجاوز از حد و افراط و سخت‌گیری در دین هلاک شدند.

از فوائد حدیث:

1. نهی از غلو در دین و بیان عاقبت بد آن و اینکه سبب هلاکت می باشد
2. عبرت گرفتن از امت‌های پیشین برای جلوگیری از افتادن در اشتباهات آنان
3. تشویق به اقتدا به سنت

(3395)

(60) - عن عبد الله بن مسعود قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ»

قالها ثلاثاً. [صحيح] - [رواه مسلم]

(60) - از عبدالله بن مسعود روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «تندروان هلاک شدند» این را سه بار گفتند [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از ناامیدی و زیان تندروان - بدون راهنمایی و علم - در امور دینی و دنیوی، گفتار و کردارشان خبر می دهد، که به موجب آن از حد شرعی که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را ترسیم نموده تجاوز کرده اند

از فوائد حدیث:

1. حرمت تندروی و تکلف در همه امور، و اصرار به اجتناب از آن در همه چیز؛ مخصوصاً در عبادات و تعظیم صالحان
2. کمال طلبی در عبادت و غیر آن ستودنی است؛ و آن به پیروی از شرع می باشد
3. مستحب بودن تاکید بر موضوع مهم، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم این جمله را سه بار تکرار نمودند
4. نرمی و آسانی اسلام

(61) - عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْيَهُودُ مَعْضُوبٌ عَلَيْهِمْ، وَالنَّصَارَى ضَلَالٌ». [صحيح] - [رواه الترمذي]

(61) - از عدی بن حاتم از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «الْيَهُودُ مَعْضُوبٌ عَلَيْهِمْ، وَالنَّصَارَى ضَلَالٌ» یعنی: «یهودیان بالای ایشان غضب شده است، و نصرانیها گمراهان هستند» [صحيح]-[ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را آگاه نموده که یهودیان قومی هستند که الله بر آنان خشم گرفته است، زیرا آنان حق را شناختند و بدان عمل نکردند. و نصرانیان قومی گمراه هستند؛ زیرا بنا بر عدم علم عمل کرده‌اند.

از فوائد حدیث:

1. جمع بین علم و عمل، نجات از راه کسانی است که مورد خشم قرار گرفته‌اند و گمراه شده‌اند.
2. هشدار نسبت به راه یهودیان و نصرانیان، و پایبند ماندن به راه مستقیم که همان اسلام است.
3. هم یهودیان و هم نصرانیان گمراه و مورد خشم هستند، اما ویژه‌ترین اوصاف یهودیان این است که مورد خشم قرار گرفته‌اند، و ویژه‌ترین اوصاف نصرانیان این است که گمراه هستند.

(62) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كَتَبَ اللَّهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِمِائَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، قَالَ: وَعَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(62) - از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت است که می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود «: الله متعال تقدیر تمام موجودات را پنجاه هزار سال قبل از اینکه آسمانها و زمین را بیافریند نوشت، فرمود: در حالی که عرش او بالای آب بود [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله متعال پنجاه هزار سال قبل از خلقت آسمان ها در لوح محفوظ جزئیات تقدیر موجودات از قبیل زندگی و مرگ و رزق و غیره را نوشته است، و همین تقدیر طبق آنچه الله متعال مقرر فرموده است اتفاق می افتد پس هر چیزی که هست می گردد بر اساس اراده و تقدیر الله متعال اتفاق می افتد پس هر آنچه بر بنده اتفاق می افتد هرگز از او خطا نمی رود، و هر آنچه که نباید به او برسد هرگز به او اتفاق نمی افتد

از فوائد حدیث:

1. وجوب ایمان به قضا و قدر
2. تقدیر عبارت است از: علم الله متعال به اشیا، نوشتن، اراده و خلقت آن می باشد
3. اعتقاد به این که تقدیرها قبل از خلقت آسمان ها و زمین نوشته شده است، که موجب رضایت و تسلیمی می گردد
4. این که عرش الله رحمان قبل از خلقت آسمانها و زمین بر روی آب بود

(63) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ: «أَنَّ خَلْقَ أَحَدِكُمْ يُجْمَعُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلاَقَةً مِثْلَهُ، ثُمَّ يَكُونُ مُضَعَّةً مِثْلَهُ، ثُمَّ يُبَعَثُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ، فَيُؤَدِّنُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ، فَيَكْتُبُ: رِزْقَهُ وَأَجَلَهُ وَعَمَلَهُ وَشَقِيَّ أُمِّ سَعِيدٍ، ثُمَّ يَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ، فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُ النَّارَ، وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ، فَيَعْمَلُ عَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(63) - از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت است: رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمود و او راستگوست و به راستگویی موصوف شده است: «این که یکی از شما چهل روز و شب در شکم مادرش جمع می شود، سپس مثل آن لخته می باشد، سپس مثل آن قطعه گوشتی می باشد، سپس فرشته نزد او فرستاده می شود، و اجازه نوشتن چهار مورد برایش داده می شود، سپس می نویسد: رزق، اجل، عمل، بدبختی و خوشبختی او سپس روح در او دمیده می شود، و ممکن است یکی از شما عمل اهل بهشت را انجام دهد تا زمانی که بین او و بهشت مسافه یک بازو باشد، پس کتاب بر او سبقت می گیرد و عمل اهل دوزخ را انجام می دهد و وارد دوزخ می شود، و ممکن است یکی از شما عمل اهل دوزخ را انجام دهد تا زمانی که بین او و دوزخ مسافه یک بازو باشد، پس کتاب «بر او سبقت می گیرد، و عمل اهل بهشت را انجام می دهد و وارد بهشت می شود» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

ابن مسعود گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم راستگو و راستگو پنداشته شده از طرف الله متعال می فرماید، فرمود: خلقت یکی از شما جمع کرده می شود، و آن طوری که وقتی مرد با خانمش همبستر شود، منی پراکنده اش تا چهل روز در شکم زن بشکل نطفه جمع می شود، سپس مثل آن لخته می باشد که آن خون غلیظ و جامد است، و این در چهل روز دوم می باشد، سپس مثل مضغه می باشد و آن قطعه گوشتی است به اندازه ی که جویده شود، و این در چهل روز سوم می باشد، سپس الله متعال فرشته ای را نزد او می فرستد که پس از پایان چهل روز سوم، روح را در او می دمد، به فرشته دستور داده شده است که چهار مورد را بنویسد: رزق، و آن مقدار نعمت های است که در طول عمرش آن را دریافت

می نماید. و اجل او، و آن مدت زندگی کردن او در دنیا می باشد، و عمل او، که چگونه باشد؟ بد بخت و یا خوش بخت. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم سوگند یاد کرد که انسان اعمال اهل بهشت را انجام می دهد و عملش صالح می باشد، یعنی چیزی که برای مردم معلوم می شود، و به همین حالت می ماند تا این که بین او و بهشت فقط مسافه یک بازو باقی بماند، یعنی چیزی که بین او و رسیدن به بهشت باقی نمی ماند مگر به مسافه یک بازو از مساحت زمین، آنگاه کتاب بر او و آنچه بر او مقرر شده است، غالب می شود اینجاست که یک عمل اهل جهنم را انجام می دهد، پس آن عمل پایانی برایش محسوب می شود و بنابراین وارد جهنم می شود؛ زیرا شرط پذیرفتن عمل او این است که بر آن ثابت قدم باشد و آن را تغییر ندهد، و دیگری از مردم اعمال اهل جهنم را انجام دهد تا اینکه نزدیک به داخل شدن به آن گردد، گویا بین او و جهنم اندازه یک بازو از مساحت زمین باشد، پس کتاب بر او و آنچه بر او مقرر شده است چیره می شود، پس کار اهل بهشت را انجام می دهد و وارد بهشت می شود.

از فوائد حدیث:

1. سرنوشت تمام امور در پایانی کار است همانطوری که در قضا و قدر تعیین شده است.
2. هشدار از مغرور شدن به اشکال عمل ها؛ چون اعمال به خاتمه آن بستگی دارد.

(65037)

(64) - عن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَيَّ أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ، وَالنَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(64) - از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بهشت از بند کفش یکی از شما هم نزدیکتر است، و جهنم نیز چنین است». [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خیر داده است که بهشت و جهنم به انسان نزدیک است، مانند بند کفشی که در پشت پا است، زیرا ممکن است طاعتی انجام دهد که الله متعال را

خشنود سازد و به وسیله آن وارد بهشت می شود، و یا گناهی که سبب ورود به جهنم می شود.

از فوائد حدیث:

1. تشویق به خیر، هر چند کم باشد، و خوف دهی از بدی، هر چند کم باشد
2. مسلمان باید در زندگی خود امید و خوف را با هم جمع کند، و همواره از الله متعال ثابت قدمی بر حق را بخواهد تا سالم بماند و مغرور حال خود نگردد.

(3581)

(65) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «حُجِبَتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ، وَحُجِبَتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(65) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم «فرمودند: «دوزخ با شهوت ها، و بهشت با سختی ها پوشیده شده است» [صحيح]- [بخاری] روایت کرده

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که آتش جهنم با چیزهایی احاطه شده است که نفس آن را می خواهد، از قبیل انجام کارهای حرام و یا کوتاهی در واجبات؛ هر کس از هوا و هوس نفس خود پیروی کند، سزاوار آتش می باشد، و اینکه بهشت را چیزهایی احاطه کرده است که نفس از آنها متنفر است، مانند مداومت بر موارد امر شده و ترک محرمات، و پیشه نمودن شکیبایی بر آن، پس اگر با نفس خود در برابر آن مبارزه و تلاش نمود سزاوار است که وارد بهشت شود.

از فوائد حدیث:

1. یکی از اسباب افتادن در شهوات، زینت بخشیدن شیطان از کارهای بد و زشت می باشد، تا این که نفس آن را نیک بیندارد و به سوی آن گرایش پیدا کند.
2. دستور به دوری از شهوت های حرام؛ زیرا آن ها راهی بسوی آتش جهنم است، و دستور صبر بر سختی ها؛ چون راه رسیدن به بهشت است.

3. فضیلت مبارزه با نفس، و سعی در عبادت، و صبر بر سختی ها و مشقت هایی که طاعت ها را احاطه نموده است

(3702)

(66) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَالتَّارَ أَرْسَلَ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْجَنَّةِ، فَقَالَ: انظُرْ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَتَنَظَرَ إِلَيْهَا فَرَجَعَ، فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَا يَسْمَعُ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا. فَأَمَرَ بِهَا فَحُقَّتْ بِالْمَكَارِهِ، فَقَالَ: اذْهَبْ إِلَيْهَا فَانظُرْ إِلَيْهَا وَإِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَتَنَظَرَ إِلَيْهَا، فَإِذَا هِيَ قَدْ حُقَّتْ بِالْمَكَارِهِ، فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَقَدْ خَشِيتُ أَنْ لَا يَدْخُلَهَا أَحَدٌ. قَالَ: اذْهَبْ فَانظُرْ إِلَى التَّارِ وَإِلَى مَا أَعَدَدْتُ لِأَهْلِهَا فِيهَا. فَتَنَظَرَ إِلَيْهَا فَإِذَا هِيَ يَرْكَبُ بَعْضَهَا بَعْضًا، فَرَجَعَ فَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَا يَدْخُلَهَا أَحَدٌ. فَأَمَرَ بِهَا فَحُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، فَقَالَ: ارْجِعْ فَانظُرْ إِلَيْهَا. فَتَنَظَرَ إِلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ حُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ، فَرَجَعَ وَقَالَ: وَعِزَّتِكَ لَقَدْ خَشِيتُ أَنْ لَا يَنْجُو مِنْهَا أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَهَا».

[حسن] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي]

(66) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند زمانی که الله متعال بهشت و جهنم را آفرید، جبرئیل علیه السلام را به بهشت فرستاد و گفت: آنچه برای ساکنین آن آماده کرده ام بنگر. سپس به آن نگر است و فرمود: به عزتت سوگند، کسی از آن نمی شنود مگر اینکه وارد آن می شود. پس دستور داد تا آن را به سختی دشواری ها احاطه کنند، سپس فرمود: به سوی آن برو و بنگر که برای ساکنینش چه آماده کرده ام، به آن نگر است و دید که با سختی ها و دشواری ها احاطه شده است گفت: به عزتت سوگند، ترسیدم کسی وارد آن نشود. فرمود: برو به جهنم و آنچه برای ساکنین آن آماده کرده ام بنگر. پس به آن نگر است، دید که آتش ها یکی بالای دیگری سوار می شوند، پس برگشت و گفت: سوگند به عزت تو، کسی داخل آن نمی شود. پس دستور داد که آن را با شهوات احاطه کنند، و فرمود: برگرد و به آن نگاه کن. به آن نگر است و دید که با شهوات احاطه شده، پس برگشت و گفت: به عزت تو سوگند، ترسیدم. «که هیچ کسی از آن نجات نخواهد یافت مگر این که وارد آن شود [حسن]- ابو داود و ترمذی و نسایی روایت کرده

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد، هنگامی که الله متعال بهشت و جهنم را آفرید به جبرئیل علیه السلام فرمود: به بهشت برو و به آن بنگر، پس رفت و به آن نگاه کرد و سپس بازگشت، جبرئیل گفت: پروردگارا، به عزتت سوگند، هیچ کس از آن و آنچه از نعمت ها، عزت ها و خوبی ها در آن است نمی شنود، جز اینکه دوست دارد وارد آن شود، و برای آن تلاش کند. سپس الله متعال بهشت را با سختی ها و مشکلات احاطه کرد

که آن انجام اوامر و دوری از نواهی وی می باشد، پس کسی که بخواهد وارد آن شود باید، از آن سختی ها عبور کند. سپس الله متعال فرمود: ای جبرئیل! برو و به بهشت نگاه کن: پس از آن که سختی ها بر آن احاطه نمود، پس رفت و به آن نگریست، سپس آمد و گفت: پروردگارا، به عزتت سوگند، می ترسم به خاطر سختی ها و مشکلات که بر سر راه آن است، کسی وارد آن نشود. هر گاه الله متعال جهنم را آفرید، فرمود: ای جبرئیل! برو به آن نگاه کن، او رفت و به آن نگاه کرد، سپس آمد و جبرئیل گفت: پروردگارا، به عزتت سوگند هیچ کس آنچه از عذاب و ناراحتی و خواری در آن است نمی شنود مگر اینکه دوست ندارند که وارد آن شوند و از اسباب آن دوری جویند. سپس الله عز و جلّ جهنم را احاطه کرد و راه رسیدن به آن را هوس ها و لذت ها قرار داد، سپس فرمود: ای جبرئیل! برو و به آن بنگر. پس جبرئیل رفت و به آن نگاه کرد، سپس آمد و گفت: پروردگارا، به عزت تو سوگند، ترسیدم و به تشویش آن شدم که کسی از آن نجات نخواهد یافت؛ به خاطر شهوت ها و لذت های که در اطرافش است.

از فوائد حدیث:

1. ایمان بر این که بهشت و جهنم اکنون وجود دارند.
2. وجوب ایمان به غیب و هر آنچه از جانب الله و رسول او صلی الله علیه وسلم آمده است.
3. اهمیت صبر کردن در برابر ناملایمات، زیرا این راهی است که به بهشت منتهی می شود.
4. اهمیت اجتناب از محرّمات؛ زیرا آن ها راهی بسوی جهنم است.
5. بهشت را مملو از سختی ها و جهنم را مملو از شهوات قرار داده است، و آن مقتضای آزمایش و امتحان در زندگی دنیا است.
6. راه بهشت سخت و طاقت فرسا است، صبر و رنج توأم با ایمان می خواهد، و راه جهنم مملو از لذت ها و شهوت ها در دنیا است.

(65034)

(67) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «نَارُكُمْ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ»، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ كَأَنَّ لَكَافِيَةً. قَالَ: «فَضَّلْتُ عَلَيْهِنَّ بِتِسْعَةِ وَسِتِّينَ جُزْءًا كُفْهَنَ مِثْلُ حَرِّهَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(67) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود «آتش شما یک جزء از هفتاد جزء آتش جهنم است» گفته شد: یا رسول الله، آتش دنیا برای «تعدیب دوزخیان کافی بود. فرمود: آتش دوزخ از آتش دنیا شصت و نه برابر بیشتر است، «حرارت هر برخی آن مانند حرارت آتش دنیاست [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که آتش دنیا یک بخش از هفتاد بخش آتش دوزخ است، نیروی حرارت آتش آخرت بر حرارت آتش دنیا شصت و نه برابر بیشتر است، که هر قسمت آن معادل حرارت آتش دنیاست. پس گفته شد: ای رسول الله! آتش دنیا برای تعدیب واردشدگان دوزخ کافی بود، پس فرمود: آتش دوزخ بر آتش دنیا به شصت و نه قسمت برتریت دارد، هر قسمت آن مانند شدت حرارت آتش دوزخ می باشد.

از فوائد حدیث:

1. هشدار آتش برای دور نگه داشتن مردم از اعمالی که منجر به آن می شود.
2. بزرگی آتش دوزخ و عذاب آن، و شدت حرارت آن.

(65036)

(68) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يَقْبِضُ اللَّهُ الْأَرْضَ، وَيَطْوِي السَّمَوَاتِ بِيَمِينِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ، أَيْنَ مُلُوكُ الْأَرْضِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(68) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «الله زمین را [در] [مشت] خود [می‌گیرد، و آسمان‌ها را به دست راستش می‌پیچاند، سپس می‌فرماید: منم پادشاه، کجایند پادشاهان زمین؟] [صحيح]- [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند که الله تعالی زمین را در روز قیامت در مشت خود می‌گیرد، و آن را جمع می‌کند، و آسمان‌ها را با دست راست خود جمع می‌کند و آنها را بر روی همدیگر می‌پیچاند و از بین می‌برد، سپس می‌فرماید: منم پادشاه، کجاست پادشاهان زمین؟

از فوائد حدیث:

1. یادآوری اینکه تنها پادشاهی و فرمانروایی الله را است که باقی می‌ماند و ملک دیگران زائل است.
2. جلال الله و عظمت قدرت و سلطان و کامل بودن پادشاهی او.

(65028)

(69) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَقَدْ سَتَرْتُ سَهْوَةً لِي بِقِرَامٍ فِيهِ تَمَائِيلٌ، فَلَمَّا رَأَهُ هَتَكَهُ وَتَلَوْنَ وَجْهَهُ وَقَالَ: «يَا عَائِشَةُ، أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهُونَ بِخَلْقِ اللَّهِ» قَالَتْ عَائِشَةُ: «فَقَطَعْنَا مِنْهُ وَسَادَةً أَوْ وَسَادَتَيْنِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(69) - از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم بر من وارد شد در حالی که من با پارچه‌ای پشمین که بر آن تصاویر [جاندار] بود سکویی [در گوشه خانه] را پوشانده بودم، پس چون آن را دید آن را برداشت و رنگ چهره‌اش عوض شد و فرمود: «ای عایشه سخت‌ترین عذاب را نزد الله در روز قیامت کسانی دارند که سعی می‌کنند با خلقت الله همانندسازی کنند» عایشه می‌گوید: «پس آن را پاره کردیم و از آن یک یا دو بالش ساختیم [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به خانه‌اش نزد عایشه رضی الله عنها رفت و دید که سکویی که محل نگهداری وسایل بود را با پارچه‌ای که در آن تصاویر موجودات جاندار بود پوشانده است، پس رنگ چهره ایشان از روی خشم برای الله تغییر کرد و آن را دور نموده و فرمود سخت‌ترین مردم از نظر عذاب در روز قیامت کسانی اند که با کشیدن تصاویر آفریده‌های الله متعال را شبیه‌سازی می‌کنند. عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: پس آن را یک یا دو بالش ساختیم.

از فوائد حدیث:

1. انکار منکر باید هنگام دیدن آن باشد و نباید آن را به تاخیر انداخت، مگر آنکه مفسده بزرگتری از آن حاصل شود.
2. عذاب روز قیامت بر حسب بزرگی گناه متفاوت است.
3. به تصویر کشیدن موجودات روح‌دار از گناهان کبیره است.
4. یکی از حکمت‌های حرام بود تصویرگری، تلاش در جهت شبیه‌سازی خلقت الله تعالی است؛ فرقی ندارد که شخص نیتش شبیه‌سازی باشد یا نباشد.
5. توجه شریعت به حفظ اموال و استفاده آن پس از دوری از آنچه که در آن حرام است.

6. منع از کشیدن و تولید تصاویر موجودات جاندار به هر شکل که باشد، حتی اگر از بهر ابتذال و اهانت باشد.

(5931)

(70) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا مُفْسِطًا، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخِنْزِيرَ، وَيَضَعَ الْجِزْيَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(70) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيُوشِكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا مُفْسِطًا، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخِنْزِيرَ، وَيَضَعَ الْجِزْيَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ» یعنی: «قسم به آنکه جانم به دست اوست، نزدیک است که فرزند مریم در میان شما به عنوان داوری دادگر نازل شود و صلیب را بشکند، و خوک را بکشد، و جزیه را بردارد، و مال آنقدر سرازیر شود که کسی آن را نپذیرد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به نزدیکی نزول عیسی بن مریم علیه السلام سوگند یاد می‌کند تا آنکه میان مردم با عدل بنا بر شریعت محمدی داوری کند، و اینکه ایشان صلیب را که نصرانیان گرامی‌اش می‌دارند می‌شکنند، و اینکه عیسی علیه السلام خوک را می‌کشد و ایشان علیه السلام جزیه را از میان برمی‌دارد، و مردم همه باید هنگام آمدن او به دین اسلام مشرف شوند. و اینکه مال آنقدر زیاد می‌شود که کسی آن را نمی‌پذیرد؛ زیرا ثروت فراوان می‌شود و به دلیل نزول برکات و سرازیر شدن پی در پی خیرات هرکس با آنچه دارد بی‌نیاز می‌شود.

از فوائد حدیث:

1. اثبات فرو آمدن عیسی علیه السلام در آخر الزمان و اینکه نزول او از نشانه‌های قیامت است.
2. شریعت پیامبر صلی الله علیه وسلم توسط دیگری نسخ نمی‌شود.
3. نزول برکات در مال در آخر الزمان به همراه بی‌نیازی مردم از آن.

4. بشارت به بقای دین اسلام به طوری که عیسی علیه السلام در آخر الزمان بر اساس آن حکم می‌کند.

(65025)

(71) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَمِّهِ: «قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ لَكَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، قَالَ: لَوْلَا أَنْ تُعَيِّرَنِي فُرَيْشٌ، يَقُولُونَ: إِنَّمَا حَمَلَهُ عَلَىٰ ذَلِكَ الْجُرْعُ لَأَقْرَرْتُ بِهَا عَيْنَكَ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ: {إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ} [القصص:

56]. [صحيح] - [رواه مسلم]

(71) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم

به: **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ لَكَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»** فرمود: **«بگو: لا اله الا الله، اشهد لك بها يوم القيامة»** معبودی جز الله نیست، تا این که روز قیامت بر تو گواهی دهم، گفت: اگر قریش مرا، سرزنش نمی کردند، می گویند: وی از روی خوف و ترس این کار را انجام داد، و به زبان **{إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ}**، ای پیامبر (!تو کسی را که دوست داری نمی‌توانی هدایت کنی، بلکه الله هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند [القصص: 56]

[صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از عمویش ابوطالب که در حالت دشواری ها و سختی های مرگ بود خواست تا بگوید: «لا اله الا الله» تا توسط آن روز قیامت شفاعتش را کرده و به اسلام آوردنش گواهی بدهد، ولی او از نطق این شهادت خودداری کرد از ترس اینکه قریش به او دشنام دهند و درباره او بگویند: از ترس مرگ و ضعف اسلام آورد! به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: اگر این چنین نمی بود با گفتن شهادت دلت را شاد می کردم و تو را به آرزویت می رساندم تا این که راضی شوی! سپس الله متعال آیتی را نازل کرد که دلالت بر این دارد که پیامبر صلی الله علیه وسلم توفیق هدایت اسلام را ندارد، بلکه الله متعال به هر که بخواهد توفیق می دهد. و اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم مردم را با دلالت، بیان، ارشاد و دعوت به راه مستقیم هدایت می کند.

از فوائد حدیث:

1. گفتن حق از ترس حرف های مردم ترک نمی شود.
2. پیامبر صلی الله علیه وسلم دارای هدایت دلالت و ارشاد است نه هدایت توفیق.
3. مشروعیت عیادت کافر بیمار برای دعوت کردنش به اسلام.
4. حرص پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دعوت به سوی الله متعال در هر شرایط بود.

(65069)

(72) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حَوْضِي مَسِيرَةٌ شَهْرٍ، مَاءُهَا أَبْيَضٌ مِنَ اللَّبَنِ، وَرِيحُهَا أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ، وَكِبْرَانُهُ كُنُجُومِ السَّمَاءِ، مَنْ شَرِبَ مِنْهَا فَلَا يَظْمَأُ أَبَدًا». [صحيح] - [متفق عليه]

(72) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حوض من به مسافه یک ماه است، آب آن از شیر سفیدتر و بوی آن خوشبوتر از مشک است، کوزه ها -جام های- آن مانند ستاره های آسمان است، هر که از آن بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند که در قیامت حوضی خواهد داشت که طول آن مسیر یک ماه است و عرض آن نیز به همین اندازه خواهد بود، و این که آب آن از شیر سفیدتر است، و اینکه بوی شیرین آن از مشک خوشبوتر است، کوزه ها -جام های- آن به مانند ستاره های آسمان است. هر که توسط آن کوزه ها -جام ها- بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد.

از فوائد حدیث:

1. حوض پیامبر صلی الله علیه وسلم مجمع بزرگی آب است که مؤمنان امت او در روز قیامت به آن می آیند.
2. رسیدن به سعادت برای کسانی که از حوض می نوشند و هرگز تشنه نمی شوند.

(73) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُؤْتَى بِالْمَوْتِ كَهَيْئَةِ كَبْشٍ أَمْلَحَ، فَيُنَادِي مُنَادٍ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ، فَيَشْرَبُونَ وَيَنْظُرُونَ، فَيَقُولُ: هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، هَذَا الْمَوْتُ، وَكُلُّهُمْ قَدْ رَأَاهُ، ثُمَّ يَنَادِي: يَا أَهْلَ النَّارِ، فَيَشْرَبُونَ وَيَنْظُرُونَ، فَيَقُولُ: هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، هَذَا الْمَوْتُ، وَكُلُّهُمْ قَدْ رَأَاهُ، فَيَذْبَحُ ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ، وَيَا أَهْلَ النَّارِ خُلُودٌ فَلَا مَوْتَ، ثُمَّ قَرَأَ: {وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ} [مریم: 39]، وَهَوَّلَاءِ فِي غَفْلَةٍ أَهْلُ الدُّنْيَا {وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} [مریم: 39]». [صحيح] - [متفق عليه]

(73) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مرگ به صورت کبش زیبا آورده می شود، سپس صدا کننده صدا می کند ای اهل بهشت، آنان گردن های خود را بلند می کنند و می نگرند، و می گوید: آیا این را می شناسید؟ می گویند: آری، این مرگ است، و همه آن را دیدند، سپس صدا می کند: ای اهل دوزخ، آنان گردن های خود بلند می کنند و می نگرند، و می گوید: آیا این را می شناسید؟ میگویند: آری این مرگ است، و همه آن را دیدند، پس ذبح می شود و می گوید: ای اهل بهشت تا ابد باقی بمانید و مرگ نیست، و ای اهل دوزخ تا ابد بمانید و مرگ نیست، بعد از آن تلاوت نمود: {وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ} [مریم: 39] و آنان را که (در غفلت به سر می برند، از روز حسرت و پشیمانی بترسان، وقتی که کار به انجام رسانیده می شود و آنان ایمان نمی آورند و آنان اهل دنیا در غفلت به سر می برند {وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} و آنان ایمان نمی آورند [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید که مرگ در روز قیامت بشکل گوسفندی نر که در آن سفیدی و سیاهی می باشد آورده می شود، پس صدا می شود: ای اهل بهشت! گردن و سر های خود را بلند کرده و می نگرند، برای شان گفته می شود: آیا این را میشناسید؟ می گویند: آری، این مرگ است، همه آن دیده و شناخته اند، سپس صدا کننده صدا می زند: ای اهل دوزخ، گردن و سر های خود را بلند می کنند و می نگرند، برای شان گفته می شود: آیا این را میشناسید؟ می گویند: آری، این مرگ است، همه آن دیده اند؛ سپس کبش

ذبح می شود، و صدا کننده می گوید: ای اهل بهشت تا ابد باقی بمانید و مرگ نیست، و ای اهل دوزخ تا ابد باقی بمانید و مرگ نیست. برای این که بر نعمت های مؤمنان افزوده شود و بر عذاب کافران غلبه کند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم تلاوت نمود: { وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

، و آنان را که (اکنون در غفلت به سر می برند، از روز حسرت و پشیمانی بترسان وقتی که کار به انجام رسانیده می شود، و آنان اهل دنیا در غفلت به سر می برند و آنان ایمان نمی آورند. پس در روز قیامت اهل بهشت و جهنم را از هم جدا شده، و هر یک به مصیر خود داخل می شوند و جاودانه در آن می مانند. پس بد کاران از انجام ندادن کار نیک پشیمان می شوند، و تقصیر کننده نیز از عدم ازدیاد کار نیک پشیمان می شوند.

از فوائد حدیث:

1. مصیر انسان در آخرت تا ابد ماندن است، یا در بهشت و یا در دوزخ.
2. هشدار شدید از وحشت روز قیامت و اینکه آن روز حسرت و پشیمانی است.
3. بیان شادی همیشگی اهل بهشت، و غم همیشگی اهل جهنم.

(65035)

(74) - عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: إنه سمع نبي الله صلى الله عليه وسلم يقول: «لَوْ أَنَّكُمْ تَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ، لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ، تَعْدُو حِمَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا».

[صحيح] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(74) - از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که فرمود: او از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنید که می فرمود: "اگر شما به درستی بر الله متعال توکل حقیقی داشتید (به شما همانند پرنده هایی که صبح با شکم خالی می روند و شب هنگام با شکم پر بر می گردند رزق و روزی می داد [صحيح]-[ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ما را برای کسب منفعت و دفع ضرر در امور دنیا و دین تشویق می نماید تا بر الله متعال توکل نماییم، زیرا کسی جز الله متعال نمی بخشد، و منع نمی کند، و زیان نمی رساند، و نفع نمی رساند. و اینکه با ایمان واقعی و تکیه

به الله متعال از وسایلی استفاده کنیم که منفعت را جلب و زیان را دفع می کند، پس هر گاه ما این کار را انجام دادیم، الله متعال مانند پرندگانی به ما رزق می دهد که صبح در حال گرسنگی از خانه های خود خارج می شوند، و درو طرف شام با شکم پر برمی گردند، این کار از پرندگان نوعی به کار بردن اسباب در جستجوی رزق و روزی است، بدون تنبلی و کسالت

از فوائد حدیث:

1. فضیلت توکل، و اینکه آن از بزرگترین اسبابی است که باعث کسب رزق و روزی می شود.
2. توکل منافاتی با انجام اسباب ندارد، توکل حقیقی مخالف با صبح بیرون رفتن و شب برگشتن برای طلب رزق و روزی نیست.
3. اهمیت دادن شریعت به اعمال قلب؛ زیرا توکل عمل قلبی می باشد.
4. فقط دل بستگی به اسباب، نقص در دین است و ترک اسباب نقص در عقل.

(4721)

(75) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُسَلِّمُ الرَّاَكِبُ عَلَى الْمَاشِي، وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ».

وَلِلْبُخَارِيِّ: «يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ، وَالْمَارُّ عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(75) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم «فرمودند»: «يُسَلِّمُ الرَّاَكِبُ عَلَى الْمَاشِي، وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ».

«سواره بر پیاده، و پیاده بر نشسته، و جمع کم بر جمع بسیار سلام گویند» [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را به آداب خوش آمد گویی و سلام بین مردم راهنمایی کرده است، یعنی گفتن «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»، به این صورت که کوچکتر بر بزرگتر، و سواره بر پیاده، و پیاده بر نشسته، و جمع کم بر جمع بسیار سلام گویند.

از فوائد حدیث:

1. استحباب سلام گفتن به همان نحوی که در حدیث آمده است، اما اگر پیاده بر سواره سلام گوید و غیر آنچه بیان شد، جایز است اما خلاف اولی و خلاف بهتر است.
2. سلام انداختن به همان صورتی که در حدیث آمده از اسباب محبت و نزدیک شدن دلهاست.
3. اگر دو نفر یا دو گروه در این موارد ذکر شده برابر بودند، بهترین آنها کسی است که زودتر سلام گوید.
4. کمال این شریعت در بیان هر آنچه مردم به آن نیاز دارند می باشد.
5. آموزش آداب سلام و اعطای حق برای هر صاحب حق.

(76) - عن أبي ذر رضي الله عنه: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيمَا رَوَى عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ قَالَ: «يَا عِبَادِي إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي، وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا، فَلَا تَظَالُمُوا، يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ، فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ، يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ، فَاسْتَطْعِمُونِي أَطْعِمْكُمْ، يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ عَارٍ إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ، فَاسْتَكْسُونِي أَكْسُمْكُمْ، يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ مُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ، يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضُرِّي فَتَضُرُّونِي، وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي، يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ كَانُوا عَلَى أَتَقَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا، يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ كَانُوا عَلَى أَفَجَرَ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا، يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتُمْ كَانُوا عَلَى أَفَجَرَ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ، يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أَحْصِيهَا لَكُمْ ثُمَّ أَوْفِيكُمْ بِهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(76) - از ابو ذر رضی الله عنه روایت است: از پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در مورد آنچه که از پروردگارش روایت کرده، می فرماید که او فرمود: «ای بندگانم، من ظلم را بر خویش حرام کرده ام و آن را هم در بین شما حرام کرده ام، پس به همدیگر ظلم نکنید ای بندگانم، همه شما گمراه هستید مگر کسی را که من هدایت کنم، پس از من طلب هدایت کنید تا شما را هدایت کنم، ای بندگانم همه شما گرسنه هستید مگر کسی که من او را طعام دهم، پس از من طلب طعام کنید تا شما را طعام دهم، ای بندگانم، همه شما عریان (لخت هستید مگر کسی را که توسط لباس پوشاندم، پس از من طلب لباس کنید تا به شما لباس) دهم، ای بندگانم، شما در شب و روز گناه می کنید و من تمامی گناهان را می بخشم، پس از من طلب آمرزش کنید شما را می آمرزم، ای بندگانم، زیان شما به من نمی رسد تا مرا زیان رسانید، و نفع شما به من نمی رسد تا مرا یاری رسانید، ای بندگانم، اگر اولین و آخرین شما و همه انسان ها و جنی های شما، مانند قلب باتقواترین مردی از شما باشند چیزی به مُلک و پادشاهی من زیاد نمی شود، ای بندگانم، اگر اولین و آخرین شما و همه انسان ها و جنی های شما، مانند قلب گناهکارترین مردی از شما باشند، چیزی از مُلک و پادشاهی من کم نمی شود، ای بندگانم، اگر اولین و آخرین شما و همه انسان ها و جنی های شما در یک مکان با هم از من طلب کنند، و خواست هر کدام از آنان را برآورده سازم چیزی از آنچه که نزد من وجود دارد کم نمی شود مگر همانند کم شدن آب بحری که سوزنی وارد آن شود، ای بندگانم، بطور قطعی من اعمال شما را می شمارم (و ثبت می کنم (سپس جزای آنها را به شما می دهم، پس هر کسی خیری حاصل کرد، الله را ستایش کند، و هر کسی غیر آن حاصل کرد، فقط نفس خود را ملامت کند [صحیح]- مسلم روایت]

[کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که الله متعال فرموده است: که ظلم را برای خود حرام کرده است و ظلم را در بین مخلوق خود حرام کرده است، پس هیچ کس به دیگری ستم نکند. و اینکه همه مخلوقات گمراهند از راه حق مگر به هدایت و توفیق الله متعال، و هر کسی از الله متعال آنرا بخواهد او را توفیق می دهد و هدایتش می کند. و اینکه مردم در تمام کارها ایشان به الله متعال محتاج اند، و هر کسی از الله متعال بخواهد حاجتش را برآورده می سازد، و او را کافی می شود. و اینکه آنها در شب و روز گناه می کنند و الله متعال آبروی او را نگاه می کند وقتی بنده آمرزش بخواهد. و نمی توانند به الله متعال، ضرر و یا سودی برسانند. و اینکه اگر آنان مانند قلب باتقواترین مردی از شما باشند تقوایشان چیزی به مُلک الله متعال نمی افزاید. و یا اگر آنان مانند قلب گناهکارترین مردی از شما باشند، گناهان آنان نیز چیزی از مُلک الله متعال کم نخواهد کرد. زیرا این بندگان

در هر زمان و مکان ضعیف و نیازمند به درگاه او هستند و او غنی و منزّه است. و اینکه اگر همه آنان؛ انس و جن، اول و آخر شان در یک مکان جمع شوند و از الله متعال درخواست کنند، و او خواست هر کدام از آنان را برآورده نماید، از آنچه که نزد الله متعال است چیزی کم نخواهد شد؛ مگر همانند کم شدن آب بحری که سوزنی وارد آن شود، و این از کمال غنای آن سبحان است.

و اینکه الله متعال همه ی اعمال بندگان را می شمارد، سپس روز قیامت جزایشان را می دهد، پس هر کسی جزای خیر اعمالش را دید ثنا و ستایش الله متعال را بخاطر توفیق عبادتش بجا بیاورد، و هر کسی جزای شر اعمالش را دید فقط نفس اماره خویش را ملامت کند که او را به سوی خسارت مندی کشانده است.

از فوائد حدیث:

1. این حدیث از جمله احادیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از پروردگارش روایت کرده است، و آن را حدیث قدسی یا الهی می گویند، و حدیث قدسی آن حدیث است که لفظ و معنای آن از جانب پروردگار باشد، جز این که حدیث قدسی ویژگی های قرآن را ندارد؛ که آن را از دیگر اشیاء متمایز می سازد، مانند تعبد به تلاوت آن، طهارت برای آن، چالش، اعجاز و غیره.
2. آنچه که برای بندگان از دانش و هدایت حاصل می شود، به هدایت الهی و آموزش او برای انسان حاصل شده است.
3. هر آنچه که بندگان از خیر به دست می آورند در نتیجه ی فضل الله متعال است، و هر آنچه که بندگان از شر به دست می آورند در نتیجه ی پیروی از هوای نفس آنها است.
4. هر کسی نیکوکاری کند، به توفیق الهی است، و جزای او حصول فضل الهی است. پس الله را ستایش است، و هر کسی بدی کرد، جز خود را ملامت نکند.

(77) - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اتَّقُوا الظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(77) - از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اتَّقُوا الظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ». از ظلم بیرهیزید، زیرا ظلم تاریکی‌هایی در روز قیامت است، و از بخل ورزی بیرهیزید، زیرا بخل ورزی کسانی را که پیش از شما بودند هلاک کرد؛ آنان را بر آن داشت که «خون‌هایشان را بریزند و حرمت‌هایشان را حلال بشمارند [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره ظلم هشدار داده و از جمله آن: ستم به مردم، ستم در حق خود، و ستم در حق الله تعالی است، ظلم یعنی ندادن حق هر صاحب حق، و ظلم در روز قیامت برای صاحبان اش تاریکی‌هایی است، و باعث دشواری‌ها و وحشت روز قیامت است. و پیامبر صلی الله علیه وسلم از بخل ورزی برحذر داشت که شح همانا بخل ورزی شدید به همراه حرص است، و از جمله آن کوتاهی در ادای حقوق مالی و حرص شدید بر دنیا است، و این نوع از ظلم، امت‌های پیش از ما را هلاک کرد، آنطور که آنان را بر این داشت که همدیگر را بکشند و حرام‌هایی را که الله منع کرده بود مباح بشمارند.

از فوائد حدیث:

1. خرج مال و هم‌دردی و کمک به دوستان از اسباب محبت و پیوند است.
2. بخل و شح انسان را به سمت گناهان و فحشا و گناهان می‌کشاند.
3. عبرت گرفتن از احوال امت‌های پیشین.

(5787)

(78) - عن أبي موسى رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ لَيُمِئِي لِلظَّالِمِ، حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يُفْلِتْهُ» قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ: «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ» [هود: 102] «[صحيح] - [متفق عليه]

(78) - از ابو موسی رضی الله عنه روایت است فرمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بی گمان که الله متعال به ستمگر مهلت می دهد، تا این که او را بگیرد پس او را رها نمی کند» گفت: سپس (این آیه مبارکه را (خواند: { «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ» [هود: 102] » [و چنین است بازخواست پروردگارت که اهالی شهرهایی را که ستمکار [و مشرک] بودند فرو می گرفت. بی گمان، بازخواست او دردناک و سخت است [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از اصرار بر ظلم با گناه و شرک، و ظلم به مردم در حقوق شان هشدار می دهد، زیرا الله متعال به ظالم مهلت می دهد و او را به تأخیر می اندازد و عمر او را طولانی و مال او را زیاد می سازد، در مجازات وی عجله نمی کند، پس اگر توبه نکند او را می گیرد و به خاطر ظلم زیاد او، وی را رها نمی کند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیه را خواند: { وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ } [هود: 102]. [و چنین است بازخواست پروردگارت که اهالی شهرهایی را که ستمکار [و مشرک] بودند فرو می گرفت. بی گمان، بازخواست او دردناک و سخت است.

از فوائد حدیث:

1. عاقل باید در توبه عجله کند، و بداند در صورت اصرار بر ظلم از گرفتار شدن الله متعال در امان نخواهد بود.
2. الله متعال به ظالمان مهلت می دهد، و از روی استدراج در مجازات شان عجله نمی کند، و در صورت توبه نکردن عذاب شان را چند برابر می سازد.
3. ظلم از جمله اسبابی است که الله متعال به سبب آن امت ها را تعذیب می کند.

4. وقت الله متعال روستاها را هلاک می کند، ممکن است افراد صالحی در آن باشند پس اینها در روز قیامت به اعمال نیک که به آن مرده اند برانگیخته می شوند، و اینکه در دنیا عذاب شامل حالشان شده بود ضرری به آنها نمی رساند.

(5811)

(79) - عن ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيمَا يَرُوي عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، ثُمَّ بَيَّنَّ ذَلِكَ، فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، فَإِنْ هُوَ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ لَهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ، إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَمَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، فَإِنْ هُوَ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ لَهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً». [صحيح] - [متفق عليه]

(79) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است: از رسول الله - صلی الله علیه و سلم در آنچه که از پروردگارش - تبارک و تعالی - روایت می کند، فرموده اند: «: الله متعال - نیکی ها و گناهان را نوشته است، سپس این را بیان نموده که هر کسی خواست نیکی کند ولی آن را انجام نداد، الله متعال آن نیکی را به صورت کامل در نزد خویش می نویسد، و اگر خواست نیکی کند و آن را انجام داد، الله متعال در نزد خویش ده نیکی تا هفتصد برابر یا بیشتر از آن می نویسد، و اگر خواست گناه کند ولی آن را انجام نداد، الله متعال در نزد خویش یک نیکی کامل می نویسد، و اگر خواست گناهی کند ولی آن را انجام داد الله متعال "تنها یک گناه برای او می نویسد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید که الله متعال خوبی ها و بدی ها را اندازه نموده، سپس به دو فرشتگان نشان داده که چگونه آنها را بنویسند پس هر کسی بخواهد و قصد کند و تصمیم گیرد که عمل نیک را انجام دهد یک حسنه برای او نوشته می شود، اگرچه آنرا انجام ندهد، اما اگر انجام دهد ده برابر تا هفتصد برابر و بیشتر از آن برایش افزایش می دهد، و زیادت بر حسب آنچه در قلب از اخلاص و منفعت رساندن به دیگران باشد است.

و هر کسی اراده و قصد و تصمیم انجام دادن گناه داشته باشد، سپس او را برای الله متعال ترک کند، برای وی اجر نوشته می شود، اگر او را بخاطر مشغول شدن به کاری

دیگری ترک نمود، در حالی که اسباب آنرا انجام نداده باشد هیچ چیزی علیه وی نوشته نمی شود، اما اگر گناه را بخاطر عدم توانایی ترک کند، پس نظر به نیت برای او نوشته می شود، ولی اگر آنرا انجام دهد برایش یک بدی نوشته می شود

از فوائد حدیث:

1. بیان مهربانی بزرگ الله متعال بر این امت که نیکی ها را چند برابر ساخته نزد خود می نویسد، و بدی ها را چند برابر نمی سازد.
2. ارزش نیت در اعمال و تأثیر آن
3. لطف و احسان پروردگار، این که هر کس قصد عمل نیک داشته باشد و آن را انجام ندهد الله متعال آن را نیکی می نویسد.

(4322)

(80) - عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أُنْوَخِدُ بِمَا عَمِلْنَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ؟ قَالَ: «مَنْ أَحْسَنَ فِي الْإِسْلَامِ لَمْ يُوَخِدْ بِمَا عَمِلَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، وَمَنْ أَسَاءَ فِي الْإِسْلَامِ أُخِدَ بِالْأَوَّلِ وَالْآخِرِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(80) - از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که فرمود: مردی گفت: ای رسول الله، آیا برای آنچه در جاهلیت انجام داده ایم بازخواست خواهیم شد؟ ایشان فرمودند: "هر که در اسلام نیکوکاری کند برای آنچه در جاهلیت انجام داده است مؤاخذه نخواهد شد، و هر که در اسلام بدی کند برای آنچه در آغاز و پایان انجام داده است، بازخواست خواهد شد" [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم فضیلت داخل شدن در اسلام را بیان می کند. و آنکه اسلام را پذیرفت و مسلمان نیکو شد و مخلص و راستگو بود؛ از گناهایی که در دوران جاهلیت مرتکب شده است پاسخگو نخواهد بود؛ و هر کسی که در اسلام بدی بکند، در حالی که منافق و یا مرتد باشد؛ او به خاطر کارهایی که در کفر انجام داده و آنچه در اسلام انجام داده است پاسخگو خواهد بود

از فوائد حدیث:

1. اهمیت دادن صحابه رضی الله عنهم و ترس از آنچه در دوران جاهلیت انجام می دادند.
2. تلاش به استقامت بر اسلام
3. فضیلت ورود به اسلام و این که سبب کفاره اعمال قبلی است
4. مرتد و منافق در برابر هر عملی که در دوران جاهلیت مرتکب شده است و هر گناهی که در اسلام انجام داده است، پاسخگو خواهد بود.

(65002)

(81) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ نَاسًا مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ، كَانُوا قَدْ قَتَلُوا وَأَكْتَرُوا، وَزَنُوا وَأَكْتَرُوا، فَأَتَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا: إِنَّ الَّذِي تَقُولُ وَتَدْعُو إِلَيْهِ لِحَسَنٍ، لَوْ نُخْبِرُنَا أَنَّ لِمَا عَمِلْنَا كَفَّارَةً، فَزَلَّ {وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ} [الفرقان: 68]، وَنَزَلَتْ: {قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ} [الزمر: 53]. [صحيح] - [متفق عليه]

(81) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: مردمی از اهل شرک که در قتل و زنا زیاده روی کرده بودند به نزد محمد صلی الله علیه وسلم آمدند و گفتند: آنچه تو می گویی و به آن فرا می خوانی بی شک نیکو است، اگر بگویی که آنچه ما انجام داده ایم کفاره ای دارد، پس این آیه نازل شد: {وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ} [الفرقان: 68] [و کسانی که معبودی دیگر با الله نمی خوانند و کسی که الله [کشتنش را] حرام کرده است، جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند و این آیه نازل شد: {قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ} [الزمر: 53] [ای پیامبر، [به بندگانم که] در ارتکاب به شرک و گناه [زیاده روی کرده اند، بگو: { ۵۳ (از رحمت الهی مأیوس نباشید [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

مردان از مشرکان نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند در حالی که بسیار مرتکب قتل و زنا شده بودند، به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: آنچه تو به سوی آن دعوت می دهی

یعنی اسلام و تعالیم آن چیز خوبی است، اما حال ما که مرتکب شرک و کبائر شده ایم چگونه است و آیا این کفاره‌ای دارد؟

پس این دو آیه نازل شد و الله توبه مردم را با وجود زیادی گناهان و بزرگی آن پذیرفت و اگر چنین نبود به کفر و طغیانشان ادامه می دادند و وارد این دین نمی شدند.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت اسلام و عظمت آن و اینکه گناهان پیشین را نابود می کند.
2. فراخی رحمت الله نسبت به بندگان و مغفرت و عفو او.
3. تحریم شرک و تحریم کشتن مگر به حق و تحریم زنا و وعید و تهدید برای کسانی که مرتکب این گناهان می شوند.
4. توبه صادقانه همراه با اخلاص و عمل نیک همه گناهان کبیره را پاک می کند، از جمله کفر به الله تعالی.
5. تحریم نا امیدی و یاس از رحمت الله سبحانه و تعالی.

(65071)

(82) - عَنْ حَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ أَشْيَاءَ كُنْتُ أَتَحَنُّتُ بِهَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ مِنْ صَدَقَةٍ أَوْ عَتَاقَةٍ، وَصَلَةِ رَجِمٍ، فَهَلْ فِيهَا مِنْ أَجْرٍ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَسَلَّمْتَ عَلَى مَا سَلَفَ مِنْ خَيْرٍ». [صحيح] - [متفق عليه]

(82) - از حکیم بن حزام رضی الله عنه روایت است که فرمود: گفتم: ای رسول الله، آیا چیزهایی را که در زمان جاهلیت انجام می دادم مانند صدقه، آزادی برده گان، و حفظ پیوند خویشاوندی، آیا آنها پاداش دارد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «در حالی اسلام». [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که اگر کافر اسلام را بپذیرد، پاداش اعمال صالحی را که در دوران جاهلیت انجام می داد از قبیل انفاق، آزادی بردگان یا حفظ پیوند خویشاوندی را دریافت می کند.

از فوائد حدیث:

1. نیکی های را که کافر در دنیا انجام داده است در آخرت پاداش ندارد اگر در حالت کفر بمیرد.

(65016)

(83) - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مُؤْمِنًا حَسَنَةً، يُعْطَى بِهَا فِي الدُّنْيَا وَيُجْزَى بِهَا فِي الْآخِرَةِ، وَأَمَّا الْكَافِرُ فَيُطْعَمُ بِحَسَنَاتِ مَا عَمِلَ بِهَا لِلَّهِ فِي الدُّنْيَا، حَتَّى إِذَا أَفْضَى إِلَى الْآخِرَةِ، لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَةٌ يُجْزَى بِهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(83) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که می فرماید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله متعال در نیکی بر مؤمن ظلم نمی کند، در دنیا به او پاداش داده می شود و در آخرت نیز به او پاداش آن می رسد، و برای کافر در برابر کارهای نیک که برای الله انجام داده است روزی داده می شود، و هر گاه بسوی آخرت سوق داده شود.» [صحيح] - [مسلم]

[روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم عظمت لطف الله متعال را بر مؤمنان، و عدالت او را با کافران بیان می نماید. و اما مؤمن از ثواب عمل نیک او کم نمی شود؛ بلکه به خاطر اطاعتش در دنیا به او نیکی داده می شود، علاوه بر آنچه در آخرت برای او از پاداش، ذخیره می شود؛ و ممکن است تمام پاداش در آخرت برای او ذخیره شود. و اما برای کافر الله متعال پاداش نیکی هایش را با نیکی های دنیا می دهد، تا این که به آخرت برگردانده شود هیچ ثواب را دریافت نخواهد کرد؛ زیرا کار خیری که در هر دو جهان سود می رساند این است صاحبش باید مؤمن باشد.

از فوائد حدیث:

1. هر که در حال کفر بمیرد هیچ عملی برایش سود نمی رساند.

(65015)

(84) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِيمَا يَحْكِي عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، قَالَ: «أَذْنَبَ عَبْدٌ ذَنْبًا، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَذْنَبَ عَبْدِي ذَنْبًا، فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ، وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ عَادَ فَأَذْنَبَ، فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: عَبْدِي أَذْنَبَ ذَنْبًا، فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ، وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ عَادَ فَأَذْنَبَ، فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَذْنَبَ عَبْدِي ذَنْبًا، فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ، وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ، أَعْمَلُ مَا شِئْتَ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(84) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر - صلی الله علیه و سلم - از آنچه که از پروردگارش تبارک و تعالی حکایت می کند، فرمودند « بنده گناهی کرد و گفت: الهی گناهم را ببخش او تعالی فرمود: بنده من گناهی کرد و دانست که پروردگاری دارد که گناه را می بخشد و گناهکاران را مجازات می کند، سپس بار دیگر گناهی انجام داد، و گفت: ای پروردگار گناه مرا ببخش، الله تبارک و تعالی فرمود: بنده ام گناهی انجام داد، و دانست پروردگاری دارد که گناهان را می بخشد، و گناهکاران را مجازات می کند سپس بار دیگر گناهی انجام داد، و گفت: ای پروردگار گناه مرا ببخش، الله تبارک و تعالی فرمود: بنده ام گناهی انجام داد، و دانست پروردگاری دارد که گناهان را می بخشد، و گناهکاران را مجازات می کند، هر کاری خواستی انجام ده به یقین که تورا بخشیدم ». [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از پروردگارش روایت می کند، که اگر بنده ای مرتکب گناهی شود و سپس بگوید: الهی گناهم را ببخش، الله متعال می فرماید: - بنده من، گناه می کند و می داند پروردگاری دارد که گناه را می بخشد، پس از آن او را می پوشاند و از او درمی گذرد، یا در نتیجه گناه مجازات می کند - من او را بخشیدم. سپس بنده دوباره گناهی کرد و گفت: پروردگارا گناهم را ببخش، سپس الله متعال فرمود - بنده من گناهی کرد و دانست پروردگاری دارد که گناه را می بخشد

پس از آن او را می پوشاند، و از او در می گذرد، و یا در نتیجه گناه او را مجازات می کند - من بنده ام را بخشیدم. سپس بنده بار دیگر مرتکب گناهی شد و گفت: پروردگارا گناهم را ببخش، پس الله متعال فرمود: بنده من گناهی کرد و دانست پروردگاری دارد که گناه را می بخشد پس از آن او را می پوشاند، و از او در می گذرد، یا او را مجازات می کند، به درستی بنده ام را بخشیدم، و هر کاری خواست انجام دهد، تا زمانی این کار را

انجام دهد، به طوری که هر گناه را ترک کند و بعد از آن توبه کند و از این کار پشیمان شود، و تصمیم بگیرد دیگر به آن باز نمی‌گردد، اما نفس بر او غلبه می‌کند، پس دوباره در گناه می‌افتد، تا زمانی که چنین می‌کند؛ گناه می‌کند و سپس توبه کند، من او را می‌بخشم، زیرا توبه آنچه را که پیش از آن بوده است، از بین می‌برد.

از فوائد حدیث:

1. بزرگی فضل و رحمت الله متعال بر بندگانش، اینکه انسان هر چه گناه کند و هر چه انجام دهد، تا وقتی بسوی او توبه می‌کند و به سوی او برمی‌گردد، الله متعال توبه او را می‌پذیرد.
2. مؤمن به الله متعال به عفو پروردگارش امیدوار است، و از عذاب او می‌ترسد، پس به توبه می‌شتابد و به نافرمانی ادامه نمی‌دهد.
3. شرایط توبه واقعی: ترک گناه، پشیمانی و عزم بر عدم برگشت به گناه.
4. و اگر توبه ارتباط به حقوق بندگان داشته باشد که به مال و ناموس یا نفس آنها صدمه رسانده باشد، شرط چهارم اضافه می‌شود که عبارت است از: خود را حلال ساختن از صاحب حق، یا دادن حق او می‌باشد.
5. اهمیت شناخت الله متعال که بنده را از امور دین خود آگاه می‌سازد، پس هرگاه خطایی کرد توبه کند، ناامید نشود و اصرار نکند.

(85) - عن عليّ قال: إِنِّي كُنْتُ رَجُلًا إِذَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدِيْثًا تَمَعَنِي اللهُ مِنْهُ بِمَا شَاءَ أَنْ يَنْفَعَنِي بِهِ، وَإِذَا حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ اسْتَحْلَفْتُهُ، فَإِذَا حَلَفَ لِي صَدَّقْتُهُ، وَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ، وَصَدَقَ أَبُو بَكْرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ: «مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا، ثُمَّ يَقُوْمُ فَيَتَطَهَّرُ، ثُمَّ يُصَلِّي، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللهُ، إِلَّا غَفَرَ اللهُ لَهُ»، ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ} [آل عمران: 135]. [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي في الكبرى وابن ماجه وأحمد]

(85) - از علی روایت است که فرمود: هرگاه از رسول الله صلی الله علیه وسلم حدیثی می‌شنیدم، الله من را از آن چنانکه خواسته بود سودمند می‌کرد، و اگر مردی از اصحاب ایشان به من حدیثی [به نقل از ایشان] می‌گفت، او را قسم می‌دادم، پس اگر قسم می‌خورد او را راستگو می‌شمردم، و همانا ابوبکر به من حدیث گفت و ابوبکر راست گفت که: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا، ثُمَّ يَقُوْمُ فَيَتَطَهَّرُ، ثُمَّ يُصَلِّي، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللهُ، إِلَّا غَفَرَ اللهُ لَهُ» یعنی: «مردی نیست که گناهی کند، سپس برخیزد و وضو بگیرد، سپس نماز بخواند، سپس از الله آمرزش بخواند، مگر آنکه الله او را می‌بخشد». سپس این آیه را تلاوت کرد: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ} [آل عمران: ۱۳۵] [و همان [کسانی که چون مرتکب کار زشتی (شدند یا بر خود ستم کردند، الله را یاد می‌کنند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند [صحيح]-[ابو داود و ترمذی و نسایی در الكبرى و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده که بنده‌ای دچار گناهی نمی‌شود که پس از آن وضو سازد، و سپس برخیزد و دو رکعت به نیت توبه از آن گناه بخواند، و سپس از الله آمرزش بخواند، مگر آنکه الله او را مورد بخشش قرار می‌دهد. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم این سخن حق تعالی را تلاوت کردند: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهُ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ اللهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [همان [کسانی که چون مرتکب کار زشتی شدند یا بر خود ستم کردند، الله را یاد می‌کنند] و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند - و جز الله چه کسی گناهان را می‌آمرزد؟- و بر آنچه (کرده‌اند پافشاری نمی‌کنند در حالی که می‌دانند [گناهکارند و الله بخشاینده و توبه‌پذیر است] [آل عمران: ۱۳۵].

از فوائد حدیث:

1. ترغیب به نماز و سپس استغفار پس از گناه
2. وسعت مغفرت الله عزوجل و پذیرش توبه و استغفار از سوی او

(65063)

(86) - عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(86) - از ابوموسی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا»: «الله متعال در شب دستش را می گشاید تا توبه ی گناهکار روز را قبول کند، و در روز دستش را باز می کند تا توبه ی گناهکار شب را بپذیرد» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله متعال توبه بندگان را می پذیرد، اگر بنده در روز مرتکب گناه شود و شب توبه کند الله متعال توبه او را می پذیرد، و اگر شب مرتکب گناه شود و روز توبه کند الله متعال توبه او را می پذیرد. و الله متعال از جهت شادی و قبولی دست خود را برای توبه دراز می کند، و در توبه را باز می ماند، تا زمانی که خورشید از مغرب طلوع کند که نشانه پایان دنیا می باشد، پس چون طلوع کند در توبه بسته می شود.

از فوائد حدیث:

1. قبولی توبه تا زمانی ادامه دارد که در آن باز باشد، و در آن با طلوع آفتاب از مغرب بسته می شود، و این که انسان قبل از غرغره مرگ توبه کند، که آن رسیدن روح به گلو است.
2. عدم یأس و ناامیدی بسبب گناه، چون بخشش و رحمت الله متعال وسیع است، و در توبه باز است.

3. شرط های توبه : اول :ترک گناه، دوم :پشیمانی از ارتکاب آن، و سوم :عزم بر عدم برگشت به آن بطور قطعی، این در رابطه به حقوق الله متعال باشد، و اگر مربوط به حقی از حقوق بندگان باشد، پس برای صحت توبه لازم است که آن حق به صاحبش داده شود، و یا صاحب حق او را ببخشد

(4318)

(87) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ، يَقُولُ: «مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ؟ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأَعْطِيَهُ؟ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ؟»». [صحيح] - [متفق عليه]

(87) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است می فرماید که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند :پروردگار ما تبارک و تعالی در هر شب، هنگامی که یک سوم شب باقی می ماند، به آسمان دنیا نازل می شوند، و می فرمایند :چه کسی مرا می خواند تا او را اجابت کنم؟ چه کسی از من طلب می کند تا به او ببخشم؟، چه کسی طلب استغفار می کند تا او را ببامرزم؟ [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

ببامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید که پروردگار مان تبارک و تعالی هنگامی که یک سوم شب باقی بماند، به آسمان دنیا نازل می شود، و بندگان خود را تشویق می کند تا از او دعا بخواهند، چون او دعای کسی را که از او بخواهد اجابت می کند، و آنان را تشویق می کند تا از او هر آنچه خوش دارند بخواهند، چون او ذاتی است که کسی از او سوال کند به او می دهد، و آنان را تشویق می کند که طلب بخشش از گناهان کنند، چون او بندگان، مؤمنش را می بخشد

از فوائد حدیث:

1. فضیلت ثلث آخر شب، و فضیلت نماز، دعاء و استغفار در آن
2. انسان با شنیدن این حدیث باید بسیار مراقب باشد که از اوقات مستجاب شدن دعا استفاده کند

(10412)

(88) - عن الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ - وَأَهْوَى الثُّعْمَانُ بِإِصْبَعَيْهِ إِلَى أُذُنَيْهِ -: «إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنٌ، وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرَعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ حِمَارُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً، إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(88) - از نعمان بن بشیر - رضی الله عنه - روایت است گفت: شنیدم که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرمود - و نعمان هر دو انگشتان خود را به گوشه‌هایش برد: حلال آشکار و حرام آشکار است، و میان آن دو چیزهای مشتبهات (مشکوک) وجود دارد که افراد زیادی از آن آگاه نیستند، پس هر کسی از آن موارد مشتبه دوری جست دین و ناموس خود محفوظ کرد، و هر کسی مرتکب این موارد قابل اشتباه شد مرتکب حرام شده است، مانند چوپانی که در محدوده علف زاری (حیوانات خود را می چرانند، و هر لحظه امکان دارد در داخل آن علف زار بچرند، بدانید هر پادشاهی محدوده‌ی حمایت شده‌ای دارد، و محدوده‌ی حمایت شده‌ی الهی محرمات او هستند، بدانید در بدن تکه گوشت وجود دارد که اگر اصلاح گردید همه بدن اصلاح شده است، و اگر فاسد گردید همه بدن فاسد شده است، بدانید "که آن قلب است [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - یک قاعده کلی را در مورد اشیاء بیان کرد، و آن اینکه در شریعت اشیاء به سه دسته تقسیم می شود: حلال آشکار، حرام آشکار، و چیزهای مشکوک که حکم آنها از نظر حلال بودن و یا حرام بودن روشن نیست، و حکم آن برای بسیاری از مردم معلوم نیست.

پس هر کس آن چیزهای مشکوک را ترک کند، دینش را با دوری از افتادن در حرام نگه داشت، و آبروی او از گفتار مردم؛ که مرتکب این موارد قابل اشتباه شده، از عیب و عار آنان در امان خواهد بود. و هر کسی از این موارد قابل اشتباه دوری نکند، خود را در معرض افتادن در حرام، یا غیبت کردن مردم از او، و آبرو بردنش قرار داده است. رسول الله - صلی الله علیه و سلم - مثال کسی را که مرتکب شبهات می شود مانند چوپانی بیان کرده است که گوسفندان خود را در نزدیکی کشت زار می چراند که صاحبش آن را مرز

بندی کرده است، در این صورت احتمال دارد که گوسفندان این چوپان به خاطر نزدیکی، در آن چراهگاه بچرند، پس کسی که کارهای مشکوک انجام می دهد نیز همینطور است. چونکه با این کار به حرام نزدیک می شود، و احتمال زیادی وجود دارد که در آن بیفتد سپس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - خبر داد که در بدن تکه گوشتی (و آن قلب است) وجود دارد، که بدن با اصلاح آن اصلاح و با فساد آن فاسد می شود

از فوائد حدیث:

1. تشویق برای ترک کردن موارد قابل اشتباه؛ که حکمش روشن نشده است

(4314)

(89) - عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: كُنْتُ خَلَفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا، فَقَالَ: «يَا غُلَامُ، إِنِّي أَعَلَّمْتُكَ كَلِمَاتٍ، أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَحُدُّهُ تَجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ، لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ». [صحيح] - [رواه الترمذي]

(89) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: روزی در عقب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بودم، ایشان فرمودند: "ای جوان، من به تو سخنانی یاد می دهم: از اوامر و نواهی (الله متعال محافظت کن، او نیز از تو محافظت می کند، از اوامر و نواهی (الله متعال محافظت کن، او را همراه و یاری رسان خود می بینی، و اگر خواستی از الله بخواه، و اگر طلب کمک کردی، از الله طلب کمک کن، و بدان اگر همه ی امت جمع شوند تا نفعی به تو برسانند، نمی توانند نفعی به تو برسانند مگر به چیزی که الله متعال برای تو نوشته باشد، و اگر جمع شوند تا آسیبی به تو برسانند، به تو آسیبی نمی برسانند مگر به چیزی که الله متعال برای تو نوشته است، قلم ها برداشته شده اند، و نوشته ها به اتمام رسیده است [صحيح]-[ترمذی روایت کرده]

توضیح:

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید که او در سن خورد سالگی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر سر (سوارى بود که او صلی الله علیه وسلم برایش فرمود: من به تو کارها و چیزهای را می آموزانم که الله متعال به سبب آن به تو نفع می رساند الله متعال را با حفظ اوامر و دوری از نواهی او حفظ کن تا تو را در طاعت و عبادت بیابد، و در نافرمانی و گناه نیابد، اگر این کار را بکنید، پادشاه این است که الله متعال تو را از بلاهای دنیا و آخرت حفظ می کند، و هر جا که بروی تو را در کارهایت یاری کند.

و اگر خواستی چیزی را بخواهی فقط از الله بخواه، زیرا تنها اوست که خواست سؤال کنندگان را می پذیرد.

و اگر کمک می خواستی فقط از الله بخواه

و یقین داشته باشید که هیچ نفعی به تو نمی رسد هر چند تمام اهل زمین برای منفعت تو جمع شوند، مگر آنچه الله متعال برای تو مقرر داشته است، و هیچ ضرری به تو نمی

رسد، هر چند تمام اهل زمین برای ضرر رساندن به تو جمع شوند جز آنچه الله متعال برایت مقدر کرده است.

و اینکه این امر را الله متعال مقرر فرموده، و به حکم حکمت و علم او مقدر شده است و در آنچه که الله مقدر کرده است تبدیلی نمی آید.

از فوائد حدیث:

1. اهمیت آموزش مسائل دینی به خردسالان و کودکان، مانند مسایل توحید و آداب و غیره.
2. مجازات و پاداش از جنس عمل می باشد.
3. دستور اعتماد کردن بر الله متعال، و تنها توکل کردن بر او، و اوست بهترین تکیه گاه.
4. ایمان به قضا و قدر و رضایت به آن، و اینکه الله متعال هر چیز را مقدر کرده است.
5. هر کسی فرمان الله را ضایع کرد الله او را ضایع می کند، و او را حفظ نمی کند.

(4811)

(90) - عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا غَيْرَكَ، قَالَ: «قُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ، ثُمَّ اسْتَقِمَّ». [صحيح] - [رواه مسلم وأحمد]

(90) - از سفیان بن عبدالله ثقفی رضی الله عنه روایت است که گفت: گفتیم: یا رسول الله «در اسلام به من سخنی بگو که از کسی جز تو نپرسم. فرمود:» قُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ، ثُمَّ اسْتَقِمَّ «یعنی:» بگو: به الله ایمان آوردم، سپس استقامت بورز [صحيح]- مسلم و احمد روایت کرده]

توضیح:

صحابی گرامی، سفیان بن عبدالله رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم خواست که به ایشان سخنی را بگوید که معانی اسلام را در بر داشته باشد تا به آن تمسک جوید و درباره آن از کسی دیگر نپرستد. پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: بگو: الله را به

یگانگی شناختم و ایمان آوردم که او پروردگار و اله و خالق و معبود بر حق من است و شریکی ندارد، سپس با ادای فرایض و ترک محارم و پایداری بر آن به طاعت الله بپرداز

از فوائد حدیث:

1. اصل دین ایمان به الله است، به ربوبیت و الوهیت و اسماء و صفات او
2. اهمیت استقامت پس از ایمان و ادامه دادن به عبادت و ثبات بر آن
3. ایمان شرط پذیرش اعمال است
4. ایمان به الله هم آنچه اعتقاد به آن واجب است را در بر می‌گیرد، از جمله عقاید ایمان و اصول آن و همچنین اعمال قلوب که تابع آن است، از جمله انقیاد و تسلیم شدن باطنی و ظاهری به الله تعالی
5. استقامت یعنی التزام در راه و ادامه آن با انجام واجبات و ترک منهیات

(65018)

(91) - عَنِ التُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى». [صحيح] - [متفق عليه]

(91) - از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى».

،مثال مؤمنان در مودت و مهربانی و عطفی که با یکدیگر دارند مانند یک بدن هستند».

«که اگر عضوی از آن به درد آید، بقیه بدن با بی‌خوابی و تب با آن همراهی می‌کنند».

[صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که حال مسلمانان با یکدیگر در دوست داشتن خیر، مهربانی، کمک، یاری، و اذیت شدن به سبب ضرری که به آنان می‌رسد، باید مانند

یک بدن باشد، اگر هر عضو از آن بیمار شود بقیه بدن با بی‌خوابی و تب به آن واکنش نشان می‌دهند.

از فوائد حدیث:

1. شایسته است که حقوق مسلمانان بزرگ پنداشته شود، و به همکاری و نرمش با یکدیگر تشویق شوند.
2. باید میان اهل ایمان محبت و یاری حکم فرما باشد.

(4969)

(92) - عن عثمان بن عفان رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الوُضُوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(92) - از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «کسی که به طریقه خوب وضوء بگیرد، گناهانش از بدنش حتی از زیر ناخن‌هایش بیرون می‌آید» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: هر کس با رعایت سنت‌ها و آداب وضوء، وضوء بگیرد، این یکی از اسباب کفاره بدی‌ها و محو گناهان است، تا اینکه گناهانش از زیر ناخن‌های دست و پایش بیرون بیایند.

از فوائد حدیث:

1. تلاش و قایل شدن به ارزش تعلیم وضوء و سنت‌ها و آداب آن و عمل بر آن.
2. فضیلت وضوء و اینکه کفاره گناهان صغیره است و هر چه گناهان کبیره است از آن باید توبه کرد.
3. شرط بیرون آمدن گناهان، کامل کردن وضوء و انجام آن بدون اخلال است، طوری که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بیان نموده است.

4. کفارہ گناهان در این حدیث به دوری از گناهان کبیره و توبه از آنها محدود شده است، الله متعال فرمودند: **إِنْ تَجَنَّبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ** [النساء: 31]. [ای مؤمنان، اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی شده‌اید دوری کنید، گناهان [تان را از شما می‌زداییم و شما را در جایگاهی شایسته [بهشت وارد می‌کنیم.]

(6263)

(93) - عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: **«إِذَا أَتَيْتُمُ الْغَائِطَ فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ، وَلَا تَسْتَدْبِرُوهَا وَلَكِنْ شَرِّقُوا أَوْ غَرَّبُوا»** قَالَ أَبُو أَيُّوبَ: فَقَدِمْنَا الشَّامَ فَوَجَدْنَا مَرَا حِصَّ بُنَيْتٍ قِبَلَ الْقِبْلَةِ فَنَنْحَرِفُ، وَنَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى. [صحيح] - [متفق عليه]

(93) - از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: **«إِذَا أَتَيْتُمُ الْغَائِطَ، فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ بَعَانِطٍ وَلَا بَوْلٍ، وَلَا تَسْتَدْبِرُوهَا، وَلَكِنْ شَرِّقُوا أَوْ غَرَّبُوا»** «زمانی که به محل قضای حاجت رفتید، به هنگام ادرار و مدفوع، نه رو به قبله کنید و نه پشت به قبله؛ بلکه روی خود را به سمت شرق یا غرب کنید». ابو ایوب می گوید: چون به شام رفتیم بدرفت هایی را دیدیم که به سوی کعبه ساخته شده بودند و چون وارد آنها می شدیم خود را از سمت قبله به سوی دیگری منحرف نموده و از الله متعال طلب مغفرت و آمرزش می کردیم [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

کسی بخواهد قضای حاجت بکند، رسول الله صلی الله علیه وسلم او را نهی کرده که هنگام قضای حاجت رو به قبله - یعنی کعبه ی شریف - نکند و نیز پشت به آن نکند؛ و بلکه باید هنگام قضای حاجت رو به مشرق یا مغرب نمود البته در صورتی که قبله در سمت مشرق یا مغرب نباشد مانند قبله اهل مدینه. سپس ابو ایوب رضی الله عنه می گوید وقتی به شام رفتند، بدرفت هایی را مواجه شدند که برای قضای حاجت و در جهت کعبه ساخته شده بود؛ بنابراین چون برای قضای حاجت به این بدرفت ها می رفتند، خود را از سمت قبله به سوی دیگری منحرف می کردند و از باب احتیاط و پرهیزگاری از الله متعال طلب مغفرت و آمرزش می خواستند

از فوائد حدیث:

1. حکمت این امر، تعظیم و احترام به کعبه مشرفه است.
2. استغفار پس از خروج از محل قضای حاجت.
3. حسن آموزش پیامبر صلی الله علیه وسلم؛ زیرا وقتی ممنوع را ذکر کرد به جائز نیز اشاره کرد.

(3078)

(94) - عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يُمَسِّكَنَّ أَحَدُكُمْ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ وَهُوَ يَبُولُ، وَلَا يَتَمَسَّحُ مِنَ الْخَلَاءِ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(94) - از ابوقتاده رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند لَا يُمَسِّكَنَّ أَحَدُكُمْ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ وَهُوَ يَبُولُ، وَلَا يَتَمَسَّحُ مِنَ الْخَلَاءِ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ. «هیچ یکی از شما به هنگام ادرار، نه با دست راست آلت تناسلی خود را بگیرد و نه با آن استنجا کند. همچنین هنگام آب نوشیدن، در ظرف آب تنفس نکند» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم شماری از آداب را بیان می کند؛ که مرد نباید به هنگام ادرار آلت تناسلی را با دست راست خود بگیرد، و جهت پاکیزه نمودن محل ادرار یا مدفوع از دست راست استفاده نکند؛ زیرا دست راست برای کارهای نیکو آماده شده، همچنین از نفس کشیدن در ظرفی که از آن آب می نوشد نهی فرموده است.

از فوائد حدیث:

1. بیان سبقت اسلام در آداب و نظافت.
2. دوری از چیزهای کثیف و پلید، اگر مجبور است آنها را انجام دهد باید با دست چپ انجام دهد.
3. بیان نمودن جایگاه دست راست و برتریت آن از دست چپ.

4. کمال شریعت اسلامی و جامعیت تعالیم آن

(3079)

(95) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ أَحَدِكُمْ إِذَا أَحْدَثَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(95) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ أَحَدِكُمْ إِذَا أَحْدَثَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ» یعنی: «الله نماز یکی از شما را که» «بی وضو شده نمی پذیرد، تا آنکه وضو کند» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده اند که یکی از شروط صحت نماز طهارت است بنابراین برای کسی که می خواهد نماز ادا کند واجب است که اگر یکی از نواقض وضو مانند: خروج مدفوع و ادرار یا خواب و دیگر نواقض وضو از وی رخ داده است وضو نماید.

از فوائد حدیث:

1. نماز کسی که بی وضو شده قبول نمی شود تا آنکه با غسل از حدت اکبر (جنابت) و با وضو از حدت اصغر (بی وضویی) پاکی حاصل کند.
2. وضو یعنی برداشتن آب و گرداندن آن در دهان و خارج ساختن آن، سپس فرو بردن آب با نفس داخل بینی و سپس بیرون ریختن آن، سپس سه بار شستن صورت، و سپس سه بار شستن دستان تا آرنج، و سپس یک بار مسح همه سر، سپس سه بار شستن پاها تا بجلک ها.

(3534)

(96) - عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَخْبَرَنِي عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: أَنَّ رَجُلًا تَوَضَّأَ فَتَرَكَ مَوْضِعَ طُفْرٍ عَلَى قَدَمِهِ فَأَبْصَرَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «ارْجِعْ فَأَحْسِنْ وَضُوءَكَ» فَرَجَعَ، ثُمَّ صَلَّى. [صحيح بشواهد] - [رواه مسلم]

(96) - از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: عمر بن الخطاب به من گفت که مردی وضو گرفت و موضعی به اندازه یک ناخن را بر روی پایش باقی گذاشت، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را دید و فرمود: «برگرد و نیکو وضو ساز» پس برگشت و سپس نماز ادا کرد [صحيح به شواهد آن]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

عمر رضی الله عنه خبر می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی را دید که وضویش را تمام نموده، اما به اندازه یک ناخن بر روی پایش باقی مانده که آب وضو به آن نرسیده است، پس با اشاره به محلی که آب به آن نرسیده خطاب به او فرمود: برگردد و به خوبی وضو بساز و آن را کامل کن و حق هر عضو را از بهر رساندن آب ادا کن، پس آن مرد برگشت و وضویش را کامل کرد و سپس نماز خواند

از فوائد حدیث:

1. وجوب مبادرت به امر به معروف و ارشاد جاهل و غافل، به ویژه اگر آن منکر باعث باطل شدن عبادت‌ش شود
2. وجوب رساندن آب به همه اعضا و اگر به قسمتی از عضو آب نرسد - حتی اگر ناچیز باشد - وضویش درست نیست، و اگر مدت زیادی از وضو گذشته باید آن را از نو انجام دهد
3. مشروع بودن نیکو ساختن وضو که با کامل انجام دادن وضو و رساندن آب به همه اعضا به شکل مشروع است
4. پاها از اعضای وضو است، و مسح آنها کافی نیست، بلکه باید حتما شسته شوند
5. در شستن اعضای وضو باید موالات انجام شود، یعنی هر عضو پیش از آنکه عضو قبلی خشک شود شسته شود
6. فراموشی و ندانستن باعث اسقاط واجب نمی‌شود، و بلکه باعث ساقط شدن گناه شخص می‌شود، در این مورد، پیامبر صلی الله علیه وسلم واجب را از آن مرد که به

سبب جهل وضویش کامل نبود، ساقط نکرد بلکه به او امر کرد که آن را از نو انجام دهد.

(8386)

(97) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: رَجَعْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى إِذَا كُنَّا بِمَاءٍ بِالطَّرِيقِ تَعَجَّلَ قَوْمٌ عِنْدَ الْعَصْرِ، فَتَوَضَّؤُوا وَهُمْ عِجَالٌ، فَأَنْتَهَيْنَا إِلَيْهِمْ وَأَعْقَابُهُمْ تَلُوْحٌ لَمْ يَمَسَّهَا الْمَاءُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْبِغُوا الْوُضُوءَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(97) - از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: با رسول الله صلی الله علیه وسلم از مکه به مدینه بازگشتیم، تا این که در مسیر راه به آب رسیدیم، عده ای برای نماز عصر به عجله وضوء نمودند، زمانی که ما به آنها رسیدیم در حالی که به پشت پاهای شان آب وضوء نرسیده بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْبِغُوا الْوُضُوءَ». وای از عذاب دوزخ بر پشت پاهایی که هنگام وضوء گرفتن خوب شسته نمی شود، «خوب وضوء بگیری» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از مکه به سوی مدینه سفر کرد و در راه برخی از اصحاب برای نماز عصر با عجله وضوء گرفتند، به طوری که پشت پاهای شان برای نظاره گر معلوم می شد که خشک است و آب به آن نرسیده است، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: عذاب و هلاکت در جهنم برای کسانی که در هنگام وضوء گرفتن در شستن پشت پاهای خود کوتاهی می کنند، و برای آنان امر نمود تا جهت وضوی کامل مبالغه کنند.

از فوائد حدیث:

1. شستن پاها هنگام وضوء واجب است؛ زیرا اگر مسح جایز بود، کسی که در شستن پشت پا کوتاهی می کند، او را به آتش دوزخ تهدید نمی کرد.
2. شستن عمومی جاهایی که باید شسته شود واجب است، و هر کس عمداً و از روی کوتاهی مقدار کمی از آنچه را که باید پاک شود رها کند نمازش صحیح نیست.

3. اهمیت آموزش و رهنمایی جاهل

4. عالم آنچه را که از واجبات و سنت ها ضایع می گردد باید آن را با روش مناسب انکار کند

5. محمد اسحاق الدهلوی می گوید: شستن بر سه قسم است: واجب که یک مرتبه شستن محل است، سنت که سه مرتبه شستن است، و مستحب که طولانی کردن همراه با سه مرتبه شستن است

(66392)

(98) - عن عَمْرُو بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ، فُلْتُ: كَيْفَ كُنْتُمْ تَصْنَعُونَ؟ قَالَ: يُجْزِي أَحَدَنَا الْوُضُوءُ مَا لَمْ يُحْدِثْ. [صحيح] - [رواه البخاري]

(98) - از عمرو بن عامر از انس بن مالک روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام هر نمازی وضو می کرد، پس گفتم: شما چه کار می کردید؟ گفت: همان وضو برای هر یکی از ما تا وقتی که بی وضو نشده بودیم کافی بود [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای هر نماز فرض وضو می گرفتند حتی اگر بی وضو نشده بودند و این برای به دست آوردن اجر و فضل بود
ولی برای نمازگزار جایز است که با یک وضو تا وقتی که بی وضو نشده بیشتر از یک نماز فرض را به جای بیاورد

از فوائد حدیث:

1. بیشترین عمل پیامبر صلی الله علیه وسلم وضو گرفتن برای هر نماز بود؛ جهت بدست آوردن کمال
2. مستحب بودن وضو گرفتن برای هر نماز
3. جایز بودن ادای چند نماز با یک وضو

(65080)

(99) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: تَوَضَّأَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّةً مَرَّةً. [صحيح]

- [رواه البخاري]

(99) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم یک بار یک بار وضو گرفتند (یعنی هر عضو را یک بار شستند) [صحيح]- [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم گاهی اوقات هنگام وضو، هر عضو وضو را یک بار می‌شست، یعنی صورت را - که آب در دهان و بینی زدن هم جزء آن است - و دستان و پاها را یک بار می‌شست و این مقدار واجب است

از فوائد حدیث:

1. واجب در شستن اعضا، یک بار است و بیشتر از آن مستحب است
2. مشروع بودن اینکه گاهی اوقات هر عضو وضو یک بار شسته شود
3. مشروع در مسح سر، یک بار مسح کردن است

(65081)

(100) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ مَرَّتَيْنِ

مَرَّتَيْنِ. [صحيح] - [رواه البخاري]

(100) - از عبدالله بن زید رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم وضو نمود [و هر عضو را [دو بار دو بار] شست] [صحيح]- [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم برخی اوقات، اعضای وضو را دو بار می‌شست، یعنی صورت را - که آب زدن در دهان و بینی جزء آن است - را دو بار می‌شست

از فوائد حدیث:

1. واجب در شستن اعضا یک بار شستن آن است، و هر چه بیشتر از آن باشد مستحب است.
2. مشروعیت اینکه گاه اعضای وضو دو بار شسته شود.
3. مشروع در مسح سر، یک بار مسح کردن است.

(65082)

(101) - عَنْ حُمْرَانَ مَوْلَى عُمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ رَأَى عُمَانَ بْنَ عَفَّانَ دَعَا بِوُضُوءٍ، فَأَفْرَعَّ عَلَى يَدَيْهِ مِنْ إِيَّاهُ، فَغَسَلَهُمَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ أَدْخَلَ يَمِينَهُ فِي الْوُضُوءِ، ثُمَّ تَمَضَّمَصَّ وَاسْتَنْشَقَ وَاسْتَنْثَرَ، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا، وَيَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ ثَلَاثًا، ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ، ثُمَّ غَسَلَ كُلَّ رَجُلٍ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ حَوْ وَضُوءِي هَذَا، وَقَالَ: «مَنْ تَوَضَّأَ حَوْ وَضُوءِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(101) - از حُمران؛ غلام ازاد کرده عثمان رضی الله عنه روایت است، وی عثمان رضی الله عنه را دید که درخواست آب وضوء کرد، سپس از آب آن ظرف بر دست هایش ریخت، «و سه بار آنها را شست، سپس دست راستش را در آب وضوء وارد کرد، سپس «مضمضه» یعنی گرداندن آب در دهان، و «استنشاق» یعنی داخل کردن آب در بینی، و «استنثار» یعنی بیرون آوردن آب از بینی را انجام داد، سپس صورتش را سه بار شست، و دستهایش را تا آرنج ها شست، سپس سرش را مسح کرد، سپس دو پایش را شست، سپس فرمود: رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم که همانند این وضوی من، وضوء گرفتند، و فرمودند: هر کسی مانند این وضوی من وضوء گرفت، سپس دو رکعت نماز خواند و در آنها با» «خود سخن نگفت، گناهان گذشته اش بخشیده خواهد شد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

عثمان رضی الله عنه روش وضوء پیامبر صلی الله علیه و سلم را به شکل عملی یاد داد تا آنکه واضحتر باشد، پس ظرف آبی خواست و سه بار بر دستانش آب ریخت، و پس از آن دست راستش را در ظرف آب کرد و از آن آب برداشت و در دهانش گرداند، سپس

بیرون ریخت، سپس آب را به داخل بینی اش زد و سپس آن را بیرون ریخت، سپس صورت خود را سه بار شست، سپس دستانش را تا آرنج‌ها سه بار شست، سپس دست خیس خود را یک بار بر سرش کشید، و سپس پاهایش را با جلک‌ها سه بار شست و چون از وضویش فارغ شد آنان را آگاه کرد که وی دیده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم همانند این وضوء گرفتند، و بشارتشان دادند که هرکس مانند این وضوء بگیرد و با دل حاضر و عاجزی در برابر الله متعال دو رکعت نماز اداء نماید، الله جل جلاله برای این وضوء کامل و این نماز مخلصانه گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد

از فوائد حدیث:

1. در ابتداء وضوء و قبل از داخل کردن دستان در داخل ظرف آب، مستحب است آنها را بشوید، اگر چه هنگام بیدار شدن از خواب نباشد، اما اگر هنگام بیدار شدن از خواب شب باشد، در این صورت واجب است آنها را بشوید.
2. برای معلم شایسته است که نزدیکترین راه را برای فهماندن علم و راسخ شدن آن نزد دانش آموز به کار گیرد، از جمله آموزش عملی.
3. برای نمازگزار لازم است که هرگونه فکر و ذکر مربوط به مشغولیت‌های دنیا را از خود دور سازد، زیرا کمال نماز در حضور دل است، اگرچه دور کردن همه فکرها و خیالات از خود ناممکن است، ولی با نفس خود مبارزه کند و در این افکار عمیق نه رود.
4. استحباب شروع کردن از سمت راست در وضوء.
5. مشروع بودن رعایت ترتیب میان مضمضه (آب در دهان زدن) و استنشاق و استنثار (آب در بینی زدن و بیرون ریختن آن).
6. مستحب بودن سه بار شستن صورت و دستان و پاها، و یک بار شستن آن واجب است.
7. مغفرت گناهان گذشته وابسته به مجموع این دو امر است: وضوء و به جا آوردن دو رکعت نماز به شکلی که در حدیث آمده است.
8. هر یکی از اعضای وضوء حدی دارد؛ حد صورت: به صورت طولی از محل عادی روییدن موی سر است تا چانه و جایی که ریش از آن آویزان است، و از گوش تا گوش به صورت عرضی. حد دست: از نوک انگشتان است تا آرنج و آرنج مفصلی است که میان ساعد و بازو قرار دارد. و حد سر: از محل عادی روییدن موی سر در

دو طرف سر است تا بالای گردن و مسح گوش‌ها از جمله [مسح] سر است. حد پا همه پا به همراه مفصلی است که بین پا و ساق قرار دارد.

(3313)

(102) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ ثَمَّ لِيَنْتُرْ، وَمَنْ اسْتَجَمَرَ فَلْيُوتِرْ، وَإِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ قَبْلَ أَنْ يُدْخِلَهَا فِي وَضُوئِهِ، فَإِنْ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ.»
ولفظ مسلم: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلَا يَغْمِسُ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ.» [صحيح] - [متفق عليه]

(102) - ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده که فرمودند: «إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ ثَمَّ لِيَنْتُرْ، وَمَنْ اسْتَجَمَرَ فَلْيُوتِرْ، وَإِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ قَبْلَ أَنْ يُدْخِلَهَا فِي وَضُوئِهِ، فَإِنْ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ.» ولفظ مسلم: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلَا يَغْمِسُ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ» یعنی: «هرگاه یکی از شما وضو ساخت پس آب در بینی‌اش بزند سپس آن را بیرون بریزد، و کسی که استجمار کرد (پس از قضای حاجت با چیزی غیر از آب محل نجاست را تمیز کرد (پس به تعداد فرد انجامش دهد، و هرگاه کسی از شما از خوابش بیدار شد پیش از وارد کردن دستش در آب وضویش آن را بشوید؛ زیرا نمی‌داند شب هنگام دستش کجا بوده است» و در لفظ مسلم آمده است: «هرگاه یکی از شما از خواب بیدار شد دستش را در آب فرو نبرد تا آنکه آن را سه بار بشوید زیرا نمی‌داند دستش شب کجا بوده است.» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم برخی از احکام طهارت را بیان نموده‌اند، از جمله: نخست کسی که وضو می‌گیرد باید آب را همراه با نفس به بینی‌اش وارد کند، و سپس آن را با نفس خارج سازد. دوم: کسی که می‌خواهد نجاست خارج شده از خود را پاک کند و آن را با چیزی غیر از آب مانند سنگ و شبیه آن پاک کرد، باید پاک کردنش به تعداد فرد باشد که کمترینش سه و بالاترینش به اندازه‌ای است که نجاست خارج شده پایان یابد و محل نجاست تمیز شود. سوم: کسی که از خواب بیدار شد دستانش را برای وضو در آب وضو داخل

نکند تا آنکه آن را سه بار خارج از ظرف بشوید، زیرا نمی‌داند دستش شب کجا بوده است و مطمئن نیست که نجس نشده است و چه بسا شیطان آن را به بازی گرفته و چیزهایی به آن رسیده که برای انسان مضر است یا باعث فساد آب می‌شود

از فوائد حدیث:

1. استنشاق در وضو واجب است، و استنشاق یعنی: داخل کردن آب به بینی با نفس و همینطور استنثار، یعنی: بیرون آوردن آب از بینی با نفس
2. مستحب بودن استجمار به تعداد وتر
3. مشروع بودن سه بار شستن دستان پس از خواب شبانه

(3033)

(103) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ، فَقَالَ: «إِنَّهُمَا لِيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْسِيهِ بِالنَّمِيمَةِ» ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً، فَشَقَّهَا نِصْفَيْنِ، فَعَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ فَعَلْتَ هَذَا؟ قَالَ: «لَعَلَّهُ يُخَفَّفُ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَبْسَسَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(103) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار دو قبر عبور نمودند، پس فرمودند: «إِنَّهُمَا لِيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْسِيهِ بِالنَّمِيمَةِ» یعنی: «این دو عذاب داده می‌شوند، و در چیز بزرگی عذاب نمی‌بینند، یکی از آن دو خود را از ادرار نگه نمی‌داشت و دیگری سخن‌چینی می‌کرد». سپس شاخه تازه درخت خرمایی را برداشت و آن را دو نصف کرد و هر نیمه را در یکی از قبرها فرو برد. گفتند: یا رسول الله، چرا چنین کردی؟ فرمود: «لَعَلَّهُ يُخَفَّفُ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَبْسَسَا» یعنی: «چه بسا تا وقتی که خشک نشده‌اند». [عذاب بر آنها سبک شود] - [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار دو قبر عبور نمودند، و فرمودند: صاحبان این دو قبر عذاب می‌بینند، اما برای چیزی عذاب نمی‌بینند که در نزد شما کار بزرگی باشد، هرچند نزد الله چیز بزرگی است؛ یکی از آن دو هنگام قضای حاجت به حفظ بدن و لباس خود از

ادرار توجه نمی‌کرد، و دیگری میان مردم سخن‌چینی می‌کرد، و به قصد آسیب زدن و ایجاد اختلاف بین مردم سخن‌دیگران را به هم می‌رساند.

از فوائد حدیث:

1. نیمه و ترک پاک داشتن خود از ادرار از گناهان کبیره و از اسباب عذاب قبر است.
2. الله سبحانه و تعالی برخی از امور غیب - مانند عذاب قبر - را به عنوان نشانه پیامبری ایشان صلی الله علیه و سلم آشکار می‌کند.
3. این کار یعنی نصف کردن شاخه درخت خرما و گذاشتن آن بر روی قبر، خاص پیامبر صلی الله علیه و سلم است؛ زیرا الله او را بر حال صاحب این دو قبر مطلع کرده بود، بنابراین نباید دیگران را با ایشان قیاس کرد؛ زیرا کسی به احوال اصحاب قبور آگاه نیست.

(3010)

(104) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(104) - از آنس رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه وارد خلا می‌شدند می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ» یعنی: «ای الله! از خبیثی‌های نر و ماده به تو پناه می‌برم» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه می‌خواهست وارد مکانی شود که در آن قضای حاجت کند به الله پناه می‌برد تا او را از شر شیاطین نر و ماده حفظ کند. خُبْث و خَبَائِث همچنین به معنای شر و نجاسات تفسیر شده است.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن خواندن این دعا هنگام قصد وارد شدن به خلا

2. همه مردم در همه حال برای دفع آنچه به آنها آزار یا زیان می‌رساند نیازمند پروردگارشان هستند.

(3150)

(105) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «السَّوَاكُ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِّ، مَرَضَةٌ لِلرَّبِّ». [صحيح] - [رواه النسائي وأحمد]

(105) - از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: مسواک پاک کننده دهان و باعث رضایت و خشنودی پروردگار است [صحيح]- [نسایی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما خبر می‌دهد که مسواک زدن با چوب درخت اراک و مانند آن دهان را از آلودگی و بوی بد پاک می‌کند، و اینکه آن یکی از اسباب رضایت الله متعال از بنده است؛ زیرا در آن اطاعت و اجابت امر الله متعال است، و این که در آن پاکیزگی است که الله متعال آن را دوست دارد.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت مسواک زدن، و تشویق پیامبر صلی الله علیه وسلم امت خود را به استفاده زیاد آن.
2. بهترین کار در مسواک زدن استفاده از چوب درخت اراک است، و استفاده از برس دندان و کریم جایگزین آن است.

(3588)

(106) - عَنْ حُدَيْفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَشُورُ فَاَهُ بِالسَّوَاكِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(106) - از حذیفه رضی الله عنه روایت است که می فرماید: رسول الله صلی الله علیه وسلم هر وقت شب که از خواب برمی خاست، دهانش را مسواک می زد [صحيح]- [متفق] [علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم اکثر اوقات مسواک کرده و به آن امر می نمودند، و در بعضی اوقات بر آن تاکید می کردند، که از آن جمله: مسواک کردن هنگام برخاستن در شب، چون او صلی الله علیه وسلم با مسواک دهان شان را ماساژ می داد و پاک می کرد.

از فوائد حدیث:

1. تأکید مشروعیت استفاده از مسواک بعد از خواب شب، زیرا خواب تقاضا می کند که بوی دهان تغیر کند، و مسواک آله تمیز کننده است.
2. تأکید مشروعیت مسواک هنگام بروز هر تغیر ناخوشایند در دهان، بنابر گرفتن از معنای قبلی.
3. مشروعیت نظافت به طور عام، و اینکه آن یک جزء سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده، و از جمله آداب عالی می باشد.
4. مسواک کردن همه دهان شامل: دندان ها، لثه ها (بیره) (و زبان می شود).
5. مسواک چوبی است که از درخت اراک یا درخت دیگری بریده می شود، و برای تمیز کردن دهان و دندان و خوشبو کردن دهان و رفع بوی بد استفاده می شود.

(107) - عن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، يَغْتَسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَجَسَدَهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(107) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، يَغْتَسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَجَسَدَهُ».

این حقی است بر عهده هر مسلمان که در هر هفت روز غسل کند که در آن سرش و «بدنش را بشوید [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پيامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند که این حق بر عهده هر مسلمان بالغ است که در هفت روز هفته یک روز را غسل کند، و در این غسل سرش و بدنش را برای طهارت و نظافت بشوید، و شایسته‌ترین روز برای این کار چنانکه از برخی روایات فهمیده می‌شود روز جمعه است. غسل در روز جمعه پیش از نماز جمعه به تاکید مستحب است حتی اگر مثلا روز پنجشنبه غسل کرده باشد و آنچه این غسل را از وجوب به استحباب پایین می‌آورد این سخن عایشه رضی الله عنها است که می‌فرماید: «مردم در کار و تلاش خود بودند و چون به جمعه می‌رفتند به همان شکل [و لباس کار] خود می‌رفتند، پس به آنان گفته شد: «اگر غسل کنید [بهتر است]» [به روایت بخاری، و در روایتی دیگر از او: «پو داشتند یعنی بوی عرق و مانند آن، و با این حال به آنان گفته شد: «اگر غسل می‌کردید»، بنابراین برای دیگران من باب اولی باید غسل کنند

از فوائد حدیث:

1. اهتمام و توجه اسلام به نظافت و طهارت
2. غسل جمعه برای نماز مستحب مؤکد است
3. از سر به طور خاص نام برده شده، اگرچه نام بردن از بدن سر را نیز شامل می‌شود و این برای توجه بیشتر به [نظافت] سر است
4. غسل برای هر کسی که بوی بدش باعث آزار مردم می‌شود واجب است
5. تاکیدترین روز برای غسل روز جمعه است، برای فضیلت که این روز دارد

(108) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: سمعتُ النبيَّ صلى الله عليه وسلم يقول: «الفِطْرَةُ خَمْسٌ: الحِتَانُ والاستِحْدَادُ وقصُّ الشَّارِبِ وتقليمُ الأظفارِ وَتَنْفُ الأَبَاطِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(108) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت که: شنیدم پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمود: «امور فطری پنج هست: ختنه (سنت نمودن)، برداشتن موهای عورت، کوتاه کردن بروت ها، کوتاه کردن ناخن، و کندن موهای زیر بغل» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که پنج خصلت از دین اسلام و سنت‌های پیامبران است:

نخست: ختنه؛ یعنی قطع پوست زائد بر روی آلت بر بالای حشفه، و قطع سر تکه پوستی که بر روی شرمگاه زن در محل ورود آلت مرد قرار دارد.

دومین آن «استحداد» است یعنی تراشیدن موی دور شرمگاه.

سوم: کوتاه کردن سبیل - بروت -، یعنی قیچی کردن آنچه بر روی لب بالایی روییده شده به طوری که لب اشکار شود.

چهارم: کوتاه کردن ناخن‌ها.

پنجم: کندن موی زیر بغل.

از فوائد حدیث:

1. سنت‌های پیامبران که الله آن را دوست دارد، و بدان خشنود می شود، و بدان امر می نماید، و به کمال و پاکی و زیبایی فرا می خواند.
2. مشروعیت توجه به این امور و رعایت مداوم آن و غفلت نکردن از آن است.
3. این خصلت‌ها فواید دینی و دنیوی پرشماری دارد، از جمله: زیبا شدن ظاهر، پاکی بدن، احتیاط برای پاکی و طهارت، مخالفت با کافران و اجرای امر الله متعال.
4. در احادیث دیگری خصلت‌های دیگری از امور فطرت افزون بر این پنج خصلت ذکر شده است، مانند: نگه داشتن ریش و مسواک و غیر آن.

(109) - عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ رَجُلًا مَدَّاءً وَكُنْتُ أَسْتَحِي أَنْ أَسْأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَكَانِ ابْنَتِهِ فَأَمَرْتُ الْمُقَدَّادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: «يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ». وَلِلْبُخَارِيِّ: فَقَالَ: «تَوَضَّأُ وَأَغْسِلُ ذَكَرَكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(109) - از علی رضی الله عنه روایت است که فرمود: من مردی بودم که بسیار مذی از من خارج می‌شد و به دلیل جایگاه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم [و اینکه داماد ایشان بودم] شرم می‌کردم که در این باره از ایشان بپرسم، پس مقداد بن اسود را امر کردم که از ایشان سؤال کند، پس فرمودند: «يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ» یعنی: «آلت خود را می‌شوید و وضو می‌گیرد». و نزد بخاری آمده که فرمود: «تَوَضَّأُ وَأَغْسِلُ ذَكَرَكَ» یعنی: «وضو بساز و آلت خود را بشوی» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

- علی بن ابی طالب رضی الله عنه خبر می‌دهد که از ایشان بسیار مذی خارج می‌شد و مذی مایعی است شفاف و رقیق و لزج و هنگام شهوت یا پیش از جماع از انسان خارج می‌شود -، و نمی‌داند که وقتی مذی خارج می‌شود چکار کند. ایشان از اینکه خودش از پیامبر صلی الله علیه وسلم بپرسد شرم کرد زیرا همسرش فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم بود. بنابراین از مقداد خواست که در این باره از پیامبر صلی الله علیه وسلم بپرسد. ایشان صلی الله علیه وسلم چنین پاسخ دادند که آلت خود را بشوید، سپس وضو بسازد.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت علی بن ابی طالب، زیرا حیا مانع از این نشد که این سؤال را با واسطه بپرسد.
2. جایز بودن نیابت در پرسش شرعی.
3. جایز بودن اینکه انسان برای مصلحت، درباره خود چیزی را که از گفتنش شرم دارد بیان کند.
4. نجاست مذی و وجوب شستن آن از بدن و لباس.
5. خروج مذی از باطل کننده‌های وضو است.

6. وجوب شستن آلت و بیضه‌ها به دلیل ورود آن در حدیثی دیگر

(3348)

(110) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنَ الْجَنَابَةِ، غَسَلَ يَدَيْهِ، وَتَوَضَّأَ وَضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اغْتَسَلَ، ثُمَّ يُحَلِّلُ بِيَدِهِ شَعْرَهُ، حَتَّى إِذَا ظَنَّ أَنَّهُ قَدْ أَرَوَى بَشْرَتَهُ، أَفَاضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ غَسَلَ سَائِرَ جَسَدِهِ، وَقَالَتْ: كُنْتُ أَغْتَسِلُ أَنَا وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ إِنَاءٍ وَاحِدٍ، نَعْرِفُ مِنْهُ جَمِيعًا. [صحيح] - [رواه البخاري]

(110) - از مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه غسل جنابت می‌کردند دست خود را می‌شستند و وضوی نماز را انجام می‌دادند سپس غسل می‌کرد [به این صورت که] با دستان خود موهای خود را خلال می‌کرد تا آنکه می‌دانست که آب به پوستش رسیده، آنگاه بر سر خود آب می‌ریخت، سپس بقیه بدنش را می‌شست. ام المؤمنین می‌فرماید: من و رسول الله صلی الله علیه وسلم از یک ظرف غسل می‌کردیم و هر دو از آن آب برمی‌داشتیم [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه قصد غسل از جنابت را داشتند با شستن دستانشان شروع می‌کردند، سپس وضویی همانند وضوی نماز می‌ساختند، سپس آب را بر بدن خود می‌ریختند، سپس موهای سرشان را با دستانشان خلال می‌کردند تا آنکه بر گمانشان غالب می‌شد که آب به ریشه موها و پوست سر رسیده است، سپس سه بار بر سرشان آب می‌ریختند و سپس بقیه بدنشان را می‌شستند. عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: من و رسول الله صلی الله علیه وسلم از یک ظرف غسل می‌کردیم و هر دو از آن آب برمی‌داشتیم

از فوائد حدیث:

1. غسل دو نوع است: (غسل کافی) (حداقلی) (و غسل کامل). غسل کافی آن است که انسان نیت طهارت کند و سپس به همه بدنش آب برساند، و همراه با آن آب در دهان و بینی بزند. اما غسل کامل چنان است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در این حدیث انجام دادند.

2. هرکس از او منی خارج شود، یا جماع کند ولو که انزال نکند جُنُب است.
3. جایز بودن نگاه کردن هر یک از زوجین به عورت دیگری و غسل کردن آنها از یک طرف

(3316)

(111) - عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَاجَةٍ، فَأَجْنَبْتُ فَلَمْ أَجِدِ الْمَاءَ، فَتَمَرَعْتُ فِي الصَّعِيدِ كَمَا تَمَرَعُ الدَّابَّةُ ثُمَّ أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ: «إِنَّمَا كَانَ يَكْفِيكَ أَنْ تَقُولَ بِيَدَيْكَ هَكَذَا» ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدَيْهِ الْأَرْضَ ضَرْبَةً وَاحِدَةً، ثُمَّ مَسَحَ الشَّمَالَ عَلَى الْيَمِينِ، وَظَاهَرَ كَفَّيْهِ وَوَجَّهَهُ. [صحيح] - [متفق عليه]

(111) - از عَمَّار بن یاسر رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا برای کاری فرستاد، پس جُنُب شدم، و آب نیافتم، پس در خاک غلت زدم چنانکه حیوان خودش را در خاک می‌غلطاند، سپس به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدم و این را برایشان تعریف کردم. ایشان فرمودند: «برایت کافی بود که با دستانت چنین کنی» سپس دستانش را یک بار بر زمین زده و سپس با دست چپ، دست راست و پشت دستان و چهره‌اش را مسح کرد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم عَمَّار بن یاسر رضی الله عنه را برای برخی کارهایش به سفر فرستاد، پس او به سبب جماع یا نزول منی از روی شهوت دچار جنابت شد و برای غسل آب نیافت، و احکام تیمم را نمی‌دانست، بلکه می‌دانست که تیمم برای حَدَث اصغر و بی‌وضوئی است، بنابراین اجتهاد کرد و گمان کرد که همانطور که برای بی‌وضوئی با خاک روی زمین بر بعضی از اعضای بدنش مسح می‌کند، برای تیمم از جنابت نیز باید خاک را به همه بدنش برساند و این از روی قیاس خاک بر آب بود، پس در خاک غلت زد تا آنکه خاک به همه بدنش برسد، و سپس نماز خواند. چون به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم برگشت این را برایشان بازگو کرد تا ببینید که آیا کارش درست بوده یا اشتباه؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز چگونگی پاک شدن از حَدَث اصغر مانند ادرار و حدث اکبر مانند جنابت را برای او توضیح داد، به این صورت که با دستانش یک بار بر خاک ضربه بزند، سپس دست چپ را بر دست راست و پشت دستش و صورتش بکشد.

از فوائد حدیث:

1. واجب بودن جستجوی آب پیش از تیمم
2. مشروع بودن تیمم برای کسی که جُنُب است و آب نیابد
3. تیمم برای حَدَّث اکبر (جنابت) مانند تیمم برای حَدَّث اصغر (بی‌وضوئی است)

(3461)

(112) - عَنْ الْمُغِيرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ، فَأَهْوَيْتُ لِأَنْزِعَ خُفِّيَّ، فَقَالَ: «دَعُهُمَا، فَإِنِّي أَدْخَلْتُهُمَا طَاهِرَتَيْنِ» فَمَسَحَ عَلَيْهِمَا. [صحيح] - [متفق عليه]

(112) - از مُغیره رضی الله عنه روایت است که گفت: در سفری همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم. هنگام وضو (خواستم موزه های رسول الله صلی الله علیه وسلم را بیرون بیاورم که فرمود: «دَعُهُمَا فَإِنِّي أَدْخَلْتُهُمَا طَاهِرَتَيْنِ» «آنها را بیرون نیاور، چون آنها را پس از طهارت و وضو پوشیده ام». سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم بر موزه هایش مسح نمود [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در یکی از سفرهایشان بودند و وضو گرفتند، و چون به شستن پاها رسیدند مغیره بن شعبه دست خود را دراز کرد تا موزه‌ای را که پیامبر صلی الله علیه وسلم به پا کرده بود بیرون آورد تا پاهایشان را بشوید! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: رهایشان کن و آنها را بیرون نیاور، زیرا من در حالی که وضو داشتم پاهای خود را در موزه کرده‌ام. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم عوض این که پاهایش را بشوید، بر موزه های خود مسح کرد

از فوائد حدیث:

1. مسح بر موزه و پاپوش به هنگام وضو از حَدَّث اصغر مشروع است، اما برای غسل (از حَدَّث اکبر) جنابت (باید حتما پاها را شست)
2. مسح تنها یک بار است و آن با کشیدن دست خیس بر روی پاپوش انجام می‌شود نه زیر آن

3. برای مسح بر خفین شرط است که پاپوش‌ها پس از وضوی کامل که در آن پاها با آب شسته شده باشند پوشیده شوند، و خود پاپوش پاک باشد، و محل شستن فرض را پوشیده باشد، و مسح آنها باید برای حَدَثِ اصغر (بی‌وضویی) باشد نه در جنابت یا آنچه غسل را واجب می‌کند، و مسح باید در وقت مشخص شرعی یعنی یک شبانه‌روز برای مقیم و سه شبانه‌روز برای مسافر باشد.
4. هر آنچه پاها را می‌پوشاند - جوراب باشد یا غیر آن - بر موزه و پاپوش قیاس می‌شود و مسح بر آن جایز است.
5. اخلاق نیکوی پیامبر صلی الله علیه وسلم و آموزش ایشان به طوری که مغیره را از بیرون آوردن پاپوش‌ها باز داشت، و سبب را به او توضیح داد که پاهایش را در حال پاکی (با وضو) در پاپوش کرده تا دل او آرام گیرد و حکم را بدانند.

(3014)

(113) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَبِي حُبَيْشٍ سَأَلَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَتْ: إِنِّي أُسْتَحَاضُ فَلَا أَظْهَرُ، أَفَادَعُ الصَّلَاةَ؟ فَقَالَ: «لَا، إِنَّ ذَلِكَ عِرْقٌ، وَلَكِنْ دَعِيَ الصَّلَاةَ قَدَرَ الْأَيَّامِ الَّتِي كُنْتَ تَحِيضِينَ فِيهَا، ثُمَّ اغْتَسَلِي وَصَلِّي». [صحيح] - [متفق عليه]

(113) - از عایشه ام المؤمنین رضی الله عنها روایت است که فاطمه بنت ابی حُبَیْش از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید: من دچار استحاضه هستم و پاک نمی‌شوم، آیا نماز را ترک کنم؟ ایشان فرمودند: «لَا، إِنَّ ذَلِكَ عِرْقٌ، وَلَكِنْ دَعِيَ الصَّلَاةَ قَدَرَ الْأَيَّامِ الَّتِي كُنْتَ تَحِيضِينَ فِيهَا، ثُمَّ اغْتَسَلِي وَصَلِّي» یعنی: «خیر، این خون ناشی از پارگی [رگ است، اما نماز را به اندازه روزهایی که در آن حیض می‌شدی ترک کن، سپس غسل کن و نماز را بجا آور] [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

فاطمه بنت حُبَیْش از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید که: خونریزی من قطع نمی‌شود و حتی در زمان غیر حیض ادامه دارد، بنابراین آیا این حکم حیض را دارد و باید نماز را ترک کنم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود که این خون استحاضه است و خونی است ناشی از پارگی رگ در رحم و ناشی از بیماری است و خون حیض نیست. پس چون - وقت حیض شد که می‌دانی بنابر عادت ماهیانه‌ات - پیش از مبتلا شدن به خون استحاضه

در این زمان حیض می‌شدی، نماز و روزه و دیگر اعمالی که زن حیض در هنگام حیض از آن منع می‌شود را ترک کن. و چون مقدار آن مدت به پایان رسید در این حالت از خون حیض پاک شده‌ای، و موضع خون را می‌شویی، و سپس به نیت رفع حَدَثِ غَسَلِ کامل می‌کنی و سپس نماز می‌گزاری.

از فوائد حدیث:

1. وجوب غسل برای زن هنگام پایان ایام حیض.
2. وجوب نماز بر زنی که در حال استحاضه (خون‌ریزی ناشی از بیماری) است.
3. حیض: خونی طبیعی که رحم زنان بالغ آن را از محل شرمگاه بیرون می‌ریزد و در روزهایی مشخص رخ می‌دهد.
4. استحاضه: جاری شدن خون در غیر وقت آن از دهانه رحم نه قعر آن.
5. فرق بین خون حیض و استحاضه: خون حیض سیاه و غلیظ و بدبو است، اما خون استحاضه قرمز و رقیق است و بوی بد ندارد.

(3029)

(114) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ فِي بَطْنِهِ شَيْئًا، فَأَشْكَلَ عَلَيْهِ أَخْرَجَ مِنْهُ شَيْءٌ أَمْ لَا، فَلَا يَخْرُجَنَّ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا، أَوْ يَجِدَ رِيحًا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(114) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ فِي بَطْنِهِ شَيْئًا، فَأَشْكَلَ عَلَيْهِ أَخْرَجَ مِنْهُ شَيْءٌ أَمْ لَا، فَلَا يَخْرُجَنَّ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا، أَوْ يَجِدَ رِيحًا».

اگر کسی از شما در شکمش چیزی را احساس کرد و برایش سوال پیش آمد که آیا چیزی «از او خارج شده یا نه، از مسجد بیرون نیاید تا آنکه صدایی بشنود یا بویی احساس کند» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که اگر چیزی در شکم نمازگزار حرکت کرد و برایش مشخص نشد که آیا چیزی از او خارج شده یا خیر، از نماز خارج نشود و آن را برای اعاده وضو قطع نکند تا آنکه مطمئن شود که چیزی رخ داده که وضویش را باطل کرده است؛ یعنی آنکه صدایی بشنود یا بویی حس کند؛ زیرا شک، امر یقینی را باطل نمی‌کند، و او به طهارت خود مطمئن است اما بی‌وضو شدنش مشکوک است.

از فوائد حدیث:

1. این حدیث اصلی از اصول اسلام و قاعده‌ای از قواعد فقه است، یعنی این قاعده که یقین با شک از بین نمی‌رود و اصل بقا بر آنچه بوده است تا آنکه به خلاف آن یقین حاصل کند.
2. شک تاثیری در طهارت و وضو ندارد و نمازگزار تا وقتی که از بی‌وضو شدن مطمئن نشده بر طهارت خود باقی است.

(115) - عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا قَالَ الْمُؤَدِّنُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(115) - از عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا قَالَ الْمُؤَدِّنُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ».

هرگاه مؤذن گفت: الله اكبر الله اكبر، و یکی از شما [در پاسخ] گفت: الله اكبر الله اكبر، سپس گفت: اشهد ان لا اله الا الله، [او نیز] گفت: اشهد ان لا اله الا الله، سپس گفت: اشهد ان محمدا رسول الله، سپس گفت: حي على الصلاة، [او] گفت: لا حول ولا قوة الا بالله، سپس گفت: حي على الفلاح، [او نیز]: در پاسخ گفت: لا حول ولا قوة الا بالله، سپس گفت: الله اكبر الله اكبر، [او هم] گفت: الله اكبر الله اكبر، سپس گفت: لا اله الا الله، [او نیز] گفت: لا اله الا الله [او اینها را] [از دل] گفت، به بهشت داخل شود [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

اذان یعنی اعلام داخل شدن وقت نماز به مردم، و کلمات اذان، سخنانی است که عقیده ایمان را در خود جای داده است. در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان آنچه هنگام شنیدن اذان مشروع است پرداخته است، یعنی آنکه شنونده همان چیزی را بگوید که مؤذن می‌گوید، یعنی هرگاه مؤذن الله اكبر گفت، او نیز «الله اكبر» بگوید و به این ترتیب، مگر در هنگام شنیدن «حي على الصلاة» و «حي على الفلاح» که شنوند در پاسخ به آن می‌گوید: «لا حول ولا قوة الا بالله»

بِالله» یعنی: هیچ تبدیلی از حالتی به حالت دیگر و از نافرمانی الله به اطاعت او نیست، مگر به امر الله و هیچ نیرویی جز الله نیست و پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که هرکس خالصانه از دل همراه با مؤذن [اذان را] تکرار کند، وارد بهشت می‌شود. معانی کلمات اذان: «الله اکبر»: یعنی او سبحانه و تعالی عظیم‌تر و گرامی‌تر و بزرگتر از هر چیزی است.

اشهد ان لا اله الا الله» یعنی معبودی به حق نیست مگر الله»
اشهد ان محمدا رسول الله» یعنی اقرار می‌کنم و به زبان و دل گواهی می‌دهم که»
 محمد - صلی الله علیه وسلم - فرستاده الله است که الله عزوجل او را فرستاده است، و اطاعت از او واجب است.

حی علی الصلاة» یعنی: بشتابید به سوی نماز. و سخن شنونده در پاسخ به آن که»
 لا حول ولا قوة الا بالله»، یعنی راهی برای رهایی از موانع طاعت نیست، و قدرتی برای انجام آن نیست، و توانی برای انجام هیچ کاری نیست مگر به توفیق الله متعال
 حی علی الفلاح»، یعنی: بشتابید به سوی رستگاری. منظور رستگار شدن با وارد شدن به بهشت و رهایی از آتش دوزخ است.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت پاسخ دادن به مؤذن و تکرار آنچه می‌گوید، به جز دو - حی علی - که در «پاسخ به آن می‌گوید»: لا حول ولا قوة الا بالله

(65086)

(116) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا سَمِعْتُمْ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ، فَإِنَّهَا مَنزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ، لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(116) - از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که وی از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید که می‌فرمودند: «هرگاه صدای مؤذن را شنیدید مانند آنچه می‌گوید را بگویید، سپس بر من درود بفرستید، زیرا هر که بر من یک درود بفرستد الله بر او ده درود خواهد فرستاد، سپس از الله برای من «وسیله» را بخواهید؛ زیرا آن منزلتی است در بهشت که تنها شایسته یکی از بندگان الله است و امیدوارم من آن باشم، پس هر که «برای من وسیله بخواهد شفاعت بهره او می‌شود [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم ارشاد فرموده‌اند که هر کس صدای مؤذن برای نماز را شنید آن را پس از مؤذن تکرار کند، و مانند آنچه او می‌گوید را بگوید، به جز دو حی علی که پس از آن دو می‌گوید: لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، سپس بعد از پایان اذان بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود می‌فرستد، زیرا کسی که بر ایشان یک درود بفرستد، الله به سبب آن بر او ده درود می‌فرستد، و معنای درود الله بر بنده‌اش ثنای او بر بنده او نزد ملائکه است. سپس امر نمودند که از الله برای ایشان «وسیله» درخواست شود، و آن منزلتی است در بهشت که بالاترین منزلت آن است و شایسته و میسر نیست جز برای یک بنده از میان همه بندگان الله تعالی و ایشان امیدوار است که آن بنده ایشان باشند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم این را از روی تواضع بیان کردند، زیرا اگر آن منزلت تنها شایسته یک نفر باشد آن یک نفر کسی نیست جز ایشان صلی الله علیه وسلم، زیرا ایشان بهترین مخلوق هستند. سپس ایشان صلی الله علیه وسلم بیان نمودند که هر کس برای پیامبر صلی الله علیه وسلم وسیله را در دعا بخواهد شفاعت او حاصل می‌شود.

از فوائد حدیث:

1. ترغیب به اجابت مؤذن.
2. فضیلت درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از پاسخ گفتن به مؤذن.

3. ترغیب به درخواست مرتبت «وسيله» برای پیامبر صلی الله علیه وسلم و پس از درود بر ایشان.
4. بیان معنای «وسيله» و جایگاه والای آن، به طوری که تنها شایسته یک بنده است.
5. بیان فضیلت پیامبر صلی الله علیه وسلم، آنطور که آن منزلت خاص ایشان است.
6. هر که از الله تعالی برای پیامبر صلی الله علیه وسلم «وسيله» بخواهد شفاعت برای او حاصل می‌گردد.
7. بیان تواضع ایشان صلی الله علیه وسلم، چنانکه از امتشان درخواست کردند تا برای به دست آوردن آن منزلت برای ایشان دعا کنند، با وجود آنکه این منزلت برای ایشان خواهد بود.
8. وسعت فضل و رحمت الله، آنطور که هر نیکی ده برابر خواهد بود.

(65087)

(117) - عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(117) - از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که ایشان فرمودند: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ».

هر که هنگام شنیدن صدای مؤذن بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا (گواهی می‌دهم که معبودی نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است و به اینکه محمد بنده و فرستاده اوست به الله به عنوان پروردگار، و به محمد به عنوان پیامبر، و به اسلام به عنوان دین خشنود). [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند که هر کس هنگام شنیدن صدای مؤذن بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» یعنی: اقرار و اعتراف می‌کنم و خبر می‌دهم» که معبودی به حق نیست جز الله و هر معبودی جز او باطل است، «وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» یعنی: او خود بنده است و عبادت نمی‌شود و پیامبر است و دروغ نمی‌گوید، «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا» یعنی به پروردگاری الله و الوهیت و نام‌ها و صفاتش خشنود شدم، «وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا» یعنی به همه آنچه او صلی الله علیه وسلم به آن فرستاده شده و به ما، رسانده است خشنود شدم، «وَبِالْإِسْلَامِ» یعنی: به همه احکام اسلام از اوامر و نواهی دینا» یعنی: به آن معتقد شدم و گردن نهادم، «گناهایش آمرزیده می‌شود» یعنی: گناهان صغیره

از فوائد حدیث:

1. تکرار این دعا هنگام شنیدن اذان از محو کننده‌های گناهان است

(118) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: أتى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ أَعْمَى، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، إِنَّهُ لَيْسَ لِي قَائِدٌ يَقُودُنِي إِلَى الْمَسْجِدِ، فَسَأَلَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُرَخِّصَ لَهُ فَيُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ، فَرَخَّصَ لَهُ، فَلَمَّا وَلَّى دَعَاهُ، فَقَالَ: «هَلْ تَسْمَعُ التَّدَاءَ بِالصَّلَاةِ؟» فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: «فَأَجِبْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(118) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است فرمود: مردی نابینا نزد پیامبر - صلی الله علیه و سلم - آمد، و گفت: ای رسول الله، راهنمایی ندارم که مرا به مسجد بیاورد، و از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - درخواست نمود که به وی رخصت دهد تا در منزل خود نماز بخواند، ایشان به وی رخصت دادند، پس از آنکه خواست برگردد، وی را صدا زد و به وی فرمودند: «آیا ندای - آذان - نماز را می شنوی؟»، گفت: ببله، فرمودند: «پس اجابت کن» [صحيح]-[مسلم روایت کرده].

توضیح:

مردی نابینا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول الله، من کسی را ندارم که مرا یاری کند، و برای نمازهای پنجگانه دستم را گرفته به مسجد ببرد، می خواست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برایش اجازه ترک جماعت دهد، به او اجازه داد، و چون پشت کرد، او را صدا زد و گفت: صدای آذان را می شنوی؟ گفت: بلی، فرمود: آذان را اجابت کن.

از فوائد حدیث:

1. وجوب نماز جماعت؛ زیرا رخصت بخاطر امر ضروری و واجب می باشد.
2. گفتار او: «پس اجابت کن» به کسی که ندا را می شنود، دلالت بر واجب بودن نماز جماعت دارد. زیرا در اصل امر برای وجوب است.

(11287)

(119) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا، مَا تَقُولُ ذَلِكَ يُبْقِي مِنْ دَرْنِهِ؟» قَالُوا: لَا يُبْقِي مِنْ دَرْنِهِ شَيْئًا، قَالَ: «فَذَلِكَ مِثْلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(119) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: «أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا، مَا تَقُولُ ذَلِكَ يُبْقِي مِنْ دَرْنِهِ؟» قَالُوا: لَا يُبْقِي مِنْ دَرْنِهِ شَيْئًا، قَالَ: «فَذَلِكَ مِثْلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا».

نظرتان چیست اگر کنار دروازه [خانه] یکی از شما رودی باشد که هر روز پنج بار خودش را در آن بشوید، آیا از ناپاک‌اش چیزی باقی می‌ماند؟» گفتند: از ناپاک‌اش چیزی باقی نمی‌ماند. فرمود: «این مانند نمازهای پنج‌گانه است که الله متعال گناهان را به واسطه آن محو می‌کند» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم نمازهای پنج‌گانه در هر شبانه‌روز را به محو کننده گناهان صغیره و خطاها به رودی در کنار دروازه خانه انسان تشبیه کرده است که روزی پنج بار خود را در آن بشوید، در نتیجه از چرک و ناپاک‌اش چیزی باقی نمی‌ماند.

از فوائد حدیث:

1. این فضیلت مخصوص محو گناهان صغیره است، اما برای محو گناهان کبیره، باید از آن توبه نمود.
2. فضیلت ادای نمازهای پنج‌گانه و محافظت بر آن با شرط‌ها، رکن‌ها، واجب‌ها و سنت‌های آن.

(120) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: «الصَّلَاةُ عَلَى وَفَّيْهَا»، قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «ثُمَّ بُرُّ الْوَالِدَيْنِ» قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» قَالَ: حَدَّثَنِي بِهِنَّ، وَلَوْ اسْتَزَدْتُهُ لَزَادَنِي. [صحيح] - [متفق عليه]

(120) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم: کدام عمل نزد الله محبوبتر است؟ فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى وَفَّيْهَا» یعنی نماز به وقت آن. «پرسیدم: سپس چه چیزی؟ فرمود: «ثُمَّ بُرُّ الْوَالِدَيْنِ» یعنی: «سپس نیکی» به والدین. «گفتم: سپس چه؟ فرمود: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی: «جهاد در راه الله». می‌گویند: اینها را به من فرمودند و اگر [بر پرسش [می‌افزودم] در پاسخ [بر من می‌افزود [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: کدام عمل به نزد الله محبوبتر است؟ فرمود: نماز فرض در همان وقتی که شارع مشخص کرده است، سپس نیکی به والدین، با احسان به آنها و انجام حقشان و ترک بدی در حق آنان، سپس جهاد در راه الله، برای اعلای کلمه الله، و دفاع از اسلام و مسلمانان، و آشکار شدن شعایر اسلام، و این جهاد با جان و مال است.

ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: ایشان مرا از این اعمال آگاه ساختند؛ و اگر دوباره می‌پرسیدم که: سپس چه؟ بیشتر می‌گفتند

از فوائد حدیث:

1. برتری اعمال بر یکدیگر بر حسب محبت الله و دوست داشتن این اعمال نزد اوست.
2. ترغیب مسلمان به توجه و اهتمام به اعمال بر حسب برتری آنها.
3. پاسخ‌های پیامبر صلی الله علیه وسلم به این پرسش که بهترین اعمال چیست، بر حسب تفاوت اشخاص و احوال آنها و آنچه برای هر یک از آنان بهتر است، متفاوت است.

(121) - عَنْ عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَحَضَّرَهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا، إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ، مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً، وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(121) - از عثمان رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمود: «ما من امرئ مسلم تحضره صلاة مكتوبة فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها، إلا كانت كفارة لما قبلها من الذنوب، ما لم يؤت كبيرة، وذلك الدهر كله».

مسلمانی نیست که وقت نماز فرضش فرا رسد و به نیکی وضو و خشوع و رکوعش را انجام دهد، مگر آنکه کفاره گناهان پیش از آن خواهد بود؛ اگر مرتکب کبیره نشده باشد «و این [برای] همه سال است [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده اند که مسلمانی نیست که وقت نماز فرضش فرا رسد، و وضویش را به نیکی و کمال انجام دهد، و در نمازش خشوع و رزد به طوری که دلش و جوارحش همه به الله روی آورند، و عظمت او را به یاد آورد، و افعال نماز مانند رکوع و سجود را به شکل کامل انجام دهد، مگر آنکه این نماز گناهان صغیره قبلی را محو می کند تا وقتی که مرتکب گناه کبیره نشده باشد، و این فضیلت در طول زمان و در همه نمازها هست.

از فوائد حدیث:

1. نمازی که گناهان را پاک می کند آن نمازی است که بنده وضویش را به نیکی انجام دهد و آن را با خشوع و به قصد خشنودی الله تعالی به جا آورد.
2. فضیلت مداومت بر عبادت ها و اینکه عبادات سبب مغفرت گناهان صغیره می شود.
3. فضیلت نیکویی وضو، و نیکویی در ادای نماز و خشوع در آن.
4. اهمیت دوری از گناهان کبیره جهت مغفرت گناهان صغیره.
5. گناهان کبیره تنها با توبه محو می شود.

(122) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يقول: «الصَّلَاةُ الْخَمْسُ، وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ، مُكْفَرَاتٌ مَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتَنَبَ الْكَبَائِرَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(122) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت که رسول الله صلی الله وسلم می فرمودند نمازهای پنجگانه، جمعه تا جمعه، و رمضان تا رمضان، کفاره آنچه بین آنهاست می «باشد، در صورتی که از گناهان کبیره اجتناب شود [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که نمازهای پنج گانه فرض در شبانه روز، و نماز جمعه هر هفته، و روزه ماه رمضان هر سال، کفاره گناهان صغیره است که بین آن ها واقع می شود، مشروط بر اینکه از گناهان کبیره پرهیز شود، اما گناهان کبیره مانند زنا و نوشیدن شراب بجز با توبه کفاره نمی شود

از فوائد حدیث:

1. گناهان بعضی صغیره و بعضی کبیره می باشند
2. کفاره گناهان صغیره مشروط به دوری از گناهان کبیره می باشد
3. گناهان کبیره گناهی هستند که در دنیا برای آنها حدی وجود داشته باشد، و یا در آخرت برای آن وعیدی به عذاب یا خشم باشد، یا بر مرتکب آن ها نفرین شده باشد مانند زنا و شراب نوشی

(3591)

(123) - عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه قال: قال رسولُ الله صلى الله عليه وسلم: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ». [حسن] - [رواه أبو داود]

(123) - از عمرو بن شعيب از پدرش از پدر بزرگش روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ «أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ».

فرزندانتان را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در ده سالگی برای نماز بزنید و محل»
«خواب آنان را از هم جدا کنید [حسن]-[ابو داود روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده که پدر باید فرزندانش - پسر و دختر - را در هفت سالگی شان به نماز امر کند و هرآنچه برای برپا داشتن نماز لازم است را به آنان آموزش دهد. و هرگاه به ده سالگی رسیدند بر اهمیت این امر افزوده می شود و در صورت کوتاهی در نماز باید آنان را بزنند، و باید در این سن محل خواب آنان را از هم جدا کند.

از فوائد حدیث:

1. آموزش امور دین به فرزندان قبل از بلوغ، و از مهم ترین این امور نماز است.
2. زدن برای تادیب است نه برای شکنجه، بنابراین زدن باید مناسب حال باشد.
3. توجه شریعت به حفظ ناموس و بستن هر راهی که ممکن است منجر به فساد شود.

(124) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: قَسَمْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نِصْفَيْنِ، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: {الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: حَمَدِي عَبْدِي، وَإِذَا قَالَ: {الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ}، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَثْنَى عَلَيَّ عَبْدِي، وَإِذَا قَالَ: {مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ}، قَالَ: مَجْدَنِي عَبْدِي، - وَقَالَ مَرَّةً: فَوَضَّ إِلَيَّ عَبْدِي -، فَإِذَا قَالَ: {إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ}، قَالَ: هَذَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ، فَإِذَا قَالَ: {اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ}، قَالَ: هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(124) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمودند: «الله متعال فرمود: نماز را بین خودم و بندهام به دو نیم تقسیم کردهام و برای بندهام هر آن چیزی است که بخواهد، پس چون بنده بگوید: الحمد لله رب العالمین، الله تعالی می فرماید: بندهام مرا ستایش گفت، و چون بگوید: الرحمن الرحیم می فرماید: بندهام مرا ثنا گفت، و چون بگوید: مالک يوم الدين، می فرماید: بندهام مرا به بزرگی ستود، و چون بگوید: ایاک نعبد و ایاک نستعین، می فرماید: این بین من و بندهام است، و برای بندهام هر آن چه بخواهد است، پس چون بگوید: اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین، می فرماید: این برای بندهام است، و برای بندهام هر آن چیزی است که بخواهد [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده است که الله متعال در حدیث قدسی می فرماید: سوره فاتحه را در نماز بین خودم و بندهام دو نیم تقسیم نمودهام، نصف آن برای من و نصف آن برای او.

نصف اول آن حمد و ثنا و بزرگداشت الله است که برای آن به بندهام بهترین پاداش را می دهم.

و نصف دوم آن تضرع و دعا است و دعایش را اجابت می کنم، و آنچه را خواسته به او عطا می کنم.

پس چون نمازگزار بگوید: {الحمد لله رب العالمین} {ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است}، الله می فرماید: بندهام مرا ستایش نمود، و چون بگوید: {الرحمن الرحیم} {آن رحمت گستر و مهربان}، الله می فرماید: بندهام مرا ثنا گفت و مرا ستود، و به رحمتی که

بر همه خلق گستردهام اعتراف کرد، و چون بگوید {مالك يوم الدين} {مالك روز جزاست}، الله می‌فرماید: بندهام مرا تمجید کرد و آن شرف وسیع است پس چون بگوید {إياك نعبد وإياك نستعين}، الله متعال می‌فرماید: این میان من و بندهام است.

نصف اول از این آیه برای الله است یعنی {إياك نعبد} که به معنای اعتراف به الوهیت برای الله است، و استجابت او با عبادت است و با این نیمه مخصوص الله به پایان می‌رسد و نیمه دوم آیه برای بنده است یعنی {إياك نستعين} که درخواست یاری از الله و وعده یاری اوست.

پس چون بگوید {اهدنا الصراط المستقيم} *صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين {الله می‌فرماید: این تضرع و دعایی است از سوی بندهام، و بندهام آنچه بخواهد را دارد و دعایش را اجابت کردم.

از فوائد حدیث:

1. بزرگی منزلت سوره فاتحه، چرا که الله متعال آن را «نماز» نامیده است
2. بیان عنایت الله متعال به بندهاش آنطور که او را به سبب حمد و ثنا و تمجیدش ستوده و وعده داده که آنچه را خواسته به او عطا خواهد کرد
3. این سوره کریمه حمد الله و یاد آخرت و دعای الله و اخلاص عبادت برای او و درخواست هدایت به راه راست و هشدار نسبت به راه‌های باطل را در خود دارد
4. به یاد آوردن و احساس کردن این حدیث - هنگام خواندن سوره فاتحه - توسط نمازگزار باعث افزایش خشوع در نماز می‌شود

(65099)

(125) - عن بريدة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْعَهْدَ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». [صحيح] - [رواه الترمذي والنسائي وابن ماجه وأحمد]

(125) - از بُریده رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم «فرمودند»: «إِنَّ الْعَهْدَ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ».

«پیمانی که میان ما و آنهاست نماز است؛ پس هر که ترکش کرد کافر شده است» [صحيح] - [ترمذی و نسایی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پيامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته است که عهد و پیمانی که بین مسلمانان و دیگران از جمله کافران و منافقان [جدایی ایجاد می‌کند]، نماز است، پس هر که آن را ترک کند کافر شده است.

از فوائد حدیث:

1. بزرگی منزلت نماز و اینکه جدا کننده بین مؤمن و کافر است
2. ثابت شدن احکام اسلام بر اساس حال ظاهر شخص است بدون [بررسی] باطن و نهان او.

(65094)

(126) - عن جابر رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشُّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(126) - از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشُّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ».

«میان شخص و شرک و کفر، ترک نماز است» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به ترک نماز فرض هشدار داده و بیان کرده که فاصله میان شخص و افتادنش در شرک و کفر، ترک نماز است. نماز دومین رکن از ارکان اسلام است که مقام والایی دارد، و اگر کسی آن را با انکار و جوبش ترک گوید به اجماع مسلمانان کافر می‌شود، و اگر آن را از روی سهل انگاری و تنبلی به طور کامل ترک کند کافر است، و اجماع صحابه را در این مورد نقل شده است، و اگر گاه ترکش می‌کند و گاه ادایش می‌کند در معرض این وعید شدید قرار گرفته است.

از فوائد حدیث:

1. اهمیت نماز و محافظت بر آن، زیرا نماز فاصله میان کفر و ایمان است.
2. هشدار شدید برای ترک نماز و ضایع ساختن آن.

(65093)

(127) - عن سالم بن أبي الجعد قال: قال رجل: ليتني صَلَّيْتُ فاسترحتُ، فكأنَّهم عابُوا ذلك عليه، فقال: سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم يقول: «يا بلالُ، أقمِ الصَّلَاةَ، أرحنا بها».

[صحيح] - [رواه أبو داود]

(127) - از سالم بن ابی جعد روایت است که گفت: مردی گفت: کاش نماز می‌خواندم و راحت می‌شدم. اما آنها گویا سخن او را بد دانستند، پس او گفت: شنیدم که رسول الله «صلی الله علیه وسلم می‌فرمود»: «یا بلال، اقم الصلاة، ارحنا بها».

«ای بلال، نماز را اقامه کن، ما را با آن راحت کن» [صحيح]-[ابو داود روایت کرده]

توضیح:

مردی از صحابه گفت: کاش نماز می‌خواندم تا راحت می‌شدم. کسانی که دور و بر او بودند این سخن او را بد دانستند و بر او عیب گرفتند، پس او گفت: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: ای بلال! برای نماز اذان بگو و اقامه‌اش کن؛ تا با آن آسوده شویم؛ زیرا نماز شامل مناجات با الله و راحتی روح و دل است.

از فوائد حدیث:

1. راحت دل با نماز است؛ زیرا در بر دارنده مناجات با الله است.
2. انکار بر کسی که عبادت را سنگین می‌شمارد.
3. کسی که واجبی بر عهده اوست انجام دهد، برایش آسایش و احساس آرامش حاصل می‌شود.

(65095)

(128) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِذَا كَبَّرَ فِي الصَّلَاةِ، سَكَتَ هُنَيْئَةً قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَيِّ أُنْتِ وَأُمِّي أَرَأَيْتَ سَكُوتَكَ بَيْنَ التَّكْبِيرِ وَالْقِرَاءَةِ، مَا تَقُولُ؟ قَالَ «أَقُولُ: اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقِّي الثُّوبَ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ وَالْمَاءِ وَالْبَرَدِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(128) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: چون رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز تکبیر می گفت، مقداری قبل از اینکه قرائت را آغاز کند، ساکت می ماند؛ به همین دلیل گفتیم: ای رسول الله، پدر و مادرم فدایت، در سکوت ات بین تکبیر و خواندن سوره چه می گویی؟ ایشان فرمودند: «می گویم»: اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنَ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقِّي الثُّوبَ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ" بار الها من و گناهانم را آنچنان از هم دور کن که بین مشرق و مغرب فاصله انداختی، بار الها آنچنان مرا از گناهانم پاک گردان که لباس سفید از ناپاکی ها پاک می شود، بار الها مرا از گناهانم با آب و یخ و تگرگ بشوی [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

چون رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نماز تکبیر می گفت و مدت کوتاهی قبل از قرائت فاتحه مکث می کرد، و نمازش را به بعضی دعاها آغاز می نمود، و از جمله دعاهای که ثابت شده این است که: اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنَ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقِّي الثُّوبَ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ" بار الها من و گناهانم را آنچنان از هم دور کن که بین مشرق و مغرب فاصله انداختی، بار الها آنچنان مرا از گناهانم پاک گردان که لباس سفید از ناپاکی ها پاک می شود، بار الها مرا از گناهانم با آب و یخ و تگرگ بشوی. «چون نمازگزار رو به الله متعال می آورد که گناهانش را محو نموده و بین او و گناهانش فاصله ای بیندازد که با وجود آن با یکدیگر روبرو نشوند؛ چنانکه مشرق و مغرب از یکدیگر فاصله دارد و هرگز با هم دیگر نزدیک شده نمی توانند؛ و هرگاه مرتکب گناه و اشتباهی شد از الله متعال می خواهد که گناهان و اشتباهاتش را از بین ببرد، و او را از آن پاک بگرداند؛ چنانکه چرک و پلیدی از لباس سفید شسته می شود؛ و او را از گناهانش بشوید و آتش و گرمای گناهانش را سرد نماید؛ و با پاک کننده های سردی چون آب و برف و تگرگ چنین کند

از فوائد حدیث:

1. خواندن دعای استفتاح بشکل خفیه هر چند نماز جهری باشد.
2. حرص صحابه رضی الله عنهم برای دانستن احوال رسول الله صلی الله علیه وسلم در حرکات و سکنات او صلی الله علیه وسلم.
3. برای دعای استفتاح صیغه های دیگری نیز وجود دارد، و بهتر است انسان به دعاهایی که از او صلی الله علیه وسلم ذکر و ثابت شده است عمل کند، یک بار این دعا خوانده شود و بار دیگر دعای دیگری

(3104)

(129) - عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ، وَإِذَا كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ، وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ، رَفَعَهُمَا كَذَلِكَ أَيْضًا، وَقَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ»، وَكَانَ لَا يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي السُّجُودِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(129) - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم در آغاز نماز و هنگام تکبیر رکوع رفع یدین می کرد، یعنی دست هایش را تا برابر شانه ها بالا می برد. همچنین هنگام برخاستن از رکوع نیز رفع یدین می کرد و می گفت: **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ** و این کار را در سجده انجام نمی داد. [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پيامبر صلی الله علیه وسلم در هنگام نماز دستهای خود را در سه موضع رو به روی و یا مقابل شانه که آن: استخوان شانه و استخوان بازو است بالا می برد.
موضع اول: هرگاه نماز را آغاز می نمود هنگام تکبیر الاحرام.
دوم: هرگاه برای رکوع تکبیر گوید.
سوم: هرگاه از رکوع بالا شد و: **سمع الله لمن حمده ربنا ولك الحمد** بگوید.
هنگام شروع سجده و هنگام برخاستن از آن دستان خود را بالا نمی برد.

از فوائد حدیث:

1. یکی از حکمت های بالا بردن دست ها در نماز این است که زینت نماز و تعظیم الله متعال است.
2. از او صلی الله علیه وسلم ثابت شده است که ایشان در موضع چهارم نیز دست هایش را بالا برد، چنانکه در روایت ابوحمید الساعدی به روایت ابوداود و دیگران آمده است که هنگام ایستادن از تشهد اول در نماز سه و چهار رکعتی رفع الیدین را انجام می داد.
3. همچنین ثابت شده است که او صلی الله علیه وسلم دستهای خود را در برابر گوش هایش بلند می کرد، بدون اینکه آن را لمس کند، چنانکه در روایت مالک بن الحویرث در صحیحین آمده است: **«هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم «تکبیر گفت دستانش را بالا برد تا برابر گوش هایش قرار گیرد»**.
4. تسمیع و تحمید مخصوص امام و تنها نمازگزار منفرد است، و اما نمازگزار پشت سر امام (می گوید: ربنا ولك الحمد).
5. گفتن " رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ " بعد از رکوع از پیامبر صلی الله علیه وسلم به چهار صیغه ، روایت شده و این یکی از آنهاست، برای انسان بهتر است این صیغه ها را دنبال کند یک بار این را و بار دیگر دیگری را انجام دهد.

(3095)

(130) - عَنْ عَبْدِ بْنِ الصَّامِتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(130) - از عبادة بن الصامت رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ».

«کسی که فاتحه کتاب (سوره فاتحه) را تلاوت نکند، نماز او درست نمی شود» [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم بیان کرده اند که نماز درست نمی شود مگر با خواندن سوره فاتحه، زیرا خواندن سوره فاتحه در همه رکعت ها یکی از رکن های نماز است.

از فوائد حدیث:

1. در صورت توانایی خواندن سوره فاتحه، سوره دیگری نمی تواند جایگزین آن شود.
2. رکعتی که در آن سوره فاتحه به عمد یا از روی جهل یا فراموشی خوانده نشود باطل است؛ زیرا سوره فاتحه رکن است، و رکن ها به هیچ عنوان ساقط نمی شود.
3. سوره فاتحه در صورتی ساقط می شود که مأوم در حالت رکوع به امام برسد.

(5378)

(131) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: أنه كان يُكَبِّرُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ وَعَظِيرَهَا، فِي رَمَضَانَ وَعَظِيرِهِ، فَيُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرُكِعُ، ثُمَّ يَقُولُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، ثُمَّ يَقُولُ: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، قَبْلَ أَنْ يَسْجُدَ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ حِينَ يَهْوِي سَاجِدًا، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَسْجُدُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حِينَ يَقُومُ مِنَ الْجُلُوسِ فِي الْإِثْنَتَيْنِ، وَيَفْعَلُ ذَلِكَ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ، حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ، ثُمَّ يَقُولُ حِينَ يَنْصَرِفُ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنِّي لَأَقْرُبُكُمْ شَبَهًا بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِنْ كَانَتْ هَذِهِ لَصَلَاتُهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا. [صحيح] - [متفق عليه]

(131) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: ایشان در هر نماز فرض و غیر فرض، در رمضان و غیر رمضان [در آغاز آن] تکبیر می‌گفت، و سپس هنگام رکوع: تکبیر می‌گفت، سپس می‌گفت: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، سپس پیش از رفتن به سجده می‌گفت: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، سپس هنگام رفتن به سجده تکبیر می‌گفت، و هنگام سر بلند کردن از سجده تکبیر می‌گفت، سپس هنگام رفتن به سجده تکبیر می‌گفت، سپس هنگام برخاستن از سجده تکبیر می‌گفت، سپس هنگام برخاستن از جلوس در رکعت دوم تکبیر می‌گفت، و این را در هر رکعت انجام می‌داد تا آنکه نمازش را به پایان می‌رساند، سپس بعد از پایان نماز می‌گفت: قسم به آنکه جانم به دست اوست، نماز من شبیه‌تر از شما به نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم است، این نماز او بود تا آنکه از دنیا رفت [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

ابوهریره رضی الله عنه بخشی از روش نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم را روایت می‌کند، و بیان می‌دارد که ایشان هرگاه برای نماز برمی‌خواست تکبیر احرام را می‌گفت، سپس هنگام انتقال به رکوع و هنگام سجده، و هنگام بلند شدن از سجده، و هنگام رفتن به سجده دوم، و هنگام برخاستن از سجده، و هنگام برخاستن از دو رکعت اول پس از نشستن برای تشهد اول در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی، تکبیر می‌گفت و این را در همه نمازش تا پایان آن انجام می‌داد، و هنگام برخاستن از رکوع سمع الله لمن حمده می‌گفت، و سپس هنگامی که [پس از رکوع] می‌ایستاد می‌گفت: ربنا لك الحمد

سپس ابوهریره پس از پایان نماز فرمود: قسم به آنکه جانم به دست اوست، من در میان شما شبیه‌ترین نماز را به نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم دارم، زیرا همین روش نماز ایشان بود تا از دنیا رفتند

از فوائد حدیث:

1. در همه پائین و بالا رفتن در نماز تکبیر گفته می‌شود به جز برای برخاستن از رکوع که در آن «سمع الله لمن حمده» می‌گوید.
2. توجه صحابه به اقتدا به پیامبر صلی الله علیه وسلم و حفظ سنت ایشان

(65098)

(132) - عن ابن عَبَّاسٍ رضي الله عنهما عن النبيّ صلى الله عليه وسلم قال: «أُمِرْتُ أَنْ أُسْجِدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ: عَلَى الْجَبْهَةِ وَأَشَارَ بِيَدِهِ عَلَى أَنْفِهِ، وَالْيَدَيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَأَطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ، وَلَا نَكَفَيْتِ النَّيَابَ وَالشَّعْرَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(132) - از ابن عباس رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أُسْجِدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ: عَلَى الْجَبْهَةِ وَأَشَارَ بِيَدِهِ عَلَى أَنْفِهِ، وَالْيَدَيْنِ وَالرُّكْبَتَيْنِ، وَأَطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ، وَلَا نَكَفَيْتِ النَّيَابَ وَالشَّعْرَ» یعنی: «به من امر شده که بر روی هفت استخوان و پیشانی سجده کنم، و با دستشان به بینی، دو دست، دو زانو و اطراف پاهایشان اشاره کردند، و اینکه لباس و موها را [در داخل نماز] جمع نکنیم». [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند که الله متعال ایشان را امر کرده‌اند که در نماز بر هفت عضو از اعضای بدن سجده کند، یعنی نخست: پیشانی، یعنی قسمت صاف صورت، بالای بینی و چشمان. و پیامبر صلی الله علیه وسلم به بینی خودشان اشاره کردند، تا بیان دارند که پیشانی و بینی یک عضو از این اعضای هفتگانه هست، با تاکید بر اینکه سجده کننده با بینی خویش زمین را لمس کند. عضو دوم و سوم، دستان هست. عضو چهارم و پنجم، زانوها هست. عضو ششم و هفتم، انگشتان پاها هستند. و امر کردند که موهایمان را در نماز نبندیم، یا در هنگام سجده لباسمان را برای محافظت از آن جمع نکنیم، بلکه آن را رها سازیم تا به زمین بیفتد و همراه با اعضا به سجده رود.

از فوائد حدیث:

1. وجوب سجده در نماز بر هفت عضو
2. مکروه بودن جمع کردن لباس و مو در نماز
3. بر مسلمان واجب است که در نمازش آرامش داشته باشد، یعنی آنکه هفت عضو سجده را بر زمین بگذارد و بر آن آرام گیرد تا بتواند ذکر مشروع را انجام دهد
4. نهی از جمع کردن مو خاص به مردان است، زیرا زن در نماز امر به پوشاندن خود شده است

(10925)

(133) - عن جرير بن عبد الله رضي الله عنه قال: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَنظَرْنَا إِلَى الْقَمَرِ لَيْلَةَ -يَعْنِي الْبَدْرَ- فَقَالَ: «إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبِّكُمْ كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تُضَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ لَا تُغْلَبُوا عَلَى صَلَاةٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا فَافْعَلُوا» ثُمَّ قَرَأَ: «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ» [صحيح] - [متفق عليه]

(133) - از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که گفت: ما نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم بودیم، ایشان به سوی ماه قرص کامل نگریستند، و فرمودند: «إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبِّكُمْ كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تُضَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ لَا تُغْلَبُوا عَلَى صَلَاةٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا فَافْعَلُوا» یعنی: «همانا شما پروردگارتان را خواهید دید همانند اینکه این ماه را می بینید، و برای دیدن آن دچار سختی و مشقت نمی شوید، پس اگر توانستید نماز قبل از طلوع آفتاب، و نماز قبل از غروب آفتاب را با کاملترین شکل بخوانید»، سپس این آیه را خواندند: «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ» (و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی) [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

صحابه شبی با پیامبر صلی الله علیه و سلم بودند، پس به ماه شب چهاردهم نگریست و فرمود: مؤمنان پروردگار خود را حقیقتاً، به چشم سر، بدون آنکه دچار خطا شوند می بینند و آنان هنگام دیدن او تعالی از دحام نمی کنند و دچار مشقت نمی شوند. سپس رسول الله صلی

الله علیه وسلم فرمود: اگر توانستید اسبابی را که شما را از نماز صبح و نماز عصر بازمی‌دارد از بین ببرید، چنین کنید و آن دوناظر را به طور کامل در وقتشان به همراه جماعت ادا کنید، زیرا این از اسباب نظر به چهره الله عزوجل است. سپس ایشان صلی الله علیه وسلم این آیه را خواندند: { وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ } (و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی

از فوائد حدیث:

1. بشارت به اهل ایمان که الله تعالی را در بهشت خواهند دید
2. از روش‌های دعوت، تاکید و ترغیب و آوردن مثال است

(5657)

(134) - عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ صَلَّى الْبَرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» [صحيح] - [متفق عليه]

(134) - از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ صَلَّى الْبَرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ». «هرکس نماز صبح و عصر را بخواند». [وارد بهشت می‌شود] [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به کوشا بودن در خواندن نماز (البردین) که همانا نماز صبح و عصر است سفارش نمود، و مژده داد هر که آنها را با رعایت حقوقش از لحاظ وقت و جماعت و چیزهای دیگر ادا نماید سبب ورود او به بهشت می‌شود

از فوائد حدیث:

1. فضیلت پابندی به نماز صبح و عصر؛ زیرا صبح زمان خواب لذیذ است، و عصر زمانیست که انسان به کار خود مشغول می‌باشد، پس هر که پابند آن دو نماز باشد بطریقه اولی پابند بقیه نمازها می‌باشد
2. نماز صبح و عصر را (البردین) می‌نامند؛ زیرا نماز صبح خنکی شب را دارد، و نماز عصر خنکی روز را دارد اگر چه در وقت گرما باشد، باوجود اینکه از وقت

قبلی خفیف تر می باشد، و یا این که وجه نامگذاری آن از باب تغلیب باشد، چنانچه گفته می شود): القمران للشمس و القمر (دو ماه برای خورشید و ماه است

(4198)

(135) - عن جُنْدَبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقَسْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الصُّبْحِ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ، فَلَا يُطْلَبُ نَفْسُهُ مِنَ اللَّهِ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ، فَإِنَّهُ مَنْ يُطْلَبُهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ يُدْرِكُهُ، ثُمَّ يَكْبَهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(135) - از جندب بن عبدالله القسری رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «کسی که نماز فجر را ادا نماید در پناه و حمایت الله است پس الله متعال درباره ی عهد و پیمان خویش چیزی را از شما مطالبه نکند؛ زیرا هر کس در این باره از سوی الله مؤاخذه شود، راه فرار ندارد و سپس الله متعال او را بر رویش در آتش دوزخ می اندازد [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم خبر می دهد که هر کسی نماز فجر را بخواند در امان و حفظ و حراست الله متعال است، و از او حمایت می کند، و او را یاری می کند. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره شکستن این عهد هشدار داد که (شکستن این پیمان (یا با ترک نماز صبح، و یا با هجوم بر نماز خوانان و یا تجاوز به آنان می باشد پس هر کسی که این عمل را انجام داد، این رابطه تعهد را به هم زد و مستحق عذاب شدید شد، و الله متعال از او در مورد اهمال کردن حقتش سؤال می کند، و اگر الله متعال به دنبال او برود او را می گیرد، و بر روی اش در آتش دوزخ می اندازد

از فوائد حدیث:

1. بیان کردن اهمیت نماز صبح و فضیلت آن
2. هشدار شدید برای کسی است که نماز گزار صبح را اذیت کند
3. انتقام الله متعال از کسانی که بندگان نیکو کارانش را آزار و اذیت می کند

(5435)

(136) - عن بريدة بن الحصيب رضي الله عنه أنه قال: بَكَّرُوا بِصَلَاةِ الْعَصْرِ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(136) - از بریده بن الحصبیب رضی الله عنه روایت است که فرمود: نماز عصر را وقت تر بخوانید، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند « هر کسی نماز عصر را ترک کند، عملش باطل است [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از به تأخیر انداختن عمدی نماز عصر از وقت آن برحذر داشت و هر کسی این کار را انجام دهد عمل وی فاسد، باطل و بی ثواب است.

از فوائد حدیث:

1. اصرار بر اقامه نماز عصر در اول وقت و عجله در اقامه آن.
2. هشدار سخت برای کسی که نماز عصر را ترک نموده، و این که قضاء شدن نماز عصر بزرگتر و شدیدتر است نسبت به نمازهای دیگری، چون این نماز وسطی است که الله متعال به آن امر نموده است، الله متعال می فرماید: حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةَ الْوُسْطَى [البقرة: 238]. [بر نمازها و] به ویژه (نماز عصر، پای بند [باشید].

(6261)

(137) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّ إِذَا ذَكَرَهَا، لَا كَفَّارَةَ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ: {وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي} [طه: 14]». [صحيح] - [متفق عليه]

(137) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که نمازی را فراموش کرد، هرگاه به یادش آورد ادایش کند، و [این کارش [کفاره‌ای جز این ندارد] {وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي} [طه: ۱۴] [و برای یاد من نماز برپا دار]» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که هرکس نماز فرضی را فراموش کرد تا آنکه وقتش خارج شد باید به محض یادآوری فوراً قضای آن را بیاورد، زیرا گناه ترک آن پاک کننده و پوشاننده‌ای ندارد جز آنکه مسلمان به هنگام یادآوری‌اش آن را ادا کند. الله متعال در کتابش می‌فرماید: {وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي} [طه: ۱۴]. [یعنی: و نماز را برای یاد من برپا دار]. (نماز فراموش شده را هرگاه به یادش آوردی بخوان)

از فوائد حدیث:

1. بیان اهمیت نماز و عدم سهل انگاری در ادا و قضای آن
2. به تاخیر انداختن نماز از وقت آن به عمد و بدون عذر جایز نیست
3. وجوب قضای نماز بر کسی که فراموش کرده به محض یادآوری، و برای کسی که از خواب رفته به محض بیدار شدن
4. وجوب قضای فوری نمازها حتی اگر در اوقات نهی باشد

(65088)

(138) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ وَصَلَاةُ الْفَجْرِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا، وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَّ بِالصَّلَاةِ فَتَقَامَ، ثُمَّ أَمُرَّ رَجُلًا فَيَصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ، فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(138) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ وَصَلَاةُ الْفَجْرِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا، وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَّ بِالصَّلَاةِ فَتَقَامَ، ثُمَّ أَمُرَّ رَجُلًا فَيَصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ، فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ».

سنگین‌ترین نماز برای منافقان نماز خفتن و نماز صبح است، و اگر می‌دانستند در این دو [نماز چه پاداشی] هست، حتی به صورت خزیده برای ادای آنها به مسجد می‌آمدند، و به تأکید خواستم امر کنم تا نماز برپا شود، سپس به یکی از مردان امر کنم برای مردم نماز بخواند، سپس همراه با مردانی که بسته‌هایی از هیزم به همراه دارند، به سوی [اقوامی بروم که برای نماز جماعت حاضر نمی‌شوند، تا خانه‌هایشان را با آتش بسوزانم]. [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره منافقان و تنبلی آنان از حضور در نماز به ویژه نماز خفتن و صبح خبر داده‌اند، و اینکه اگر میزان اجر و ثوابی که حضور در این نمازها همراه با جماعت مسلمانان است را می‌دانستند حتی مانند کودکان سینه‌خیز بر دست و زانو در این نمازها حاضر می‌شدند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم عزم نمود تا امر کند که نماز را برپا کنند، و مردی را به عنوان پیش‌نماز به جای خود بگذارد، و سپس خود با کسانی با دسته‌هایی هیزم به سوی مردانی بروند که در جماعت حاضر نمی‌شوند، و خانه‌هایشان را با آتش بسوزانند؛ و این

از فوائد حدیث:

1. خطر تخلف از نماز جماعت در مسجد و حضور نیافتن در آن
2. منافقان در انجام عبادت‌هایشان مقصودی غیر از ریاکاری و شهرت نداشتند؛ زیرا آنان برای نماز نمی‌آیند مگر هنگامی که مردم آنان را ببینند
3. بزرگی ثواب ادای نمازهای خفتن و صبح همراه با جماعت، و اینکه آنها سزاوارتر به اداء کردن با جماعت هستند، اگر چه با خزیدن به سوی آنها باشد
4. محافظت بر نمازهای خفتن و صبح باعث در امان ماندن از نفاق است، و تخلف از این دو نماز از صفات منافقان است

(3366)

(139) - عَنِ ابْنِ أَبِي أَوْفَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَفَعَ ظَهْرَهُ مِنَ الرُّكُوعِ قَالَ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلءَ الْأَرْضِ وَمِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(139) - از ابن ابی اوفی رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه از رکوع برمی‌خاست می‌فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِلءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلءَ الْأَرْضِ وَمِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ» یعنی: «الله شنید آنکه را حمدش گفت، بار الها و پروردگارا، حمد از آن توست، به مملوء بودن آسمان‌ها، و به مملوء بودن زمین، و به مملوء بودن هر آنچه تو پس از آن خواهی [صحيح]- مسلم روایت کرده»

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم هر گاه از رکوع در نماز بلند می‌شد می‌فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» یعنی: آنکه حمد الله تعالی را به جای آورد الله نیز او را استجابت می‌کند، و ستایش او را می‌پذیرد، و برایش اجر می‌دهد، سپس حمد الله را اینگونه به جا می‌آورد که: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلءَ الْأَرْضِ وَمِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ» یعنی: ای الله! پروردگار ما، حمد و ستایش تو را است، حمدی که آسمان‌ها و زمین و ما بین آنها را مملوء می‌کند و هرچیزی را که الله بخواهد مملوء می‌کند.

از فوائد حدیث:

1. بیان آنچه مستحب است نمازگزار پس از بلند کردن سرش از رکوع بگوید
2. مشروع بودن اعتدال (کامل ایستادن) و آرامش پس از برخاستن از رکوع؛ در صورتی می‌تواند این ذکر را بگوید که کامل ایستاده باشد و آرام گیرد
3. این ذکر در همه نمازهای فرض یا نفل مشروع است

(65101)

(140) - عن حُدَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». [صحيح] - [رواه أبو داود والنسائي وابن ماجه وأحمد]

(140) - از حُدَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روايت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم در بین دو سجده می‌فرمود: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». «یعنی» پروردگارا، مرا ببخش، پروردگارا «مرا ببخش [صحيح]-[ابو داود و نسایی و ابن ماجه و احمد روايت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام نشستن بین دو سجده می‌فرمود: «رَبِّ اغْفِرْ لِي رَبِّ اغْفِرْ لِي» «و آن را تکرار می‌کرد
معنای رَبِّ اغْفِرْ لِي، درخواست بنده از پروردگارش است که گناهانش را پاک کند و عیب‌هایش را بپوشاند

از فوائد حدیث:

1. مشروعیت این دعا بین دو سجده در نماز فرض و نفل
2. مستحب بودن تکرار رب اغفر لی، و یک بار گفتن آن واجب است

(65104)

(141) - عن ابن عباس رضي الله عنهما: كان النبي صلى الله عليه وسلم يقول بين السجدين: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وارْحَمْنِي، وعافني، واهدني، وارزقني». [حسن بشواهد] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(141) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بین دو سجده این دعا را میخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وارْحَمْنِي، وعافني، واهدني». «وارزقني». «یعنی» **یا الله مرا ببخش و بیمارز و شفا بده و راهنماییم کن و روزی ام ده**. [حسن است با شواهدش] - [ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بین دو سجده با این دعاهای پنج گانه ای که یک مسلمان به آن نیاز مبرم دارد و شامل خیر دنیا و آخرت است دعاء می کرد؛ از جمله، استغفار، وستر گناهان و گذشت از آنها، رحمت، و سلامتی از شکوک، شهوات، امراض و خواستن هدایت از الله متعال به سوی حق، و استقامت بر آن و خواستن رزق و روزی از ایمان و علم و عمل نیک و از مال حلال و پاکیزه می باشد

از فوائد حدیث:

1. مشروعیت این دعاء در نشست که بین دو سجده می باشد
2. فضیلت این دعاها برای آنچه از خیر دنیا و آخرت دارد

(10930)

(142) - عَنْ حِطَّانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرَّقَاشِيِّ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ صَلَاةً، فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ الْقَعْدَةِ قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أُقِرَّتِ الصَّلَاةُ بِالْبِرِّ وَالزَّكَاةِ، قَالَ: فَلَمَّا قَضَى أَبُو مُوسَى الصَّلَاةَ وَسَلَّمْ أَنْصَرَفَ فَقَالَ: أَيُّكُمْ الْقَائِلُ كَلِمَةً كَذَا وَكَذَا؟ قَالَ: فَأَرَمَ الْقَوْمُ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّكُمْ الْقَائِلُ كَلِمَةً كَذَا وَكَذَا؟ فَأَرَمَ الْقَوْمُ، فَقَالَ: لَعَلَّكَ يَا حِطَّانُ قُلْتَهَا؟ قَالَ: مَا قُلْتُهَا، وَلَقَدْ رَهَبْتُ أَنْ تَبْكَعَنِي بِهَا، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أَنَا قُلْتُهَا، وَلَمْ أَرِدْ بِهَا إِلَّا الْحَيْرَ، فَقَالَ أَبُو مُوسَى: أَمَا تَعْلَمُونَ كَيْفَ تَقُولُونَ فِي صَلَاتِكُمْ؟ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَنَا فَبَيَّنَ لَنَا سُنَّتَنَا وَعَلَّمَنَا صَلَاتَنَا، فَقَالَ: «إِذَا صَلَّيْتُمْ فَأَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ، ثُمَّ لِيُؤْمِكُمْ أَحَدُكُمْ فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَإِذَا قَالَ: {غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ} [الفاتحة: 7]، فَقُولُوا: آمِينَ، يُجِبْكُمْ اللَّهُ، فَإِذَا كَبَّرَ وَرَكَعَ فَكَبِّرُوا وَارْكَعُوا، فَإِنَّ الْإِمَامَ يَرْكَعُ قَبْلَكُمْ، وَيَرْفَعُ قَبْلَكُمْ»، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَتِلْكَ بَيْتُكَ، وَإِذَا قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، فَقُولُوا: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، يَسْمَعُ اللَّهُ لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، وَإِذَا كَبَّرَ وَسَجَدَ فَكَبِّرُوا وَاسْجُدُوا، فَإِنَّ الْإِمَامَ يَسْجُدُ قَبْلَكُمْ وَيَرْفَعُ قَبْلَكُمْ»، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَتِلْكَ بَيْتُكَ، وَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْقَعْدَةِ فَلْيَكُنْ مِنْ أَوَّلِ قَوْلِ أَحَدِكُمْ: التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(142) - از حطّان بن عبدالله رَقاشی روایت است که گفت: با ابوموسی اشعری نمازی را ادا کردم پس همین که در نشستن نماز بودیم مردی از میان جمع گفت: نماز [در قرآن] همراه با نیکوکاری و زکات آمده است. راوی می‌گوید: وقتی ابوموسی [که امام بود] نماز را به پایان رساند و سلام گفت، برگشت و گفت: چه کسی این سخن را گفت؟ کسی چیزی نگفت، سپس [دوباره] پرسید: کدام یک از شما این سخن را گفت؟ مردم ساکت ماندند. پس گفت: ای حطّان، نکند تو آن را گفتی؟ گفت: من آن را نگفتم و ترسیدم که مرا [به آن متهم] و [توبیخم کنی] پس مردی از میان جمع گفت: من آن را گفتم و قصدی جز خیر نداشتم ابوموسی گفت: مگر نمی‌دانید که در نمازتان چه بگویید؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما خطبه گفت و سنت ما را برای ما بیان نمود و نمازمان را به ما آموزش داد و فرمود: «چون خواستید نماز بگزارید صف‌های خود را [به نیکی] برپا دارید و سپس یکی از شما امامت شما را بر عهده گیرد و چون تکبیر گوید، تکبیر گوئید، و چون گفت: {غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ}، آمین گوئید تا الله شما را اجابت کند، و چون تکبیر گفت و به رکوع رفت، تکبیر گوئید و به رکوع روید زیرا امام پیش از شما به رکوع می‌رود و پیش از شما از رکوع برمی‌خیزد» آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «این در برابر آن، و چون سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گفت، بگوئید: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، الله صدای شما را می‌شنود، زیرا الله بر زبان پیامبرش صلی الله علیه وسلم فرموده است: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ (الله شنید آنکه حمدش را گفت) (و چون تکبیر گفت و به سجده رفت، تکبیر بگوئید و به سجده بروید، زیرا امام قبل از شما به سجده می‌رود و قبل از شما [از سجده] برمی‌خیزد» آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «پس این در برابر آن، و چون در نشستن نماز [برای تشهد] بود، نخستین سخن یکی از شما این باشد که: التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». یعنی: مُلْكٌ و بَقَا و عِظْمَتٌ همه‌اش شایسته الله است، و همینطور نمازهای پنجگانه همه‌اش شایسته الله است. از الله تعالی سلامت از هر عیب و آفت و نقص و فساد را خواهانم و سلام خاص را متوجه پیامبرمان محمد صلی الله علیه وسلم می‌کنیم و سپس بر خودمان سلام می‌فرستیم و سپس بر بندگان نیکوکار الله که حقوق الله تعالی و حقوق بندگان را انجام می‌دهند، سپس گواهی می‌دهیم که معبودی نیست جز الله و گواهی می‌دهیم که محمد، بنده و پیامبر اوست [صحیح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

،صحابی گرامی، ابوموسی اشعری رضی الله عنه نمازی را برای مردم امامت کرد پس چون در قعه (نشستی) بود که تشهد در آن خوانده می‌شود مردی از نمازگزارانی که

پشت سرش بودند گفت: نماز در قرآن همراه با نیکوکاری و زکات آمده است. پس چون ابوموسی رضی الله عنه نماز را به پایان رساند رو به نمازگزاران کرد و پرسید: کدام یک از شما گوینده این سخن بود که: نماز در قرآن همراه با نیکوکاری و نماز آمده است؟! مردم ساکت ماندند و کسی از آنان چیزی نگفت، بنابراین سؤالش را دوباره تکرار کرد، و چون کسی پاسخش را نداد گفت: ای جطآن شاید تو آن را گفته‌ای؟! زیرا حطان جسور بود، و به او نزدیک بود و متهم کردن او به وی آزار نمی‌رساند، و این کار باعث می‌شد فاعل واقعی اعتراف کند. جطآن این اتهام را نفی کرد و گفت: بترسیدم که به گمان آنکه من آن را گفته‌ام مرا توبیخ کنی. اینجا بود که مردی از میان جمع گفت: من آن را گفته‌ام و قصدی جز خیر نداشتم. ابوموسی در مقام معلم گفت: آیا نمی‌دانید در نمازتان چه بگویید؟! و این به عنوان استتکار از سوی او بود، سپس ابوموسی بیان کرد که پیامبر صلی الله علیه و سلم یک بار، برای آنان خطبه خواند و شریعتشان را برایشان بیان کرد، و نمازشان را به آنان آموزش داد: پس فرمود:

هرگاه نماز خواندید صف‌هایتان را استوار دارید، و در آن راست و به اعتدال بایستدید، سپس یکی از شما امامت شما را بر عهده گیرد، و چون امام تکبیر احرام گفت مانند او تکبیر گویند، و هرگاه سوره فاتحه را خواند و به {غیر المغضوب علیهم ولا الضالین} رسید آمین بگویید؛ که اگر چنین کنید الله دعای شما را استجابت کند. و چون تکبیر گفت و به رکوع رفت تکبیر بگویید و به رکوع بروید، زیرا امام قبل از شما به رکوع می‌رود و قبل از شما از رکوع برمی‌خیزد، پس از او جلو نروید زیرا آن لحظه‌ای که امام با زودتر رفتن به رکوع از شما زودتر به دست آورده با تاخیر شما [و ماندن] در رکوع پس از بلند شدن او برایتان جبران می‌شود، پس آن لحظه در برابر این لحظه، و در نتیجه اندازه رکوع، شما همانند رکوع او شده، و چون امام سمع الله لمن حمده گفت بگویید: اللهم ربنا لك الحمد زیرا هرگاه نمازگزاران این را بگویند الله متعال دعایشان و سخنشان را می‌شنود، زیرا الله تبارک و تعالی بر زبان پیامبرش صلی الله علیه و سلم فرموده است: سمع الله لمن حمده (الله شنید آنکه حمد او را گفت)، سپس هرگاه امام تکبیر گفت و به سجده رفت مقتدیان هم باید تکبیر بگویند و به سجده روند، زیرا امام پیش از آنان به سجده می‌رود و پیش از آنان از سجده برمی‌خیزد، پس آن لحظه در برابر آن لحظه است، و سجده نمازگزاران به اندازه سجده امام می‌شود، و هرگاه وقت نشستن برای تشهد بود نخستین چیزی که نمازگزار می‌گوید باید این باشد که: «التحيات الطيبات الصلوات لله» یعنی: مُلک و بقا و عظمت همه‌اش شایسته الله است، و همینطور نمازهای پنجگانه همه‌اش شایسته الله است. «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين» یعنی: از الله تعالی سلامت از هر عیب و آفت و نقص و فساد را خواهانم و سلام خاص را متوجه پیامبرمان محمد صلی الله علیه و سلم می‌کنیم و سپس بر خودمان سلام می‌فرستیم و سپس

بر بندگان نیکوکار الله که حقوق الله تعالی و حقوق بندگان را انجام می‌دهند، سپس گواهی می‌دهیم که معبودی نیست جز الله، و گواهی می‌دهیم که محمد بنده و پیامبر اوست.

از فوائد حدیث:

1. بیان یکی از صیغه‌های تشهد
2. افعال و اقوال نماز باید از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده باشد، بنابراین برای کسی شایسته نیست که در آن قولی یا فعلی را از خود بسازد که در سنت ثابت نشده باشد.
3. عدم جواز پیشی گرفتن از امام یا بسیار عقب افتادن از او، مشروع برای نمازگزار آن است که در افعال امام، پیرو او باشد (اندکی پس از امام افعال نماز را انجام دهد).
4. یاد کردن از توجه و اهتمام پیامبر صلی الله علیه وسلم به تبلیغ دین و آموزش احکام دین به امت ایشان.
5. امام قنوه نمازگزار است، بنابراین شایسته نیست که در کارهای امام از او پیشی کند یا دقیقاً همراه او انجامش دهد، یا خیلی از او عقب بیفتد، بلکه باید آغاز متابعت او پس از اطمینان از این باشد که امام وارد فعلی شده که قرار است انجامش دهد، و سنت آن است که از امام پیروی کند.
6. مشروع بودن برپا داشتن صف‌ها در نماز.

(65097)

(143) - عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَفَى بَيْنَ كَفَيْهِ، التَّشَهُدَ، كَمَا يَعْلَمُنِي السُّورَةُ مِنَ الْقُرْآنِ: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

وفي لفظ لهما: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، فَإِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَقُلْ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، فَإِذَا قَالَهَا أَصَابَتْ كُلَّ عَبْدٍ لِلَّهِ صَالِحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، ثُمَّ يَتَخَيَّرُ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(143) - از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم در حالی که کف دستم بین دو کف دستانش بود، آنچه من تشهد آموخت که سوره‌ای از قرآن می‌آموخت [به این ترتیب] «:التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». «و در روایتی آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، فَإِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَقُلْ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، فَإِذَا قَالَهَا أَصَابَتْ كُلَّ عَبْدٍ لِلَّهِ صَالِحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، ثُمَّ يَتَخَيَّرُ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ» یعنی: «همانا الله خود سلام است [بنابراین نگویید سلام بر الله [هرگاه کسی برای خواندن تحیات در نمازش نشست، باید چنین بگوید: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، که اگر چنین گوید، در واقع [سلامش] به هر بنده صالحی که در آسمان و زمین است و شهادت داده که معبودی جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده اوست، رسیده است، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، یعنی: شهادت می‌دهم که معبودی جز الله نیست و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. سپس هر درخواستی که دارد برگزیند] او در دعای [پس از تشهد بگوید [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم تشهد می‌شود که در نماز گفته می‌شود را به ابن مسعود یاد داد در حالی که دست او در دستانش بود تا آنکه توجه ابن مسعود به او باشد، همانگونه که سوره‌ای از قرآن را به او یاد می‌داد و این نشان دهنده توجه پیامبر صلی الله علیه وسلم و اهتمام او به تشهد از نظر لفظ و معنا بود. ایشان فرمودند: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ»: تحیات یعنی هر سخن یا گفتاری که دال بر بزرگداشت باشد؛ همه این بزرگداشت‌ها شایسته الله عزوجل است. «الصَّلَوَاتُ»: همان نماز معروف است که فرض و نفل آن برای الله تعالی است. «الطَّيِّبَاتُ»: گفتارها و کردارها و اوصاف پاکی است که دال بر کمال است؛ همه اینها شایسته الله تعالی است. «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»: این دعایی است برای ایشان برای سلامت از هر آفت و امر ناپسند و افزونی از هر خیر. «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»: دعایی است برای سلامت نمازگزار و هر بنده نیکوکاری در آسمان و زمین. «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»: یعنی به قطع اقرار می‌کنم که معبودی به حق نیست جز الله. «وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»: به بندگی ایشان و اینکه آخرین پیامبر هستند معترفم.

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم نمازگزار را تشویق نموده‌اند که از میان دعاها هر آنچه می‌خواهد برگزیند.

از فوائد حدیث:

1. محل این تشهد، نشستن پس از آخرین سجده در هر نمازی و پس از رکعت دوم در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی است.
2. واجب بودن گفتن تحیات در تشهد، و جایز است که با هر لفظی از الفاظ تشهد که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده تشهد گوید.
3. جایز بودن گفتن هر دعایی که دوست دارد در نماز، تا وقتی که گناه نباشد.
4. مستحب بودن آغاز کردن از خود در دعا.

(3096)

(144) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُو وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ».

وفي لَفْظٍ لِمُسْلِمٍ: «إِذَا فَرَعَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشَهُدِ الْآخِرِ، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(144) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم دعا می‌کرد و می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ» یعنی: «یا الله من از عذاب قبر، و از عذاب دوزخ، و از فتنه زندگی و مرگ، و از فتنه مسیح دجال به تو پناه می‌برم» و در لفظی نزد مسلم آمده است: «إِذَا فَرَعَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشَهُدِ الْآخِرِ، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ» یعنی: هرگاه یکی از شما تشهد را به پایان رساند از چهار چیز به الله پناه ببرد: از عذاب جهنم، «و از عذاب قبر و از فتنه زندگی و مرگ و از شر مسیح دجال» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پيامبر صلی الله علیه وسلم پس از تشهد پایانی و پیش از سلام در نماز از چهار چیز به الله پناه می‌برد، و ما را امر کرده تا از آنها به الله پناه ببریم.
نخست: از عذاب قبر

دوم: از عذاب آتش و آن در روز قیامت است

سوم: از فتنه زندگی از جمله شهوت‌های حرام دنیا، و شیئات گمراه کننده، آن و از فتنه مرگ یعنی لحظه احتضار، و از جمله آن منحرف شدن از اسلام یا از سنت یا از فتنه قبر مانند سؤال دو فرشته

چهارم: فتنه مسیح دجال که در آخر الزمان ظهور می‌کند، و الله متعال بندگان را با او می‌آزماید، و به دلیل بزرگی فتنه و گمراهگری او به طور ویژه از او نام برده شده است

از فوائد حدیث:

1. این استعاذه از دعا‌های مهم و جامع است، زیرا پناه بردن از شرور دنیا و آخرت را در بر دارد

2. ثبوت عذاب قبر و اینکه عذاب قبر حق است
3. خطر فتنه و اهمیت یاری جستن از الله تعالی و دعا برای نجات از آن
4. اثبات خروج دجال و بزرگی فتنه او
5. استحباب این دعا در پی تشهد اخیر
6. مستحب بودن دعا پس از کار نیک

(3103)

(145) - عَنْ مَعْدَانَ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ الْيَعْمَرِيِّ قَالَ: لَقِيتُ ثُوبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ: أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ أَعْمَلُهُ يُدْخِلُنِي اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ؟ أَوْ قَالَ قُلْتُ: يَا حَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ، فَسَكَتَ. ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَسَكَتَ. ثُمَّ سَأَلْتُهُ النَّالِئَةَ فَقَالَ: سَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ، فَإِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً، إِلَّا رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً، وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيئَةً» قَالَ مَعْدَانُ: ثُمَّ لَقِيتُ أَبَا الدَّرْدَاءِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ لِي: مِثْلَ مَا قَالَ لِي: ثُوبَانُ. [صحيح]

[رواه مسلم]

(145) - از معدان بن ابی طلحه الیعمری روایت است که می‌گوید: با ثوبان غلام رسول الله صلی الله علیه وسلم ملاقات کردم و گفتم: از کاری برایم بگو که الله متعال توسط آن مرا وارد بهشت کند؟ و یا گفت که گفتم: به محبوب ترین اعمال نزد الله متعال، پس او سکوت کرد. سپس از او پرسیدم و او سکوت کرد. سپس برای بار سوم از او پرسیدم، گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم در این باره پرسیدم، ایشان فرمودند: «تو باید برای الله متعال زیاد سجده کنی، چون تو برای الله یک سجده نمی کنی، مگر این که او یک درجه تو را بالا برده، و یک گناه را از تو دور می کند.» معدان گفت: سپس ابو درداء را ملاقات کردم. و از او پرسیدم، به من گفت: همان گونه که ثوبان برایم گفته بود [صحيح]-[مسلم روایت]

[کرده]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد عملی که سبب ورود به بهشت می شود پرسیده شد، و یا از محبوب ترین اعمال نزد الله متعال؟

پس او صلی الله علیه وسلم به سؤال کننده فرمود: بپایند سجده ها در نماز باش، زیرا هر گاه برای الله متعال یک سجده نمودی او به سبب آن درجه ای تو را بالا می برد، و به سبب آن یک گناه تو را می آمرزد

از فوائد حدیث:

1. تشویق مسلمان به کوشا بودن در نماز فرض و نفلی، زیرا دربرگیرنده سجده ها می باشد.
2. بیان نمودن فقاہت صحابه و آگاهی آنان به اینکه بهشت -پس از رحمت الهی- جز به عمل به دست نمی آید.
3. سجده ها در نماز یکی از بزرگترین اسباب بالا بردن درجه ها و بخشش گناهان است.

(3732)

(146) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: إني سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وسلم يقول: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ، وَلَا هُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ». [صحیح] - [رواه مسلم]

(146) - از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «در حضور غذا، و برای کسی که جلوی خروج ادرار و مدفوع را گرفته، نماز نیست» [صحیح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از نماز در حضور غذایی که بدان میل دارد و دلش به آن معلق است نهی کردند و همینطور از نماز همراه با فشار دو ناپاکی - یعنی ادرار و مدفوع - نهی کردند، زیرا در این حالت مشغول به پس زدن این دو است

از فوائد حدیث:

1. برای مسلمان شایسته است که پیش از وارد شدن به نماز، هر چیزی را که در نمازش او را مشغول می دارد از خود دور سازد

(147) - عن عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ صَلَاتِي وَقِرَاءَتِي يَلْبِسُهَا عَلَيَّ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ذَلِكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خِنْزَبٌ، فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْهُ، وَأَنْفُلْ عَلَى يَسَارِكَ ثَلَاثًا»، قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَذْهَبَهُ اللَّهُ عَنِّي. [صحيح] - [رواه مسلم]

(147) - از عثمان بن ابی العاص رضی الله عنه روایت است که: وی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: یا رسول الله، شیطان میان من و نمازم حائل شده و در قرانتم، اشکال ایجاد می‌کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ذَاكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خِنْزَبٌ فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْهُ، وَأَنْفُلْ عَلَى يَسَارِكَ ثَلَاثًا «یعنی: «آن شیطانی است که به او خِنْزَب گفته می‌شود پس هرگاه احساسش کردی از او به الله پناه ببر (اعوذ بالله بگو) و سه بار به سمت چپ تف کن». عثمان می‌گوید: چنین کردم و الله آن را از من برطرف ساخت. منظور از تف کردن، پرتاب اندکی آب دهان است (صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

عثمان بن ابی العاص به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: یا رسول الله، شیطان میان من و نمازم مانع شده و مرا از خشوع در نماز باز داشته و باعث شده در قرانتم خلط کنم و در آن دچار شک شوم، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: آن شیطانی است که به او خِنْزَب گفته می‌شود. هرگاه چنین یافتی و او را احساس کردی به الله تمسک بجو و از او به الله پناه ببر، و سه بار به سمت چپ تو با اندکی آب دهان فوت کن. عثمان می‌گوید: همان کاری را که پیامبر صلی الله علیه وسلم به من امر کرد انجام دادم و الله آن را از من برطرف ساخت.

از فوائد حدیث:

1. اهمیت خشوع و حضور دل در نماز و اینکه شیطان تلاش می‌کند در نماز تشویش و تشکیک ایجاد کند.
2. مستحب بودن پناه بردن از شیطان به الله (استعاذه) هنگام وسوسه شیطان در نماز به همراه سه بار فوت کردن به همراه اندکی آب دهان به سمت چپ.

3. بیان حال صحابه رضی الله عنهم که برای مشکلاتی که برای آنها پیش می‌آمد به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌آمدند تا آن را برایشان حل کند.
4. زنده بودن دل‌های صحابه و اینکه فکر و دل آنها متوجه آخرت بود.

(65105)

(148) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَسْوَأُ النَّاسِ سَرَقَةَ الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ» قَالَ: وَكَيْفَ يَسْرِقُ صَلَاتَهُ؟ قَالَ: «لَا يَتِمُّ رُكُوعَهَا، وَلَا سُجُودَهَا». [صحيح] - [رواه ابن حبان]

(148) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَسْوَأُ النَّاسِ سَرَقَةَ الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ» یعنی: بدترین دزدی، دزدی آن کسی است که نمازش را می‌دزدد. «گفتند: چگونه نمازش را می‌دزدد؟ فرمود: «لَا يَتِمُّ رُكُوعَهَا، وَلَا سُجُودَهَا». یعنی: «رکوع و سجودش را کامل نمی‌کند» [صحيح]-[ابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می‌دارد که زشت‌ترین دزدی، دزدی کسی است که از نمازش می‌دزدد؛ زیرا اگر مال دیگری را بردارد، چه بسا در دنیا از آن سود ببرد، برخلاف این سارق که حق خودش از اجر و ثواب را می‌دزدد. گفتند: یا رسول الله، چگونه از نمازش می‌دزدد؟ فرمود: رکوع و سجودش را کامل انجام نمی‌دهد؛ یعنی در رکوع و سجده‌اش عجله می‌کند و آن را به شکل کامل انجام نمی‌دهد.

از فوائد حدیث:

1. اهمیت نیکو انجام دادن نماز و انجام ارکان آن با آرامش و خشوع.
2. توصیف سارق برای کسی که رکوع و سجده‌اش را کامل انجام نمی‌دهد برای ایجاد تنفر از این کار و هشدار است برای تحریم آن.
3. وجوب کامل انجام دادن رکوع و سجود و برخاستن از آن در نماز.

(65100)

(149) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَمَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - أَوْ: لَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ، أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ، أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ صُورَتَهُ صُورَةَ حِمَارٍ». [صحيح] - [متفق عليه]

(149) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «أَمَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - أَوْ: لَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ، أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ، أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ صُورَتَهُ صُورَةَ حِمَارٍ».

آیا یکی از شما بیم نمی‌برد - یا یکی از شما نمی‌ترسد که - اگر سرش را پیش از امام «بردارد الله سر او را به سر الاغ تبدیل کند یا چهره‌اش را به چهره الاغ تبدیل نماید؟» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان وعید شدید برای کسی پرداخته که پیش از امام سرش را بردارد، که الله سرش را به سر الاغ تبدیل کند، یا صورتش را صورت الاغ بگرداند.

از فوائد حدیث:

1. مأموم همراه با امام چهار حالت دارد که سه حالت از آن مورد نهی است یعنی مسابقه، موافقت، و تأخر. و حالت مشروع مأموم با امام، متابعت است.
2. وجوب متابعت مأموم از امام در نماز.
3. وعید و تهدید به تبدیل کردن صورت کسی که پیش از امام سرش را بلند کند به الاغ. امری ممکن است و از جمله مسخ است.

(3086)

(150) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا شَكَ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا، فَلْيَطْرَحِ الشَّكَّ، وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ، ثُمَّ يَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ، فَإِنْ كَانَ صَلَّى خَمْسًا شَفَعَنَ لَهُ صَلَاتُهُ، وَإِنْ كَانَ صَلَّى إِتْمَامًا لِأَرْبَعٍ كَانَتْ تَرْغِيمًا لِلشَّيْطَانِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(150) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا شَكَ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا؟ فَلْيَطْرَحِ الشَّكَّ وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ، ثُمَّ يَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ، فَإِنْ كَانَ صَلَّى خَمْسًا شَفَعَنَ لَهُ صَلَاتُهُ. وَإِنْ كَانَ صَلَّى إِتْمَامًا لِأَرْبَعٍ؛ كَانَتْ تَرْغِيمًا لِلشَّيْطَانِ». اگر یکی از شما در نمازش شک کرد و ندانست که سه یا چهار رکعت خوانده است، باید شک را رها نموده و مبنا آن را بر یقین (سه رکعت) بگذارد؛ آنگاه قبل از اینکه سلام دهد دو سجده بجا آورد؛ اگر پنج رکعت خوانده است، این دو سجده باعث جفت شدن نمازش می شوند و اگر چهار رکعتش کامل شده است، این دو سجده باعث ذلت و خواری شیطان می گردد. [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می دارد هرگاه نمازگذار در تعداد رکعت دچار تردد شد و ندانست که سه یا چهار رکعت خوانده است؟ در این صورت باید عدد مکشوک را رها کند و بدان توجهی نداشته باشد و به چیزی عمل کند که بدان یقین دارد و آن خواندن سه رکعت می باشد؛ آنگاه رکعت چهارم را بخواند و در پایان نماز و قبل از سلام دو سجده انجام دهد.

به این ترتیب اگر واقعا چهار رکعت خوانده باشد؛ پنج رکعت می شود، و این دو سجده عوض یک رکعت می باشد، باین ترتیب تعداد رکعات نمازش زوج می شود؛ و اگر اضافه چهار رکعت کامل خوانده باشد؛ نمازش بدون افزایش و کاهش بوده است.

و این دو سجده ذلت و خواری شیطان را به همراه دارد، و او را از رسیدن به مرادش ناامید و دور می سازد، زیرا در نمازش اشکال ایجاد کرد، و می خواست آن را فاسد بسازد، و نماز فرزند آدم زمانی تکمیل می شود که فرمان الله متعال را توسط سجده کردن بجا آورد، سجده که ابلیس توسط آن نافرمانی کرد، زمانی که با سجده نکردن به آدم از اطاعت الله امتناع ورزید.

از فوائد حدیث:

1. اگر نمازگزار در نمازش شک کرد و یکی از این دو مورد برایش مرجح نبود، باید شک را کنار بگذارد و با یقین عمل کند که کمترین آن است، پس باید نمازش را تمام بخواند و قبل از این که سلام بگوید سجده سهوه را انجام دهد سپس سلام بگوید.
2. این دو سجده راهی برای جبران نماز، دفع نمودن ذلت و ار شیطان، و دور نمودن او از مرادش می باشد.
3. کدام شکی که در حدیث است تردیدی بدون ترجیح می باشد، پس اگر شک و ترجیح وجود داشته باشد به ترجیح عمل می شود.
4. تشویق به مبارزه با وسوسه ها و دفع آن با رعایت نمودن دستور شرعی.

(11231)

(151) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَفِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ، وَفِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(151) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ: فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَفِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ وَفِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ». «بهترین روزی که خورشید بر آن طلوع کرده، روز جمعه است؛ آدم علیه السلام در همین روز آفریده شد و در همین روز وارد بهشت گردید و در همین روز از بهشت اخراج شد، و قیامت برپا نمی شود مگر در روز جمعه» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که بهترین روزی که خورشید بر آن طلوع کرده، روز جمعه است، و از ویژگی هایش اینست که: الله متعال در این روز آدم علیه السلام را آفرید، و در این روز او را وارد بهشت نمود، و در همین روز او را از آن بیرون آورد و به زمین فرستاد، و قیامت برپا نمی شود مگر در روز جمعه.

از فوائد حدیث:

1. برتریت روز جمعه بر بقیه روزهای هفته
2. تشویق و زیاد انجام دادن اعمال خیر در روز جمعه، و آماده شدن برای جلب رحمت الله متعال و دفع خشم او
3. این خصوصیات روز جمعه که در حدیث ذکر گردیده، گفته شده که اینها برای یاد آوری فضیلت روز جمعه نیست؛ زیرا اخراج آدم و قیام قیامت فضیلت محسوب نمی شود، و نیز گفته شده بلکه همه آنها فضیلت هست، و اخراج آدم سبب به وجود آمدن ذریه شده، اعم از رسولان و انبیاء و صالحان، و قیام قیامت سبب تعجیل در ثواب نیکوکاران و دریافت آنچه الله متعال برای اکرام آنان مهیا نموده است می باشد
4. ، خصوصیات دیگری روز جمعه غیر از آنچه در این روایت آمده است، ذکر گردیده از جمله: توبه آدم پذیرفته شد، درین روز قبض روح شد، و در آن ساعتی است که دعای بنده مؤمنی بر آن بر نمی خورد، و از الله متعال چیزی طلب نمی کند، مگر اینکه به او می داده می شود
5. بهترین روزهای سال، روز عرفه است، و گفته شد: روز قربانی (نحر)، و بهترین روزهای هفته روز جمعه است، و بهترین شب، شب قدر است

(152) - عن ثوبان رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا، وَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»، قَالَ الْوَلِيدُ: فَقُلْتُ لِلْأَوْزَاعِيِّ: كَيْفَ الْأَسْتِغْفَارُ؟ قَالَ: تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(152) - از ثوبان رضی الله عنه روایت است گفت که: وقت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نماز خود را به پایان می رساند: سه بار استغفار می نمود و می گفت: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» یعنی: «پروردگارا، تو (از هر عیب و نقص و ناتوانی و ناشایستی و شریک (سالم هستی و سلامتی از طرف تو است؛ والا مقام و مبارکی؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری. "ولید گفت: به اوزاعی گفتم: چگونه استغفار می شود؟ گفت: این که بگویی: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی نمازش تمام می شد می فرمود: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

سپس تعظیم پروردگارش را با این الفاظ انجام می داد: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» پروردگارا، تو (از هر عیب و نقص و ناتوانی و ناشایستی و شریک (سالم هستی، و سلامتی از طرف تو است؛ والا مقام و مبارک هستی؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری. "الله متعال در صفاتش سالم و کامل است، و از هر عیب و نقصان پاک است و تنها از او ذاتی پاک از بلاهای دنیا و آخرت سلامتی می خواهی نه از کسی دیگر، و او ذاتی پاک است که خیرش در دارین گسترش یافته؛ صاحب عظمت و احسان است.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن استغفار بعد از نماز و استمرار بر آن
2. بهتر بودن استغفار برای تکمیل نقص در عبادت و جبران اطاعت و کوتاهی در آن

(153) - عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ قَالَ: كَانَ ابْنُ الرَّبِيعِ يَقُولُ فِي دُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ حِينَ يُسَلِّمُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النَّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» وَقَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَهْتَلِلُ بِهِنَّ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(153) - از ابوزبیر روایت است که فرمود: ابن الزبیر در پایان هر نماز وقتی سلام می داد می گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النَّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» هیچ معبود بر حق غیر از الله یگانه ی بدون شریک نیست، و اوست صاحب بادشاهی و ستایش است، و او بر هر چیزی تواناست، از یک حالت به حالت دیگر انتقال و توانایی نیست مگر با کمک الله متعال و هیچ معبود بر حق نیست غیر از الله، و فقط او را عبادت می کنیم، و نعمت و فضیلت از آن اوست، و ستایش نیکو از آن اوست، هیچ معبود بر حق نیست غیر از الله و در دین اخلاص داریم هر چند که کافران ناخشنود باشند «و فرمود: «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَيْنَ ذَكَرَ رَا بَعْدَ أَنْ يَنْصَلِيَ بِهِنَّ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم این ذکر را پس از هر نماز فرض به جهر می خواندند، که معنای آن چنین است
 لا إله إلا الله: "یعنی نیست معبود بر حق جز الله متعال"
 وحده لا شريك له "یعنی یگانه است و هیچ شریک در الوهیت، ربوبیت و اسماء و صفات ندارد
 "له الملك"
 یعنی: او حاکمیت مطلق و کلی و جامع و واسع دارد، حکومت آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست از آن او است
 وله الحمد "یعنی او ذاتی که به کمال مطلق، از روی محبت و تعظیم کامل در هر حال ستوده است، در حالت خوشی و مصیبت
 وهو على كل شيء قدير "او ذات بر هر چیز قادر است، قدرت او از هر لحاظ کامل"
 و پوره است و هیچ چیز نمی تواند او را از انجام کاری باز دارد

لا حول ولا قوة إلا بالله "یعنی: هیچ تبدیلی از حالتی به حالت دیگر و از نافرمانی الله" به اطاعت او نیست مگر به امر الله و هیچ نیرویی جز الله نیست، او بهترین یاور است و بر او توکل است

لا إله إلا الله، ولا نعبد إلا إياه: "تصدیق معنای الوهیت و نفی شرک و اینکه جز او" سزاوار پرستش نیست

له النعمة وله الفضل: "اوست که نعمت ها را می آفریند، و مالک آنهاست، و به هر" کس از بندگانش که بخواهد می بخشد

وله الثناء الحسن: "و حمد و ستایش نیک از آن اوست: یعنی در هر حال، در ذات" صفات، افعال و نعمت قابل ستایش است

، لا إله إلا الله، مخلصين له الدين: "یعنی ما از روی اخلاص بیانگر یگانگی او هستیم" نه این که در اطاعت الله خود نمایی کنیم و یا شهرت طلب باشیم

ولو كره الكافرون «حتى اگر کافران از» این عمل ما (متنفر هم باشند» یعنی ما بر" توحید الله و عبادت او ثابت قدم هستیم، هر چند کافران این عمل ما را بد می بینند

از فوائد حدیث:

1. همیشگی بر این ذکر پس از هر نماز فرضی مستحب است
2. مسلمان به دین خود افتخار می کند و شعائر آن را به دیگران نشان می دهد، حتی اگر کافران از آن متنفر باشند
3. هر گاه در حدیث کلمه "دُبْر الصلاة" آمده باشد، پس هر آنچه در حدیث از ذکر آمده است، در اصل بعد از سلام می باشد، و اگر دعا باشد در نماز پیش از سلام می باشد

(154) - عَنْ وَرَادٍ كَاتِبِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ قَالَ: أَمَلَى عَلَيَّ الْمُغِيرَةُ بْنُ شُعْبَةَ فِي كِتَابٍ إِلَى مُعَاوِيَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». [صحيح] - [متفق عليه]

(154) - از وراد، کاتب مغیره بن شعبه روایت است که مغیره در نامه‌ای که برای او به معاویه می‌نوشتم چنین گفت که: پیامبر صلی الله علیه وسلم در پی هر نماز فرض می‌فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» یعنی: «معبودی به حق نیست جز الله، که یگانه و بی‌شریک است، فرمانروایی و حمد از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست. بار الها! برای آنچه تو عطا کنی بازدارنده‌ای نیست، و برای آنچه تو مانع شوی عطا کننده‌ای نیست، و صاحب ثروت و بهره را در برابر تو ثروت و بهره‌اش سودی نمی‌بخشد» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در پی هر نماز فرضی می‌فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ».

یعنی: اقرار و اعتراف می‌کنم به کلمه توحید لا اله الا الله، بنابراین عبادت حقیقی را برای الله اثبات می‌کنم و از غیر او نفی می‌کنم، پس معبود به حق نیست جز الله و اقرار دارم که فرمانروایی حقیقی کامل از آن الله است و همه حمد اهل آسمان‌ها و زمین شایسته الله تعالی است، چراکه او بر هر چیزی تواناست، و آنچه الله تقدیر نموده - عطا باشد یا باز داشتن - بازدارنده‌ای ندارد و ثروت صاحب ثروت نزد او سودی برایش ندارد بلکه عمل صالح اوست که سودمند است.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن این ذکر در پی نماز زیرا الفاظ توحید و حمد را در خود دارد.

2. مبادرت به پیروی از سنت‌ها و نشر آن.

(155) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَبَّحَ اللهُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمِدَ اللهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ، وَقَالَ: تَمَامَ الْمِائَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ رَبَدِ الْبَحْرِ».

[صحيح] - [رواه مسلم]

(155) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ سَبَّحَ اللهُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمِدَ اللهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ، وَقَالَ: تَمَامَ الْمِائَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ رَبَدِ الْبَحْرِ» هرکس پس از هر نمازی، سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار الله اکبر بگوید، که اینها نود و نه می شود، و برای تکمیل شدن صد "لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير" بگوید، گناهانش [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید، هر که بعد از تمام شدن نماز فرض بگوید سی و سه مرتبه: «سبحان الله» که آن منزّه بودن الله متعال از هر نقص و عیب است سی و سه مرتبه: «الحمد لله» که آن حمد و ستایش، با صفات کمال، محبت و تعظیم او تعالی است.

و سی و سه مرتبه: «الله اکبر» تکبیر بگوید که آن توصیف الله متعال به این صورت است که او از هر چیزی بزرگ تر بوده و شماره صد با این جمله تکمیل می شود: "لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير"

معنایش این است: جز الله یگانه معبود واقعی نیست و او شریک ندارد، و ملک کامل ویژه او تعالی است، و او شایسته ستایش و مدح همراه با محبت و تعظیم است بغیر از دیگران، و اینکه او قادر مطلق است و هیچ چیز بر او غیر ممکن نیست

پس هر که چنین بگوید، گناهانش محو و آمرزیده می شود، هر چند زیاد باشد، مانند کف سفیدی که بر سطح دریا هنگام موج زدن و هیجان بر می خیزد

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن این ذکر پس از نمازهای فرض.
2. این ذکر سبب آمرزش گناهان است.
3. عظمت مهربانی، رحمت و آمرزش الله متعال.
4. این ذکر سبب آمرزش گناهان است، و مراد این است: کفاره گناهان صغیره، اما گناهان کبیره را جز توبه چیزی پاک نمی کند.

(10948)

(156) - عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَمُوتَ». [صحيح] - [رواه النسائي في الكبرى]

(156) - از ابوامامه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَمُوتَ». هرکس آیه الکرسی را پس از هر نماز فرض بخواند، چیزی مانع وارد شدن وی به «بهشت نمی شود جز اینکه بمیرد [صحيح]».

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: هر کس آیه الکرسی را پس از پایان نماز فرض بخواند، جز مرگ چیزی دیگر او را از ورود به بهشت باز نمی دارد؛ و آن در سوره بقره این فرموده الله متعال است: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» [بقره: 255]

الله [معبود راستین است؛ هیچ معبودی [به حق [جز او نیست؛ زنده ی پاینده] و قائم به ذات [است؛ نه خوابی سبک او را فرا می گیرد و نه خوابی سنگین؛ آنچه در آسمان ها و زمین است از آن اوست. کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته و آینده ی

آنان [بندگان] را می‌داند و [آنان] به چیزی از علم او احاطه [و آگاهی] نمی‌یابند، مگر آنچه خود بخواد. کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است و نگه داشتن آنها بر او [سنگین و دشوار نیست و او بلندمرتبه] و [بزرگ است]. «البقرة: 255»

از فوائد حدیث:

1. فضیلت این آیه بزرگ: چون دربرگیره نام‌های زیبا و صفات علیای می‌باشد
2. مستحب بودن تلاوت این آیه بزرگ بعد از هر نماز فرض
3. اعمال نیک سبب ورود به بهشت می‌شود

(10950)

(157) - عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: حَفِظْتُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرَ رَكَعَاتٍ: رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فِي بَيْتِهِ، وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ فِي بَيْتِهِ، وَرَكَعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَكَانَتْ سَاعَةً لَا يُدْخَلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهَا، حَدَّثَنِي حَفْصَةُ أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَدَّنَ الْمُؤَذِّنُ وَطَلَعَ الْفَجْرُ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَفِي لَفْظٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي بَعْدَ الْجُمُعَةِ رَكَعَتَيْنِ. [صحيح] - [متفق عليه بجميع رواياته]

(157) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: از پیامبر صلی الله علیه وسلم ده رکعت را به یاد دارم: دو رکعت پیش از ظهر و دو رکعت بعد از آن، و دو رکعت بعد از مغرب در خانه‌اش، و دو رکعت پس از عشاء در خانه‌اش، و دو رکعت پیش از نماز صبح و این ساعتی بود که کسی در آن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نمی‌شد، و حفصه به من گفت که هرگاه مؤذن اذان می‌گفت و فجر طلوع می‌کرد دو رکعت ادا می‌کرد، و در لفظی دیگر: پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از جمعه دو رکعت ادا می‌کرد [صحيح]- [متفق]

[علیه است با همه روایت هایش]

توضیح:

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بیان نموده که از جمله نمازهای نفلی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم به یاد دارد ده رکعت است و این نمازها را سنت‌های روا تب گویند: دو رکعت قبل از ظهر و دو رکعت بعد از آن، و دو رکعت پس از مغرب در خانه‌اش، و دو

رکعت بعد از عشاء در خانه‌اش، و دو رکعت قبل از فجر، و این ده رکعت کامل است. اما پس از نماز جمعه دو رکعت ادا می‌کردند.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن این روایت و محافظت بر آن

2. مشروعیت ادای سنت‌ها در خانه

(3062)

(158) - عَنْ أَبِي قَتَادَةَ السَّلَمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(158) - از ابوقتاده سلمی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ» یعنی: «اگر یکی از شما وارد مسجد شد، پیش از آنکه بنشیند دو رکعت نماز بگذارد» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی را که در هر وقتی و برای هر هدفی داخل مسجد شود «تشویق کرده‌اند که پیش از نشستن دو رکعت نماز بخواند و این دو رکعت «تحية المسجد» است.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن دو رکعت نماز به عنوان تحیه مسجد (خوش آمد به مسجد) پیش از نشستن

2. این امر برای کسی است که قصد نشستن دارد، اما کسی که وارد مسجد شود و پیش از نشستن خارج شود، امر متوجه او نیست

3. اگر نمازگزار وارد مسجد شود و ببیند که مردم در حال نماز جماعت هستند و وارد نماز شود، همان نماز جماعت به جای این دو رکعت کافی است

(65091)

(159) - عن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِذَا قُلْتَ لِصَاحِبِكَ: أَنْصِتْ، يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ، فَقَدْ لَعَوْتَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(159) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر به هم نشینت در روز جمعه در حالی که امام خطبه می‌خواند گفتی: گوش». [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده اند که یکی از آداب واجب برای کسی که در خطبه جمعه حاضر شده، گوش سپردن به خطیب است، تا بتواند پند و اندرزهای او را به نیکی دریابد، و اگر کسی در حالی که امام خطبه می‌خواند کمترین چیزی را به زبان بیاورد و یا به دیگری بگوید: «ساکت شو» و «گوش فرا بده» فضل نماز جمعه را از دست داده است.

از فوائد حدیث:

1. تحریم سخن گفتن در حال شنیدن خطبه، حتی اگر برای نهدی از منکر یا پاسخ دادن به سلام و پاسخ دادن به کسی باشد که عطسه کرده و الحمدلله گفته است.
2. کسی که امام را مورد خطاب قرار دهد یا امام [در حین خطبه] او را مورد خطاب قرار دهد از این نهدی مستثنی هستند.
3. جایز بودن سخن گفتن در میان دو خطبه در صورت نیاز.
4. اگر در حین خطبه از پیامبر صلی الله علیه وسلم یاد شد پنهانی [با صدای پائین (بر ایشان درود و سلام می‌فرستی. همچنین آمین گفتن بر دعا در حین خطبه به همین صورت است.

(160) - عن عمران بن حصين رضي الله عنه قال: كَانَتْ بِي بَوَاسِيرٌ، فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: «صَلِّ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلَى جَنْبٍ».

[صحيح] - [رواه البخاري]

(160) - از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت است که فرمود: بواسیر داشتم، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره نماز پرسیدم، فرمودند: «ایستاده نماز بخوان، اگر نتوانستی نشسته بخوان و اگر نتوانستی بر پهلو بخوان» [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: اصل در نماز ایستادن است، مگر در صورتی که نشسته نتواند نماز بخواند و اگر نمی تواند نشسته بخواند، می تواند به پهلو بخواند.

از فوائد حدیث:

1. تا زمانی که عقل بر جا باشد، نماز ساقط نمی شود، پس گذر از حالتی به حالت دیگر به اقتضای توانایی است.
2. لطف و سهولت اسلام در این است که بنده به اندازه توانش عبادت کند.

(10951)

(161) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيَمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(161) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيَمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» یعنی: «یک نماز» در این مسجد من بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد است، جز مسجد الحرام [صحيح]- [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان فضیلت نماز در مسجدشان پرداخته، و بیان نموده، که ثواب آن بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد زمین است به جز مسجد الحرام در مکه. زیرا نماز در این مسجد فضیلتش بیشتر از نماز در مسجد النبی صلی الله علیه وسلم است.

از فوائد حدیث:

1. چند برابر شدن اجر نماز در مسجد الحرام و مسجد نبوی
2. نماز در مسجد الحرام بهتر از صد هزار نماز در دیگر مساجد است

(65090)

(162) - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ لَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ أَرَادَ بِنَاءَ الْمَسْجِدِ فَكَّرَهُ النَّاسُ ذَلِكَ، وَأَحَبُّوا أَنْ يَدَعُوهُ عَلَى هَيْئَتِهِ، فَقَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِلَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(162) - از محمود بن لَبید رضی الله عنه روایت است که: عثمان بن عفان خواست مسجد را بازسازی کند اما مردم این را نپسندیدند و دوست داشتند که آن را به همان شکلی که بود «باقی می‌گذاشت، پس ایشان فرمود: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمود: «هر که برای الله مسجدی بسازد، الله برای او در بهشت همانند آن خواهد ساخت» [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

عثمان بن عفان رضی الله عنه قصد بازسازی مسجد پیامبر صلی الله علیه وسلم را به شکلی بهتر از بنای اولش نمود، اما مردم این را نپسندیدند زیرا باعث تغییر بنای مسجد از ساختمان آن در دوران پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌شد. مسجد از خشت ساخته شده بود و سقف آن از برگ نخل بود اما عثمان خواست آن را از سنگ و گچ بسازد، پس عثمان رضی الله عنه خطاب به مردم فرمود که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیده که می‌فرمود: کسی که برای طلب خشنودی الله نه از روی ریا و خودنمایی مسجدی بسازد، الله به او پاداشی بهتر از جنس عملش عطا می‌کند، و آن پاداش آن است که الله برای او مانند آن را در بهشت خواهد ساخت.

از فوائد حدیث:

1. تشویق و ترغیب به بنای مساجد و فضیلت آن
2. توسعه و نوسازی مساجد در فضیلت ساختن مسجد وارد است
3. اهمیت اخلاص برای الله متعال در همه اعمال

(65089)

(163) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَا نَقَصْتُ صَدَقَةً مِنْ مَالٍ، وَمَا زَادَ اللَّهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا، وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(163) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: «هیچ صدقه ای مال را کم نمی کند، و یقیناً الله در برابر گذشت بنده اش عزت او را زیاد می دهد، و هرکس به خاطر الله تواضع و فروتنی نماید، الله عزوجل مرتبه اش را بلند می گرداند» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند که صدقه مال را کم نمی کند، بلکه آفات را از آن دفع می کند و الله متعال به صاحب آن به نیکی بزرگ جبران می کند، پس افزایش می باشد نه کاهش. بخشش در حال توانایی از انتقام گرفتن و یا گرفت، صاحبش را قدرت و شرافت افزایش می دهد.

و هیچ کس در برابر الله متعال فروتنی و عاجزی نمی کند، نه از ترس کسی، و نه به خاطر خواستن منفعت از او، مگر اینکه پاداش او عزت و بلندی مرتبه می باشد.

از فوائد حدیث:

1. نیکی و سعادت در رعایت شرع است و نیکی کردن است، ولو که برخی گمان کنند که غیر از آن است.

(164) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «قَالَ اللَّهُ: أَنْفِقْ يَا ابْنَ آدَمَ أَنْفِقْ عَلَيْكَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(164) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: الله متعال فرمود: ای پسر آدم انفاق و خرچ کن تا من بر تو انفاق کنم [صحيح]- [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که الله متعال فرمود: ای فرزند آدم صدقه کن - از صدقه های واجب و مستحب - من به تو فراوان می دهم، و از آن به تو عوض می دهم، و در آن برای تو برکت می اندازم

از فوائد حدیث:

1. تاکید بر صدقه و انفاق در راه الله متعال
2. انفاق در موارد خیر یکی از بزرگترین اسباب برکت در رزق و روزی است و چند برابر می شود و این که الله متعال در عوض آنچه که انفاق کرده به بنده خود می دهد.
3. این حدیث از جمله احادیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از پروردگارش روایت می کند و به نام حدیث قدسی و یا حدیث الهی یاد می شود، و آن حدیث است که الفاظ و معنای آن از طرف الله متعال می باشد، جز این که در آن ویژگی های قرآن وجود ندارد، مانند این که خواندن قرآن کریم عبادت است، و پاکیزگی برای حمل قرآن شرط است، و چالش و معجزه بودن و غیره

(5805)

(165) - عن أبي مسعود رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا أَنْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى أَهْلِهِ يَحْتَسِبُهَا فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(165) - ابو مسعود رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت می کند که فرمود: «هرگاه شخص (به نیت اجر و پاداش بر اهل و خانواده ی خود انفاق کند، نفقه ی او صدقه محسوب می شود [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید که اگر مردی برای خانواده ای که بر او واجب است، مانند همسر، پدر و مادر، پسر و دیگران، انفاق کند بدین وسیله به الله متعال نزدیک می شود، و ثواب آنچه را که انفاق می کند از او انتظار داشته باشد، ثواب صدقه برای او خواهد بود.

از فوائد حدیث:

1. به دست آوردن اجر و پاداش از طریق انفاق بالای اهل و عیال
2. مؤمن به عمل خود رضای الله را می جوید، و آنچه از اجر و ثواب نزد اوست
3. داشتن نیت نیک برای هر عمل ضروری است، که از جمله آن هنگام انفاق بالای اهل و عیال است.

(6460)

(166) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا، أَوْ وَصَعَ لَهُ، أَظَلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ». [صحيح] - [رواه الترمذي وأحمد]

(166) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی به قرضدار دست تنگ مهلت داد، یا از قرض او کم کرد، الله متعال او را در روز قیامت زیر سایه عرش خود قرار می دهد، روزی که هیچ سایه ای بجز «سایه او تعالی نیست [صحيح]-[ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهند که: هر کس قرض دار را مهلت دهد یا قرض را به او ببخشد، ثواب او این است که الله متعال در روز قیامت او را زیر سایه عرش خود قرار می دهد، آن روزی که خورشید به سرهای بندگان نزدیک می شود، و حرارت آن بالای شان شدت پیدا می کند پس هیچ کس سایه ای نمی یابد جز کسی که الله متعال او را زیر سایه قرار دهد.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت آسان گیری بر بندگان الله متعال، و اینکه - آسان گیری - یکی از وسایل نجات از سختیهای قیامت است.
2. پاداش هر عملی از جنس همان عمل می باشد.

(4186)

(167) - عن جابر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «رَحِمَ اللهُ رَجُلًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ، وَإِذَا اشْتَرَى، وَإِذَا افْتَضَى». [صحيح] - [رواه البخاري]

(167) - از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله رحمت کند مرد آسانگیری را که هرگاه بفروشد و بخرد و مطالبه کند» [صحيح] - [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دعای رحمت نمود برای کسی که در فروش آسانگیر، کریم و سخی باشد؛ او در قیمت با خریدار فشار نمی آورد و با رفتار خوبی با او برخورد می کند. هنگام خرید آسانگیر، کریم و سخی می باشد؛ در وزن کم نمی کند تا از قیمت کالا کاهش دهد. هنگام مطالبه قرض آسانگیر، کریم و سخی می باشد؛ به فقرا و نیازمندان فشار نمی آورد، بلکه با نرمی و مهربانی از آنان مطالبه می کند، و تنگدست را مهلت می دهد.

از فوائد حدیث:

1. یکی از اهداف شریعت حفظ آن چیزی است که برای روابط بین مردم مفید قرار می گیرد.
2. تشویق به استفاده از اخلاق عالی در معاملات میان مردم، در خرید و فروش و مانند آن.

(168) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كان رجلٌ يُداینُ الناسَ، فكان يقول لفتاه: إذا أتيت مُعسراً فتجاوز عنه، لعل الله يتجاوزُ عنا، فلقى الله فتجاوز عنه». [صحيح] - [متفق عليه]

(168) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مردی به مردم قرض می داد و به غلام خود می گفت: اگر نزد کسی رفتی که در وضعیت دشوار قرار دارد از او در گذر، شاید الله متعال از ما در گذرد، و زمانی که الله در ملاقات کرد از او در گذشت [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد: که مردی با مردم با قرض تعامل می کرد، و یا با فروش بگونه پس پرداخت (آجل) (تعامل می کرد، و به غلامش که در حال جمع آوری قرض های که نزد مردم بود می گفت: هرگاه نزد بدهکاری رفتی و او به دلیل ناتوانی برای پرداخت قرض خود چیزی در اختیار نداشته باشد، از او در گذر، یا با مهلت دادن به وی و یا با عدم اصرار بر مطالبه قرض یا با پذیرفتن آنچه که در اختیار دارد اگرچه در آن نقص و کمی هم باشد، چون او آرزومند این است که الله متعال از گناهانش بگذرد و او را ببخشد، وقتی از دنیا رحلت نمود، الله متعال او را بخشید و از بدی هایش گذشت نمود.

از فوائد حدیث:

1. احسان در تعامل با مردم و عفو آنان و بخشیدن کسانی که در سختی قرار دارند، از بزرگترین اسباب نجات بنده در روز قیامت است.
2. احسان به خلق، اخلاصمندی به الله، و امید به رحمت او از اسباب آمرزش گناهان است.

(169) - عن خولة الأنصارية رضي الله عنها قالت: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «إِنَّ رَجَالًا يَتَخَوَّضُونَ فِي مَالِ اللَّهِ بِغَيْرِ حَقٍّ، فَلَهُمُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(169) - از خولة انصاریه رضی الله عنها روایت است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: مردانی هستند که بدون حق در مال الله دست می برند. «برای آنان در روز قیامت آتش (دوزخ) است» [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر - صلی الله علیه و سلم - از مردمی خبر می دهند که با باطل در اموال مسلمانان دست می برند، و این اموال را بدون حق می گیرند، و این یک معنای عام در مال از نظر جمع آوری آن و کسب آن از راه نامشروع و صرف آن در جاهای ناروا است، و این نیز شامل: خوردن اموال یتیمان، اموال وقف، انکار کردن امانت ها، و گرفتن اموال عامه بدون حق می باشد.

سپس او صلی الله علیه و سلم فرمود که جزای آنها در روز قیامت آتش است.

از فوائد حدیث:

1. مال که در دست مردم است، مال الله می باشد، و آن را به آنها واگذار کرده تا آن را در راه های مشروع بکار گرفته و مصرف کنند، و دست بردن در آن از طریق باطل حرام است، و این حکم عام برای فرمانروایان و سایر مسلمان می باشد.
2. سخت گیری شریعت در اموال بیت المال و اینکه به هر کس چیزی از آن سپرده شود، در قیامت نسبت به جمع آوری و خرچ آن پاسخگو باشد.
3. این هشدار شامل کسانی می شود که در مال تصرف غیر مشروع می کنند، خواه مال خودشان باشد یا مال دیگران.

(170) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» [صحيح] - [متفق عليه]

(170) - از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است گفت: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که رمضان را از روی ایمان و به امید ثواب روزه بگیرد، گناهان قبلی او بخشیده می شود» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

نبی اکرم - صلی الله علیه و سلم - خبر می دهد (می فرماید): (هر کسی ماه رمضان را از روی ایمان به الله متعال و اعتقاد به وجوب روزه و آنچه الله متعال برای روزه داران - از نظر اجر و ثواب مهیا کرده است - روزه بگیرد، و هدف او از روزه گرفتن رضای الله متعال باشد؛ نه خودنمایی و شهرت، گناهان گذشته او بخشیده می شود

از فوائد حدیث:

1. فضیلت اخلاص و اهمیت آن در روزه گرفتن ماه مبارک رمضان و سایر اعمال نیک

(171) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّخِرَ مِنْ رَمَضَانَ، حَتَّى تَوَقَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(171) - از عایشه ام المومنین رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است: که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم تا زنده بودند، ده روز آخر ماه رمضان را اعتکاف می کردند، و بعد از وفات ایشان، همسرانش این ده روز را به اعتکاف می نشستند [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

عایشه ام المومنین رضی الله عنها خبر می دهد که رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت درک شب قدر، ده روز آخر ماه رمضان را اعتکاف می کردند؛ و تا زنده بودند به آن پایند بودند، و همسرانش رضی الله عنهن بعد از وی به اعتکاف می نشستند

از فوائد حدیث:

1. مشروعیت اعتکاف در مساجد، حتی برای زنان مشروط به ضوابط شرعی و در امان بودن از فتنه
2. اعتکاف در دههٔ اخیر ماه مبارک رمضان موکد است، بنابر پابندی پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن
3. اعتکاف سنت مستمری است که منسوخ نشده است، چنانکه همسران وی صلی الله علیه وسلم بعد از وی اعتکاف کرده اند

(4495)

(172) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» [صحيح] - [متفق عليه]

(172) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که شب قدر را از روی ایمان، و به امید ثواب زنده سپری کرد، گناهان گذشته وی بخشیده می شود» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم- از فضیلت شب قدر که در دهه اخیر ماه مبارک رمضان می باشد خبر می دهد (می فرماید: (هر کسی که در آن با نماز و دعا و تلاوت قرآن کریم کوشش کند، در حالی که به آن و آنچه در باره فضیلت آن آمده است ایمان داشته باشد، و به عمل خویش آرزوی کسب ثواب از جانب پروردگار داشته باشد، بدون اینکه اراده خودنمایی و طلب شهرت داشته باشد، تمامی گناهان قبلی وی بخشیده می شود

از فوائد حدیث:

1. فضیلت شب قدر و تشویق به زنده داری آن
2. اعمال نیک تنها با اخلاص در نیت پذیرفته می شود
3. فضل و رحمت الله متعال، زیرا هر کسی در شب قدر از روی ایمان و به امید ثواب شب خیزی کند؛ گناهان گذشته اش بخشیده می شود

(4202)

(173) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(173) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: «کسی که برای رضای الله متعال حج کند و آمیزش جنسی نکند و «مرتکب گناهی نشود، مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده، برمی گردد» [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم تصریح می کند که هر که برای رضای الله متعال حج کند و آمیزش جنسی نکند، و (الرفث: همان همبستری و مقدمات آن است از قبیل بوسیدن و نزدیکی، و همچنان به گفتار زشت نیز گفته می شود،) و لم یفسق: (و کاری فسق را انجام ندهد با ارتکاب گناهان و اعمال زشت، و از جمله موارد فسق، رو آوردن به ممنوعات احرام می باشد، این شخص از حج خود طوری برمی گردد، همانطوری که کودک از گناهان سالم متولد می شود

از فوائد حدیث:

1. گرچه ارتکاب گناهان و اعمال زشت در همه حالات ممنوع است، اما به دلیل احترام و تعظیم به مناسک حج، ممنوع بودن آن در حج تاکید شده است
2. انسان بدون گناه به دنیا می آید و از گناه پاک می باشد؛ پس او گناه دیگران را به دوش نمی کشد.

(2758)

(174) - عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «**مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الْأَيَّامِ**» يعني أيامَ العشر، قالوا: يا رَسُولَ اللَّهِ، ولا الجهادُ في سبيلِ الله؟ قال: «**ولا الجهادُ في سبيلِ الله، إلا رجلٌ خرَجَ بنفسِه وماله فلم يَرْجِعْ من ذلك بشيءٍ**». [صحيح] - [رواه البخاري وأبو داود، واللفظ له]

(174) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم «فرمودند: هیچ روزهای نیست که عمل صالح نزد الله متعال محبوبتر از این روزها نباشد، یعنی ده روز، گفتند: یا رسول الله حتی جهاد در راه الله؟ فرمود: «**حتی جهاد در راه الله، مگر مردی که با نفس و مال خود برود و با چیزی از آن برنگردد**» [صحيح]- [بخاری و ابوداود روایت کرده، و لفظ از او است]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند که اعمال نیک در ده روز اول ذی الحجه بهتر از روزهای دیگر سال است. صحابه رضی الله عنهم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جهاد در غیر این ده روز پرسیدند که آیا بهتر است یا خیر؟ چون نزد آنان ثابت بود که جهاد از بهترین اعمال است. پس او صلی الله علیه وسلم پاسخ داد که: عمل صالح در این روزها بهتر از جهاد در روزهای دیگر است، مگر مردی که برای جهاد بر آید و جان و مال خود را در راه الله به خطر اندازد، سپس مال خود را از دست دهد و روحش در راه الله نثار گردد. این همان چیزی است که در این ایام با فضیلت بر کار نیک ترجیح داده می شود.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت انجام دادن عمل صالح در ده روز اول ذی الحجه، پس مسلمان باید از این روزها بهره ببرند، و عبادات زیادی در این ایام انجام دهند، از قبیل ذکر الله متعال، خواندن قرآن کریم، تکبیر، تهلیل، حمد، نماز، صدقه، روزه و همه اعمال نیک.

(175) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صَوْرِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(175) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله متعال به چهره ها، و اموال شما نگاه نمی کند، بلکه به قلب ها و اعمال شما می نگرند» [صحيح]-[مسلم روایت کرده].

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که الله متعال به چهره های بندگان و بدن های آنها نگاه نمی کند، که آیا زیبا هستند یا بدرنگ؟ بزرگ هستند یا کوچک؟ جور هستند یا ناجور؟ و نه به پول آنها می نگرند، که زیاد است یا کم؟ پس الله متعال بندگان را نظر به تفاوت درین امور محاسبه و مواخذه نمی کند، بلکه به دلها و آنچه در دلهاست از تقوی و باور، صداقت و اخلاص، و یا اراده خود نمایی و شهرت وجود دارد می نگرند، و به اعمال آنها از قبیل اصلاح و فساد آن می نگرند، و برای آنان پاداش و یا مجازات می دهد.

از فوائد حدیث:

1. توجه به اصلاح قلب، و پاک نمودن آن از هر صفت بد
2. اصلاح قلب به اخلاص می باشد، و اصلاح عمل با پیروی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، و این هر دو نزد الله متعال مورد توجه و عنایت قرار دارند
3. آدمی نباید فریب پول، زیبایی، بدن، و هیچ چیزی دیگری از مظاهر این دنیا را بخورد
4. هشدار از اعتماد نمودن بر ظاهر بدون اصلاح باطن

(176) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ، وَغَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(176) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ، وَغَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ» یعنی الله به غیرت می آید و بنده به غیرت می آید، و غیرت الله [این است که مؤمن آنچه بر] «او حرام ساخته را انجام دهد» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

، پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند که الله تعالی غیرت می کند و ناپسند می‌دارد همانطور که مؤمن غیرتمند می‌شود و متنفر می‌شود و بد می‌دارد، و سبب غیرت الله آن است که مؤمن چیزی را که الله از گناهان و زشتی‌ها حرام ساخته مانند زنا و لواط و دزدی و نوشیدن شراب و دیگر فواحش را مرتکب شود.

از فوائد حدیث:

1. هشدار نسبت به خشم الله و مجازات او در صورت زیر پا شدن حرمت‌های او

(3354)

(177) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوَبَّاتِ»، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشَّرْكَ بِاللَّهِ، وَالسَّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الرَّحْفِ، وَقَدْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَافِيَاتِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(177) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از هفت چیز هلاک کننده بپرهیزید» گفتند: یا رسول الله و آنها کدام ها اند؟ فرمودند: بیه الله شرک و رزیدن، جادو، قتل نفسی که الله متعال آن را حرام کرده است مگر برای حق، سود خوری، خوردن مال یتیم، فرار از میدان جنگ، و تهمت زدن به زنان پاکدامن مؤمن غافل [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم به امت خود دستور می دهد تا از هفت جنایت و گناههای هلاک کننده دوری جویند، و هنگامی که از وی در مورد آنها پرسیده شد که آنها کدام ها اند؟ بیان فرمودند که آن ها

نخست: شرک و رزیدن به الله متعال، با گرفتن مانند و مثل برای او سبحانه و تعالی به هر شکلی که باشد، و معطوف نمودن عبادتی برای غیر الله متعال، و از شرک آغاز نمود، زیرا بزرگترین گناهان است

دوم: جادو - و آن عبارت است از طلسم، تعویذ، دوا و دودها-، بر بدن جادو شونده با، قتل یا بیماری تأثیر می گذارد، یا جدایی میان زن و شوهر، که آن یک عمل شیطانی است و بسیاری از آن ها جز با شرک و نزدیک شدن به ارواح خبیثه شیطانی با چیزی که برای آنان دوست داشتنی باشد حاصل نمی شود

سوم: قتل نفسی که الله متعال از کشتن آن نهی کرده است مگر با دلیل شرعی که حاکم آن تنفیذ می کند

چهارم: تعامل با سود، خواه با خوردن آن باشد و یا با وجوه دیگر منفعت صورت گیرد پنجم: تجاوز به مال کودکی که پدرش وفات نموده باشد در حالی که وی زیر سن بلوغ باشد

ششم: فرار از میدان جنگ با کفار

هفتم: متهم کردن زنان آزاده پاکدامن به زنا، و نیز متهم کردن مردان

از فوائد حدیث:

1. این که گناهان کبیره منحصر به هفت مورد یاد شده نیست، و مختص ساختن این هفت مورد به دلیل بزرگی و خطر آن است.
2. جواز قتل نفس در صورتی به حق بوده باشد مانند قصاص، ارتداد و زنا بعد از ازدواج، و از سوی حاکم قانونی اجرا می گردد.

(3331)

(178) - عن أبي بكرة رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «أَلَا أَنْبَتُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكَبَائِرِ؟» ثَلَاثًا، قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ» وَجَلَسَ وَكَانَ مُتَّكِنًا، فَقَالَ: «أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ»، قَالَ: فَمَا زَالَ يُكْرَرُهَا حَتَّى قُلْنَا: لَيْتَهُ سَكَتَ. [صحيح] - [متفق عليه]

(178) - از ابی بکره رضی الله عنه روایت است گفت که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَلَا أَنْبَتُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكَبَائِرِ؟» ثَلَاثًا، قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَكَانَ مُتَّكِنًا، فَقَالَ: «أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ»، قَالَ: فَمَا زَالَ يُكْرَرُهَا حَتَّى قُلْنَا: لَيْتَهُ سَكَتَ».

آیا شما را از بزرگترین گناهان خبر ندهم؟» سه مرتبه، گفتند: بلی یا رسول الله، فرمود: شرک با الله متعال، و نافرمانی پدر و مادر؛ سپس نشست در حالی که تکیه زده بود، فرمود آگاه باشید [که یکی از بزرگترین گناهان کبیره [سخن دروغین است]]، گفت: ایشان» پیوسته آن را تکرار می کردند تا اینکه با خود گفتیم: ای کاش سکوت می فرمودند [صحيح]- [متفق علیه]

توضیح:

- پیامبر صلی الله علیه وسلم صحابه کرام را از بزرگترین گناهان خبر می دهد، پس این سه را ذکر نمودند:
1. شرک ورزیدن به الله متعال: که عبارت است از صرف نمودن هر نوع عبادت برای غیر الله، و برابر نمودن الله با غیر الله در الوهیت، ربوبیت، اسماء و صفات وی می باشد.
 2. نافرمانی والدین: که عبارت است از هرگونه آزار واذیت والدین، خواه در گفتار یا عمل باشد، و کوتاهی در احسان به آنان می باشد.

سخن دروغ و از جمله آن گواهی دروغین می باشد که عبارتند از: هر سخن باطل 3. و دروغین که هدف از آن کوچک شمردن کسی که با گرفتن مال، هتک ناموس و مانند آن می باشد.

پیغمبر صلی الله علیه و سلم بارها از سخنان دروغین برحذر داشته و مذموم بودن و آثار بد آن را در جامعه گوشزد نموده است، تا اینکه صحابه از روی دلسوزی بالای وی و نفرت از آنچه او را آزار می دهد گفتند: ای کاش سکوت می کرد.

از فوائد حدیث:

1. بزرگترین گناهان، شرک و رزیدن به الله متعال است؛ زیرا آن را از ریشه گناهان کبیره و بزرگترین آنها قرار داده است. و این را فرموده الله متعال تأیید می نماید که می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ} {الله شرک به وی را نمی آمرزد و کمتر از آن را برای هر کس بخواهد می آمرزد.
2. عظمت حقوق پدر و مادر، چنان که حقوق آنان با حقوق الله متعال پیوند داده است.
3. گناهان به دو دسته تقسیم شده است گناهان کبیره و گناهان صغیره، گناهان کبیره عبارتند از: هر گناهی که برای آن عذاب دنیوی مانند عذاب و لعن، و یا تخویف اخروی مانند ترس از دوزخ تعیین شده باشد، و گناهان کبیره درجات است، که برخی آنها در تحریم شدیدتر از برخی دیگر است، گناهان صغیره بجز گناهان کبیره است.

(2941)

(179) - عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الْكَبَائِرُ: الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَعُقُوْقُ الْوَالِدَيْنِ، وَقَتْلُ النَّفْسِ، وَالْيَمِينُ الْعَمُوسُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(179) - عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند: گناهان کبیره عبارتند از: (شُرک ورزیدن به الله، نافرمانی پدر و مادر، قتل نفس، و سوگند دروغ [صحيح]-[بخاری روایت کرده])

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم گناهان کبیره را بیان می نماید، که عبارتند از گناهانی که مرتکب آن در دنیا و یا آخرت به و عید سخت تهدید شده است. اولین آنها "شُرک ورزیدن به الله متعال است": "و شرک عبارت از صرف نمودن هر گونه عبادت برای غیر الله، و مساوی نمودن غیر الله به الله متعال در آنچه که از ویژگی های الله متعال در الوهیت و ربوبیت و اسماء و صفات می باشد. دوم آن "نافرمانی پدر و مادر می باشد": "که عبارتند از هر آن چیزی که موجب اذیت پدر و مادر در گفتار یا عمل و کوتاهی در احسان به آنها می شود. سوم آن «کشتن نفس» بدون حق است، مانند کشتن به ناحق و تجاوزکارانه، چهارم آن «قسم غموس» : عبارت از سوگند دروغ با دانستن این که دروغ است، زیرا صاحب خود را در گناه یا در جهنم فرو می برد.

از فوائد حدیث:

1. سوگند غموس به دلیل خطر و جنایت شدید آن کفاره ندارد، بلکه توبه را در پی دارد.
2. محدود کردن این چهار گناهان کبیره در حدیث به سبب بزرگی آن گناه است، نه حصر آنها.
3. گناهان؛ به گناهان کبیره و صغیره تقسیم می شود، و گناهان کبیره عبارتند از: هر گناهی که برای آن عذاب دنیوی مانند عذاب و لعن و یا و عید اخروی ذکر شده باشد مانند ترس از دوزخ و گناهان کبیره متفاوت است که برخی آنها در حرمت شدیدتر از برخی دیگر است، و گناهان صغیره غیر از گناهان کبیره است.

(180) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوَّلُ مَا يُفْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(180) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَوَّلُ مَا يُفْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ» یعنی: «نخستین چیزی که در روز قیامت درباره آن قضاوت می‌شود، در [مسئله] خون است [صحيح]- [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که نخستین چیزی که در روز قیامت درباره ظلم مردم به یکدیگر قضاوت می‌شود، مسئله مربوط به خون است، مانند کشتن یا زخمی کردن

از فوائد حدیث:

1. بزرگی امر خون‌ها زیرا هر چه مهم‌تر باشد زودتر مورد بررسی قرار می‌گیرد.
2. گناهان بر اساس مفسده‌ای که در پی آن حاصل می‌شود بزرگ به حساب می‌رود، و کشتن بی‌گناه از بزرگترین مفاسد است، و مفسده‌ای بزرگتر از آن نیست مگر کفر و شرک آوردن به الله تعالی.

(2962)

(181) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ رِيحَهَا تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(181) - از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ رِيحَهَا تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ عَامًا».

هر کسی مُعَاهِدی را به قتل برساند بوی بهشت را احساس نمی‌کند، هر چند که بوی آن «از مسافه چهل سال به مشام می‌خورد» [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به بیان وعید شدیدی پرداخته‌اند مبنی بر اینکه هر کس یک مُعَاهِد را بکشد - یعنی کافری را که با پیمان و امان وارد سرزمین مسلمانان شده - بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید، اگرچه بوی آن از فاصله چهل سال به مشام می‌رسد.

از فوائد حدیث:

1. تحریم کشتن کافر مُعَاهِد و ذمی و مُسْتَأْمِن و این کار از گناهان کبیره است.
2. مُعَاهِد: کافری که از او پیمان گرفته شده و در سرزمین خودش زندگی می‌کند، و با مسلمانان نمی‌جنگد و مسلمانان نیز با او نمی‌جنگند. ذمی: کافری که در سرزمین مسلمانان زندگی کند و جزیه دهد. مُسْتَأْمِن: کسی که با پیمان و امان برای مدت معینی وارد سرزمین مسلمانان شود.
3. هشدار نسبت به خیانت در پیمان با غیر مسلمانان.

(64637)

(182) - عن جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ». [صحيح] - [متفق عليه]

(182) - از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت است که او از پیامبر صلی الله علیه و «آله وسلم شنید که می فرمود: «قطع کننده پیوند خویشاوندی وارد بهشت نمی شود» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: هر کس با خویشاوندان خود قطع رابطه کند یا به آنان آزار و اذیت رساند، سزاوار است که وارد بهشت نشود.

از فوائد حدیث:

1. قطع رابطه خویشاوندی از گناهان کبیره است.
2. صلۀ رحم (پیوند خویشاوندی) (مطابق به عرف است و نظر به مکان، زمان و افراد فرق می کند.
3. صلۀ ی رحم با زیارت، صدقه دادن، نیکی کردن به آنها، عیادت از بیماران، امر به معروف، نهی از منکر و کارهای نیکو دیگر می شود.
4. هر چه قطع پیوند خویشاوندی نزدیکتر باشد، گناه آن بیشتر است.

(5367)

(183) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبَسِّطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَيُنْسَأَ لَهُ فِي آثَرِهِ، فَلْيَصِلْ رَحْمَةً». [صحيح] - [متفق عليه]

(183) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "هر کی دوست دارد رزق وی افزایش یابد، و اجل وی به تأخیر بیافتد، پس صله ی رحمی کند [صحيح]-[متفق عليه]"

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پیوند خویشاوندان با دیدار و اکرام بدنی و مالی و... تاکید می کند، و این عمل را وسیله ی افزایش رزق و طولانی شدن عُمر بیان نموده است.

از فوائد حدیث:

1. رحم عبارت از خویشاوندان اند که از طرف پدر و مادر باشند، و هر چه نزدیکتر باشند، سزاوار صله ی رحمی می باشند.
2. جزا از جنس عمل می باشد، پس هر که رحم خود را به نیکی و احسان پیوند دهد، الله متعال در زندگی و روزی او برکت می اندازد.
3. صله رحمی سبب افزایش رزق و طولانی شدن عُمر می شود، و اگر قرار باشد که اجل و روزی انسان مشخص است پس معنای آن برکت در عمر و روزی می باشد، پس در عمرش بیشتر از دیگران و نافع تر انجام می دهد و گفته شده است که هدف از افزایش رزق و عمر افزایش حقیقی است.

(5372)

(184) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَيْسَ الْوَاِصِلُ بِالْمُكَافِي، وَلَكِنَّ الْوَاِصِلَ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحْمَتُهُ وَصَلَّهَا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(184) - از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که پیوند خویشاوندی را طوری رعایت کند که دیگران با او رعایت می کنند، پیوند دهنده واقعی نیست، بلکه پیوند دهنده واقعی کسی است که پیوند خویشاوندی با وی قطع شود ولی او آن را بپیوندد» [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد این که انسان کامل در پیوند خویشاوندی و نیکی با اقارب آن شخص نیست که نیکی را با نیکی جواب بدهد، بلکه واقعیت پیونده کامل، در پیوند خویشاوندی این است که اگر رابطه خویشاوندی با او قطع شود، او وصلش کند. هر چند با او بدرفتاری کنند؛ ولی او با ایشان با نیکی رفتار می کند.

از فوائد حدیث:

1. رابطه خویشاوندی درست شرعی این است که به سراغ کسانی بروید که آنان با شما رابطه را قطع کرده اند، و از کسانی که به شما ظلم کردند عفو کنید، و به کسانی که به شما نداده اند بدهید و پیوند در تقابل قرار گرفتن و مجازات نیست
2. حفظ پیوند خویشاوندی با رساندن هر چه بیشتر خیر از قبیل مال، دعا، امر به معروف و نهی از منکر و غیره و دفع نمودن شر تا حد ممکن از آنان است

(3854)

(185) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أَتَدْرُونَ مَا الْغَيْبَةُ؟»، قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ»، قِيلَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ؟ قَالَ: «إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(185) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «آیا می دانید غیبت چیست؟» گفتند: الله و رسولش آگاه ترند، فرمودند: «بیاد کردن برادرت به آنچه که برایش ناخوشایند است»، گفته شد: اگر دیدید که آنچه می گویم در برادرم وجود داشته باشد؟ فرمودند: «اگر این صفتی که می گویی در برادرت وجود دارد او را "غیبت کرده ای، و اگر وجود نداشته باشد به او بهتان بسته ای [صحيح]-[مسلم روایت کرده]».

توضیح:

رسول الله - صلی الله علیه و سلم - حقیقت غیبت را بیان می نمایند که عبارتست از یاد کردن مسلمان غایب از آنچه که برایش ناخوشایند است، چه از صفت های خُلُقِی یا صفت های خُلُقِی و رفتاری او باشند، مانند: کور، فریبکار، دروغگو و امثال آن از صفات بد، اگر چه آن خصلت در او باشد و اگر آن خصلت در او نباشد بدتر از غیبت بوده و او تهمت است، یعنی تهمت زدن به انسان به چیزی که در او نباشد.

از فوائد حدیث:

1. روزش آموزش نیک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مسائل را بگونه پرسش مطرح می کند.
2. خوش اخلاقی اصحاب با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: الله و رسولش داناترند.
3. گفتن سوال شونده به چیزی که نمی داند: الله اعلم.
4. حفظ شریعت برای جامعه با حفظ حقوق و برادری میان آنها.
5. غیبت حرام است مگر در بعضی مواردی جهت مصلحت، و از آنجمله: دفع ظلم، تا مظلوم ظلم کننده را با کسی که حق او را بگیرد ذکر کند و گوید: فلانی به من ظلم کرد، یا با من چنین کرد. مشورت در امر ازدواج، شراکت یا همسایگی و غیره.

(186) - عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «كل مُسْكِرٍ خَمْرٌ، وكل مُسْكِرٍ حرام، ومن شرب الخمر في الدنيا فمات وهو يُدْمِنُهَا لَمْ يَتُبْ، لَمْ يَشْرِبْهَا فِي الْآخِرَةِ». [صحيح] - [رواه مسلم وأخرج البخاري الجملة الأخيرة منه]

(186) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ، وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ، وَمَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا فَمَاتَ وَهُوَ يُدْمِنُهَا لَمْ يَتُبْ، لَمْ يَشْرِبْهَا فِي الْآخِرَةِ» : «هر مست کننده ای خمر و شراب است و حرام؛ و هر کس در دنیا خمر و شراب بنوشد و در حالی بمیرد که معتاد به آن باشد و توبه نکند، در آخرت از آن نمی نوشد [صحيح]»

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می دارد، هر چیزی که سبب زوال و غیب شدن عقل می شود؛ خمر مست کننده است، اگر نوشیدن، خوردن، یا استنشامی و یا غیر آن باشد و هر آنچه که باعث مستی و زوال عقل می شود، الله متعال آن را حرام قرار داده و از آن نهی فرموده، اگر کم باشد و یا زیاد، و هر کس از این انواع مسکرات نوشید و به نوشیدن آن ادامه داد و تا هنگام مرگ از آن توبه نکرد؛ او مستحق عذاب الله شده و او را از نوشیدن آن در بهشت محروم می سازد.

از فوائد حدیث:

1. علت حرام بودن مشروبات الکلی، هر چیز مست کننده از هر نوعی که باشد حرام است.
2. الله متعال شراب را حرام قرار داده؛ به دلیل اضرار و مفسد بزرگی که دارد.
3. نوشیدن شراب در بهشت نشانه کمال لذت و اتمام نعمت است.
4. هر کس در دنیا از نوشیدن مشروبات الکلی پرهیز نکند، الله متعال نوشیدنش را در بهشت بر آن حرام می نماید، و جزا از جنس عمل است.
5. تشویق به مباردت و ورزیدن به توبه از گناهان قبل از مرگ.

(187) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ فِي الْحُكْمِ. [صحيح] - [رواه الترمذي وأحمد]

(187) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ فِي الْحُكْمِ.

رسول الله صلى الله عليه وسلم رشوه دهنده و رشوه گیرنده در قضاوت را لعنت نموده است. [صحيح]-[ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پيامبر صلى الله عليه وسلم عليه دهنده رشوه، گیرنده و و تحویل دهنده آن دعای طرد از رحمت الله عزوجل نموده اند. از جمله رشوه، مالی است که به قاضیها داده می شود تا به نفع کسی که طرف آنهاست حکم دهد، و در نتیجه دهنده رشوه به ناحق به هدف خود دست یابد.

از فوائد حدیث:

1. پرداخت رشوه، گرفتن آن، پادرمیانی برای آن، و کمک کردن در آن حرام است. زیرا در آن همکاری برای رسیدن به باطل است.
2. رشوه از گناهان کبیره است؛ زیرا رسول الله صلى الله عليه وسلم گیرنده و دهنده اش را لعن کرده است.
3. جرم رشوه در باب قضاوت و حکم شدیدتر است، و گناه آن بیشتر است؛ زیرا شامل ظلم و حکم به غیر آنچه الله نازل کرده است می باشد.

(188) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا». [صحيح] - [متفق عليه]

(188) - از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» یعنی: «از گمان بد (برحذر باشید، زیرا که گمان دروغ‌ترین سخن است، و در پی پوشیده‌ها [ای مردم] نباشید، و تجسس نکنید، و با یکدیگر حسادت نورزید، و به هم پشت نکنید، و با هم کینه نورزید، و بندگان الله [و برادران هم باشید] [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه سلم از برخی از اموری که به اختلاف و دشمنی بین مسلمانان منجر می‌شود نهی کرده‌اند و نسبت به آن هشدار داده‌اند. از جمله آن **گمان**، یعنی تهمتی که بدون دلیل در دل می‌افتد، و ایشان بیان کرده‌اند که گمان از «دروغ‌ترین سخنان است

و از «**تَحَسَّسُ**» یعنی جستجوی پوشیده‌های مردم با چشم و گوش و از «**تَجَسَّسُ**» یعنی جستجوی امور پوشیده و از این کلمه بیشتر درباره جستجویی که به هدف بد باشد به کار می‌رود.

و از «**حسد**» یعنی بد دانستن حصول نعمت برای دیگران و از «**تَدَابُرُ**» (پشت کردن به یکدیگر (به این صورت که از هم روی‌گردان شوند و به هم سلام نکنند، و شخص به دیدار برادر مسلمانش نرود و از «**تَبَاغُضُ**» (کینه ورزیدن به هم (یعنی کراهت و نفرت از هم، مانند آزار رساندن به دیگران و رو ترش کردن و بد برخورد کردن با هم

سپس ایشان سخنی جامع و مختصر و مفید را به زبان آوردند که با آن، رابطه مسلمانان با یکدیگر اصلاح می‌شود: «**بندگان الله، برادران یکدیگر باشید**» برادری، عامل وصلی است که با آن روابط بین مردم پیوسته می‌ماند و محبت و الفت میان آنها بیشتر می‌شود.

از فوائد حدیث:

1. گمان بد بردن به کسی که نشانه‌های بدی از او آشکار شده ایرادی ندارد، و مؤمن باید باهوش و نکته‌سنج باشد و فریب بدکاران و فاسقان را نخورد.
2. منظور، هشدار نسبت به اتهامی است که در دل جا بیفتد و بر آن پافشاری شود، اما آنچه لحظه‌ای به دل می‌افتد اما در آن مستقر نمی‌شود [و تبدیل به ظن دائمی نمی‌شود] در تکلیف داخل نیست.
3. تحریم اسباب نفرت و جدایی میان افراد در جامعه اسلامی از جمله تجسس و حسادت و مانند آن.
4. توصیه به تعامل با مسلمان به مانند تعامل با برادر در نصیحت و محبت.

(5332)

(189) - عن حذيفة رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(189) - از حذیفه رضی الله عنه روایت است که فرمود از پیامبر صلی الله علیه و آله «و سلم شنیدم که می فرمود: «کسی که سخن چینی می کند وارد بهشت نمی شود [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خیر می دهد که شخص سخن چین؛ کسی که به قصد فساد در میان مردم سخنان را انتقال می دهد، با عدم ورود به بهشت مستحق عذاب است.

از فوائد حدیث:

1. سخن چینی از گناهان بزرگ است.
2. نهی سخن چینی؛ به دلیل فساد و ضرری که بین افراد و گروه ها ایجاد می کند.

(5368)

(190) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا، ثُمَّ يُصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ: يَا فَلَانُ، عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا، وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ، وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(190) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «کُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا، ثُمَّ يُصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ: يَا فَلَانُ، عَمِلْتَ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ، وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ» «همه امت من مورد عفو هستند جز مجاهران و از جمله مجاهره این است که شخص در شب عملی [گناه] را انجام دهد و سپس شب را به صبح برساند در حالی که الله او را پوشانده است، پس بگوید: ای فلانی، دیشب چنین و چنان کردم. او شب را گذراند در حالی که پروردگارش او را پوشانده بود.» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کرده که برای مسلمان گناهکار امید عفو و مغفرت الهی می‌رود، مگر برای کسی که از روی تفاخر و وقاحت گناه خود را اعلام می‌کند؛ چنین شخصی شایسته عفو نیست؛ زیرا شب هنگام گناه کرده و سپس صبح هنگام پوشش الله را از خود برمی‌دارد، و به دیگری می‌گوید که او در شب فلان گناه را انجام داده است. شب را با ستر و پوشش پروردگار به صبح رسانده و صبح هنگام ستر و پوشش پروردگار را!! از خود برمی‌دارد

از فوائد حدیث:

1. زشتی علنی کردن گناه پس از آنکه الله تعالی آن را پوشانده است
2. در علنی کردن گناه اشاعه فحشا میان مؤمنان است
3. کسی که الله در دنیا او را پوشانده، در آخرت نیز او را خواهد پوشانده، و این از وسعت رحمت الله تعالی درباره بندگان اوست
4. کسی که به گناهی مبتلا شده باید خودش را ببوشاند و گناه را علنی نکند و به درگاه الله توبه کند

5. بزرگی گناه مُجاهران که عمدا گناهان خود را علنی می‌کنند و خود را از فرصت عفو محروم می‌کنند.

(3756)

(191) - عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَ النَّاسَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ، فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبَيْتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَعَاظَمَهَا بِآبَائِهَا، فَالْنَّاسُ رَجُلَانِ: بَرٌّ تَقِيَّ كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ، وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ هَيِّنٌ عَلَى اللَّهِ، وَالنَّاسُ بَنُو آدَمَ، وَخَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ، قَالَ اللَّهُ: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ} [الحجرات: 13]». [صحيح] - [رواه الترمذی وابن حبان]

(191) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز فتح مکه برای مردم خطبه خواند و فرمود: «ای مردم، الله تکبر و نخوت جاهلیت و فخر فروشی آنان به پدران را از میان برداشته است، بنابراین مردم دو کس اند: یا نیکوکار متقی که نزد الله گرامی است، یا فاجر و بدکار که نزد الله بی‌ارزش است، و مردم فرزندان آدم اند و الله آدم را از خاک آفرید. الله می‌فرماید: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ} [حجرات: 13]» [ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی حاصل کنید. همانا گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین است.] [صحيح]-[ترمذی و ابن حبان روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز فتح مکه برای مردم خطبه خواندن و فرمود: ای مردم همانا الله تکبر و نخوت جاهلیت و فخر فروشی به پدران را از میان برداشته است و مردم بر دو دسته‌اند:

یا مؤمن پرهیزگار مطیع و عابد الله عزوجل است، که این نزد الله گرامی است حتی اگر نزد مردم دارای حسَب و نَسَب نباشد.

و یا کافر شقی و بدکار که چنین کسی نزد الله بی‌ارزش و خوار است و چیزی نیست اگرچه نزد مردم دارای منزلت و جایگاه و قدرت باشد.

و همه مردم فرزندان آدم هستند و الله آدم را از خاک آفرید، پس برای کسی که اصلش از خاک است شایسته نیست که تکبر ورزد و خودپسندی پیشه کند. مصداق آن این سخن حق تعالی است که می‌فرماید { يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ } [الحجرات: ۱۳] [ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی (حاصل کنید). همانا گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین شماست. همانا الله دانای آگاه است.

از فوائد حدیث:

1. نهی از فخر فروشی با نسب و جایگاه

(65074)

(192) - عن عائشة رضي الله عنها عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ أَبْغَضَ الرَّجَالِ إِلَيَّ

اللَّهِ الْأَكْدُ الْحَصِيمُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(192) - عائشه رضي الله عنها از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمودند: منفورترین انسان نزد الله متعال کسی است که همیشه جنگنده سرسخت باشد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر می‌دهد که الله متعال بر شخصی خشمگین می‌شود که جنگجو و زیات جنگنده باشد، حق را قبول نمی‌کند، تلاش می‌کند توسط دلایل آن را دفع کند، و یا به حق می‌جنگد مگر در مجادله خود مبالغه می‌کند، و از حد اعتدال بیرون می‌شود و بدون علم مجادله می‌کند.

از فوائد حدیث:

1. مطالبه حق مظلوم از طریق رفع دعوای شرعی در زمره دعوای مذموم قرار نمی‌گیرد.

2. جنگ و جدل از آفت‌های زبان است که باعث اختلاف و تفرقه بین مسلمانان می‌شود.

3. مبارزه اگر از باب حق باشد و طریقه آن نیکو باشد قابل توصیف است و اگر برای ابطال حق و اقامه باطل یا بدون دلیل و برهان باشد مذموم است

(5474)

(193) - عن أبي بكر رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إِذَا لَقِيَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيْفَيْهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْقَاتِلُ، فَمَا بَأْسُ الْمَقْتُولِ؟ قَالَ: «إِنَّهُ كَانَ حَرِيصًا عَلَى قَتْلِ صَاحِبِهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(193) - از ابو بکره رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه دو مسلمان با شمشیرهای شان در برابر همدیگر قرار گیرند، قاتل و مقتول در آتش (دوزخ) خواهند بود». گفتیم: ای رسول الله، این (جزای) قاتل است، چرا (جزای) مقتول هم این است؟ گفت: "او نیز برای کشتن طرف مقابلش کوشا بود [صحيح] - [متفق علیه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که: هر گاه دو مسلمان با شمشیرهای شان در برابر همدیگر قرار گیرند، و هر کدام از آنان قصد کشتن طرف مقابلش را داشته باشد، پس قاتل به سبب دخالت مستقیم در قتل طرف مقابلش در آتش (دوزخ) است صحابه کرام در باره رفتن (مقتول) (به دوزخ متحیر شدند که چگونه مقتول در آتش می باشد؟ پس پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داد که او نیز به سبب کوشا بودن قتل طرف مقابلش در آتش جهنم می باشد، زیرا هیچ چیز او را از کشتن باز نداشت مگر سبقت قاتل در کشتن وی

از فوائد حدیث:

1. کسی که با اراده قلبی گناه کرد، و اسباب وقوع آن را عملاً انجام داد، مستحق عذاب می گردد.
2. هشدار شدید در مورد جنگ میان مسلمانان و تهدید به آتش.
3. جنگ با حق میان مسلمانان، مانند جنگ با بغاة (باغیان و بغاوتگران) و مفسدین مورد این وعید قرار نمی گیرد.

4. مرتکب گناه کبیره با محض انجام دادن آن کافر نمی شود. زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر دو جنگنده را مسلمان نامیده است.
5. اگر دو مسلمان به هر وسیله ای با هم رو برو شوند که یکی از آنها دیگری را به قتل برساند، قاتل و مقتول در آتش هستند، و شمشیر در حدیث به عنوان نمونه یاد آوری شده است.

(4304)

(194) - عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السَّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا». [صحيح] - [متفق عليه]

(194) - از ابوموسی اشعری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السَّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا» یعنی: «کسی که علیه ما سلاح بردارد از ما نیست» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم نسبت به برداشتن سلاح علیه مسلمانان به قصد ترساندن یا غارت کردن آنان هشدار می‌دهد، و بیان می‌دارد که هرکس به غیر حق چنین کند مرتکب جرمی بزرگ و یکی از گناهان کبیره شده و مستحق این وعید و تهدید شدید است.

از فوائد حدیث:

1. هشدار شدید نسبت به جنگیدن مسلمان با برادران مسلمانانش.
2. یکی از بزرگترین منکرات و فسادهای بزرگ در زمین، برداشتن سلاح علیه مسلمانان و تباهی و افساد با کشتن است.
3. وعیدی که در این حدیث آمده، کشتن به حق را در بر نمی‌گیرد، مانند کشتن اهل بغاوت و مفسدان و غیر آنان.
4. حرام بودن ترساندن مسلمان با سلاح یا دیگر چیزها، حتی اگر به قصد شوخی باشد.

(2997)

(195) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ، فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(195) - از عائشه رضی الله عنها روایت است گفت که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: مردگان را دشنام ندهید، زیرا آنان به عملکردهای خویش رسیده اند [صحيح]- [بخاری روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم دشنام دادن به مردگان و بی حرمتی به آنان را بیان می دارد، و اینکه این عمل جزء اخلاق زشت شمرده می شود "چونکه آنان به جایگاه اعمال خویش رسیده اند" اعمال نیک و یا زشت، و همچنان این دشنام به آنان نمی رسد، و تنها زندگان را آزار می دهد.

از فوائد حدیث:

1. این حدیث دلیل بر نهی از دشنام دادن به مردگان است.
2. ترک اهانت به مردگان به خاطر مصلحت زندگان و حفظ مصئونیت جامعه از دعوا و نفرت است.
3. حکمت نهی از دشنام دادن به آنها این است که به آنچه کرده اند رسیدند، پس دشنام دادن به آنها فایده ای ندارد بلکه به بستگان زنده اش ضرر می رساند.
4. سزاوار انسان نیست سخن بی مصلحت را بگوید.

(5364)

(196) - عن أبي أيوب الأنصاري رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَا يَجُلُّ لِرَجُلٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ، يَلْتَقِيَانِ، فَيُعْرِضُ هَذَا وَيُعْرِضُ هَذَا، وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(196) - از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «جایز نیست که مرد بیش از سه شب برادر خود را ترک سخن کند، طوری که وقتی به هم روبرو می شوند این روی بر می گرداند، و او روی بر می گرداند، و بهترین آنان کسی است که آغاز به سلام کردن می کند [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم از اینکه یک مسلمان برادر مسلمانش را بیش از سه شب ترک کند منع فرموده اند، طوری که وقتی همدیگر را می بینند از یکدیگر رو گردانیده و به هم سلام نمی دهند و با هم حرف نمی زنند و بهترین این دو مسلمانی که با هم قطع رابطه کرده اند، کسی است که تلاش کند آشتی برقرار کند و ترک رابطه را به پایان برساند. و اینجا مراد از ترک کردن، ترک وی به خاطر خواهشات نفسانی است؛ اما ترک بخاطر الله متعال مانند ترک گناه کاران، اهل بدعت و دوستان بد، مقید به وقت نمی باشد بلکه وابسته به سببی است که با از بین رفتن آن مدت آن به پایان می رسد.

از فوائد حدیث:

1. با در نظر گرفتن فطرت انسانی ترک کردن برای سه روز و کمتر از آن مباح است پس ترک برای سه روز بخشیده شده تا آنچه که در درون ها نهفته است از بین برود.
2. فضیلت سلام، چون کینه و کدورت را که در درون نفس است از بین می برد، و این (که) سلام (نشانه محبت است).
3. اسلام به برادری و صمیمیت میان پیروان خود تاکید دارد.

(197) - عن سهل بن سعد رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ يَضْمَنْ لِي مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ وَمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَضْمَنْ لَهُ الْجَنَّةَ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(197) - از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که بین دو فک (الاشه) و بین دو پایش را برای من تضمین کند، بهشت را برای او تضمین می‌کنم» [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از دو مورد خبر می‌دهند که اگر مسلمان به آن‌ها پابند باشد وارد بهشت می‌شود
 نخست: حفظ زبان از گفتن سخنی که الله متعال را به خشم می‌آورد
 دوم: حفظ فرج از واقع شدن در فحشا
 زیرا توسط این دو عضو بیشترین گناهان صورت می‌گیرد

از فوائد حدیث:

1. حفظ زبان و فرج راه ورود به بهشت است
2. زبان و فرج را مخصوص نمود؛ زیرا آن دو بزرگترین منبع مصیبت در دنیا و آخرت برای انسان هستند

(3475)

(198) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَكَانَ غَزَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُنَيْيَ عَشْرَةَ غَزْوَةً - قَالَ: سَمِعْتُ أَرْبَعًا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَعْجَبَنِي، قَالَ: «لَا تُسَافِرِ الْمَرْأَةُ مَسِيرَةَ يَوْمَيْنِ إِلَّا وَمَعَهَا زَوْجُهَا أَوْ ذُو مَحْرَمٍ، وَلَا صَوْمَ فِي يَوْمَيْنِ: الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى، وَلَا صَلَاةَ بَعْدَ الصُّبْحِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، وَلَا بَعْدَ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ، وَلَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(198) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه - که همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم در دوازده غزوه شرکت کرده بود - روایت است که گفت: چهار چیز را از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم و آن را پسندیدم، فرمودند: «لَا تُسَافِرِ الْمَرْأَةُ مَسِيرَةَ يَوْمَيْنِ إِلَّا وَمَعَهَا زَوْجُهَا أَوْ ذُو مَحْرَمٍ، وَلَا صَوْمَ فِي يَوْمَيْنِ: الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى، وَلَا صَلَاةَ بَعْدَ الصُّبْحِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، وَلَا بَعْدَ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ، وَلَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا».

زن مسیر دو روز را به سفر نمی‌رود مگر آنکه همسرش یا محرمی همراه او باشد، و در دو روز، روزه روا نیست: فطر و قربان (دو عید)، و پس از [نماز] صبح نمازی نیست تا آنکه خورشید طلوع کند و پس از [نماز] عصر تا آنکه خورشید غروب کند، و بار سفر بسته نمی‌شود مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام، و مسجد الاقصی، و این مسجد.

«من [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از چهار امر نهی کردند:
 نخست: منع زن از سفری که مسافت آن مسیر دو روز باشد بدون همسر یا یکی از محارمش، و منظور از محرم کسی است که ازدواج با او تا ابد حرام است، مانند پسر یا پدر یا برادرزاده یا خواهرزاده و عمو و ماما و مانند آن.
 دوم: نهی از روزه در روز عید فطر و روز عید قربان، چه این روزه از روی نذر باشد یا روزه تطوع یا روزه کفاره.
 سوم: نهی از نماز نفل پس از نماز عصر تا آنکه خورشید غروب کند، و پس از نماز صبح تا آنکه خورشید طلوع کند.

چهارم: نهی از سفر به جایی از روی اعتقاد به فضیلت آن یا اعتقاد به چند برابر شدن ثواب به غیر از مساجد سه‌گانه، بنابراین به قصد نماز خواندن بار سفر بسته نمی‌شود مگر

به این سه مسجد؛ زیرا اجر و پاداش چند برابر نمی‌شود مگر در مسجد الحرام و مسجد نبوی و مسجد الاقصی

از فوائد حدیث:

1. جایز نبودن سفر زن بدون محرم
2. زن نمی‌تواند در سفر محرم زنی دیگر باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم «فرمودند: «همسرش یا کسی که محرم او است»
3. زن از رفتن به هر مسافتی که سفر نامیده شود بدون همسر یا محرم منع می‌شود، و این حدیث بر اساس حال سوال کننده و محل زندگی او بوده است
4. محرم زن، شوهر اوست یا کسی که از دواج با او تا ابد حرام است، که این تحریم یا از روی قرابت است مانند پدر و فرزند و عمو و دایی، یا به سبب شیردهی مانند پدر شیری و عموی شیری، یا به سبب دامادی، مانند پدر شوهر، و این محرم باید مسلمان و بالغ و عاقل و مورد اعتماد باشد، زیرا هدف از همراهی محرم، حمایت و محافظت زن و انجام امور اوست
5. اهتمام شریعت اسلامی به زنان و حمایت و محافظت آنان
6. درست نبودن نماز نفل مطلق پس از نماز صبح و عصر. قضای فرایض فوت شده و نمازهایی که سبب دارند مانند تحیة مسجد و مانند آن مستثنی هستند
7. پس از طلوع خورشید بلا فاصله نماز خواندن جایز نیست، بلکه باید صبر کرد تا خورشید به اندازه یک نیزه بلند شود که حدوداً به اندازه ده تا پانزده دقیقه است
8. وقت نماز عصر تا غروب خورشید ادامه دارد
9. جایز بودن سفر به قصد رفتن به مساجد سه‌گانه
10. فضیلت مساجد سه‌گانه و مزیت آن بر دیگر مساجد
11. عدم جواز سفر برای زیارت قبرها حتی قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم، و زیارت آن برای کسانی که در مدینه هستند یا به قصد مشروع و جایز دیگری به آنجا آمده‌اند جایز است

(199) - عن أسامة بن زيد رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَا تَرَكَتُ بَعْدِي فِتْنَةٌ أَضَرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(199) - از اسامه بن زید رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "بعد از درگذشت من زیان بارتترین فتنه را برای مردان به اندازه فتنه زنان نماندم [صحيح]-[متفق عليه]"

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که او بعد از خود هیچ امتحان سختی نگذاشته است که زیان بارتتر از فتنه و امتحان زنان برای مردان باشد؛ اگر از خانواده اش باشد، در متابعت مخالفت شرعی ابتلا می گردد، و اگر با او بیگانه باشد، پس با اختلاط و خلوت با وی و آنچه از فسادهای دگر از آن حاصل می شود مورد ابتلا قرار می گیرد.

از فوائد حدیث:

1. مسلمان باید مواظب فتنه زنان باشد و هر آن راهی را ببندد که سبب فتنه می شود.
2. مؤمن باید به الله [به دین الله (تمسک بجوید، و میل به سلامتی از وسوسه ها داشته باشد]

(200) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَصِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ، فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(200) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَصِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ، فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ فِي النِّسَاءِ» یعنی: «همانا دنیا شیرین و سرسبز است و الله شما را در آن جانشین قرار داده و می بیند که چگونه عمل خواهید کرد پس از دنیا و از زنان پروا دارید، زیرا نخستین فتنه‌ای که در بنی اسرائیل رخ داد در زنان بود» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته که دنیا از نظر طعم شیرین است و در نگاه سرسبز، برای همین انسان به آن فریب می‌خورد، و خود را برایش خسته می‌کند، و همه فکر خود را در آن قرار می‌دهد. الله سبحانه و تعالی در این زندگی دنیا برخی از ما را جانشین برخی دیگر قرار می‌دهد و می‌نگرد که چگونه رفتار می‌کنیم، آیا طاعت او را انجام می‌دهیم یا مرتکب معصیتش می‌شویم؟ سپس فرمود: از این برحذر باشید که متاع دنیا و زینت آن شما را بفریبد، و باعث شود امر الله را ترک کنید، و در آنچه شما را از آن نهی کرده واقع شوید. و یکی از بزرگترین فتنه‌های این دنیا که باید از آن برحذر بود، فتنه زنان است و این فتنه نخستین فتنه‌ای بود که بنی اسرائیل در آن واقع شدند.

از فوائد حدیث:

1. ترغیب به ملازمت بر تقوا و مشغول نشدن به ظواهر و زینت دنیا
2. هشدار نسبت به واقع شدن در فتنه زنان، از نگاه کردن به آنان، و تساهل در اختلاط زنان با مردان نامحرم یا دیگر مظاهر فتنه
3. فتنه زنان از بزرگترین فتنه‌ها در این دنیا است
4. عبرت گرفتن و پند انداختن از امت‌های پیشین، زیرا آنچه برای بنی اسرائیل رخ داد برای غیر آنان هم خواهد داد

5. فتنه زن چنین است که اگر همسر باشد شاید هزینه‌هایی را به دوش مرد بیندازد که در توانش نباشد، در نتیجه از امر دینش مشغول شود و مجبور شود در طلب دنیا خودش را به هلاکت اندازد، و اگر زنی نامحرم باشد در صورت بیرون رفتن از خانه و اختلاط با این زنان، فتنه‌اش فریفتن مردان و اغوای آنان و منحرف کردنشان از راه حق است، به ویژه اگر با روی باز و آرایش باشند، و این ممکن است به درجات گوناگون زنا منجر شود. برای همین مؤمن باید به الله اعتصام جوید، و در راه نجات از فتنه آنان به الله راغب شود.

(3053)

(201) - عن أبي موسى رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «**لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيٍّ**».
[صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(201) - از ابوموسی رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «**لَا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيٍّ**».
"از دواج بدون موجودیت سرپرست درست نیست" [صحيح] - ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و احمد روایت کرده

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده‌اند که ازدواج صحیح نیست مگر با ولی [زن] که عقد نکاح را بر عهده گیرد.

از فوائد حدیث:

1. ولی، شرط صحت نکاح است، بنابراین اگر نکاح بدون ولی صورت گیرد یا زن خودش را به عقد دیگری در آورد، نکاح درست نیست.
2. ولی نزدیکترین مردان به زن است، بنابراین با وجود ولی نزدیک، ولی دور نکاح زن را بر عهده نمی‌گیرد.
3. در ولی: تکلیف، و مرد بودن، و رشد بودن، و شناخت مصالح نکاح، و یکی بودن دین ولی و زنی که ولایت او را بر عهده دارد شرط است، و هر گاه یکی از این صفات موجود نباشد آن مرد اهل ولایت در عقد نکاح شده نمی‌تواند.

(202) - عن عقبه بن عامر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَحَقُّ الشُّرُوطِ أَنْ تُوفُوا بِهِ مَا اسْتَحَلَّتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(202) - از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "همانا سزاوارترین شروطی که باید به آنها پایبند بود: شروطی است". که با آنها زنان را برای خود حلال ساختید [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان می کند که سزاوارترین شروطی که باید به آنها پایبند بود این است که به اساس آن استمتاع به زن روا گردیده است، و این عبارت از شرط های مباح اند که خانم آنها را در عقد ازدواج می طلبد.

از فوائد حدیث:

1. وفا به آن شرط ها واجب است که یکی از زوجین نسبت به دیگری بالای خود قبول کند، مگر شرطی که حلال را حرام و یا حرام را حلال بگرداند.
2. وفا نمودن به شرط های نکاح قطعی تر است نسبت به شرط های دیگری، زیرا در مقابل استمتاع به زن است.
3. عظمت جایگاه ازدواج در اسلام، چنان که بر تحقق شرایط آن تأکید شده است.

(6021)

(203) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ، وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(203) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و "آله و سلم فرمودند: "دنیا متاع است؛ و بهترین متاع دنیا زن نیکوکار است [صحيح]-[مسلم] [روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که دنیا و آنچه در آن است چیزی است که مدتی زمان از آن لذت برده می شود و سپس از بین می رود، و اینکه بهترین لذت آن همسر صالح است، وقتی او را نگاه کند خشنود می شود، و اگر به او امر کند از وی اطاعت می کند، و اگر از او دور باشد در نفس و مالش از او محافظت می کند.

از فوائد حدیث:

1. بهره مندی از خوبی های دنیا که الله متعال برای بندگانش روا کرده است بدون اسراف و تکبر جایز است.
2. تشویق به انتخاب همسر صالح؛ زیرا برای شوهر در اطاعت پروردگارش کمک کننده است.
3. بهترین لذت دنیا چیزی است که در اطاعت الله بوده یا به آن کمک کند.

(5794)

(204) - عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى أَنَّهُمْ كَانُوا عِنْدَ حُدَيْفَةَ، فَاسْتَسْقَى فَسَقَاهُ مُجُوسِيٌّ، فَلَمَّا وَضَعَ الْقَدَحَ فِي يَدِهِ رَمَاهُ بِهِ، وَقَالَ: لَوْلَا أَنِّي نَهَيْتُهُ غَيْرَ مَرَّةٍ وَلَا مَرَّتَيْنِ - كَأَنَّهُ يَقُولُ: لَمْ أَفْعَلْ هَذَا، - وَلَكِنِّي سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ وَلَا الدِّيْبَاجَ، وَلَا تَشْرَبُوا فِي آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَا تَأْكُلُوا فِي صِحَافِهَا، فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَنَا فِي الْآخِرَةِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(204) - از عبد الرحمن بن ابی لیلی روایت است که آنان نزد حذیفه بودند، او آب خواست و مجوسی به او آب داد، و چون جام را در دست گرفت آن را در روی مجوسی زد و گفت: من این کار رانمی کردم اگر او را بیش از یک و یا دو بار منع نکرده بودم - گویا می گفت این کار را نمی کردم - مگر من از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ وَلَا الدِّيْبَاجَ، وَلَا تَشْرَبُوا فِي آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَا تَأْكُلُوا فِي صِحَافِهَا، فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَلَكُمْ فِي الْآخِرَةِ» : «ابریشم نرم و غلیظ را نپوشید و در ظرف های طلا و نقره چیزی ننوشید، و در کاسه های آنان نخورید، چون این ظروف (طلایی و نقره ی (برای آنها در دنیا و برای «مان در آخرت است» [صحيح]-[متفق عليه] .

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم مردان را از پوشیدن تمام انواع ابریشم نهی کرد. مردان و زنان را از خوردن و نوشیدن در ظروف طلا و نقره منع کرد. و فرمودند که آنها در روز قیامت ویژه مؤمنان است؛ زیرا در دنیا از روی اطاعت الله از آن دوری کردند. و اما آنها در آخرت برای کافران نمی باشد؛ زیرا آنان با استفاده کردن این نعمت ها در دنیا عجله نمودند و نیز از فرمان الله متعال سرپیچی کردند.

از فوائد حدیث:

1. حرام بودن پوشیدن ابریشم و دیباج برای مردان، و هشدار شدید برای استفاده کننده آن.
2. برای زنان پوشیدن ابریشم و دیباج جایز است.
3. تحریم خوردن و نوشیدن در ظروف و جام های طلا و نقره برای مردان و زنان.

4. تندی حذیفه رضی الله عنه در انکار از آن، و این را این گونه توضیح داد که او را بیش از یک بار از استفاده از ظروف طلا و نقره نهی کرده بود، اما با آن هم بسنده نکرد.

(2985)

(205) - عن ابن عمر رضي الله عنهما: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْقَرَعِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(205) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که: "رسول الله - صلی الله علیه و سلم از تراشیدن برخی از موهای سر و گذاشتن برخی دیگر، نهی کرده است - [صحيح] - [متفق عليه]"

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از تراشیدن قسمتی از موهای سر و ترک قسمتی دیگر آن نهی کرده است. این ممنوعیت برای مردان جوان و پیر عمومی است، اما زنان مجاز به تراشیدن سر نیستند.

از فوائد حدیث:

1. توجه شریعت اسلامی به ظاهر انسان

(8914)

(206) - عن ابن عمر رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «أَحْفُوا الشَّوَارِبَ وَأَعْفُوا اللَّحَى». [صحيح] - [متفق عليه]

(206) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند «بروت ها را کوتاه کنید، و ریش را انبوه سازید» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به گرفتن از سبیل امر نموده است، و اینکه سبیل بدون کوتاه کردن رها نشود، و در این باره دقت بیشتر شود و در مقابل امر به گذاشتن ریش و انبوه بودن آن شده است

از فوائد حدیث:

1. حرام بودن تراشیدن ریش

(3279)

(207) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ، وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ، وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، وَلَا تُفْضِي الْمَرْأَةُ إِلَى الْمَرْأَةِ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(207) - از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ، وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ، وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، وَلَا تُفْضِي الْمَرْأَةُ إِلَى الْمَرْأَةِ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ».

مرد نباید به عورت مرد نگاه کند، و زن به عورت زن، و مرد نباید خود را با مرد دیگری " در یک جامه بپوشاند، و زن نباید خود را با زن دیگری در یک جامه بپوشاند [صحيح]- [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از اینکه مرد به عورت مردی دیگر نگاه کند، یا زن به عورت زنی دیگر نگاه کند نهی کرده‌اند. عورت یعنی هر آنچه از آشکار کردنش شرم می‌شود، و عورت مرد بین ناف و زانو است، و بدن زن به نسبت مردان بیگانه هم‌هاش عورت است، و به نسبت زنان دیگر و مردان محرمش همان اندازه‌ای را آشکار می‌کند که هنگام کار خانه معمولاً آشکار می‌شود و پیامبر صلی الله علیه وسلم از این نهی کردند که مرد با مرد دیگر در حالی که برهنه‌اند در یک لباس یا زیر یک روانداز خلوت کند، و زن با زنی دیگر در حالی که برهنه‌اند در یک لباس یا زیر یک روانداز خلوت کنند، زیرا این به لمس عورت دیگری منجر می‌شود، و لمس عورت مانند نگاه به آن نهی می‌باشد، بلکه از آن یک شدیداً نهی شده؛ زیرا به مفساد بزرگتری منجر می‌شود.

از فوائد حدیث:

1. نهی از نگاه به عورت‌ها به جز نگاه زوجین به یکدیگر.
2. توجه اسلام به پاکیزگی جامعه و بستن راه‌هایی که به فحشا منجر می‌شود.
3. جایز بودن نگاه به عورت اگر به آن نیاز باشد، مانند نیاز پزشکی و امثال آن به شرط آنکه بدون شهوت باشد.

4. مسلمان امر شده که عورت خود را بپوشاند و به عورت دیگری نگاه نکند.
5. اینجا به طور خاص از مردان با مردان و زنان با زنان یاد شده؛ زیرا بیشتر در معرض نگاه به یکدیگر و کشف عورت نزد یکدیگر هستند.

(8904)

(208) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما قال: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاحِشًا وَلَا مُتَّفَحِّشًا، وَكَانَ يَقُولُ: «إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا». [صحيح] - [متفق عليه]

(208) - از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فاحش (و متفحش) کسی که از روی عادت ناسزاگو باشد (و متفحش) کسی که از روی تکلف ناسزاگو باشد (نبود، و می فرمودند: «همانا بهترین شما، خوش اخلاق ترین شماست» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

از اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نبود که سخن بد بگوید، و یا کار بد را انجام دهد؛ نه اراده آن را می کرد و نه قصدا انجام می داد، پس او صلی الله علیه وسلم دارنده اخلاق بزرگ بود.

و او صلی الله علیه وسلم می فرمودند: بهترین شما در نزد الله متعال خوش اخلاقترین شما است؛ که با انجام نیکی و چهره ای بشاش و دور کردن ضرر و تحمل آن از دیگران و معاشرت با مردم با مهربانی تعامل دارد.

از فوائد حدیث:

1. مؤمن باید از بدگویی و گفتار بد و کردار زشت دور باشد.
2. کمال اخلاق رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - این بود که جز عمل نیک و گفتار پاکیزه از او صادر نمی شد.
3. خوش اخلاقی میدان رقابت است، پس هر کسی پیشی کرد از بهترین مؤمنان و کاملترین آنها در ایمان است.

(5803)

(209) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحَسَنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ». [صحيح بشواهد] - [رواه أبو داود وأحمد]

(209) - از عایشه رضی الله عنها روایت است فرمود که: از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمودند: «همانا مؤمن با اخلاق نیکو به مرتبه روزه دار و تهجد». **گزار می رسد** [صحيح به شواهد آن]-[ابو داود و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بیان می دارد که خوش اخلاقی صاحبش را به مرتبه کسی می رساند که در روز روزه می گیرد و شب تهجد می خواند، و اخلاق نیکو در: - نیکی کردن، گفتار نیک، پیشانی باز، خودداری از ضرر رسانیدن و دفع ضرر از دیگران - نهفته است.

از فوائد حدیث:

1. توجه بزرگ اسلام به تهذیب و کمال اخلاق
2. فضیلت خوش اخلاقی، تا اینکه بنده را به درجه روزه دار - که افطار نمی کند و تهجد گزار که خسته نمی شود - می رساند
3. روزه گرفتن در روز و تهجد در شب دو عمل بزرگی است که در آن سختی بر نفس ها وارد می شود، و فرد با اخلاق به درجه آنها رسید، زیرا با نفس خود - توسط تعامل نیک - دست و پنجه نرم کرد

(5799)

(210) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا، وَخَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِمْ». [حسن] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(210) - از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است فرمود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کاملترین مؤمنان از لحاظ ایمان، بهترین آنان از لحاظ اخلاق می باشد، و «برگزیده ترین شما کسی است که با زنان شان بهترین برخورد (اخلاق می کنند) [حسن]» - [ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که: کامل ترین انسانها از لحاظ ایمان کسی است که اخلاق نیکو داشته باشد، آن هم با چهره بشاش، و نیکوکاری، و سخن نیک، و پرهیز از ضرر، و بهترین مؤمنان، بهترین آنها نسبت به زنان شان است، مانند همسر، دختران، خواهران و خویشاوندان او. زیرا آنها از سزاوارترین مردم به اخلاق نیکو هستند.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت اخلاق نیکو و اینکه آنها از ایمان است.
2. عمل از ایمان است و ایمان کم و زیاد می شود.
3. تکریم زن در اسلام و تشویق احسان به آنان.

(5792)

(211) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَكْثَرِ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ الْجَنَّةَ، فَقَالَ: «تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ»، وَسُئِلَ عَنْ أَكْثَرِ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ النَّارَ فَقَالَ: «الْقَمُّ وَالْفَرْجُ». [حسن صحيح] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(211) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است گفت که از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم درباره آنچه مردم را بیشتر وارد بهشت می کند پرسیده شد، وی فرمودند: «ترس از الله و اخلاق نیکو» و از وی در باره آنچه پرسیده شد که مردم را غالباً به جهنم داخل می سازد فرمودند: «دهان - زبان - و فرج» (شرمگاه) [حسن صحیح] - ترمذی و ابن ماجه و [احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان می دارد که بزرگترین اسباب ورود بهشت دو چیز است که عبارتند از ترس از الله و اخلاق نیکو پس تقوا از الله این است که با انجام اوامر و دوری از نواهی او، میان خود و عذاب الله حایل ایجاد کنید.

و اخلاقی نیکو با پیشانی باز، نیکی کردن و دست برداشتن از ضرر می باشد و اینکه بزرگترین اسبابی که انسان را وارد آتش می سازد دو چیز است که عبارتند از:

زبان و فرج (شرمگاه)
از گناهان زبان: دروغ، غیبت، سخن چینی و غیره است
و از گناهان فرج: زنا، لواطت و غیره می باشد

از فوائد حدیث:

1. ورود به بهشت اسباب است که مربوط به الله متعال می باشد، از جمله: ترس از او است، و اسباب که مربوط به مردم دارد از جمله آن اخلاق نیکو است.
2. خطر زبان برای صاحبش این است که از اسباب داخل شدن به دوزخ است.
3. خطر شهوات و فحاشی برای انسان اینست که یکی از بزرگترین اسباب ورود به جهنم است.

(5476)

(212) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا. [صحيح] - [متفق عليه]

(212) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از لحاظ اخلاق بهترین مردم بود [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کاملترین مردم در اخلاق بود و در همه اخلاق و فضائل از جمله نیک گفتن و نیکوکاری و چهره ای بشاش و پرهیز از ضرر و تحمل آن از دیگران پیشتاز بود

از فوائد حدیث:

1. کمال اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
2. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمونه کامل ادب در خوش اخلاقی است
3. تلاش به الگو قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اخلاق نیکو

(6180)

(213) - قال سعد بن هشام بن عامر - عندما دخل على عائشة رضي الله عنها: يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، أَنْبِئِي عَن خُلُقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَتْ: أَلَسْتَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَتْ: فَإِنَّ خُلُقَ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ الْقُرْآنَ. [صحيح] - [رواه مسلم في جملة حديث طويل]

(213) - سعد بن هشام بن عامر می فرماید - وقتی به زیارت عایشه رضی الله عنها رفت ،گفت :ای ام المؤمنین از اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برایم خبر دهید- فرمود :آیا قرآن نمی خوانی؟ گفتم :بلی - میخوانم - ، گفت : اخلاق پیامبر الله صلی الله علیه و آله و سلم قرآن بود [صحيح]-[مسلم در جمله حدیث طويل روایت کرده]

توضیح:

از مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها درباره اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد، او با کلامی جامع پاسخ داد و سؤال کننده را به قرآن کریم که شامل تمام صفات ،کمال است ارجاع داد و گفت :رسول الله صلی الله علیه و سلم آراسته به اخلاق قرآن بود آنچه را که قرآن بدان امر فرموده انجام میداد، و از آنچه را که قرآن از آن نهی فرموده از آن دوری می کرد، پس اخلاقی که به آن عمل کردن در حد آن بایستن، آداب آن رعایت کردن و امثال و قصص آن در نظر گرفتن بود

از فوائد حدیث:

1. اصرار به الگو قرار دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پیروی از اخلاق قرآن
2. ستایش اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اینکه مایه وحی بود
3. قرآن سرچشمه همه اخلاق حسنه است
4. اخلاق در اسلام همه دین را با انجام اوامر و دوری از نواهی شامل می شود

(214) - عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ، فِي تَنْعُلِهِ، وَتَرْجُلِهِ، وَطُهْرِهِ، وَفِي شَأْنِهِ كُلِّهِ. [صحيح] - [متفق عليه]

(214) - از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم شروع کردن از سمت راست را در پوشیدن کفش، شانه کردن موها، وضو گرفتن و در همه ی کارهایش می پسندیدند [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دوست داشت و ترجیح می داد اموری را که در شأن تکریم است از سمت راست شروع شود، از جمله: در پوشیدن کفش از پای راست شروع می نمودند، و در شانه کردن، آراستن، و روغن دادن به موهای سر و ریش شان از سمت راست شروع می نمودند، و در وضو شستن دست راست بر پای چپ و پای راست را بر چپ مقدم می نمودند.

از فوائد حدیث:

1. نووی می گوید: این یک حکم در شرع مستمر است، و آن این که از باب تکریم و تشریف باشد، مانند پوشیدن لباس، شلوار، موزه، داخل شدن به مسجد، مسواک زدن سرمه زدن، کوتاه کردن ناخن، کوتاه کردن سیبل، و شانه زدن موها، و کندن موهای زیر بغل، و تراشیدن سر و سلام دادن از نماز، و شستن اعضاء برای طهارت، و خروج از بیت الخلاء (دستشویی)، و خوردن و آشامیدن، و دست دادن، و دست زدن به حجر الاسود، و چیزهای دیگر که به همین معنا هست، تیامن و یا شروع کردن از سمت راست مستحب است، و اما آنچه نفیض آن است، مانند داخل شدن به تشناب (دستشویی)، خروج از مسجد، بول کردن، پاک کردن بینی، استنجا، درآوردن لباس، شلوار، موزه و مانند آن، تیاسر و یا شروع کردن از سمت چپ در آن مستحب است. و این همه به علت کرامت و عزت سمت راست است.
2. **تیمن را دوست دارد»** که شامل: شروع اعمال با دست راست، پای راست، سمت، راست و داد و گرفت چیزی با دست راست است.
3. نووی می گوید: بدانید که در میان اعضای وضو مواردی است که تیامن (آغاز کردن از سمت راست)؛ در آن مستحب نیست و آن عبارت از گوش ها و کف دست ها و

گونه ها است که یکبارہ شسته می شوند، در صورتی که ممکن نباشد، مانند کسی که یکی از اعضایش قطع باشد و یا مانند آن؛ از سمت راست آغاز کند

(3018)

(215) - عن شداد بن أوس رضي الله عنه قال: ثِنْتَانِ حَفِظْتُهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلِيُحَدِّدَ أَحَدَكُمْ شَفْرَتَهُ، فَلْيُرِحْ ذَبِيحَتَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(215) - از شداد بن اوس رضی الله عنه روایت است می فرماید: دو چیز را از رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - حفظ کردم که فرمود: «الله نیکی را بر هر چیز مقرر داشته است، پس هرگاه می‌کشید، با خوبی بکشید، و هر گاه ذبح می کردید، با نیکی ذبح کنید، و هر کدام از شما چاقوی خود را تیز کند، و حیوان خود را به راحتی ذبح کند [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خبر می دهد که الله متعال ما را به نیکی کردن در همه چیزها امر نموده است: (نیکی) احسان (عبارت است از نظارت دوامدار الله متعال در عبادت، و نیکی کردن با دیگران و دوری از آزار مخلوقات، از جمله نیکی در کشتار و ذبح است)

نیکی کردن در قتل هنگام قصاص (به معنای (انتخاب آسان ترین، سبکترین و سریعترین راه برای جان گرفتن مقتول است)

و نیکی کردن در ذبح هنگام حلال کردن این است که: با تیز کردن آله ذبح به حیوان احسان کند، و اینکه آله ذبح زیر نظر حیوان تیز نشود، و حیوان در حال ذبح نشود که گوسفندان دیگر نگاه آنرا می کنند

از فوائد حدیث:

1. مهربانی و لطف الله متعال به مخلوق
2. نیکی در کشتن و ذبح این است که به وجه مشروع صورت گیرد

3. کمال شریعت اسلامی و شامل بودن آن در همه امور خیر، از جمله: مهربانی با حیوانات و نیک رفتاری با آنها است.
4. مثله کردن انسان (بریدن اعضای بدن وی (پس از کشتن او حرام است.
5. ممنوعیت هر چیزی که شامل شکنجه حیوانات می شود.

(4319)

(216) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْمُسْطِطِينَ عِنْدَ اللَّهِ عَلَىٰ مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، عَنِ يَمِينِ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَلَّمَا يَدَيْهِ يَمِينٌ، الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ وَمَا وَلَوْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(216) - - عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم - فرمودند: همانا عدل کنندگان در نزد الله متعال بر منبرهای نورانی در سمت راست رحمان عز و جل قرار خواهند داشت، و هر دو ید (بلا کیف او) (راست) "است، آنانی که در حکم شان و با اهل شان و با رعیت عدالت را رعایت می کنند [صحيح] - [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در باره - کسانی که به عدالت و راستی بین مردمی که تحت امر و فرمانروایی اند، یا خانواده او هستند دآوری می کنند - خبر می دهد، که آنها بر کرسی های بلند نورانی می نشینند، و در مرتبه های عالی قرار داشته می باشند این همه به خاطر قدردانی از آنها در روز قیامت است. و این منبرها در سمت راست حق تعالی قرار دارد و هر دو ید (بلا کیف او) سبجانه راست می باشد

از فوائد حدیث:

1. فضیلت عدالت و ترغیب به آن
2. عدالت عام است و شامل همه انواع ولایت و قضاوت بین مردم می شود، حتی عدالت بین زن و فرزندان و غیره
3. بیان منزلت عادلان در روز قیامت

4. تفاوت مراتب اهل ایمان در قیامت، هر کدام به اندازه عملش
5. روش تشویق کردن از روش های دعوت است، که دعوت کننده را به طاعت تشویق می کند.

(4935)

(217) - عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ، مَنْ ضَارَّ ضَرَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ شَاقَّ شَقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ». [صحيح بشواهد] - [رواه الدارقطني]

(217) - از ابوسعید الخدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در اسلام ایجاد کردن ضرر و رساندن ضرر به دیگران نیست، و هر کسی زیان آور باشد الله متعال او را زیان می رساند، و هر کسی سخت گیر باشد الله متعال». [صحيح به شواهد آن]-[الدارقطنی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان نمود که هر گونه ضرر و مظاهر آن باید از خود و دیگران دفع شود، پس برای هیچ کس جایز نیست که به خود و دیگران آسیب برساند. و برای شان جایز نیست که ضرر را با ضرر دفع کند زیرا ضرر با ضرر برطرف نمی شود مگر به عنوان قصاص، بدون این که از حد تجاوز کند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تهدید به ضرر را برای کسانی که به مردم آسیب می رسانند و تهدید به سختی برای کسانی که بر مردم سختی می گیرند بیان نمود.

از فوائد حدیث:

1. نهی از مجازات بیشتر از حد آن
2. الله متعال به چیزی که به بندگان ضرر برساند امر نکرده است
3. تحریم ایجاد کردن زیان و رساندن زیان به دیگران با سخن یا فعل و یا ترک
4. جزای عمل از نوع آن می باشد، پس هر کسی زیان آور باشد الله متعال او را زیان می رساند، و هر کسی سخت کند الله متعال با او سختی می کند.

5. یکی از احکام شرع این است که «ضرر رفع می شود». شریعت ضرر را تایید نمی کند و ضرر رساندن به دیگران را نفی می کند.

(4711)

(218) - عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالْجَلِيسِ السَّوِّءِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمِسْكِ: إِمَّا أَنْ يُحْدِثَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخُ الْكَبِيرِ: إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ رِيحًا خَبِيثَةً». [صحيح] - [متفق عليه]

(218) - از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَجَلِيسِ السَّوِّءِ، كَمَثَلِ الْمِسْكِ، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ: فَحَامِلُ الْمِسْكِ: إِمَّا أَنْ يُحْدِثَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخُ الْكَبِيرِ: إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ رِيحًا خَبِيثَةً». «مثال همنشین نیک و همنشین بد، مانند دارنده ی مشک (عطار) (و دمنده ی کوره ی آهنگر است. دارنده ی مشک) (عطار)، یا از آن به تو می بخشد و یا از او مشک می خری و یا بوی خوشی از او به تو می رسد؛ ولی «دمنده ی کوره ی آهنگر، یا لباست را می سوزاند یا بوی بدی از او به تو می رسد» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم برای نوع از مردم مثال زد

نوع اول: همنشین و دوست خوبی که به سوی الله متعال راهنمایی می کند و آنچه را که او را خشنود می سازد تذکر می دهد، و در طاعت کمک می کند، او مانند فروشنده مشک است که یا از آن به تو رایگان می دهد، یا از وی می خری، و یا بوی خوشی از او به تو می رسد

نوع دوم: همنشین و دوست بد؛ کسی که مردم را از راه الله باز می دارد، در ارتکاب گناه کمک می کند، و از او کار زشتی می بینی، و به همراهی و همنشینی با کسی مانند او محکوم می شوی، او مانند آهنگری است که آتش خود را می دمد؛ یا به سبب شعله کشیدن آتش، لباست را می سوزاند، و یا از نزدیکی با او بوی بدی به تو می رسد

از فوائد حدیث:

1. جواز استفاده از ضرب المثل برای تقریب معنی برای شنونده.
2. تشویق و ترغیب مردم برای همراهی با اهل طاعت و صلاح، و دوری از مفسدان و بد اخلاقان.

(3127)

(219) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوْصِنِي، قَالَ: «لَا تَغْضَبْ» فَرَدَّدَ مِرَارًا قَالَ: «لَا تَغْضَبْ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(219) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است) :گفت که (مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد که : مرا نصیحت کن، گفت : «عصبانی مشو» و بارها تکرار کرد و گفت : «عصبانی مشو [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

یکی از صحابه کرام رضی الله عنهم از پیامبر صلی الله علیه و سلم درخواست نمود که او را به چیزی که به او نفع می رساند راهنمایی کند، پس به او دستور داد که عصبانی نشود، یعنی این که از اسبابی دوری کند که او را به سمت عصبانیت سوق می دهد، و اینکه اگر عصبانیت برایش پیش آمد، خودرا کنترل کند، و با کشتن، زدن و یا دشنام دادن به خشم خود ادامه ندهد.

آن مرد درخواست نصیحت را چند بار تکرار کرد و رسول الله صلی الله علیه وسلم بر دستور «غضب مکن» چیزی اضافه نکرد.

از فوائد حدیث:

1. برحذر بودن از غصه و غضب و اسباب آن، زیرا آن گردآورنده هر شر است و دوری از آن گردآورنده ی هر خیر است.
2. خشمگین شدن برای الله متعال، مانند خشمگین شدن هنگام زیر پا شدن محارم الله متعال، این نوع خشم از خشم ستودنی است.
3. تکرار سخن هنگام لزوم تا زمانی که شنونده از آن آگاه شده و به اهمیت آن پی ببرد.

4. فضیلت درخواست نصیحت از عالم

(4709)

(220) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(220) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "مرد قوی کسی نیست نیرومندان را بر زمین بیفکند، بلکه قوی کسی است که هنگام خشم خود را کنترل می کند [صحيح]-[متفق عليه]"

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و سلم بیان می دارد که قوت واقعی، قوت بدن نیست، یا کسی که سایر نیرومندان را بر زمین بیفکند، بلکه قوی و نیرومند کسی است که با خود مبارزه کند و هنگام عصبانی شدن بر آن غالب شود، زیرا این نشان دهنده قدرتی است که او را قادر می سازد تا بر خودکنترول داشته باشد، و بر شیطان غالب باشد.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت بردباری و کنترل نفس هنگام خشم و این که از کارهای نیکی است که اسلام به آن تشویق می کند.
2. مجاهدت نفس هنگام خشم سخت تر از مجاهدت با دشمن است.
3. اسلام مفهوم توانمندی در جاهلیت را به اخلاق بخشنده ی شخصیت مسلمان نمونه تغییر داده است؛ زیرا نیرومندترین انسان کسی است که زمام نفس خود را در دست بگیرد.
4. دوری از خشم؛ به دلیل آسیب هایی که به افراد و جامعه وارد می کند.

(5351)

(221) - عن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما قال: سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَعِظُ أَخَاهُ فِي الْحَيَاءِ، فَقَالَ: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(221) - از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است گفت که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مردی شنید که برادرش را در مورد حیا نصیحت می کرد، پس رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «حیا جزء ایمان است» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مردی شنید که به برادرش توصیه می کرد تا از حیا کردن زیاد دست بردارد! پس پیامبر صلی الله علیه و سلم برایش توضیح داد که حیا جزئی از ایمان است و اینکه حیا جز خیر بار نمی آورد. حیا صفتی است که منجر به انجام کارهای زیبا و دوری از زشتی ها می شود.

از فوائد حدیث:

1. آنچه شما را از خیر باز می دارد، حیا نامیده نمی شود، بلکه آنرا خجالت، عجز، ترس و بزدلی می نامند.
2. حیا از الله متعال به انجام دادن اوامر و ترک محرمات صورت می گیرد.
3. حیا از مردم با احترام گذاشتن به آنها، و دادن مقام مناسب حال شان به آنان، و دوری از کارهایی است که معمولاً زشت است.

(5478)

(222) - عن المقدم بن معدي كرب رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا أَحَبَّ الرَّجُلُ أَخَاهُ فَلْيُخَيْرْهُ أَنَّهُ يُحِبُّهُ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي في السنن الكبرى وأحمد]

(222) - از مقدم بن معدی کرب رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اگر مردی برادر خود را دوست داشت، به او بگوید که او را دوست دارد [صحيح]-[از ابوداود، ترمذی، نسایی در السنن الكبرى و احمد روایت شده است]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم یکی از اسبابی را بیان می کند که باعث استحکام رابطه بین مؤمنان و گسترش محبت در بین آنان می شود، و آن این است که اگر کسی برادرش را دوست دارد به او باید بگوید که او را دوست دارد

از فوائد حدیث:

1. فضیلت محبت خالص برای الله متعال، نه برای مصلحت دنیوی
2. مستحب بودن خبر نمودن از دوست داشتن کسی که برای رضای الله او را دوست دارد، تا محبت و صمیمیت افزایش یابد
3. نشر محبت در میان مؤمنان، برادری ایمانی را تقویت می کند و جامعه را از متلاشی شدن و تفرقه حفظ می کند

(3017)

(223) - عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ». [صحيح] - [رواه البخاري من حديث جابر، ورواه مسلم من حديث حذيفة]

(223) - از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم «فرمودند: «هر نیکی صدقه است» [صحيح]- بخاری از حدیث جابر روایت کرده، و مسلم از حدیث] حذیفه روایت کرده

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید که هر کار خیر و منفعتی که به دیگران می‌رسد، چه گفته شود و چه انجام شود، صدقه است و ثواب دارد

از فوائد حدیث:

1. صدقه محدود به آنچه که شخص از پول خود می‌دهد نیست، بلکه شامل هر خیری است که شخص انجام می‌دهد یا می‌گوید و به دیگران می‌رساند
2. در این حدیث تشویق به نیکی کردن و به هر آنچه است که به نفع دیگران می‌باشد
3. چیزی را از نیکی کوچک میندار، اگر چه اندک باشد

(5346)

(224) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، كُلُّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ يَعْدِلُ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَيُعِينُ الرَّجُلَ عَلَى دَابَّتِهِ فَيَحْمِلُ عَلَيْهَا أَوْ يَرْفَعُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ خُطْوَةٍ يَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَيُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ». [صحيح] - [متفق عليه]

(224) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، كُلُّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ يَعْدِلُ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَيُعِينُ الرَّجُلَ عَلَى دَابَّتِهِ فَيَحْمِلُ عَلَيْهَا أَوْ يَرْفَعُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ خُطْوَةٍ يَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَيُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ.» «هر روز که خورشید طلوع می کند، در ازای هریک از مفاصل انسان صدقه ای لازم است؛ همین که میان دو نفر به عدالت صلح و آشتی برقرار کند صدقه است؛ یا اگر به کسی کمک کند تا سوار مرکبش شود یا بارش را برای او روی مرکبش بگذارد، صدقه است، سخن نیکو صدقه است، و هر گامی که به سوی نماز برمی دارد صدقه است، و این که خار و «خاشاک» و هر چیز آزاردهنده ای (را از سر راه بردارد صدقه به شمار می رود [صحيح] - [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید که بر هر مسلمان در برابر هریک از مفاصل استخوانهایش صدقه ای لازم است، و به شکل تطوع برای الله متعال تقدیم بدارد جهت سپاسگزاری بابت تندرستی اش، و این که استخوان هایش به شکل مفاصل قرار داده تا این که بتواند آن ها را بسته و باز نماید، و این که این صدقه توسط همه کارهای خیر قابل انجام است و تنها منوط به پول دادن نیست، که از جمله: رعایت عدالت میان دو طرف متخاصم مصداق صدقه است، برای سوار شدن انسان عاجز بر حیوانش یا کمک نمودن به وی برای حمل بارش بر آن مصداق صدقه است، و سخن نیک که شامل هر سخنی نیکویی می شود مانند ذکر و دعاء مصداق صدقه است، و هر گامی که برای نماز بر می داری مصداق صدقه است، و دور کردن هر چیزی که موجب اذیت و آزار دیگران می شود مصداق صدقه است.

از فوائد حدیث:

1. ساختار استخوان‌های انسان یکی از بزرگترین نعمت‌های الله متعال بر اوست بنابراین بر او لازم است در برابر هر استخوانش صدقه بدهد تا شکر آن نعمت اداء گردد.
2. تشویق به تجدید شکر هر روز برای تداوم این نعمت‌ها
3. تشویق به تداوم نفل‌ها و صدقه‌ها هر روز
4. برتریت اصلاح میان مردم
5. ترغیب مرد برای کمک‌رسانی به برادرش؛ زیرا کمک او مصداق صدقه است
6. تشویق مردم به حضور در جماعت‌ها، و پیاده رفتن به سوی آنها، و اعمار مسجدها توسط آن
7. وجوب احترام به راه و مسیر مسلمانان با پرهیز از هر چیزی که به آنان ضرر و زیان می‌رساند.

(4568)

(225) - عَنْ أَبِي بَرزَةَ الْأَسْلَمِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ فِيمَ فَعَلَ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ، وَعَنْ جِسْمِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ». [صحيح] - [رواه الترمذي]

(225) - از ابو برزه اسلمی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يُسأل عن عمره فيما أفناه، وعن علمه فيم فعل، وعن ماله من أين اكتسبه وفيما أنفق، وعن جسّمه فيم أبلاه».

گام‌های بنده در روز قیامت جابجا می ماند تا آنکه درباره عمرش از او پرسیده شود که چگونه آن را به سر کرده است، و درباره علمش که چگونه به آن عمل کرده است، و درباره مالش که از کجا به دست آورده است و در چه راهی خرجش کرده است، و درباره بدنش که در چه راهی آن را پیر کرده است [صحيح]-[ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند که کسی از مردم در روز قیامت از جای خود به سوی بهشت یا دوزخ جابجا نمی‌شوند تا آنکه درباره چند مورد از آنان پرسیده شود نخست: زندگی‌اش که آن را در چه راهی تمام کرده است؟ دوم: و درباره علمش که آیا آن را برای الله خواسته است؟ و آیا به آن عمل کرده است؟ و آیا آن را به مستحقش رسانده است؟ سوم: مالش که آن را از کجا کسب کرده است؟ از راه حلال یا از راه حرام؟ و در چه راهی خرج کرده است؟ در راهی که الله را خشنود می‌سازد یا باعث ناخشنودی او می‌شود؟ چهارم: بدنش و نیرویش و سلامتی‌اش و جوانی‌اش که در چه راهی آن را مصرف کرده و در چه راهی از آن بهره برده است؟

از فوائد حدیث:

1. تشویق به غنیمت شمردن زندگی در راه آنچه باعث خشنودی الله است
2. نعمت‌های الله بر بنده‌اش بسیار است، و از او در باره نعمت‌هایی که در آن بوده پرسیده خواهد شد، بنابراین باید نعمت‌های الله را در راهی صرف کند که باعث خشنودی او باشد

(226) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ، كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلِ الصَّائِمِ النَّهَارَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(226) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ، كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلِ الصَّائِمِ النَّهَارَ» یعنی: «تلاش کننده بر بیوه زن و بینوا مانند مجاهد در راه الله یا کسی است که شب را به عبادت می ایستد و روز را روزه می شود» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته اند کسی که امور و مصالح زنی که شوهرش از دنیا رفته و کسی را ندارد و بینوا را بر عهده گرفته و برای اجر و پاداش الهی بر آنان خرج می کند، او مانند مجاهد در راه الله است، یا کسی است که به نماز تهجد می ایستد و خسته نمی شود، و [هر روز] روزه می شود و افطار نمی کند.

از فوائد حدیث:

1. تشویق به تعاون و همبستگی و رفع نیاز ضعیفان
2. عبادت هر عمل نیکی را در بر می گیرد، که از جمله عبادات تلاش در راه رفع نیازهای بیوه زنان و بینوایان است
3. ابن هبیره می گوید: منظور آن است که الله تعالی ثواب روزه دار و نمازگزار شب، و مجاهد را یک باره به او عطا می کند، زیرا او برای بیوه زن همانگونه که به امور همسرش پرداخته می پردازد، و به امور آن بینوایی پرداخته که از انجام امور خود عاجز مانده، در نتیجه قوت اضافه اش را به این داده و تلاش خود را صدقه داده است، بنابراین سود آن همتای روزه و قیام و جهاد است.

(227) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكَلِّمْ صَيفَهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(227) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد سخن خیر بگوید یا سکوت کند، و هر کسی به الله و روز آخرت ایمان دارد پس همسایه اش را گرامی دارد، و هر کسی به الله متعال و روز آخرت ایمان دارد مهمانش را گرامی دارد» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: بنده ای که به الله و روز آخرت ایمان داشته باشد؛ روزی که در آن روز بر می گردد و در آن ثواب اعمالش را می بیند، ایمانش او را به این اعمال ترغیب می کند

اول: سخن نیک: از حمد و ثنای الله متعال، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح بین مردم، اگر این کار را نکرد، باید ساکت بماند، از آزار دادن او دست بردارد، و مراقب زبانش باشد

دوم: اکرام همسایه: با نیکی کردن به او و عدم آزار و اذیت او
سوم: اکرام مهمان که به دیدار شما می آید: با خوش صحبت کردن، غذا دادن و غیره
به او

از فوائد حدیث:

1. ایمان به الله جل جلاله و روز قیامت، ریشه همه خوبی هاست و انسان را به نیکی وامی دارد
2. خود داری از آفات زبان
3. اسلام دین صمیمیت و قدردانی است
4. این صفات از فروع ایمان و آداب ستودنی است
5. زیاد صحبت کردن می تواند منجر به امری ناخوشایند یا ممنوع شود، و ایمن آن این است که چیزی غیر از گفتار خوب صحبت نکنید

(228) - عن أبي ذر رضي الله عنه قال: قال لي النبي صلى الله عليه وسلم: «لَا تَحْقِرَنَّ مِنْ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا، وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلِقٍ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(228) - از ابوذر رضی الله عنه روایت است گفت که: پیامبر صلی الله علیه و سلم برایم فرمودند: «هیچ چیزی از نیکنوی را ناچیز مشمار، حتی اگر برادرت را با چهره ای بشاش». «ملاقات کنی [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به نیکی کردن و عدم کم دیدن آن، هر چند اندک باشد تاکید نمودند، که این شامل ملاقات کردن با چهره شاداب است، پس برای مسلمان لازم است به آن پایبند باشد؛ به خاطر ایجاد انس با برادر مسلمان و سعادت او.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت محبت در میان مؤمنان و تبسم و پیشانی باز هنگام ملاقات
2. کامل بودن شریعت اسلامی و شمولیت آن را می رساند، و اینکه شریعت همه ی آنچه که به مصلحت مسلمانان، و یکپارچگی آنان است را به همراه دارد
3. اصرار به انجام نیکی، هر چه اندک باشد
4. مستحب بودن خوشحال ساختن مسلمانان؛ برای آنچه که باعث به وجود آمدن الفت و محبت در میانشان می شود

(229) - عن جرير بن عبد الله رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ». [صحيح] - [متفق عليه]

(229) - از جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «کسی که بالای مردم رحم نمی کند، الله متعال به او رحم نخواهد کرد» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و سلم خبر می دهد: کسی که به مردم رحم نکند مورد رحمت الله متعال قرار نخواهد گرفت، چون رحمت بنده نسبت به مخلوقات یکی از بزرگترین دلایل جلب رحمت الله متعال است.

از فوائد حدیث:

1. رحمت برای همه موجودات لازم است، اما به ویژه یاد آوری از مردم بخاطر توجه به آنهاست.
2. الله متعال مهربان است و به بندگان مهربان خود رحم می کند، پس جزا از نوع عمل می باشد.
3. شفقت به مردم شامل رساندن خیر به آنها، دفع شر از آنها و رفتار مهربانانه با آنهاست.

(230) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنَ السَّمَاءِ». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(230) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم «فرمودند»: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، ارْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنَ السَّمَاءِ»، کسانی که مهربان هستند، الله مهربان به آنان رحم خواهد کرد، به اهل زمین رحم کنید» «آنکه در آسمان است به شما رحم خواهد کرد [صحيح]-[ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان داشته‌اند کسانی که به دیگران رحم می‌کنند، پروردگار رحمان با رحمتش که همه چیز را در بر گرفته آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ پاداشی موافق با عمل. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم امر کردند هرکسی که در زمین است از انسان و حیوان یا پرنده و دیگر انواع آفریدگان مورد رحمت قرار گیرند، پاداشش آن است که الله نیز شما را از بالای آسمان‌ها مورد رحمت قرار می‌دهد.

از فوائد حدیث:

1. دین اسلام، دین رحمت است، و همه‌اش بر طاعت الله و نیکی در حق بندگانش استوار است.
2. الله عزوجل موصوف به رحمت است، او رحمان است و رحیم است و رحمتش را به بندگانش می‌رساند.
3. پاداش از جنس عمل است، آنان که رحیم هستند مورد رحمت الله قرار می‌گیرند.

(231) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(231) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ».

مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند، و مهاجر آن است که آنچه را که الله متعال از آن نهی کرده ترک نماید [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده‌اند، مسلمانی که اسلامش کامل باشد آن است که مسلمانان از (زبان و دست او در امان باشند یعنی به آنان ناسزا نمی‌گوید، و آنان را نفرین نمی‌کند، و غیبتشان نمی‌کند، و با زبانش هیچ نوع اذیتی به آنان نمی‌رساند، و از دستش در امان هستند، یعنی به حقیقتان دست‌درازی نمی‌کند، و اموالشان را به ناحق نمی‌گیرد، و مانند آن. و مهاجر کسی است که آنچه الله متعال حرام قرار داده ترک نماید

از فوائد حدیث:

1. اسلام شخص کامل نمی‌شود مگر با نرساندن آزار مادی یا معنوی به دیگران
2. اینجا از زبان و دست به شکل ویژه یاد شده؛ زیرا اشتباهات دست و زبان و زیان آنها بیشتر است؛ و بیشتر بدی‌ها از این دو رخ می‌دهد
3. تشویق و ترغیب به ترک گناهان و پای‌بندی به امر الله تعالی
4. بهترین مسلمانان کسی است که حقوق الله و حقوق مسلمانان را ادا کند
5. اعتدا و تجاوز ممکن است زبانی یا عملی باشد
6. هجرت کامل، ترک آن چیزهایی است که الله تعالی حرام کرده است

(232) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَكَشْمِيْتُ الْعَاطِسِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(232) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم، را شنیدم که می فرمودند: «حق مسلمان بر مسلمان پنج است: جواب سلام، عیادت بیمار، شرکت در تشییع جنازه ها، اجابت دعوت، و جواب دادن عطسه کننده [صحيح]- [متفق عليه]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم شماری از حقوق مسلمان را بالای برادر مسلمانش بیان نمودند، نخستین این حقوق، جواب دادن سلام کسی است که به شما سلام کرده است. حق دوم: احوال پرسی و زیارت مریض. حق سوم: تعقیب تشییع جنازه از منزل او تا نماز جای تا مقبره تا دفن شود. حق چهارم: هرگاه او را به محفل عروسی و غیره دعوت کند، باید دعوت را اجابت نماید.

حق پنجم: جواب دادن عطسه کننده، و این که هرگاه حمد و ستایش الله را بجا آورد در پاسخش گفته شود: یرحمك الله، یعنی الله تو را رحمت کند، سپس عطسه کننده می گوید: یرحمکم الله ویصلح بالکم، یعنی الله تو را هدایت و کارهایت را درست کند.

از فوائد حدیث:

1. بزرگی اسلام در تاکید بر حقوق در میان مسلمانان و تحکیم برادری و محبت میان آنان.

(233) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوْ لَا أَدْلُكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(233) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوْ لَا أَدْلُكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» یعنی: «به بهشت وارد نمی‌شوید تا آنکه ایمان بیابورید، و ایمان نمی‌آورید تا آنکه همدیگر را دوست بدارید؛ آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر انجامش دهید، بین شما محبت رخ دهد؟ سلام را میان خویش آشکار سازید [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده که جز مؤمنان، کسی وارد بهشت نمی‌شود و ایمان کامل نمی‌شود، و حال جامعهٔ مسلمان به صلاح نمی‌آید تا آنکه مسلمانان همدیگر را دوست بدارند. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم به بهترین کارهایی که باعث فراگیر شدن محبت می‌شود راهنمایی نمودند و آن سلام انداختن میان مسلمانان است، یعنی همان چیزی که الله آن را خوشامدگویی میان بندگان قرار داده است.

از فوائد حدیث:

1. وارد شدن به بهشت امکان ندارد مگر با ایمان.
2. از کمال ایمان است که مسلمان برای برادرش همان چیزی را بخواهد که برای خودش می‌خواهد.
3. مستحب بودن سلام انداختن و بذل آن در میان مسلمانان؛ زیرا این باعث گسترش محبت و امنیت بین مردم می‌شود.
4. سلام، تنها به مسلمان گفته می‌شود؛ زیرا ایشان - صلی الله علیه وسلم - فرموده‌اند: «بین خودتان».
5. بذل سلام باعث از بین رفتن قطع رابطه و ترک یکدیگر و کینه است.
6. اهمیت محبت میان مسلمانان و اینکه این از کمال ایمان است.

7. «در حدیث دیگری آمده که صیغهٔ سلام کامل «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» است، اما گفتن «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ» کافی است.

(3361)

(234) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ؟ قَالَ: «تُطْعِمُ الطَّعَامَ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». [صحيح] - [متفق عليه]

(234) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که: مردی از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید که: کدام اسلام بهتر است؟ فرمود: «بُطْعِمُ الطَّعَامَ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». «غذا دهی، و به کسی که می‌شناسی و نمی‌شناسی سلام گویی» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام یکی از خصلت‌های اسلام بهتر است؟ ایشان از دو خصلت نام بردند: نخست: بسیار غذا دادن به فقرا، و این در غذا دادن، صدقه، هدیه، مهمان کردن، و ولیمه نیز شامل می‌شود، غذا دادن در اوقات قحطی و گرانی فضیلت بیشتری دارد و دوم: سلام گفتن به هر مسلمان، اگر او را می‌شناسی و یا نمی‌شناسی

از فوائد حدیث:

1. توجه صحابه به شناخت خصلت‌هایی که برای دنیا و آخرت سودمند است.
2. سلام گفتن و غذا دادن به دلیل فضیلت و نیاز همیشگی مردم به آن، از بهترین اعمال در اسلام پنداشته می‌شود.
3. انسان با این دو خصلت، نیکوکاری را در گفتار و کردار یکجا ساخته، و این کاملترین نیکوکاری است.
4. این خصلت‌ها مربوط به تعامل مسلمانان با یکدیگر است، و خصلت‌های دیگری نیز مربوط به تعامل بنده با پروردگارش وجود دارد.

5. پیش سلام دادن مخصوص به مسلمانان است، و نباید با کافر پیش سلام شد و نخست به او سلام کرد.

(5808)

(235) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَلَا أَدْلُكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟» قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَذَلِكَ الرَّبَاطُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(235) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَلَا أَدْلُكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟» «آیا شما را به کاری راهنمایی کنم که الله به سبب آن گناهان را محو می کند، و درجات شما را بالا می برد؟» گفتند: بلی ای رسول الله؛ فرمود: «إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَذَلِكَ الرَّبَاطُ» «وضوی کامل گرفتن در سختی ها، و گام های زیاد به سوی مساجد، و پس از هر نمازی به انتظار نماز بودن؛ مواظبت». «بر این موارد مانند پاسداری در راه الله است [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم اصحابش را پرسید آیا شما را به امری راهنما نباشم که الله متعال به سبب آن گناهان شما را از کتاب های حفظة - فرشتگان - محو و نابود می گرداند، و درجات شما را در بهشت بالا می برد؟
صحابه گفتند: بلی ای رسول الله؛ یعنی در این مورد به ما خبر دهید، فرمود:
اول: وضوی کامل گرفتن در زمان مشقت؛ مانند سردی، کمبود آب؛ درد بدن، و آب گرم.

دوم: کثرت قدم زدن به مسجد برای نمازها از بهر دوری خانه، و کثرت تکرار آن سوم: انتظار وقت نماز، و دل بستن به آن، و آماده شدن برای آن، و نشستن در مسجد برای انتظار نماز جماعت، پس هرگاه نماز را می گذارد در جای نماز خود منتظر نماز بعدی می باشد.

سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که مواظبت بر این موارد مانند سنگر نشینی و پاسداری واقعی در راه الله می باشد؛ زیرا راه های شیطان را بالای نفس می

بندد، و امیالش را مغلوب می کند، و او را از پذیرش وسواس باز می دارد، بنابراین لشکر الله متعال به وسیله آن لشکر شیطان را شکست می دهد؛ و آن بزرگترین جهاد است، و آن بمثابه پاسداری در مقابل سنگر دشمن است

از فوائد حدیث:

1. اهمیت محافظت اقامه نماز جماعت در مسجد، و توجه به نمازها و عدم مشغول شدن از آن.
2. حُسن پیشکش پیامبر صلی الله علیه وسلم و این که اصحابش را برای دریافت ثواب بزرگ بشکل سؤال کردن آغاز کرد، و این یکی از راه های آموزش است
3. فایده طرح مسئله با پرسش و پاسخ: این که سخن به حکم ابهام و تبیین بالای نفس طنین انداز می شود
4. نووی رحمه الله می فرماید: فذلکم الرباط، یعنی: پاسداری مرغوب، و اساس پاسداری حبس بالای چیزی است، گویا به این طاعت خود را حبس نموده، و گفته شده: آن بهترین پاسداری است، چنانکه گفته شد: جهاد جهاد نفس است، و احتمال دارد که منظور پاسداری میسور و موجود باشد، یعنی: آن نوعی از پاسداری است
5. جهت بزرگی این اعمال؛ کلمه "رباط" چند بار تکرار شد و با (تعریف شناخته شد.

(236) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ، خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ، أَحْرَصُ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجَزْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ، فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ، فَإِنَّ (لَوْ) تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(236) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ، خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ، أَحْرَصُ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجَزْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ، فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ، فَإِنَّ (لَوْ) تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ». مؤمن قوی بهتر و نزد الله دوست داشتنی تر از مؤمن ضعیف است، و در هر یک خیر است، برای آنچه به سودت است حریص باش، و از الله یاری بجوی، و اظهار عجز نکن و اگر مصیبتی به تو رسید نگو اگر چنین می کردم چنان می شد، بلکه بگو: الله تقدیر نمود». و هر چه بخواهد می کند؛ زیرا «اگر» دروازه کار شیطان را می گشاید [صحيح]- [مسلم]

روایت کرده

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می دارد که مؤمن همه اش خیر است، اما مؤمن قوی که از جهت ایمان و عزم و اراده و مال و دیگر جنبه ها قوی باشد بهتر و نزد الله عزوجل از مؤمن ضعیف محبوب تر است. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم مؤمن را به برگرفتن اسبابی که در امور دنیا و آخرت به او سود می رساند به همراه اعتماد به الله سبحانه و تعالی و یاری جستن از او و توکل به او توصیه کرده است. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم از عجز و تنبلی و کسالت در انجام آنچه به سود دنیا و آخرت است نهی کرده اند. پس هرگاه مؤمن در کار تلاش نماید، و اسباب را با خود داشته باشد، و از الله یاری جوید، و از او خیر بخواهد، پس از آن ایرادی بر او نیست که کارش را به الله بسپارد، و بداند که انتخاب الله برای او همان خیر است، و اگر پس از آن مصیبتی به او رسید نگوید که: «اگر چنین می کردم چنین و چنان می شد». «زیرا» اگر» راه را برای کار شیطان می گشاید «یعنی در اعتراض به تقدیر و حسرت خوردن برای آنچه از دست رفته؛ اما از روی تسلیم و خشنودی بگوید: «الله تقدیر نمود، و هرچه بخواهد می کند»، زیرا آنچه رخ داده به اقتضای اراده الله بوده، زیرا او هرچه را بخواهد انجام می دهد، و قضای او را برگشتی نیست، و حکمش را هیچ بازدارنده ای نیست.

از فوائد حدیث:

1. تفاوت مردم در ایمان
2. مستحب بودن قدرت در انجام اعمال؛ زیرا فایده‌ای که از قدرت به دست می‌آید از ضعف به دست نمی‌آید
3. انسان باید برای آنچه به او سود می‌رساند حریص باشد و رها کند آنچه که به سود او نیست
4. مؤمن باید در همه کارهایش از الله یاری بخواهد، و به خودش تکیه نکند
5. اثبات قضا و قدر و اینکه قضا و قدر منافاتی با انجام اسباب و تلاش در طلب خیر ندارد
6. نهی از گفتن «اگر هنگام نزول مصیبت‌ها اگر از روی ناخشنودی باشد، و تحریم اعتراض به قضا و قدر الله متعال

(5493)

(237) - عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَا زَالَ

يُوصِينِي جِبْرِيلُ بِالْجَارِ، حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَّثُهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(237) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است گفت که: رسول الله صلی الله علیه وسلم

فرمودند: «جبرئیل در مورد همسایه مرا نصیحت می‌کرد، تا اینکه گمان بردم که از او

«میراث می‌برد» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر می‌دهد که جبرئیل مرتباً تکرار می‌کند، و به او دستور می‌دهد که با حفظ حقوق همسایه نزدیک به خانه اعم از مسلمان یا کافر خویشاوند یا غیر خویشاوند، مواظبت کند. یا او مهربانی کند، و بر ضررش شکیبیا باشد، تا اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم نظر به حق بزرگ همسایه و تکرار جبرئیل درین مورد گمان برد که شاید درین باره وحی نازل شود که یک همسایه در مال همسایه دیگر بعد از مرگ وی حقدار می‌باشد

از فوائد حدیث:

1. بزرگی حق همسایه، و واجب بودن رعایت آن.
2. تأکید بر حق همسایه با توصیه به آن، موجب ضرورت گرامی داشتن، مهربان بودن نیکی کردن، دور کردن زیان، عیادت در هنگام بیمار شدن، تبریک گفتن در هنگام مسرور بودن، و تعزیت در هنگام مصیبت بر همسایه می شود.
3. هر چه درب همسایه نزدیکتر باشد حق او بیشتر است.
4. کمال شرع در آنچه است که در آن خیر جامعه، احسان به همسایگان و دفع ضرر از آنان است می باشد.

(4965)

(238) - عن أبي الدرداء رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ النَّارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [صحيح] - [رواه الترمذي وأحمد]

(238) - از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس از آبروی برادرش دفاع کند، الله متعال در روز قیامت آتش را از روی او باز می گرداند» [صحيح]-[ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: هر کس در غیبت از آبروی برادر مسلمان خود دفاع کند و او را از تهمت یا دشنام باز دارد، الله عذاب را در روز قیامت از او دور می سازد.

از فوائد حدیث:

1. صحبت در مورد ابروی مسلمانان حرام است.
2. پاداش از جنس عمل است، پس هر کسی از ابروی برادر مسلمانش دفاع کرد، الله متعال آتش را از او برمی گرداند.
3. اسلام دین برادری و همبستگی بین مسلمانان است.

(239) - عن عائشة رضي الله عنها زوج النبي صلى الله عليه وسلم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ، وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(239) - از عایشه رضی الله عنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «همانا مهربانی و نرمی در هیچ چیز نمی باشد مگر اینکه آن را زیبا می سازد، و از هیچ چیزی دور نمی شود مگر آن چیز». [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مهربانی و نرمی و تفکر در گفتار و کردار موجب افزایش زیبایی و کمال می شود، و شایسته تر است که صاحب آن نیاز خود را دریابد.

و کم لطفی امور را معیوب ساخته و آن را رسوا و زشت می سازد، و صاحب آن را از پی بردن به حاجت باز می دارد، و اگر بتواند حاجت خود را پوره کند پس با سختی و مشقت پوره می کند.

از فوائد حدیث:

1. تاکید بر اختیار کردن اخلاق مهربانی و نرمی در خود
2. نرمی انسان را زیبا می سازد و سبب همه خوبی ها در امر دین و دنیا است

(240) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «يَسْرُوا وَلَا تَعَسَرُوا، وَبَشِّرُوا وَلَا تُنْفَرُوا». [صحيح] - [متفق عليه]

(240) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و «سلم فرمودند: آسان بگیرید و سختگیر نباشید، بشارت دهید و متنفر کننده نباشید [صحيح]- [متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دستور می دهد که در همه امور دینی و دنیوی کار را برای مردم آسان سازید، بر آنها سخت نگیرید و این همه در حدودی است که الله متعال مباح و مشروع گردانیده است. و از ایشان می خواهد که به خیر بشارت دهند و آنان را از خود متنفر نسازند.

از فوائد حدیث:

1. بر مؤمن واجب است که الله متعال را در نزد مردم محبوب گرداند، و آنان را به کار خیر تشویق کنند.
2. برای دعوتگر به سوی الله متعال شایسته است که با نگاه حکیمانه به کیفیت رساندن دعوت اسلام به مردم، بنگرد.
3. مزده دادن موجب خوشحالی، علاقه مندی و اطمینان مردم برای دعوتگر می شود، و آنچه را به مردم پیش می کند.
4. سختگیری باعث تنفر، گریزانی و ایجاد شک در بین مردم نسبت به سخنان دعوتگر می شود.
5. وسعت رحمت الهی نسبت به بندگان، و اینکه دین بخشنده و شریعت آسان را برای آنان به ارمغان آورده است.
6. تسهیل در امور آن چیزی است که شریعت آورده باشد.

(241) - عن أنس رضي الله عنه قال: كُنَّا عِنْدَ عُمَرَ فَقَالَ: «نُهَيْنَا عَنِ التَّكْلِيفِ». [صحيح] -
[رواه البخاري]

(241) - ، از انس رضی الله عنه روایت است که فرمود: نزد عمر رضی الله عنه بودیم فرمود که: ما از تکلف منع شده ایم [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

عمر رضی الله عنه به ما می گوید که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آنها را از استفاده از آنچه که موجب مشقت و سختی بدون نیاز به آن است، چه در گفتار و چه در عمل، نهی کرده است.

از فوائد حدیث:

1. از تکلفی که مورد ممانعت قرار گرفته است بسیار پرسیدن است، و یا در آنچه را نمی داند تکلف کند، و یا در امری که الله متعال در آن نرمی کرده است تشدد کند می باشد
2. ،مسلمان باید خود را به نرمی و عدم تکلف در گفتار و کردار عادت دهد: در خوردن در آشامیدن، در گفتار و همه احوالش
3. . اسلام دین آسانی است

(8945)

(242) - عن ابن عمر رضي الله عنهما أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(242) - از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ».

اگر کسی از شما غذا خورد با دست راستش بخورد، و اگر نوشید با دست راستش بنوشد، زیرا شیطان با دست چپش می‌خورد، و با دست چپش می‌نوشد [صحيح]- مسلم روایت کرده

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم امر نموده تا مسلمان با دست راستش بخورد و بنوشد، و از خوردن و نوشیدن با دست چپ نهی کرده‌اند؛ زیرا شیطان با این دست می‌خورد و می‌نوشد.

از فوائد حدیث:

1. نهی از شبیه ساختن خود به شیطان در خوردن و نوشیدن با دست چپ

(58122)

(243) - عن عمر بن أبي سلمة رضي الله عنه قال: كُنْتُ غُلَامًا فِي حَجْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّحْفَةِ، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا غُلَامُ، سَمِّ اللَّهَ، وَكُلْ بِيَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ» فَمَا زِلْتُ تِلْكَ طِعْمَتِي بَعْدُ. [صحيح] - [متفق عليه]

(243) - از عمر بن ابی سلمه رضی الله عنه روایت است که گفت: من نوجوانی تحت سرپرستی پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم و دستم در ظرف غذا به هر سو می‌رفت، پس «رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «يَا غُلَامُ، سَمِّ اللَّهَ، وَكُلْ بِيَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ» ای نوجوان، نام الله را [در آغاز غذا] بگو، و با دست راست بخور، و از آنچه نزدیکت هست بخور» پس از آن همواره غذا خوردن من اینگونه بود [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

عمر بن سلمه رضی الله عنهما که فرزند ام سلمه رضی الله عنها، همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم بود و زیر تربیت و مسئولیت ایشان قرار داشت نقل می‌کند که در اثنای خوردن غذا دستش در ظرف غذا هر طرف می‌گشت تا غذا را بگیرد [و از جلوی خودش نمی‌خورد] پس پیامبر صلی الله علیه وسلم سه ادب از آداب غذا را به ایشان یاد دادند:

نخست: گفتن «بسم الله» در آغاز خوردن

و دوم: خوردن با دست راست

و سوم: خوردن از آن سمت غذا که نزدیک اوست

از فوائد حدیث:

1. از آداب خوردن و نوشیدن، بسم الله گفتن در آغاز آن است
2. آموزش آداب به کودکان، به ویژه آنهایی که تحت مسئولیت شخص قرار دارند
3. نرمش و مهربانی پیامبر صلی الله علیه وسلم و سعه صدر ایشان در آموزش کودکان و تادیب آنان
4. یکی از آداب غذا، خوردن از غذایی است که نزدیک انسان است، مگر آنکه غذاها انواع گوناگونی باشند که در آن صورت می‌تواند از آن بردارد
5. توجه و پایبندی صحابه به آنچه پیامبر صلی الله علیه وسلم به آنان یاد می‌داد، و این را می‌توان از این سخن عمر دانست که گفت: پس از آن همواره غذا خوردن من اینگونه بود

(244) - عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا، أَوْ يَشْرَبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(244) - از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الله متعال از بنده خشنود می شود که غذا بخورد وی را به خاطر». «آن ستایش کند، و یا اگر نوشیدنی بنوشد سپس او را بر آن ستایش کند [صحيح]- [مسلم] روایت کرده

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: حمد و ثنای بنده از پروردگارش به خاطر فضل و نعمت های او از جمله کارهایی است که با آن رضایت الله متعال حاصل می شود؛ غذا را می خورد و می گوید: الحمد لله و نوشیدنی را می نوشد و می گوید: الحمد لله

از فوائد حدیث:

1. سخاوت الله متعال؛ که به رزق لطف نموده، و به ستایش خشنود می شود
2. رضایت الله متعال به آسان ترین وسیله حاصل می شود، مانند حمد و ثنا بعد از خوردن و آشامیدن
3. از آداب خوردن و آشامیدن: ستایش الله متعال بعد از هر خوردن و آشامیدن است

(245) - عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَجُلًا أَكَلَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشِمَالِهِ، فَقَالَ: «كُلْ بِيَمِينِكَ»، قَالَ: لَا أُسْتَطِيعُ، قَالَ: «لَا اسْتَطَعْتُ»، مَا مَنَعَهُ إِلَّا الْكِبَرُ، قَالَ: فَمَا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(245) - از سلمة بن الأكوع رضی الله عنه روایت است که: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم با دست چپش خورد، پس [پیامبر] به ایشان فرمود: «كُلْ بِيَمِينِكَ» یعنی: «با دست راستت بخور» او گفت: نمی‌توانم. ایشان فرمودند: «لَا اسْتَطَعْتُ» یعنی: «ننتوانی چیزی جز تکبر او مانع از [انجام امر پیامبر] نشد. راوی می‌گوید: دیگر نتوانست آن را (یعنی دست راستش را) به دهانش بلند کند [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی را دید که با دست چپش غذا می‌خورد، پس او را امر کرد که با دست راستش بخورد، اما آن مرد از روی تکبر به دروغ گفت که نمی‌تواند. پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز علیه او دعا کرد که از خوردن با دست راست محروم شود. الله نیز دعای پیامبرش را قبول کرد، به این صورت که دست راست او فلج شد و دیگر نتوانست با آن غذا یا نوشیدنی به دهانش بالا بیاورد.

از فوائد حدیث:

1. وجوب خوردن با دست راست و حرام بودن خوردن با دست چپ
2. تکبر و ورزیدن از اجرای احکام شرعی، صاحبش را مستحق مجازات می‌گرداند
3. گرامی‌داشت محمد صلی الله علیه وسلم توسط الله تعالی با اجابت دعای او
4. مشروع بودن امر به معروف و نهی از منکر در هر حال، حتی در حال خوردن

(3372)

(246) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: كان رسولُ الله صلى الله عليه وسلم إذا عطس وضع يده - أو ثوبه - على فيه، وحَفَصَ - أو غَضَّ - بها صوتَه. [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وأحمد]

(246) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم عطسه می زد دست یا لباسش را روی دهانش می گذاشت، و با آن از صدایش می کاست [صحيح]-[ابو داود و ترمذی و احمد روایت کرده]

توضیح:

هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم عطسه می زد اول: دست یا لباسش را روی دهانش می گذاشت؛ تا این که چیزی از دهان و یا بینی او خارج نشود که همتشینش اذیت شود
دوم: از صدایش می کاست و آن را بلند نمی کرد.

از فوائد حدیث:

1. بیان نمودن راهنمایی او صلی الله علیه وسلم در عطسه زدن و پیروی از وی در این مورد.
2. گذاشتن پارچه و یا دستمال بر دهن و بینی هنگام عطسه یا مانند آن مستحب است، تا چیزی از آن بیرون نیاید و کسی که با او نشسته است اذیت شود.
3. پایین آوردن صدا هنگام عطسه مطلوب است، و نشانه آداب کامل و اخلاق نیکو است.

(247) - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخْصَةً، كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ». [صحيح] - [رواه ابن حبان]

(247) - از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الله متعال دوست دارد که به رخصت هایش عمل شود همانطوری که دوست دارد به عزیمت هایش عمل شود» [صحيح]-[ابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: الله متعال دوست دارد به رخصت هایی که تشریح نموده است عمل شود، از قبیل تخفیف ها در احکام و عبادات، و تسهیل آن برای شخص مکلف که عذر داشته باشد - مانند قصر و جمع نمودن نماز هنگام سفر-، همانطوری که او تعالی دوست دارد که به عزیمت های او عمل شود؛ چون فرمان الله متعال در پیوند به رخصت ها و عزیمت ها یکی است

از فوائد حدیث:

1. رحمت الله متعال بر بنده گانش، و این که او سبحانه و تعالی دوست دارد که از رخصت های که تشریح نموده استفاده شود.
2. تکامل این شریعت، و زدودن حرج و سختی ها از مسلمان

(65017)

(248) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(248) - از ابو هريره رضی الله عنه روایت است گفت: که رسول الله صلی الله علیه وسلم «فرمودند: «کسی را که الله متعال اراده خیر کند، او را به مصیبت ها مبتلا می سازد» [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: هنگامی که الله متعال برای کسی از بندگان مؤمنش خیری بخواهد، او را با مصیبت در خود و مال و خانواده اش می آزماید زیرا با این کار، مؤمن به سوی او با دعاء، و طلب مغفرت، و خواست بلند بردن درجات روی می آورد.

از فوائد حدیث:

1. مؤمن با انواع آزمونها روبرو خواهد شد.
2. آزمایش نشانه محبت الله متعال نسبت به بنده می باشد، تا درجات او را بالا ببرد و گناهانش را ببخشد.
3. تشویق به صبر در هنگام مصیبت، و خودداری از فریاد کردن.

(4204)

(249) - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَدَى وَلَا غَمٍّ حَتَّى الشَّوْكَةِ يُشَاكُهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ حَطَايَاهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(249) - از ابوسعید خُدری و ابوهریره رضی الله عنهما روایت است آنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت نموده اند که فرمودند: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَدَى وَلَا غَمٍّ حَتَّى الشَّوْكَةِ يُشَاكُهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ حَطَايَاهُ».

هیچ رنج، بیماری، نگرانی، ناراحتی، آزار و غم و اندوهی به مسلمان نمی‌رسد و حتی خاری در پایش فرو نمی‌رود مگر اینکه الله متعال [مقداری] از گناهانش را به سبب آن می‌بخشد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نموده که مسلمان دچار بیماری‌ها و غم و غصه و سختی و مصایب و دشواری و ترس و گرسنگی نمی‌شود - حتی اگر خاری در پایش فرو رود و به درد آید - مگر آنکه همان کفاره گناهان و باعث پاکی خطاهایش می‌شود.

از فوائد حدیث:

1. بیان فضل الله متعال بر بندگان مؤمن اش، و رحمتش به آنان که با کمترین زیانی که به آنان می‌رسد گناهانشان را می‌بخشد.
2. برای مسلمان شایسته است که در صورت دچار شدن به هر مصیبتی، از آن انتظار اجر الهی داشته باشد، و بر هر مصیبت کوچک و بزرگی صبر کند، تا این باعث بالا رفتن درجات و بخشیده شدن گناهان او شود.

(3701)

(250) - عَنْ صُهَيْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءٌ شَكَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءٌ صَبَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(250) - از صهیب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءٌ شَكَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءٌ صَبَرَ، فَكَانَ خَيْرًا لَهُ». شگفتا از حال مؤمن که همه ی اوضاع و احوالش برای او خیر است و کسی جز مؤمن چنین وضعی ندارد: اگر با امر خوشایندی مواجه شود، شکر می کند و اگر دچار زیان و «امر ناگواری گردد، صبر می نماید؛ و این برای او خیر است [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم اظهار شگفتی می کند از وضعیت خوب مومن؛ چون در همه حال در خیر و خوبی و سعادت و رستگاری است، و این وضعیت جز برای مومن نمی باشد؛ اگر امر خوشایندی برای او میسر گردد شکر و سپاسگذاری الله را بجا می آرد؛ و جهت سپاسگذاری برای او پاداش داده می شود، اگر مصیبتی به او برسد بر مقدرات الهی صبر می کند و به امید پاداش منتظر گشایش می ماند، و ثواب صبر را می گیرد، پس او در هر حال پاداش را بدست می آورد.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت شکرگزاری در خوشی و شکیبایی در سختی، هر کس این کار را انجام دهد به خوبی های هر دو دنیا می رسد، و هر کس شکر نعمتی را به جا نیاورد و بر مصیبت صبر نکند ثوابش را از دست می دهد و گناه نصیبش می شود.
2. فضیلت ایمان، و این که ثواب در هر حال فقط برای اهل ایمان است.
3. شکرگزاری هنگام خوشی، و صبر هنگام سختی از ویژگی های مؤمنان است.
4. ایمان به قضا و قدر الله متعال، مؤمن را از همه احوالش راضی و خشنود می سازد بر خلاف غیر مؤمنی که به هنگام آسیبی که به او می رسد دائماً عصبانی است، و اگر از جانب الله متعال نعمتی به دست آورد، از طاعت الله متعال منحرف می شود. علاوه بر این که آن را در معصیت الله صرف می کند.

(251) - عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا». [صحيح] - [رواه البخاري]

(251) - از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اگر بنده مریض شود و یا مسافرت کند، معادل کاری که در زمان اقامت و سلامتی انجام می داد، برای او نوشته می شود» [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از لطف و رحمت الله متعال خبر می دهد، اینکه اگر مسلمانی در زمان سلامتی و اقامتش عادت عمل نیک داشته باشد، سپس برای او عذر پیش بیاید و مریض شود و نتواند آن را انجام دهد، و یا به علت مسافرت و یا هر عذر دیگر از آن مشغول شود، پاداش به طور کامل برای او نوشته می شود، گویی در حال سلامتی و اقامت آن را انجام داده است.

از فوائد حدیث:

1. فراخی لطف الله متعال بر بندگانش.
2. تشویق به تلاش در طاعت ها و استفاده بهتر از وقت ها هنگام سلامتی و فراغت.

(252) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا، أَوْ يُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا، يَبِيعُ دِينَهُ بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(252) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا، أَوْ يُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا، يَبِيعُ دِينَهُ بِعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا». به سوی اعمال نیک بشتابید پیش از فرارسیدن فتنه هایی که مانند شب تاریک هستند» و انسان در صبحگاه مومن و در شب کافر می گردد، یا شبانگاه مومن و صبحگاه کافر می گردد، و دینش را در برابر کالای ناچیز دنیا می فروشد [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم مؤمن را به تعجیل و زیاد انجام دادن کارهای خیر ترغیب می کند، پیش از آنکه آنها غیرممکن شوند، و از آمدن فتنه ها و شبهاتی که از آنها باز می دارد و جلو آنها را می گیرند، و آنها مانند تاریکی شب است که در آن حق با باطل آمیخته می شود، و تشخیص آن را برای مردم مشکل می شود، و انسان از شدت آن چنان گیج می شود که صبح مومن است و شب کافر می گردد، و شب مومن است و صبح کافر می گردد، دینش را در برابر کالای ناچیز دنیا می فروشد

از فوائد حدیث:

1. وجوب التزام به دین، و شتاب بسوی برای انجام کارهای خیر قبل از اینکه موانع مانع آن شود.
2. اشاره به توالی فتنه های گمراه کننده در آخر الزمان، و اینکه هرگاه فتنه از بین رفت فتنه دیگری به دنبال آن می آید.
3. اگر دین انسان ضعیف شود و در مقابل امور دنیوی مانند پول یا چیزهای دیگر آن را رها کند، دلیل بر انحراف و ترک دین و فرو رفتن او در فتنه ها است.
4. در حدیث دلیلی وجود دارد که اعمال نیک وسیله نجات از فتنه هاست.
5. فتنه ها بر دو قسم است: وسوسه های شبهات که درمان آنها علم است، و فتنه های شهوات که درمان آن ایمان و صبر است.

6. در حدیث اشاره بر این است که هر که عمل کم داشته باشد زودتر دچار فتنه می شود، و هر که عمل بیشتر داشته باشد فریب آنچه که دارد را نخورد بلکه دنبال افزایش آن باشد.

(3138)

(253) - عن معاوية رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ، وَإِنَّمَا أَنَا قَاسِمٌ، وَاللَّهُ يُعْطِي، وَلَنْ تَزَالَ هَذِهِ الْأُمَّةُ قَائِمَةً عَلَى أَمْرِ اللَّهِ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ، حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(253) - از معاویه رضی الله عنه روایت است فرمود که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمودند: «برای کسی که الله متعال اراده خیر داشته باشد، به او در دین فهم می دهد، و یقیناً که من تقسیم کننده هستم و الله می دهد، این امت به حکم الله تا وقتی استوار می باشد - کسانی که به آنها مخالفت دارند، به آنها ضرر نمی رسانند - تا که امر الله فرا رسد (قیامت) [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خبر می دهد که هر که الله به او خیری بخواهد او را در دینش فهم می دهد، و او صلی الله علیه و آله وسلم تقسیم کننده است، آنچه را که الله متعال از رزق و علم و غیر آن به او داده است تقسیم و توزیع می کند، و این که بخشنده حقیقی الله است، و دیگران اسباب هستند که جز به اذن الله کار نمی توانند، و این امت تا زمانی که بر حکم الله استوار می باشد - کسانی که با آنها مخالفت می کنند به آنها ضرری نمی رسانند - تا قیامت برپا شود

از فوائد حدیث:

1. بزرگی و فضیلت علم شرعی، فراگیری آن و ترغیب به آن
2. قیام به حق باید در این امت وجود داشته باشد، پس اگر فرقه ای آن را رها کند دیگران این کار را انجام می دهند
3. فهم در دین از اراده خیر الله متعال برای بنده است

4. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فقط به امر و اراده الله متعال می دهد و چیزی در اختیار او نیست.

(5518)

(254) - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَعْلَمُوا الْعِلْمَ لِيُبَاهُوا بِهِ الْعُلَمَاءُ، وَلَا لِيُتَمَارُوا بِهِ السُّفَهَاءُ، وَلَا تَحْتَرُوا بِهِ الْمَجَالِسَ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ، فَالْتَّارُ النَّارُ». [صحيح] - [رواه ابن ماجه]

(254) - از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «علم را جهت فخر فروشی بر علما نیاموزید، و نه برای این که همراه سفیهان درگیر شوید، و نه بر اساس آن برای خود مکانی در مجالس انتخاب کنید، که هر که چنین کند پس در جهنم است [صحيح]-[ابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از طلب علم برای فخر فروشی بر علما، و نشان دادن اینکه من نیز مانند شما عالم هستم، و یا خطاب و مناظره با سفیهان و سبک اندیشان هشدار داده است، و یا علم را جهت بالا نشینی در مجالس فرا گیرد، و یا این که به تناسب دیگران مقدم دانسته شود پس هر که چنین کند؛ او به خاطر خودنمایی و عدم اخلاص در طلب علم برای الله سزاوار آتش است.

از فوائد حدیث:

1. هشدار به دوزخ برای کسی که علم را جهت فخر فروشی و یا توسط آن مجادله کردن، و یا برای این که در صدر مجالس بنشیند و غیره موارد بیاموزد.
2. اهمیت خلوص نیت برای کسانی که علم می آموزد و می آموزاند.
3. نیت اساس اعمال است و بر اساس آن پاداش داده می شود.

(65047)

(255) - عن عثمان رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(255) - از عثمان رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم «فرمودند: «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد، و آن را به دیگران بیاموزاند» [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خیر می دهد که بهترین مسلمانان و برترین آنها، نزد الله متعال از لحاظ درجه و منزلت کسی است که قرآن کریم را با تلاوت، حفظ، ترتیل فهم و تفسیر آن بیاموزد، و آنچه که نزد خودش از علوم قرآنی است به دیگران بیاموزاند و به آن عمل نماید.

از فوائد حدیث:

1. بیان عزت و شرف قرآن کریم و اینکه بهترین کلام است. چون کلام الله متعال است.
2. بهترین یادگیرندگان کسی است که به دیگران آموزش می دهد، نه کسی که منحصر به خود است.
3. یادگیری و یاد دهی قرآن کریم شامل تلاوت، معانی و احکام آن می شود.

(5913)

(256) - عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْ كَانَ يُقْرَأُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُمْ كَانُوا يَقْتَرُونَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرَ آيَاتٍ، فَلَا يَأْخُذُونَ فِي الْعَشْرِ الْأُخْرَى حَتَّى يَعْلَمُوا مَا فِي هَذِهِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ، قَالُوا: فَعَلِمْنَا الْعِلْمَ وَالْعَمَلَ. [حسن] - [رواه أحمد]

(256) - از ابو عبدالرحمن السلمی رحمه الله روایت است که فرمود: اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم که برای ما درس می دادند گفتند که ایشان از رسول الله صلی الله علیه وسلم ده آیت درس می گرفتند، و ده آیت دیگر را نمی گرفتند تا این که بدانند در این آیت ها چه چیز از علم و عمل وجود دارد، گفتند: پس ما علم و عمل را یکجا آموختیم [حسن] - [احمد روایت کرده]

توضیح:

صحابه رضی الله عنهم از رسول الله صلی الله علیه وسلم ده آیت از قرآن را می آموختند، و تا زمانی که آنچه در اینها بود را فرا نمی گرفتند به سراغ آیت های دیگر نمی رفتند تا این که بدانند در این ده آیت چه چیز از علم و عمل وجود دارد، پس علم و عمل را با هم آموختند

از فوائد حدیث:

1. فضیلت صحابه رضی الله عنهم و حرص آنان به فراگیری قرآن کریم
2. آموختن قرآن کریم با علم و عمل آنچه در آن است می باشد، نه فقط با خواندن و حفظ آن
3. علم قبل از گفتن و عمل است

(65058)

(257) - عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ {الم} حَرْفٌ، وَلَكِنْ {الِفُّ} حَرْفٌ، وَ{لَامٌ} حَرْفٌ، وَ{مِيمٌ} حَرْفٌ». [حسن] - [رواه الترمذي]

(257) - از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «هر کسی حرفی از کتاب الله را بخواند برای او یک پاداش دارد، و هر پاداش ده برابر آن می باشد و نمی گویم: الم یک حرف است، بلکه: الف یک حرف، لام یک حرف و میم یک حرف است [حسن]-[ترمذی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خبر می دهد: هر مسلمانی که یک حرف از کتاب الله متعال را می خواند برای او نیکی است، و اجر و ثواب برای او ده برابر مانند آن می شود.

، سپس با گفتن سخن اش این را بیان نمود که (من نمی گویم که "الم" یک حرف است بلکه الف حرف است و لام حرف است و میم حرف است (پس این سه حروف است که سی حسنه دارد

از فوائد حدیث:

1. تشویق و ترغیب به افزایش تلاوت قرآن کریم
2. تلاوت کننده در مقابل هر حرف از هر کلمه ای که می خواند نیکی بدست می آورد و آن نیکی برای وی ده برابر می شود
3. وسعت رحمت و کرم الله متعال، چنانکه از فضل و کرم خود، پاداش بندگان را چند برابر کرد
4. فضیلت قرآن کریم بر سایر سخنان و عبادت به تلاوت آن؛ زیرا این کلام الله متعال است.

(258) - عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «يقال لصاحب القرآن: اقرأ وارتيق، ورتل كما كنت ترتل في الدنيا، فإن منزلتك عند آخر آية تقرؤها». [حسن] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي في الكبرى وأحمد]

(258) - از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «به صاحب قرآن گفته می شود: بخوان و بالا برو، و چنان که در دنیا تلاوت می کردی تلاوت کن، که جایگاه تو در آخرین آیه ای است که می خوانی [حسن]». - [ابو داود و ترمذی و نسایی در الكبرى و احمد روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر داده که به قاری قرآن گفته می شود، کسی که بر قرآن عمل نموده و به آن از لحاظ تلاوت و حفظ پایبند بوده باشد و وارد بهشت شود: قرآن را بخوان، و با آن در درجات بهشت بالا برو، و با تدبر و اطمینان تلاوت بکن، چنان که در دنیا تلاوت می کردی؛ یقیناً که جایگاه شما در آخرین آیه ای است که می خوانید

از فوائد حدیث:

1. پاداش بر اساس کمیت و کیفیت اعمال است
2. تشویق به تلاوت قرآن و تسلط بر آن، حفظ، تدبر و عمل بر آن
3. بهشت دارای منازل و درجه های زیادیست، که صاحبان قرآن در آن مراتب عالی را کسب می کنند

(65054)

(259) - عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَيُّجِبُّ أَحَدُكُمْ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ أَنْ يَجِدَ فِيهِ ثَلَاثَ خَلِيفَاتٍ عِظَامِ سِمَانٍ؟» قُلْنَا: نَعَمْ. قَالَ: «ثَلَاثُ آيَاتٍ يَفْرَأُ بَهَنَ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَلَاثِ خَلِيفَاتٍ عِظَامِ سِمَانٍ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(259) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آیا کسی از شما دوست دارد هنگامی که نزد خانواده خود باز می‌گردد، سه شتر بزرگ و چاق را در آن بیابد؟» گفتیم: آری. فرمود: اگر یکی از شما در نماز خود سه «آیت را بخواند برایش از سه شتر بزرگ و چاق بهتر است [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند که ثواب خواندن سه آیه در نماز؛ بهتر است که انسان در خانه خود سه شتر آبستن بزرگ و چاق را دریابد.

از فوائد حدیث:

1. بیان فضیلت تلاوت قرآن در نماز
2. اعمال نیک بهتر و ماندگارترند از لذت های دنیای فانی
3. این فضیلت به تلاوت سه آیت محدود و مقید نیست؛ هر چه نمازگزار آیات را در نمازش بیشتر بخواند، ثوابش بهتر است از تعداد شترها

(65053)

(260) - عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسٌ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهَوَّ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقْلِهَا». [صحيح] - [متفق عليه]

(260) - از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «از قرآن کریم با تلاوت آن محافظت کنید، سوگند به ذات که جان محمد در دست اوست، (در فراموش شدن (سرینتر از فرار کردن شتر است که با ریسمان «بسته شده باشد [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شکل دوامدار به تلاوت قرآن کریم دستور داده است، تا اینکه پس از حفظ آن در سینه اش آن را فراموش نکند، او صلی الله علیه و سلم با سوگند خود این سخن را تأیید نمود که قرآن کریم در فراموش شدن و بیرون رفتن از سینه از شتر که با ریسمان در وسط بازو بسته شده باشد تیزتر است؛ که اگر وقتاً فوقتاً آنرا نگهداری کند نزد او می ماند، و اگر آن را رها کند می رود و گم می شود.

از فوائد حدیث:

1. اگر حافظ قرآن در تلاوت آن مداومت داشته باشد در قلبش می ماند، و گرنه از او می رود و فراموش می شود.
2. از فواید محافظت بر تلاوت قرآن کریم: اجر و پاداش، و بلندی درجات به روز قیامت است.

(261) - عن أبي هريرة رضي الله عنه: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ مَقَابِرَ، إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْفِرُ مِنَ الْبَيْتِ الَّذِي تُقْرَأُ فِيهِ سُورَةُ الْبَقَرَةِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(261) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خانه های خود را قبرستان نسازید چون شیطان از خانه ای فرار می کند که در آن سوره بقره خوانده می شود» [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از نخواندن نماز در خانه ها نهی فرموده است. چون مانند قبرستانی می شود که هیچ کس در آن نماز نمی خواند. سپس رسول الله علیه و سلم خبر می دهد که شیطان از خانه ای که در آن سوره بقره خوانده می شود فرار می کند.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن بسیاری از عبادات و نمازهای نفلی در خانه.
2. نماز خواندن در قبرستان ها جایز نیست؛ زیرا آنها وسیله شرک و افراط است جز نماز جنازه.
3. این در حالیست که منع نماز بر سر قبرها نزد صحابه ثابت گردیده، به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و سلم از قرار دادن خانه ها مانند قبرستان که در آن نماز اداء نمی شود نهی کرد.

(262) - عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَا الْمُنْذِرِ، أَتَدْرِي أَيُّ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَعَكَ أَعْظَمُ؟» قَالَ: قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: «يَا أَبَا الْمُنْذِرِ، أَتَدْرِي أَيُّ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَعَكَ أَعْظَمُ؟» قَالَ: قُلْتُ: {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} [البقرة: 255]. قَالَ: فَضَرَبَ فِي صَدْرِي، وَقَالَ: «وَاللَّهِ لِيَهْنِكَ الْعِلْمُ، أَبَا الْمُنْذِرِ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(262) - از ابی بن کعب رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای ابوالمنذر آیا می دانی کدام آیت از کتاب الله نزد تو از همه بزرگتر است؟ گفت: بگفتم: الله و رسولش داناترند. فرمود: «ای ابوالمنذر آیا می دانی کدام آیت از کتاب الله نزد تو بزرگتر است؟» گفت: بگفتم: {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} [بقره: 255]. (-) الله آن ذاتی است که هیچ معبودی برحق غیر از او وجود ندارد (که همیشه زنده و پایدار است) تدبیر تمام کائنات در دست اوست (-) فرمود: ضربه ای به سینه ام زد و فرمود: «به الله سوگند ای ابوالمنذر خوشا بحال تو با این علم که تو دارای [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم از ابی بن کعب در مورد بزرگ ترین آیت کتاب الله پرسید، پس در جواب تردید کرد، سپس گفت: آن آیه کرسی است: {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} الله آن ذاتی است که هیچ معبودی برحق غیر از او وجود ندارد (که همیشه زنده و پایدار است) تدبیر تمام کائنات در دست اوست (-) پس پیامبر صلی الله علیه وسلم او را

از فوائد حدیث:

1. جایگاه بزرگ برای ابی بن کعب رضی الله عنه
2. آیه کرسی بزرگترین آیت در کتاب الله متعال است، پس آن را باید حفظ، در معانی آن تأمل، و به آن عمل کرد

(65059)

(263) - عن أبي مسعود رضي الله عنه قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «مَنْ قَرَأَ بِالْآيَتَيْنِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فِي لَيْلَةٍ كَفَتَاهُ». [صحيح] - [متفق عليه]

(263) - از ابو مسعود رضی الله عنه روایت است گفت که: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «هر کس دو آیه اخیر سوره بقره را در شب بخواند برای او کفایت من کند». [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که: هر کس دو آیه اخیر سوره بقره را در شب بخواند، الله متعال برای او از هر شر و بدی بسنده است، و گفته شده است که: برایش از خواندن تهجد کافی است، و گفته شده است که: برایش از خواندن بقیه اذکار کفایت می کند، و گفته شده است که: آنها کمترین جزء خواندن قرآن در نماز شب هستند، و اقوال دیگری نیز گفته شده است. و امید است هر آنچه در معنای حدیث گفته شده صحیح باشد چون الفاظ شامل همه موارد ذکر شده می شود.

از فوائد حدیث:

1. بیان فضیلت اواخر سوره بقره که از قول الله متعال ((: آمن الرسول (...اغاز می شود تا پایان سوره
2. اواخر سوره بقره اگر در شب خوانده شود، از صاحبش بدی، شر، و شیطان را دفع می کند
3. شب با غروب آفتاب شروع می شود و با طلوع فجر به پایان می رسد

(6274)

(264) - عن النعمان بن بشير رضي الله عنه قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: «الدَّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»، ثُمَّ قَرَأَ: «{وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ} [غافر: 60]». [صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي وابن ماجه وأحمد]

(264) - از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «دعا عین عبادت است». سپس (این آیه مبارکه را) خواندند {وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ} پروردگار تان میگوید مرا فرا بخوانید تا دعای تان را اجابت کنم، کسانی که از عبادت برای من امتناع می ورزند وارد جهنم میشوند [غافر: 60] [صحيح]- ابو داود و ترمذی و ابن ماجه [و احمد روایت کرده]

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که دعا عین عبادت است پس واجب است که همه آن با اخلاص در پیشگاه الله متعال باشد، خواه دعای درخواست و یا دعای طلب باشد، اینکه از الله متعال هر آنچه را بخواهد که به مصلحت اوست، و دفع آنچه در دنیا و آخرت به زیان اوست، و یا دعای عبادت باشد که عبارت از همه سخنان و کردارهای ظاهری و باطنی، عبادت های قلبی، بدنی و یا مالی باشد.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استدلال نموده و فرمودند که: الله متعال فرمود {ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ} {مرا فرا بخوانید تا دعای تان را اجابت کنم، کسانی که از عبادت برای من امتناع می ورزند وارد جهنم میشوند}

از فوائد حدیث:

1. دعا اصل عبادت است و صرف نمودن آن به غیر الله جایز نیست
2. دعا شامل حقیقت بندگی و اقرار به بی نیازی پروردگار و عزت و قدرت اوست، و اینکه بنده محتاج اوست
3. تهدید شدید، برای کسانی که از عبادت الله متعال ابا می ورزند و دعای از الله متعال را ترک می کنند، و اینکه کسانی که از دعای الله متعال ابا می ورزند، ذلیل و حقیر وارد جهنم می شوند

(265) - عن عائشة رضي الله عنها قالت: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَذْكُرُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ. [صحيح] - [رواه مسلم]

(265) - از عائشه رضی الله عنها روایت است فرمود که: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در همه حالت هایش الله متعال را یاد می کرد [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

عائشه مادر مؤمنان رضی الله عنها به ما خبر می دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار مشتاق یاد الله متعال بود، او در حال و هر زمان و مکان الله متعال را یاد می کرد.

از فوائد حدیث:

1. برای ذکر الله متعال طهارت از بی وضویی اصغر و اکبر شرط نیست
2. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شکل دوامدار الله متعال را یاد می نمودند
3. اصرار بر کثرت ذکر الله متعال در همه حالات؛ از روی الگو قرار دادن پیامبر، صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، مگر در مواردی که از ذکر خود داری می شود، مانند وقت قضاء حاجت

(266) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّعَاءِ». [حسن] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(266) - از ابوهريره رضى الله عنه روايت است كه پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم «فرمود: «هیچ چیز نزد الله متعال گرامی تر از دعا نیست [حسن]- ترمذی و ابن ماجه و احمد] روايت کرده

توضیح:

پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم می فرماید: هیچ چیز در عبادت ها نزد الله متعال بهتر از دعا نیست، زیرا در آن اقرار به بی نیازی الله متعال و اعتراف به ناتوانی بنده در برابر اوست.

از فوائد حدیث:

1. فضیلت دعا و اینکه دعا کننده الله متعال را تعظیم می کند، و اقرار می کند که او ذات پاک و غنی است، پس از فقیر خواسته نمی شود، شنوا است چون کر را صدا نمی شود، و این که کریم است از بخیل چیزی خواسته نمی شود، و این که مهربان است از قاسی خواسته نمی شود، و این که تواناست از عاجز خواسته نمی شود، و اینکه نزدیک است و دور نمی شنود، و دیگر صفات عظمت و جمال الله متعال.

(5509)

(267) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الْإِيمَانَ لَيَخْلُقُ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ يُجَدِّدَ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ». [صحيح] - [رواه الحاكم والطبراني]

(267) - از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت است که می فرماید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ایمان در دل یکی از شما بگونه فرسوده می شود همان طوری که جامه استفاده شده فرسوده می شود، بناء از الله بخواهید که ایمان را در «دل‌هایتان تجدید کند [صحيح]-[حاکم و طبرانی روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که ایمان در قلب مسلمان فرسوده و سست می شود مانند جامه نو که از اثر طول استفاده از آن فرسوده می شود. این به دلیل بی علاقه‌گی و سستی در عبادت، و یا ارتکاب گناهان و افراط در شهوت‌ها است. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به ما ارشاد نمود که با اقامه واجبات و ذکر فراوان و استغفار از الله متعال بخواهیم تا ایمان ما را تجدید نماید.

از فوائد حدیث:

1. اصرار به درخواست استواری -ثبات- و تجدید ایمان در قلب از الله متعال
2. ایمان گفتار و کردار و اعتقاد است، که با اطاعت زیاد می شود، و با نافرمانی کاهش می یابد.

(65020)

(268) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَكْثُرُوا الدُّعَاءَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(268) - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: بنده در هنگام سجده نزدیکتر از هر وقت دیگر به پروردگارش می باشد، پس "در سجده - زیاد دعا کنید [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان می دارد که: نزدیک ترین حالت که بنده در برابر پروردگارش قرار می گیرد زمانی است که بنده در حالت سجده باشد، زیرا نمازگزار در حال سجده، بلندترین و شریف ترین (اعضای بدن خود را به خضوع، خشوع و عاجزی در برابر الله متعال بر زمین می گذارد و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالت سجده به دعا کردن زیاد دستور داد (زیرا) به این وسیله در گفتار و عمل در برابر الله متعال عاجزی صورت می گیرد.

از فوائد حدیث:

1. اطاعت بنده را به الله متعال نزدیک می سازد.
2. مستحب بودن افزایش دعا در سجده؛ زیرا سجده مکان های اجابت دعا است.

(5382)

(269) - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ أَكْثَرَ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(269) - از آنس رضی الله عنه روایت است که گفت: بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و سلم این بود که: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» یعنی: «پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و از عذاب [آتش] دوزخ [محافظت نما] [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم دعاهای جامع را بیشتر می‌گفتند، از جمله: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». بارها! در دنیا برای ما نیکی بده، و در آخرت نیز نیکی بده، و ما را از عذاب جهنم نجات بده. این دعاء هم نیکی دنیا را در خود دارد یعنی روزی آسان و وسیع و حلال، و همسر نیک و فرزندی که باعث روشنی چشم باشند، آسایش، علم سودمند، عمل نیک، و دیگر خواسته محبوب و مباح، و هم نیکی آخرت را در خود دارد، از جمله در امان ماندن از مجازات در قبر و هنگام حساب و آتش دوزخ، و به دست آوردن خشنودی الله، و نایل آمدن به نعمت های همیشگی در بهشت، و نزدیکی به پروردگار مهربان.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن دعای جامع با پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم. دعای جامع (دعایی است که لفظش کم اما معنایش بسیار باشد).
2. کامل تر آن است که انسان در دعایش خیر دنیا و خیر آخرت را همراه با هم بخواهد.

(270) - عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أُنبِئُكُمْ بِخَيْرٍ أَعْمَالِكُمْ، وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ، وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الدَّهَبِ وَالْوَرَقِ، وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟» قَالُوا: بَلَى. قَالَ: «ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى». [صحيح] - [رواه الترمذي وابن ماجه وأحمد]

(270) - از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَلَا أُنبِئُكُمْ بِخَيْرٍ أَعْمَالِكُمْ، وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ، وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الدَّهَبِ وَالْوَرَقِ، وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟» قَالُوا: بَلَى. قَالَ: «ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى».

- آیا شما را از بهترین کارتان، و پاک ترین آنها نزد فرمانروای تان - پروردگار متعال - و مؤثرترین عمل تان در بالا بردن درجات و جایگاه شما آگاه نکنم، که از انفاق طلا و نقره برای شما، و از روبرو شدن شما با دشمن تان که گردن آنها را بزنید و آنها گردن «شما را بزنند، بهتر است؟ عرض کردند: بلی. فرمود: «ذکر الله تعالی [صحيح]- ترمذی و [ابن ماجه و احمد روایت کرده

توضیح:

. رسول الله صلی الله علیه وسلم اصحابش را پرسید .
 آیا می خواهید به بهترین و افضلترین، دارای ثواب بیشتر، پاکترین و تمیز ترین اعمال .
 تان نزد الله متعال شما را آگاه کنم و خبر دهم؟
 که باعث افزایش درجات شما در بهشت شود؟
 و برای شما از انفاق طلا و نقره بهتر باشد؟
 ، و از روبرو شدن شما با کافران که گردن آنها را بزنید، و آنها گردن شما را بزنند
 بهتر است؟

صحابه گفتند: بلی آن را می خواهیم
 او صلی الله علیه وسلم فرمود: ذکر الله متعال در همه اوقات و در تمام اشکال و حالات

از فوائد حدیث:

1. ذکر مستمر الله متعال، اعم از ظاهر و باطن، یکی از بزرگترین و سودمندترین (راه) نزدیک شدن به الله متعال است.

2. همه اعمال برای برپایی ذکر الله متعال وضع شده است، الله متعال می فرماید: **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي** (،) و نماز را به ذکر من برپا دار. (و او صلی الله علیه وسلم می فرماید: طواف کعبه و بین صفا و مروه و زدن جمرات فقط برای برپایی ذکر الله متعال می باشد. از ابوداود و ترمذی روایت شده است
3. عز بن عبدالسلام در قواعد خود می گوید: این حدیث دلالت بر این دارد که ثواب در تمام عبادات بنابر خستگی ناشی از آن حاصل نمی شود، بلکه ممکن است الله متعال در برابر اعمال اندک پاداش بیشتری بدهد نسبت به اعمال زیاد، بنابراین پاداش بر اساس تفاوت در شرف حاصل می شود
4. مناوی در فیض القدير می گوید: این حدیث به این معنا تفسیر شده است که ذکر کردن برای مخاطبان حدیث بهتر بود، و اگر شخص شجاع و دلاوری مورد خطاب قرار می گرفت و در جنگ برای اسلام بهره می رسید بدون شک که برایش می گفت که جهاد، و یا اگر ثروتمندی مورد خطاب قرار می گرفت که ثروتش به نفع فقرا می بود، برایش می گفت که صدقه، و به کسی که قادر به انجام حج می بود می گفت که حج و یا به کسی که پدر و مادر دارد، برای آن می گفت نیکی با آنان، و به همین ترتیب در میان اخبار توفیق حاصل می گردد
5. کاملترین ذکر آنست که با نطق زبان و تدبر قلبی صورت گیرد، سپس آنچه تنها در دل است مانند تفکر، و سپس آنچه تنها در زبان است، و در هر کدام ثواب است ان شاء الله
6. التزام مسلمان به ذکرهای مربوط به حالات از قبیل ذکر صبح و شام، ورود و خروج از مسجد، خانه، تشناب و غیره، او را در زمره کسانی قرار می هد که الله را زیاد یاد می کند

(271) - عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كَلَّمَ لَيْلَةً جَمَعَ كَفَّيْهِ، ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا فَقَرَأَ فِيهِمَا: {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}، وَ{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ}، وَ{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ}، ثُمَّ يَمْسَحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ، يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. [صحيح] - [رواه البخاري]

(271) - از عایشه رضی الله عنها روایت است: شب هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به رختخواب خود می رفتند، دستان خود را جمع می کردند، سپس در آنها دم کرده و {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ}، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ}، را می خواندند سپس تا حد توان با دستان خود بدن خود را مسح می کردند، از سر و صورت و جلوی بدن خویش شروع می کردند، و این کار را سه بار انجام می دادند [صحيح]-[بخاری روایت کرده]

توضیح:

از رهنمودهای او صلی الله علیه وسلم این بود وقتی به بالینش می رفت تا بخوابد، کف دست هایش را به هم می آورد و بالا می آورد - چنانکه دعا کننده می کند - و به شکل خفیف و لطیف به آن دم می کردند و این سه سوره را می خواند: {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ} و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ}، سپس با کف دست تا جایی که می توانست بدنش را مسح می کرد؛ با شروع از سر، صورت و جلوی بدنش، این کار را سه بار تکرار می کردند.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن خواندن سوره اخلاص و معوذتین پیش از خواب و دم کردن با آنها، و تا آنجا که می تواند بدنش را مسح کند.

(65060)

(272) - عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَيِّدُ الْإِسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» قَالَ: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا، فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا، فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ». [صحيح] - [رواه البخاري]

(272) - از شَدَّادِ بنِ اَوْسِ رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «سید الاستغفار» بهترین درخواست آمرزش (این است که بگویید: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ). بار الها تو پروردگار منی، به جز تو معبود برحقی وجود ندارد، تو مرا آفریده‌ای و من بنده تو هستم، بر پیمانی که با تو بسته‌ام تا حد توان استوارم و به وعده‌ای که داده‌ای یقین دارم، از بدی کارهایی که انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، و به نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای و گناهانی که انجام داده‌ام اعتراف می‌کنم. پس مرا ببامرز زیرا کسی به جز تو گناهان را نمی‌بخشد (کسی که این را به هنگام روز از روی یقین بگوید و همان روز پیش از شام وفات نماید از اهل بهشت است، و کسی که شب هنگام و «از روی یقین آن را بگوید و پیش از صبح وفات نماید از اهل بهشت است [صحيح]- [بخاری روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می‌دارد که استغفار الفاظ گوناگونی دارد اما بهترین و بزرگترین این الفاظ آن است که بنده بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» بار الها تو پروردگار منی، به جز تو معبود برحقی وجود ندارد، تو مرا آفریده‌ای و من بنده تو هستم، بر پیمانی که با تو بسته‌ام تا حد توان استوارم و به وعده‌ای که داده‌ای یقین دارم، از بدی کارهایی که انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، و به نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای و گناهانی که انجام داده‌ام اعتراف می‌کنم. پس مرا ببامرز، زیرا کسی به جز تو گناهان را نمی‌بخشد. (در این دعا بنده نخست به توحید اقرار می‌کند و به اینکه الله خالق و

معبود اوست که شریکی ندارد و اینکه بر عهد و پیمانی که با الله بسته یعنی ایمان و طاعت او بر حسب توانایی پای بند است؛ زیرا بنده به هر اندازه که عبادت را انجام دهد نمی‌تواند همه آنچه الله به او امر کرده را انجام دهد و شکر همه نعمت‌ها را به جا بیاورد، اما بسوی الله روی می‌آورد، و به او پناه می‌جوید، زیرا اوست که بنده را از شر کارهای انجام داده اش حفظ می‌کند، و بنده خود به نعمت‌های پروردگارش اعتراف می‌کند، و به گناهان و نافرمانی‌های که انجام داده اقرار و اعتراف می‌کند، و پس از این توسل به الله، از پروردگار خود می‌خواهد

وی را بیمارزد و گناهانش را ببوشاند و با عفو و فضل و رحمتش او را از گناهانش حفظ کند، زیرا کسی جز او عزوجل گناهان را نمی‌آمرزد. سپس او صلی الله علیه وسلم بیان داشتند که این استغفار از اذکار صبح و شب است، و کسی که با یقین کامل و استحضار معنای این دعا و ایمان به آن در آغاز روز خود، یعنی میان طلوع آفتاب تا زوال آن، یعنی هنگام روز آن را بگوید و بمیرد، وارد بهشت می‌گردد، و کسی که شب آن را بگوید یعنی از وقت غروب آفتاب تا طلوع فجر، و پیش از صبح بمیرد، وارد بهشت می‌گردد

از فوائد حدیث:

1. صیغه‌های استغفار متنوع است و برخی بهتر از برخی دیگر است
2. برای بنده شایسته است که تلاش کند با این دعا الله را فرا بخواند زیرا این سید (الاستغفار) بهترین و برترین طلب بخشش (است)

(5503)

(273) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حُبَيْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: خَرَجْنَا فِي لَيْلَةِ مَطِيرَةٍ وَطُلْمَةٍ شَدِيدَةٍ، تَطْلُبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ يُصَلِّي لَنَا، قَالَ: فَأَدْرَكْتُهُ، فَقَالَ: «قُلْ»، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: «قُلْ»، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، قَالَ: «قُلْ»، فَقُلْتُ: مَا أَقُولُ؟ قَالَ: «{قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} وَالْمَعُودَتَيْنِ حِينَ تُسَبِّحُ وَتُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ».

[صحيح] - [رواه أبو داود والترمذي والنسائي]

(273) - از عبدالله بن حُبیب رضی الله عنه روایت است که گفت: در شبی بارانی و بسیار تاریک در پی رسول الله صلی الله علیه وسلم بیرون آمدم تا برای ما نماز بگزارد، پس او را یافتم و ایشان فرمودند: «بگو» و من چیزی نگفتم، سپس فرمود: «ولی من چیزی نگفتم، سپس فرمود: بگو» گفتم: چه بگویم؟ فرمود: «هنگام شام و صبح {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و معوذتین را سه بار بگو، تو را از همه چیز کفایت می کند [صحيح]- ابو داود و ترمذی و انسایی روایت کرده

توضیح:

صحابی جلیل القدر عبدالله بن حُبیب رضی الله عنه خبر می دهد که آنان در شبی بارانی که بسیار تاریک بود در جستجوی رسول الله صلی الله علیه وسلم برآمدند تا برایشان نماز بگزارد، پس ایشان را یافتند، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به او فرمود که بگو «یعنی بخوان، اما او چیزی نخواند، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم سخنش را تکرار» کرد و عبدالله گفت: چه بخوانم ای رسول الله؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: سوره اخلاص {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و معوذتین {قول أعوذ برب الفلق} و {قل أعوذ برب الناس} را شام هنگام و صبح هنگام سه بار بخوان تا که از هر شر و بدی تو را وقایه کند.

از فوائد حدیث:

1. استحباب خواندن سوره اخلاص و معوذتین هنگام صبح و شام و این دو باعث امان او از هر بدی است.
2. فضیلت خواندن سوره اخلاص و معوذتین

(6082)

(274) - عن سَمُرَةَ بن جندبٍ رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، لَا يَضُرُّكَ بَأْيَهُنَّ بَدَأْتَ.» [صحيح] - [رواه مسلم]

(274) - از سمره بن جندب رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «محبوبترین کلمه‌ها نزد الله متعال چهار است: سبحان الله (پاکبست، الله را)، الحمد لله (ثنا و صفت الله را است)، لا اله الا الله (نیست معبودی بر حق جز الله)» و الله اکبر (الله بزرگ است)، فرقی نمی‌کند که از هر کدام آن شروع کرده اید [صحيح]- [مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید که محبوب ترین گفتار نزد الله متعال چهار است:

سبحان الله: که بیانگر پاکی الله متعال از هر نوع کوتاهی است.
و: الحمد لله: که این عبارت از توصیف کردن الله متعال با کمال محبت و عظمت اوست.
ولا اله الا الله: یعنی اینکه نیست معبود برحق جز الله.
والله أكبر: اینکه الله متعال مقدس، بزرگتر و عزیزتر از همه چیز است.
و اینکه فضیلت و کسب ثواب آن نیازی به ترتیب آن در تلفظ ندارد.

از فوائد حدیث:

1. آسانی شریعت، زیرا هیچ ضرری ندارد که با کدام یک از این کلمات آغاز نمودی

(5475)

(275) - عن أبي أيوب رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مَرَّاتٍ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ أَرْبَعَةَ أَنْفُسٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ». [صحيح] - [متفق عليه]

(275) - از ابو ایوب رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «کسی که ده بار: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بگوید مانند کسی است که چهار نفر) برده (از اولاده اسماعیل علیه السلام) را ازاد کرده باشد ترجمه ذکر: نیست معبود بر حق جز الله، یگانه است و شریکی او را نیست، ملک از او است و ثناء و ستایش مر او را است و او بر هر چیز قادر و توانا است [صحيح]- [متفق] علیه»

توضیح:

رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که هر کسی: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير» بگوید که معنایش چنین است هیچ معبودی لایق پرستش نیست جز الله یگانه و بی شریک، (ذاتی که پادشاهی از آن اوست، و ستایش از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست، و اینکه فرمانروایی کامل به ویژه از او سبحانه و تعالی است، و اینکه او سزاوار توصیف و ستایش با محبت و بزرگی است، نه هیچ کسی دیگری، و اینکه او قادر است و هیچ چیز نمی تواند او را ناتوان سازد پس هر کسی این ذکر بزرگ را در یک روز ده بار تکرار کند، ثواب او همانند کسی است، که بردگی را از چهار غلام از اولاد اسماعیل بن ابراهیم علیهما الصلاة والسلام بر دارد و فرزندان اسماعیل علیه السلام را به این خاطر منحصر کرد، چون از دیگران بهتر اند

از فوائد حدیث:

1. فضیلت این ذکر که شامل یگانگی الله متعال با الوهیت، پادشاهی، ستایش، و قدرت کامل است.
2. این پادشاه را کسی به دست می آورد که این ذکر را به گونه پی در پی و یا جداگانه بخواند.

(276) - عن أبي هريرة رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ».

[صحيح] - [متفق عليه]

(276) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: دو کلمه وجود دارد که بر زبان آسان گفته می شود، و در ترازوی اعمال سنگین هستند، و در نزد الله رحمان محبوبیت دارد (آن دو کلمه عبارت است از " (سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دو کلمه ای که انسان آنرا بدون مشکل و در هر حال به زبان می آورد، و این که در ترازوی اعمال ثوابی زیاد دارد، و پروردگار ما رحمن : تبارک و تعالی آنها را دوست دارد خبر می دهد

سبحان الله العظیم، سبحان الله و بحمده؛ برای آنچه شامل وصف الله به عظمت و کمال و برتری او از کاستی ها است

از فوائد حدیث:

1. بزرگترین ذکر این است که در آن بین پاکی و ستایش الله متعال جمع شود
2. بیانی وسعت رحمت الله متعال بالای بندگانش، زیرا او به کاری اندک پاداشی بزرگ را می دهد

(5507)

(277) - عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». [صحيح] - [متفق عليه]

(277) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که در روز صد مرتبه (سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ) بگوید، گناهانش پاک می شود.» [صحيح]-[متفق عليه]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اطلاع می دهند که: هر کس در روز صد مرتبه **سبحان الله و بحمده** بگوید: گناهان وی پاک شده و بخشیده می شود، ولو که بیشتر باشد» مانند کف سفیدی بر فراز دریا در هنگام موج و خشم بالا می رود.

از فوائد حدیث:

1. این ثواب برای کسی حاصل است که ذکر یاد شده را روز مره به شکل پیهم یا پراکنده بخواند.
2. تسبیح: به معنای پاکی الله متعال از هر نقص و حمد: به معنای توصیف کردن او با محبت و تعظیم.
3. مراد در حدیث کفاره گناهان صغیره است، و برای گناهان کبیره توبه ضروری است.

(278) - عن أبي مالك الأشعري رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الظُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمَلُّؤُ الْمِيزَانِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمَلَّانِ - أَوْ تَمَلَّأ - مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّلَاةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ، كُلُّ النَّاسِ يَعُدُّو، فَبَايَعُ نَفْسَهُ فَمَعَتْهَا أَوْ مُوبِقُهَا». [صحيح] - [رواه مسلم]

(278) - از ابو مالک اشعری - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «پاکیزگی نصف ایمان است، و الحمد لله ترازو را پر می کند، و سبحان الله "و" الحمد لله "ما بین آسمان و زمین را پر می کنند، و نماز نور است، و" صدقه دلیل است بر صداقت ایمان مؤمن، و صبر روشنی است، و قرآن یا دلیلی است برای تو یا دلیلی است علیه تو، همه مردم صبح [از خانه] بیرون می شوند در حالی که خود را «فروخته اند، پس یا آن را آزاد کرده اند و یا هلاکش ساخته اند [صحيح]- مسلم روایت]

[کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که: طهارت ظاهر با وضو و غسل کردن است و طهارت شرط نماز است. و این قول شان که گفته اند: "الحمد لله" [ترازو] ای اعمال [را پر می کند، توصیف پروردگار - جل و علا - به صفات کمال و جلال اوست که در روز قیامت وزن می شود و ترازو را پر می کند. و این قول شان که گفته اند: "سبحان الله والحمد لله تنزیه اوست از هر نقصی و بیان کمال کامل اوست چنانچه شایسته اوست، با محبت و تسبیح او، آنچه میان آسمان ها و زمین است پر می کند. و این که «نماز نور است» برای بنده؛ در دل وی، در روی وی، در قبر وی و در حشر وی. و اینکه «صدقه حجت است» و دلیل بر صدق ایمان مؤمن است، و تفاوت او با منافق که از صدقه دادن امتناع می ورزد این است که وعده های آن را باور ندارد. و اینکه «صبر نور است» - و آن عبارت از منع کردن نفس از اضطراب و نارضایتی است - نوری که با خود گرما و سوز می آورد، مانند نور خورشید؛ زیرا سخت است و مستلزم مبارزه با نفس و حبس آن از آنچه می خواهد می باشد؛ و صاحب آن تا زمانی در روشنایی و هدایت مستمر قرار دارد که صبر را پیشه کند و آن صبر در طاعت الله، و از نافرمانی اوست، و صبر در برابر بلاها و انواع سختی های دنیاست. و اینکه «قرآن دلیل بر تو می باشد» با تلاوت و عمل به آن، و یا «دلیل بالای تو می باشد» با ترک آن بدون عمل بر آن و یا تلاوت آن. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می فرماید که همه مردم تلاش می ورزند، منتشر می شوند، از خواب برمی خیزند و

برای کارهای مختلف از خانه بیرون می روند، برخی از آنها کسانی هستند که در اطاعت الله قائم هستند و خود را از آتش رها می کنند، و از آنها کسانی هستند که از آن منحرف می شوند و مرتکب نافرمانی می گردند پس سبب هلاکت او و وارد شدن به آتش می گردد.

از فوائد حدیث:

1. طهارت بر دو قسم است: طهارت ظاهر از طریق وضو و غسل، و طهارت باطن از راه توحید و ایمان و عمل نیک.
2. اهمیت پابندی به نماز، چون برای بنده در دنیا و روز قیامت نور است.
3. صدقه دلیلیست برای صدق ایمان.
4. اهمیت عمل به قرآن و تصدیق آن، تا این که دلیلی برای تو باشد نه بالای تو.
5. اگر نفس را به طاعت مشغول نکنی، تو را به نافرمانی مشغول می کند.
6. هر انسانی باید کار کند، یا با اطاعت نفس خود را آزاد می کند، و یا با گناه کردن نفس خود را هلاک می سازد.
7. صبر مستلزم تحمل و محاسبه است و سختی را در بر دارد.

(65004)

(279) - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لَأَنْ أَقُولَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(279) - از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: این که: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، بگویم برای من عزیزتر است از آن چیزی است که خورشید بر آن طلوع می کند [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد که ذکر الله متعال با این سخنان بزرگ از دنیا و آنچه در آن است بهتر است، و آنها عبارتند از: سبحان الله: "پاک است الله متعال از هر نقص و عیب"

الحمد لله "ستایش او با صفات کمال با محبت و تعظیم وی"
 لا إله إلا الله: "نیست معبود بر حق جز الله"
 الله أكبر: "الله بزرگتر است، بزرگتر از هر چیز"

از فوائد حدیث:

1. تاکید بر ذکر الله متعال، و اینکه ذکر الله از آنچه خورشید بر آن طلوع کرده محبوبتر است.
2. تشویق کردن به ذکر؛ نظر به اجر و فضیلت زیاد آن
3. لذت دنیا کم و شهوت هایش زودگذر است

(6211)

(280) - عن جابر رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «أَفْضَلُ الذِّكْرِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَفْضَلُ الدُّعَاءِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ». [حسن] - [رواه الترمذي والنسائي في الكبرى وابن ماجه]

(280) - از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم «می فرمودند: «بهترین ذکر: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ است، و بهترین دعا: الْحَمْدُ لِلَّهِ است [حسن]- [ترمذی و نسایی فی الكبرى و ابن ماجه روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که بهترین ذکر «: لا اله الا الله» است، یعنی معبودی بر حق جز الله نیست، و اینکه بهترین دعا الحمد لله است؛ و این اعترافیست که فراهم کننده نعمت ها فقط الله متعال است، و شایسته توصیف کامل و زیبا است

از فوائد حدیث:

1. تشویق بر افزایش ذکر الله با کلمه توحید، و دعا با ستایش او

(3567)

(281) - عن خَوْلَةَ بِنْتِ حَكِيمِ السُّلَمِيَّةِ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ نَزَلَ مَنْزِلًا ثُمَّ قَالَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْتَحِلَ مِنْ مَنْزِلِهِ ذَلِكَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(281) - از خوله بنت حکیم السلمیه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمودند: "هر کسی در مکان بود و باش کرد، و بگوید: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، "من به کلمات و سخنان کامل الله- از شر مخلوقاتش - پناه می برم" تا زمانی که آن جا را ترک نکرده هیچ چیزی به او زیانی نمی رساند [صحيح]- [مسلم]

[روایت کرده]

توضیح:

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) امت خود را رهنمایی می کند که چگونه به الله متعال پناه ببرند، به گونه ی که از هر ترسناکی که انسان در هر جایی در سفر، یا سیاحت یا غیر آن مکث می کند، در چنین شرایطی باید از شر هر مخلوقی به کلمات الله متعال؛ که دارای کمال، برکت و منفعت است و عاری از هرگونه نقص و نقصان است - پناه ببرد. بنابراین تا زمان که در آن مکان بماند از هر چیزی مضری در امان خواهد بود.

از فوائد حدیث:

1. پناه بردن عبادت است، به گونه ی که به الله متعال به اسماء و صفات او انجام شود.
2. جایز بودن پناه جستن به کلام الله متعال، زیرا او کلام و از صفات او سبحانه و تعالی است، بر خلاف پناه جستن به هر موجودی دیگری؛ زیرا شرک است.
3. فضیلت و برکت این دعا.
4. پناه جستن با اذکار؛ سبب محافظت بنده از هر شر است.
5. بطلان پناه جستن به غیر الله متعال؛ از قبیل جن، جادوگر، دجال ها و غیره.
6. مشروعیت این دعا برای کسانی که در مسافرت و یا اقامت در مکانی می مانند.

(282) - عَنْ أَبِي حُمَيْدٍ أَوْ عَنْ أَبِي أُسَيْدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَإِذَا خَرَجَ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(282) - از ابی حُمَید یا ابی اُسَید روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه کسی از شما وارد مسجد شد بگوید: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ (پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای (و چون خارج شد بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ) بارالها از فضل تو خواهانم) [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم امتش را به دعایی راهنمایی کرده‌اند که هنگام وارد شدن به مسجد گفته می‌شود: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» (پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای)، او در این دعا از الله تعالی درخواست می‌کند که اسباب رحمتش را برای «او فراهم آورد. و چون خواست از مسجد بیرون آید بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ» (بارالها از فضل تو خواهانم)»، و از الله تعالی فضل او و احسان بیشتر او از رزق حلال او می‌خواهد.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن این دعا به هنگام وارد شدن به مسجد و بیرون رفتن از آن.
2. ذکر رحمت به طور خاص به هنگام وارد شدن به مسجد، و یاد کردن از فضل به هنگام خروج برای آن است که کسی که به مسجد داخل می‌شود مشغول چیزی شده، که او را به الله و بهشتش نزدیک می‌سازد، پس ذکر رحمت در این مقام مناسب است، و چون از مسجد بیرون رفت در راه کسب فضل و نعمت و روزی الله تلاش می‌کند، پس یاد کردن از فضل در این جایگاه مناسبت دارد.
3. این اذکار هنگام قصد وارد شدن به مسجد و هنگام قصد خارج شدن از مسجد گفته می‌شود.

(283) - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ، وَلَا عَشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ، فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ: أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ». [صحيح] - [رواه مسلم]

(283) - از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که وی از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید که می‌فرماید: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ، وَلَا عَشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ، فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ: أَذْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ» یعنی: «هرگاه مرد وارد خانه‌اش شود، و الله را هنگام وارد شدن و هنگام غذا خوردن یاد کند، شیطان می‌گوید: امشب اینجا جای خواب و غذا ندارید، و چون وارد شود و ذکر الله را هنگام وارد شدن، شیطان می‌گوید: شب را در اینجا ماندید و چون هنگام غذا یاد الله نگویید، «می‌گوید: هم شب را اینجا ماندید و هم غذای شب را یافتید [صحيح]-[مسلم روایت کرده]

توضیح:

پیامبر صلی الله علیه وسلم به ذکر الله هنگام وارد شدن به خانه و پیش از خوردن غذا امر کرده، و بیان نموده که اگر با گفتن «بسم الله» هنگام ورود به خانه و هنگام شروع غذا الله را یاد کند، شیطان به یارانش می‌گوید: امروز در این خانه که صاحبش از شما به یاد الله پناه برده، بهره‌ای از شب ماندن و شام خوردن را ندارید. اما اگر شخص هنگام ورود به خانه‌اش و هنگام خوردن غذا ذکر الله را نگویید، شیطان به یارانش خبر می‌دهد که در این خانه جای و غذا دارند.

از فوائد حدیث:

1. مستحب بودن ذکر الله هنگام وارد شدن به خانه، و هنگام غذا؛ زیرا اگر یاد الله را نگویند، شیطان شب در خانه‌ها می‌ماند و از غذای اهل خانه می‌خورد.
2. شیطان در همه رفتارها و کارهای بنی‌آدم مراقب اوست، پس چون از ذکر غافل شد به مراد خود از او دست می‌یابد.
3. ذکر الله (شیطان را) میراند.

4. هر شیطانی پیروان و اولیایی دارد که با سخن او شاد می‌شوند، و از امر او پیروی می‌کنند.

(3037)

Table of Contents

1.....	بیشگفتار
2.....	همانا (قبولی) اعمال و کردار به نیت بستگی دارد
3.....	مَنْ أَحَدَتْ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ
5.....	اسلام (این است که): گواهی بدهی به اینکه معبودی برحق جز الله نیست و محمد فرستاده الله است، نماز را بر پا داری، زکات را بدهی، رمضان را روزه بگیری و زیارت خانه کعبه را اگر راهی به سوی آن یافتی انجام دهی...
9.....	يُئِي السَّلَامُ عَلَى خَمْسٍ.....
10.....	حق الله بر بندگان این است که او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند، و حق بندگان بر الله این است که کسانی را که به او شرک نمی‌ورزند عذاب نکنند
12.....	هیچ بنده ای نیست که صادقانه و از ته قلب گواهی دهد که معبود برحق جز الله وجود ندارد، و شهادت دهد که محمد بنده و فرستاده ی او است، مگر اینکه الله متعال او را بر آتش دوزخ حرام می گرداند
14.....	کسی که: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، و به آنچه غیر از الله پرستش می شود کافر شود، مال و خونش حرام است و حسابش نزد الله است
15.....	هر کس بمیرد در حالی که برای الله هیچ چیزی را شریک قرار ندهد وارد بهشت می شود، و هر کس بمیرد در حالی که برای الله چیزی را شریک قرار دهد وارد جهنم می شود
16.....	مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدَاءَ دَخَلَ النَّارَ.....
17.....	تو بسوی اهل کتاب خواهی رفت، چون نزد آنان رفتی آنان را دعوت کن تا گواهی دهند که معبودی جز الله نیست و محمد رسول الله است
19.....	خوشبختترین مردم که روز قیامت شفاعتم را حاصل می کنند، آنانی اند که می گویند لا اله الا الله، معبودی جز الله نیست، مخلصانه و از تهی دلش و یا نفسش
20.....	ایمان هفتاد و چند بخش یا شصت و چند بخش است که بهترین آنها سخن: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و کوچکترین آنها برداشتن خار و خاشاک از راه است
21.....	از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم: کدام گناه نزد الله بزرگتر است؟ فرمود: أَنْ تَجْعَلَ لِيهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ
22.....	من بی نیازترین شرکا از شرک هستم، هر کس عملی انجام دهد که در آن با من کسی دیگر را شریک نماید، او را با شرک اش رها می کنم
23.....	همه امت من وارد بهشت می شوند مگر کسانی که امتناع می ورزند
24.....	مرا ستایش مکنید همانطوری که نصارا پسر مریم را ستودند؛ من فقط بنده او هستم، پس بگویند: بنده الله و رسول او
25.....	هیچ یکی از شما مومن (کامل) شده نمی تواند تا اینکه من را نسبت به پدر، مادر و فرزندان خویش بیشتر دوست داشته باشد

- 26..... دَعُوْنِي مَا تَرَكْتُمْكُمْ: إِنَّمَا أَهْلَكَ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَثْرَةُ سُؤَالِهِمْ، وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَىٰ أُنْبِيَائِهِمْ
- از من هر چند یک آیت هم باشد ابلاغ کنید، و در مورد بنی اسرائیل حرف بزنید که هیچ اشکالی ندارد، و هر کس از روی عمد بر من دروغ بگوید، پس مسکن خود را در دوزخ انتخاب کند
- 28..... :آگاه باشید که چه بسا حدیث من به مردی برسد و او در حالی که به تخت و تکیه گاه خود تکیه زده بگوید کتاب الله میان من و شماست.
- 29..... لعنت الله بر یهودیان و نصرانیان [که] قبرهای پیامبران را مساجد قرار دادند
- 30..... الهی قبر مرا بت قرار مده
- 31..... خانه های خود را قبرها قرار ندهید، و قبر مرا عبادتگاه قرار ندهید، و بر من درود بفرستید؛ چون هر جا که باشید درود شما به من می رسد
- 32..... أَوْلَيْكَ قَوْمٌ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الْعَبْدُ الصَّالِحُ، أَوْ الرَّجُلُ الصَّالِحُ، بَنَوْا عَلَيَّ قَبْرَهُ مَسْجِدًا
- من به الله بیزاری می کنم از اینکه از میان شما خلیل (دوست و محبت خیلی قریب) داشته باشم، زیرا الله متعال مرا خلیل گرفته است، همانطور که ابراهیم را خلیل گرفت
- 35..... آیا تو را برای آنچه نفرستم که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من را برای آن فرستاده بود؟ هیچ مجسمه را نمانید مگر آن را نابود سازید، و یا قبر بلند را نمانید مگر که آن را هموار کنید
- 36..... طَيْرَهُ (شوم انگاری) شرک است، طیره شرک است، طیره شرک است - و این را سه بار تکرار کردند - و این چیز ناگزیر در دل ما می افتد، اما الله عزوجل آن را با توکل از بین می برد
- 37..... کسی که فال بگیرد یا برایش فالگیری شود، یا پیشگویی کند، و یا برای او پیشگویی شود، یا جادوگری کند یا برایش جادوگری شود از ما نیست
- 38..... لَا عَدْوَى، وَلَا طَيْرَةَ، وَيُعْجِبُنِي الْقَالُ» قَالَ قَيْلٌ: وَمَا الْقَالُ؟ قَالَ: «الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ». «سرایت بیماری و نیز بدشگونی حقیقت ندارند؛ ولی به فال نیک گرفتن را می پسندم» گفتند: «به فال نیک گرفتن چیست؟» فرمود سخن نیکو»
- 39..... آیا می دانید پروردگار شما چه گفت؟» گفتند الله و رسولش داناترند، فرمود: «بعضی از بندگام در حالی صبح نمودن که به من ایمان آوردند و بعضی دیگر به من کفر ورزیدند
- 41..... هرکس تمیمه ای آویزان کند شرک ورزیده است
- 43..... افسون و تعویذ، بستن چشم زخم به کودکان، و جادوی نزدیک کردن زن و شوهر به هم شرک است
- 44..... کسیکه نزد فالبین برود، و او را درباره چیزی بپرسد، چهل نماز او پذیرفته نمی شود
- 45..... کسی که بغیر الله سوگند یاد کند کفر و یا شرک ورزیده است
- 46..... به الله سوگند - اگر خواست الله باشد - هیچ سوگندی نمی خورم که پس از آن خلاف آن را بهتر ببینم، مگر اینکه همان کار بهتر را انجام می دهم و کفاره ی سوگندم را ادا می کنم
- 47..... لَا تَقُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ وَشَاءَ فَلَانٌ، وَلَكِنْ قُولُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ شَاءَ فَلَانٌ» یعنی: «نگویید آنچه الله و فلانی بخواهند، بلکه بگویید: آنچه الله بخواهد، سپس فلانی بخواهد
- 48.....

إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَحَافَ عَلَيْكُمُ الشَّرْكُ الْأَضْعَرُّ» یعنی: «بیشترین چیزی که از آن بر شما بیمناک هستم، شرک اصغر است» گفتند: شرک اصغر چیست ای رسول الله؟ فرمود: «الرِّيَاءُ» 50.....

بر قبرها ننشینید و به سوی آنها نماز نخوانید..... 51.....

لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةَ رُفْقَةً فِيهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ». «ملائکه با گروهی که در بین آنها سگ و زنگوله است همراهی نمی کنند..... 52.....

شیطان نزد یکی از شما می آید و می گوید: چه کسی فلان را آفریده است؟ چه کسی فلان را خلق کرده است؟ تا اینکه می گوید: پروردگارت را چه کسی آفریده است؟ هرگاه تا این حد برسد، به الله پناه برده و توقف نماید... 53.....

مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ..... 54.....

علیکم بتقوی الله، والسمع والطاعة، وإن عبداً حبشياً، وسترون من بعدي اختلافاً شديداً، فعليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين..... 56.....

مَنْ حَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ، وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً..... 58.....

هیچ بنده ای نیست که الله متعال وی را بر مردم حکمفرما کرده باشد، در حالی بمیرد که با رعیت خود خاین باشد، مگر اینکه بهشت را بر وی حرام کرده است..... 60.....

سَتَكُونُ أَمْرَاءٌ فَتَعْرِفُونَ وَتُنَكِرُونَ، فَمَنْ عَرَفَ بَرِيءًا، وَمَنْ أَنْكَرَ سَلِيمًا، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَأَنَعَ..... 61.....

تبعیض [و خاصه خواری و ترجیح دیگران بر شما] و اموری رخ خواهد داد که آن را انکار خواهید کرد» گفتند: یا رسول الله [در آن شرایط] ما را به چه امر می کنید؟ فرمود: «حقی را که بر عهده شماس است انجام می دهید، و آنچه برای شماس است را از الله می خواهید..... 62.....

، كَلَّمْتُ رَاعٍ فَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ..... 64.....

بار الها، هر که زمام امور امت من را به دوش بگیرد و بر آنها سختی کند با وی سختی کن، و هر که زمام امور امت من را برعهده گیرد به آنها نرمی کند با وی نرمی کن..... 65.....

دین نصیحت کردن است..... 66.....

اگر کسانی را دیدی که در دل هایشان کجی است برای فتنه انگیزی و تاویل نادرست از آیات متشابه پیروی می کنند، آنان کسانی اند که الله متعال ذکر کرده است، پس برحذر باش..... 68.....

هریک از شما منکری دید باید آن را با دستش تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبانش، و اگر نتوانست با قلبش، و آن ضعیف ترین ایمان است..... 70.....

مَثَلُ الْقَائِمِ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا، كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا عَلَى سَفِينَةٍ، فَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا وَبَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا..... 72.....

مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا..... 74.....

هر کسی (مردم را به کار) خیر راهنمایی کرد، پاداشی مانند پاداش انجام دهنده ی آن را دارد..... 75.....

قَوْلَ اللَّهِ لِأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ». «فردا پرچم را به دست مردی خواهیم داد که الله فتح و پیروزی را به دست او رقم خواهد زد، الله و رسولش را دوست دارد و الله و رسولش را دوست دارند». گفت: مردم شب را درحالی سپری کردند که به یکدیگر می گفتند: کدامیک از آنها پرچم را

دریافت خواهد کرد. وقت صبح شد، مردم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند و هر یکی از آنها امید داشت پرچم به او واگذار شود، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَيْنَ عَلِيٍّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ؟»: «علی بن ابی طالب کجاست؟» گفته شد: چشمش درد می کند. فرمود: «به دنبال او بفرستید». پس علی رضی الله عنه را آوردند و رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب دهانش به چشمان علی مالید و برای او دعا کرد که علی رضی الله عنه بلافاصله چنان بهبود یافت که گویا هیچ دردی نداشته است، آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم پرچم را به او داد و فرمود: «بدون عجله به سوی آنها برو تا به منطقه ی آنها برسی؛ آنگاه آنان را به سوی اسلام فرابخوان، و آنان را از حقوق الله متعال که در دین بر آنها واجب می شود، آگاه کن. به الله سوگند که اگر الله یک نفر را به وسیله ی تو هدایت نماید، برای تو از شتران سرخ مو بهتر است.....77

کسی که به هر قومی خود را مشابه سازد، از آنان است80

لَيَبْلُغَنَّ هَذَا الْأُمُرُ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا يَثْرُكُ اللَّهُ بَيْتَ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ هَذَا الدِّينَ81

وَالَّذِي نَفْسٌ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ، ثُمَّ تَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ» یعنی: «سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، هیچ کسی از این امت، یهودی باشد یا نصرانی [خبر مبعث] من را نمی شنود سپس بمیرد و به آنچه که برای آن فرستاده شده ام ایمان نیاورد مگر آنکه از اصحاب دوزخ خواهد بود82

ای مردم، از غلو در دین برحذر باشید زیرا کسانی را که پیش از شما بودند [همین] غلو در دین هلاک کرد83

تندروان هلاک شدند84

الْيَهُودُ مَغْضُوبٌ عَلَيْهِمْ، وَالنَّصَارَى ضَالَّاتٌ» یعنی: «یهودیان بالای ایشان غضب شده است، و نصرانیها گمراهان هستند85

الله متعال تقدیر تمام موجودات را پنجاه هزار سال قبل از اینکه آسمانها و زمین را بیافریند نوشت86

رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمود و او راستگوست و به راستگویی موصوف شده است: «این که یکی از شما چهل روز و شب در شکم مادرش جمع می شود87

بهشت از بند کفش یکی از شما هم نزدیک تر است، و جهنم نیز چنین است88

دوزخ با شهوت ها، و بهشت با سختی ها پوشیده شده است89

زمانی که الله متعال بهشت و جهنم را آفرید، جبرئیل علیه السلام91

آتش شما یک جزء از هفتاد جزء آتش جهنم است93

الله زمین را [در] مشیت [خود] می گیرد، و آسمانها را به دست راستش می پیچاند، سپس می فرماید: منم پادشاه، کجایند پادشاهان زمین؟94

سخت ترین عذاب را نزد الله در روز قیامت کسانی دارند که سعی می کنند با خلقت الله همانندسازی کنند ...95

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَيُوشِكَنَّ أَنْ يُنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْثَمَ حَكَمًا مُفْسِطًا، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخِزْيِرَ، وَيَضَعَ الْجُرَيْتَةَ، وَيَفِيضَ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ» یعنی: «قسم به آنکه جانم به دست اوست، نزدیک است که فرزند مریم در میان شما به عنوان داوری دادگر نازل شود و صلیب را بشکند، و خوک را بکشد، و جزیه را بردارد، و مال آنقدر سرازیر شود که کسی آن را نپذیرد.....96

بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ لَكَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ97

- 98..... حوض من به مسافه یک ماه است، آب آن از شیر سفیدتر و بوی آن خوشبوتر از مشک است
- 99..... مرگ به صورت کبش زیبا آورده می شود
- 100..... اگر شما به درستی بر الله متعال توکل حقیقی داشتید، (الله متعال) به شما همانند پرنده هایی که صبح با شکم خالی می روند و شب هنگام با شکم پر بر می گردند رزق و روزی می داد
- 102..... يُسَلِّمُ الرَّائِبُ عَلَى الْمَاشِي، وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ.....
- 103..... ای بندگانم، من ظلم را بر خویش حرام کرده ام و آن را هم در بین شما حرام کرده ام، پس به همدیگر ظلم نکنید
- 106.....، اتَّقُوا الظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلَمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ.....
- 107..... بی گمان که الله متعال به ستمگر مهلت می دهد، تا این که او را بگیرد پس او را رها نمی کند
- 108..... الله متعال نیکی ها و گناهان را نوشته است، سپس این را بیان نموده که هر کسی خواست نیکی کند ولی آن را انجام نداد، الله متعال آن نیکی را به صورت کامل در نزد خویش می نویسد، و اگر خواست نیکی کند و آن را انجام داد، الله متعال در نزد خویش ده نیکی تا هفتصد برابر یا بیشتر از آن می نویسد، و اگر خواست گناه کند ولی آن را انجام نداد، الله متعال در نزد خویش یک نیکی کامل می نویسد، و اگر خواست گناهی کند ولی آن را انجام داد الله متعال تنها یک گناه برای او می نویسد
- 109..... هرکه در اسلام نیکوکاری کند برای آنچه در جاهلیت انجام داده است مؤاخذه نخواهد شد، و هر که در اسلام بدی کند برای آنچه در آغاز و پایان انجام داده است، بازخواست خواهد شد
- 110..... آنچه تو می گوئی و به آن فرا می خوانی بی شک نیکو است، اگر بگویی که آنچه ما انجام داده ایم کفاره ای دارد
- 111..... در حالی اسلام را پذیرفتی که از قبل کارهای نیک را انجام می دادی
- 112..... الله متعال در نیکی بر مؤمن ظلم نمی کند، در دنیا به او پاداش داده می شود و در آخرت نیز به او پاداش آن می رسد
- 113..... بنده گناهی کرد و گفت: الهی گناهم را ببخش
- 115..... مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا، ثُمَّ يَقُومُ فَيَتَطَهَّرُ، ثُمَّ يُصَلِّي، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.....
- 116..... إن الله تعالى يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيُتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيُتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا: «الله متعال در شب دستش را می گشاید تا توبه ی گنهکار روز را قبول کند، و در روز دستش را باز می کند تا توبه ی گنهکار شب را بپذیرد
- 117..... پروردگار ما تبارک و تعالی در هر شب، هنگامی که یک سوم شب باقی می ماند، به آسمان دنیا نازل می شوند
- 118..... حلال آشکار و حرام آشکار است
- 120..... ای جوان، من به تو سخنانی یاد می دهم: از (اوامر و نواهی) الله متعال محافظت کن، او نیز از تو محافظت می کند، از (اوامر و نواهی) الله متعال محافظت کن، او را همراه و یاری رسان خود می بینی، و اگر خواستی از الله بخواه، و اگر طلب کمک کردی، از الله طلب کمک کن

- در اسلام به من سخنی بگو که از کسی جز تو نپرسم. فرمود: «قُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ، ثُمَّ اسْتَقِمَّ» یعنی: «بگو: به الله ایمان آوردم، سپس استقامت بورز 121
- مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى». «مثال مؤمنان در مودت و مهربانی و عطفی که با یکدیگر دارند مانند یک بدن هستند، که اگر عضوی از آن به درد آید، بقیه بدن با بی‌خوابی و تب با آن همراهی می‌کنند 122
- کسی که به طریقه خوب وضوء بگیرد، گناهایش از بدنش حتی از زیر ناخن‌هایش بیرون می‌آید 123
- إِذَا أَتَيْتُمُ الْغَائِطَ، فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ بِغَائِطٍ وَلَا بَوْلٍ، وَلَا تَسْتَدْبِرُوهَا، وَلَكِنْ شَرُّوْا أَوْ عَزَّبُوا 124
- لَا يُمَسِّكَنَّ أَحَدُكُمْ ذَكَرَهُ بِيَمِينِهِ وَهُوَ يُبُولُ، وَلَا يَتَمَسَّحُ مِنَ الْخَلَاءِ بِيَمِينِهِ، وَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ»: «هیچ یکی از شما به هنگام ادرار، نه با دست راست آلت تناسلی خود را بگیرد و نه با آن استنجا کند. همچنین هنگام آب نوشیدن، در ظرف آب تنفس نکند 125
- لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ أَحَدِكُمْ إِذَا أَحَدَتْ حَتَّى يَتَوَضَّأَ» یعنی: «الله نماز یکی از شما را که بی‌وضو شده نمی‌پذیرد، تا آنکه وضو کند 126
- مردی وضو گرفت و موضعی به اندازه یک ناخن را بر روی پایش باقی گذاشت، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را دید و فرمود: «برگرد و نیکو وضو ساز» پس برگشت و سپس نماز ادا کرد 127
- وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْبِغُوا الْوُضُوءَ». «وای از عذاب دوزخ بر پشت پاهایی که هنگام وضوء گرفتن خوب شسته نمی‌شود، خوب وضوء بگیرید 128
- پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام هر نمازی 129
- پیامبر صلی الله علیه وسلم یک بار یک بار وضو گرفتند. (یعنی هر عضو را یک بار شستند) 130
- پیامبر صلی الله علیه وسلم وضو نمود [و هر عضو را] دو بار دو بار [شست] 130
- ، هر کسی مانند این وضوی من وضوء گرفت، سپس دو رکعت نماز خواند و در آنها با خود سخن نگفت گناهان گذشته‌اش بخشیده خواهد شد 131
- إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ ثُمَّ لِيَنْزُ، وَمَنْ اسْتَجَمَرَ فَلْيُوتِرْ 133
- إِنَّهُمَا لِيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ 134
- «پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه وارد خلا می‌شدند می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالخَبَائِثِ یعنی: «ای الله از خبیثی‌های نر و ماده به تو پناه می‌برم 135
- مسواک پاک کننده دهان و باعث رضایت و خشنودی پروردگار است 136
- رسول الله صلی الله علیه وسلم هر وقت شب که از خواب برمی‌خاست، دهانش را مسواک می‌زد 137
- حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، يَغْتَسِلُ فِيهِ رَأْسُهُ وَجَسَدَهُ». «این حق است بر عهده هر مسلمان که در هر هفت روز غسل کند که در آن سرش و بدنش را بشوید 138
- امور فطری پنج هست: ختنه (سنت نمودن)، برداشتن موهای عورت، کوتاه کردن بروت‌ها، کوتاه کردن ناخن، و کندن موهای زیر بغل 139

من مردی بودم که بسیار مذی از من خارج می‌شد و به دلیل جایگاه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم [و اینکه داماد ایشان بودم] شرم می‌کردم که در این باره از ایشان بپرسم، پس مقداد بن اسود را امر کردم که از ایشان سؤال کنند، پس فرمودند: «يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ.....» 140

رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه غسل جنابت می‌کردند دست خود را می‌شستند و وضوی نماز را انجام می‌دادند سپس غسل می‌کرد 141

برایت کافی بود که با دستانت چنین کنی» سپس دستانت را یک بار بر زمین زده و سپس با دست چپ، دست راست و پشت دستان و چهره‌اش را مسح کرد..... 142

دَعُوهَا فَإِنِّي أَدْخَلْتُهُمَا طَاهِرَتَيْنِ..... 143

إِنَّ ذَلِكَ عِرْقٌ، وَلَكِنَّ ذِي الصَّلَاةِ قَدَّرَ الْأَيَّامَ الَّتِي كُنْتَ تَحِيضِينَ فِيهَا، ثُمَّ اغْتَسَلِي وَصَلِّي، یعنی: «خیر، این خون [ناشی از پارگی] رگ است، اما نماز را به اندازه روزهایی که در آن حیض می‌شدی ترک کن، سپس غسل کن و نماز را بجا آور» 144

إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ فِي بَطْنِهِ شَيْئًا، فَأَشْكَلَ عَلَيْهِ أَخْرَجَ مِنْهُ شَيْءٌ أَمْ لَا، فَلَا يَخْرُجَنَّ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا، أَوْ يَجِدَ رِيحًا». «اگر کسی از شما در شکمش چیزی را احساس کرد و برایش سوال پیش آمد که آیا چیزی از او خارج شده یا نه، از مسجد بیرون نیاید تا آنکه صدایی بشنود یا بویی احساس کند» 146

إِذَا قَالَ الْمُؤَدَّنُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ 147

هرگاه صدای مؤذن را شنیدید مانند آنچه می‌گوید را بگویید، سپس بر من درود بفرستید 149

مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَدَّنَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيَتْ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ». «هرکه هنگام شنیدن صدای مؤذن بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيَتْ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا. گواهی می‌دهم که معبودی نیست جز الله که یگانه و بی‌شریک است و به اینکه محمد بنده و فرستاده اوست) به الله به عنوان پروردگار، و به محمد به عنوان پیامبر، و به اسلام به عنوان دین خشنود شدم) گناهش برای او آمرزیده می‌شود.....» 151

آیا ندای - آذان - نماز را می‌شنوی؟"، گفت: بله، فرمودند: "پس اجابت کن» 152

أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بَبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ حَمْسًا، مَا تَقُولُ ذَلِكَ يُنْقِي مِنْ ذَنْبِهِ؟ 153

کدام عمل نزد الله محبوب‌تر است؟ فرمود: «الصَّلَاةُ عَلَى وَفَّيَّتِهَا» یعنی: «نماز به وقت آن». پرسیدم: سپس چه چیزی؟ فرمود: «تُمْ بِرُ الْوَالِدَيْنِ» یعنی: «سپس نیکی به والدین». گفتم: سپس چه؟ فرمود: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» 154

مَا مِنْ أَمْرٍ مُسْلِمٍ تَخْضَرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وَضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا، إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ، مَا لَمْ يُؤْتِ كِبْرَةً، وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ». «مسلمانی نیست که وقت نماز فرضش فرارسد و به نیکی وضو و خشوع و رکوعش را انجام دهد، مگر آنکه کفاره گناهان پیش از آن خواهد بود؛ اگر مرتکب کبیره نشده باشد، و این [برای] همه سال است» 155

نمازهای پنجگانه، جمعه تا جمعه، و رمضان تا رمضان، کفاره آنچه بین آنهاست می‌باشد، در صورتی که از گناهان کبیره اجتناب شود» 156

«مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرٍ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ فِرْزَانَتَانِ رَا دَر هَفْت سَالِكِي بَه نَمَاز اَمْر كُنِيد وَ دَر دِه سَالِكِي بَرَاي نَمَاز بَزْنِيد وَ مَحَل خَوَابِ آنَان رَا اَز هَم جَدَا»
157..... كُنِيد

اللّٰهُ مَتَعَال فَرْمُود: نَمَاز رَا بَيْن خُودَم وَ بِنْدَهَام بَه دُو نِيم تَقْسِيم كَرْدَهَام وَ بَرَاي بِنْدَهَام هَر آن چِيزِي اسْت اسْت
158..... بَخَوَاهِد

إِنَّ الْعَهْدَ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». «بِيمَانِي كِه مِيَان مَا وَ آنَهَا اسْت نَمَاز اسْت؛ پَس هَر
160..... كِه تَرَكَش كَرْد كَافِر شَدِه اسْت

إِنَّ بَيْنَ بَيْنِ الرَّجُلِ وَبَيْنِ الشُّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرَكُّ الصَّلَاةِ». «مِيَان شَخْصِ وَ شُرْكِ وَ كَفْرِ، تَرَك نَمَاز اسْت
161.....

يَا بِلَالُ، أَقِيمِ الصَّلَاةَ، أَرِحْنَا بِهَا». «اِي بِلَال، نَمَاز رَا اِقَامِه كُن، مَا رَا بَا آن رَا حَت كُن
162.....

اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ".....
163.....

كِه رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَر آغَازِ نَمَازِ.....
164.....

لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَفْرَأْ بِقَاتِحَةِ الْكِتَابِ». «كُسي كِه فَاتِحَةُ كِتَابِ (سُورَةُ فَاتِحَةِ) رَا تَلَاوَتِ نَكُنْد، نَمَازِ او دَر سَت
166..... نَمِي شُود

،قَسْمِ بَه آنَكِه جَانَمِ بَه دَسْتِ او سَت، نَمَازِ مَن شَبِيه تَرِ اَز شَمَا بَه نَمَازِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْت
167..... اِي نَمَازِ او بُوْد تَا آنَكِه اَز دُنْيَا رَفْت

أَمِزْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظَمِ.....
168.....

إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تُضَامُونَ فِي رُؤْيَيْهِ.....
169.....

مَنْ صَلَّى الْبُرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ». «هَر كَسِ نَمَازِ صَبْحِ وَ عَصْرِ رَا بَخَوَانْد، وَارِدِ بَهْشْتِ مِي شُود
170.....

كُسي كِه نَمَازِ فَجْرِ رَا اِدَا نَمَايِدِ دَر پَنَاهِ وَ حَمَايَتِ اللّٰهِ اسْت.....
171.....

هَر كُسي نَمَازِ عَصْرِ رَا تَرَكِ كُنْد، عَمَلِشِ بَاطِلِ اسْت.....
172.....

كُسي كِه نَمَازِي رَا فَرَامُوشِ كَرْد، هَر گَاهِ بَه يَادَشِ آوَرْدِ اِدَايشِ كُنْد، وَ [اِي نِ كَارَشِ] كَفَارَهَايِ جِزِ اِي نِ نَادَرْد.....
173.....

إِنَّ أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْمُتَأَفِّقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ وَصَلَاةُ الْفَجْرِ، وَلَوْ يَغْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا.....
174.....

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَر گَاهِ اَز رُكُوعِ بَرْمِي خَاسْتِ مِي فَرْمُود: «سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».....
175.....

بِيَامِرِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَر بَيْنِ دُو سَجْدَه مِي فَرْمُود: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». يَعْنِي "بِرُورِدْ گَارَا، مَرَا
176..... بَبِخْشِ، پُرُورِدْ گَارَا، مَرَا بَبِخْشِ.....

،بِيَامِرِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمِ بَيْنِ دُو سَجْدَه اِي نِ دَعَا رَا مِي خَوَانْد: «اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَعَافِنِي
177..... وَاهْدِنِي، وَارزُقْنِي». يَعْنِي «يَا اللّٰهُ مَرَا بَبِخْشِ وَ بِيَامِرِزِ وَ شَفَا بَدِه وَ رَاهِنَمَايِمِ كُن وَ رُوزِي اَمِ دِه.....

چُونِ خَوَاسْتِيدِ نَمَازِ بَگَزَارِيدِ صَفْ هَايِ خُودِ رَا [بِه نِي كِي] بَرِپَا دَارِيدِ وَ سَبَسِ يَكِي اَزِ شَمَا اِمَامَتِ شَمَا رَا بَرِ عَهْدِه
178..... گِيرِدِ وَ چُونِ تَكْبِيرِ گُوِيدِ، تَكْبِيرِ گُوِيدِ.....

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ سَلَمِ دَرِ حَالِي كِه كَفِ دَسْتَمِ بَيْنِ دُو كَفِ دَسْتَانِشِ بُوْد، آن چِنَانِ بَه مَن تَشْهَدِ
182..... آموخت كِه سُورَهَايِ اَزِ قُرْآنِ مِي آموخت.....

- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ 184
 تو باید برای الله متعال زیاد سجده کنی، چون تو برای الله یک سجده نمی کنی، مگر این که او یک درجه تو را
 بالا برده، و یک گناه را از تو دور می کند 185
- در حضور غذا، و برای کسی که جلوی خروج ادرار و مدفوع را گرفته، نماز نیست..... 186
- ذَاكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خَيْرٌ بِّ، فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، وَانْقُلْ عَلَى يَسَارِكَ ثَلَاثًا..... 187
- «أَسْوَأُ النَّاسِ سَرَقَةً الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ» یعنی: «بدترین دزدی، دزدی آن کسی است که نمازش را می دزدد
 گفتند: چگونه نمازش را می دزدد؟ فرمود: «لَا يُتِمُّ رُكُوعَهَا، وَلَا سُجُودَهَا». یعنی: «رکوع و سجودش را کامل
 نمی کند 188
- أَمَّا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - أَوْ: لَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ - إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ، أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ، أَوْ يَجْعَلَ
 اللَّهُ صُورَتَهُ صُورَةَ حِمَارٍ». «آیا یکی از شما بیم نمی برد - یا یکی از شما نمی ترسد که - اگر سرش را پیش از امام
 بردارد الله سر او را به سر الاغ تبدیل کند یا چهره اش را به چهره الاغ تبدیل نماید؟ 189
- إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا؟ فَلْيُطْرِحِ الشَّكَّ وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ، ثُمَّ يَسْجُدْ
 سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلَّمَ 190
- خَيْرٌ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ..... 191
- اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ 193
- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این ذکر را بعد از هر نماز به جهر می خواندند..... 194
- پیامبر صلی الله علیه و سلم در پی هر نماز فرض 196
- مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَتِلْكَ تِسْعَةٌ
 وَتِسْعُونَ، وَقَالَ: تَمَامُ الْمَاءَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 عَزِزَتْ حَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»: «هرکس پس از هر نمازی، سی و سه بار سبحان الله، سی و سه
 بار الحمد لله و سی و سه بار الله اکبر بگوید، که اینها نود و نه می شود، و برای تکمیل شدن صد "لا إله إلا الله
 وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير" بگوید، گناهایش آمرزیده می شود، اگرچه
 مانند کف دریا (فراوان) باشد 197
- مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَمُوتَ». «هرکس آیه الکرسی
 را پس از هر نماز فرض بخواند، چیزی مانع وارد شدن وی به بهشت نمی شود جز اینکه بمیرد 198
- از پیامبر صلی الله علیه و سلم ده رکعت را به یاد دارم 199
- إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ» یعنی: «اگر یکی از شما وارد مسجد شد، پیش از آنکه
 بنشیند دو رکعت نماز بگزارد 200
- اگر به هم نشینت در روز جمعه در حالی که امام خطبه می خواند گفتی: گوش فرا بده، مرتکب لغو شده ای 201
- ایستاده نماز بخوان، اگر نتوانستی نشسته بخوان و اگر نتوانستی بر پهلو بخوان 202
- صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» یعنی: «یک نماز در این مسجد من
 بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد است، جز مسجد الحرام 203

- 204.....هرکه برای الله مسجدي بسازد، الله برای او در بهشت همانند آن خواهد ساخت.
- 205.....هیچ صدقه ای مال را کم نمی کند، و یقیناً الله در برابر گذشت بنده اش، عزت او را زیاد می دهد، و هرکس به خاطر الله تواضع و فروتنی نماید، الله عزوجل مرتبه اش را بلند می گرداند.
- 206.....الله متعال فرمود: ای پسر آدم انفاق و خرچ کن تا من بر تو انفاق کنم.
- 207.....هرگاه شخص (مسلمان) به نیت اجر و پاداش بر اهل و خانواده ی خود انفاق کند، نفقه ی او صدقه محسوب می شود.
- 208.....هر کسی به فرضدار دست تنگ مهلت داد، یا از قرض او کم کرد، الله متعال او را در روز قیامت زیر سایه عرش خود قرار می دهد، روزی که هیچ سایه ای بجز سایه او تعالی نیست.
- 209.....الله رحمت کند مرد آسانگیری را که هرگاه بفروشد و بخرد و مطالبه کند.
- 210.....مردی به مردم قرض می داد و به غلام خود می گفت: اگر نزد کسی رفتی که در وضعیت دشوار قرار دارد از او در گذر، شاید الله متعال از ما در گذرد.
- 211.....مردانی هستند که بدون حق در مال الله دست می برند، برای آنان در روز قیامت آتش (دوزخ) است.
- 212.....کسی که رمضان را از روی ایمان و به امید ثواب روزه بگیرد، گناهان قبلی او بخشیده می شود.
- 213.....کسی که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم تا زنده بودند، ده روز آخر ماه رمضان را اعتکاف می کردند، و بعد از وفات ایشان، همسرانش این ده روز را به اعتکاف می نشستند.
- 214.....کسی که شب قدر را از روی ایمان، و به امید ثواب زنده سپری کرد، گناهان گذشته وی بخشیده می شود.
- 215.....کسی که برای رضای الله متعال حج کند و آمیزش جنسی نکند و مرتکب گناهی نشود، مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده، برمی گردد.
- 216.....هیچ روزهای نیست که عمل صالح نزد الله متعال محبوبتر از این روزها نباشد. « یعنی ده روز.
- 217.....الله متعال به چهره ها، و اموال شما نگاه نمی کند، بلکه به قلب ها و اعمال شما می نگرد.
- 218.....إِنَّ اللَّهَ يَعَارُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَعَارُ، وَعَظِيمَةُ اللَّهِ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ» یعنی: «الله به غیرت می آید و بنده به غیرت می آید، و غیرت الله [این است] که مؤمن آنچه بر او حرام ساخته را انجام دهد.
- 219.....از هفت چیز هلاک کننده بپرهیزید.
- 220.....أَلَا أَنْبَأُكُمْ بِكَبِيرِ الْكِبَائِرِ؟
- 222.....گناهان کبیره (عبارتند از): شرک ورزیدن به الله، نافرمانی پدر و مادر، قتل نفس، و سوگند دروغ.
- 223.....أَوَّلُ مَا يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ» یعنی: «نخستین چیزی که در روز قیامت درباره آن قضاوت می شود، در [مسئله] خون است.
- 224.....مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ رِيحَهَا تُوْجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ عَامًا». «هر کسی مُعَاهِدِ را به قتل برساند بوی بهشت را احساس نمی کند، هر چند که بوی آن از مسافه چهل سال به مشام می خورد.
- 225.....قطع کننده پیوند خویشاوندی وارد بهشت نمی شود.
- 226.....هر کی دوست دارد رزق وی افزایش یابد، و اجل وی به تأخیر بیافتد، پس صله ی رحمی کند.

- کسی که پیوند خویشاوندی را طوری رعایت کند که دیگران با او رعایت می کنند، پیوند دهنده واقعی نیست بلکه پیوند دهنده واقعی کسی است که پیوند خویشاوندی با وی قطع شود ولی او آن را ببیوندد227
- آیا می دانید غیبت چیست؟" گفتند: الله و رسولش آگاه ترند، فرمودند: "یاد کردن برادرت به آنچه که برایش ناخوشایند است228
- كُلُّ مُسْكِرٍ حَمْرٌ، وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ، وَمَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا فَمَاتَ وَهُوَ يُدْمِنُهَا لَمْ يَتُبْ، لَمْ يَشْرَنْهَا فِي الْآخِرَةِ: «هر مست کننده ای خمر و شراب است و حرام؛ و هرکس در دنیا خمر و شراب بنوشد و درحالی بمیرد که معتاد به آن باشد و توبه نکند، در آخرت از آن نمی نوشد229
- لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّائِيَّ وَالْمُرْتَبِيَّ فِي الْحُكْمِ. رسول الله صلى الله عليه وسلم رشوه دهنده و رشوه گیرنده در قضاوت را لعنت نموده است230
- إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ؛ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ231
- کسی که سخن چینی می کند وارد بهشت نمی شود.....232
- كُلُّ أُمَّتِي مُعَاوِيَ إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا، ثُمَّ يُصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ: يَا فَلَانُ، عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا، وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ، وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ» «همه امت من مورد عفو هستند جز مجاهران.....233
- ای مردم، الله تکبر و نخوت جاهلیت و فخر فروشی آنان به پدران را از میان برداشته است.....234
- منفورترین انسان نزد الله متعال کسی است که همیشه جنگنده سرسخت باشد235
- هرگاه دو مسلمان با شمشیرهای شان در برابر همدیگر قرار گیرند، قاتل و مقتول در آتش (دوزخ) خواهند بود236
- مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السَّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا» یعنی: «کسی که علیه ما سلاح بردارد از ما نیست237
- مردگان را دشنام ندهید، زیرا آنان به عملکردهای خویش رسیده اند.....238
- جایز نیست که مرد بیش از سه شب برادر خود را ترك سخن کند، طوری که وقتی به هم روبرو می شوند این روی بر می گرداند، و او روی بر می گرداند، و بهترین آنان کسی است که آغاز به سلام کردن می کند.....239
- کسی که بین دو فک (الاشه) و بین دو پایش را برای من تضمین کند، بهشت را برای او تضمین می کنم.....240
- لَا تُسَافِرِ الْمَرْأَةَ مَسِيرَةَ يَوْمَيْنِ إِلَّا وَمَعَهَا رُوجُهَا أَوْ دُو مَحْرِمٍ241
- بعد از درگذشت من زیان بارتین فتنه را برای مردان به اندازه فتنه زنان نماندم243
- إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوَّةٌ خَضِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ244
- لا نِكَاحَ إِلَّا بِوَلِيِّ». "ازدواج بدون موجودیت سرپرست درست نیست.....245
- همانا سزاوارترین شروطی که باید به آنها پایبند بود: شروطی است که با آنها زنان را برای خود حلال ساختید246
- دنیا متاع است؛ و بهترین متاع دنیا زن نیکوکار است247

- لا تلبسوا الحرير ولا الليناج، ولا تشرؤوا في آنية الذهب والفضة ولا تأكلوا في صحافها، فإنها لهم في الدنيا، ولكم في الآخرة»: «ابريشم نرم و غليظ را نپوشید و در ظرف های طلا و نقره چیزی ننوشید، و در کاسه های آنان نخورید، چون این ظروف (طلایی و نقره ی) برای آنها در دنیا و برای مان در آخرت است248
- رسول الله - صلی الله علیه و سلم - از تراشیدن برخی از موهای سر و گذاشتن برخی دیگر، نهی کرده است. 249
- بروت ها را کوتاه کنید، و ریش را انبوه سازید250
- لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ، وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ251
- همانا بهترین شما، خوش اخلاق ترین شماست252
- همانا مؤمن با اخلاق نیکو به مرتبه روزه دار و تهجد گزار می رسد253
- کاملترین مؤمنان از لحاظ ایمان، بهترین آنان از لحاظ اخلاق می باشد، و برگزیده ترین شما کسی است که با زنان شان بهترین برخورد (اخلاق) می کنند254
- از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم درباره آنچه مردم را بیشتر وارد بهشت می کند پرسیده شد، وی فرمودند: «ترس از الله و اخلاق نیکو255
- رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از لحاظ اخلاق بهترین مردم بود256
- اخلاق پیامبر الله صلی الله علیه و آله و سلم قرآن بود257
- رسول الله صلی الله علیه و سلم شروع کردن از سمت راست را در پوشیدن کفش، شانه کردن موها، وضو گرفتن و در همه ی کارهایش می پسندیدند258
- الله نیکی را بر هر چیز مقرر داشته است259
- همانا عدل کنندگان در نزد الله متعال بر منبرهای نورانی در سمت راست رحمان عز و جل قرار خواهند داشت، و هر دو ید (بلا کیف او) راست است260
- در اسلام ایجاد کردن ضرر و رساندن ضرر به دیگران نیست، و هر کسی زیان آور باشد الله متعال او را زیان می رساند، و هر کسی سخت گیر باشد الله متعال با او سختی می نماید261
- ، إِنَّمَا مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَجَلِيسِ السُّوءِ، كَمَثَلِ الْمِسْكِ، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ262
- عصبانی مشو263
- مرد قوی کسی نیست نیرومندان را بر زمین بیفکنند، بلکه قوی کسی است که هنگام خشم خود را کنترل می کند264
- حیا جزء ایمان است265
- اگر مردی برادر خود را دوست داشت، به او بگوید که او را دوست دارد266
- هر نیکی صدقه است267
- كُلُّ سُلَاحِيٍّ مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ268
- لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عَمَلِهِ فِيمَا أْفْتَاهُ، وَعَنْ عَمَلِهِ فِيمَ فَعَلَ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ، وَعَنْ جِسْمِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ». «گام های بنده در روز قیامت جابجا می ماند تا آنکه درباره عمرش

از او پرسیده شود که چگونه آن را به سر کرده است، و دربارهٔ علمش که چگونه به آن عمل کرده است، و دربارهٔ مالش که از کجا به دست آورده است و در چه راهی خرجش کرده است، و دربارهٔ بدنش که در چه راهی آن را پیر کرده است..... 270

السَّاعِي عَلَى الْأُزْمَلَةِ وَالْمَسْكِينِ، كَأَلْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوِ الْقَائِمِ اللَّيْلِ الصَّائِمِ النَّهَارَ» یعنی: «تلاش کننده بر بیوه‌زن و بینوا مانند مجاهد در راه الله یا کسی است که شب را به عبادت می‌ایستد و روز را روزه می‌شود» 271

کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد سخن خیر بگوید یا سکوت کند..... 272

هیچ چیزی از نیکویی را ناچیز مشمار، حتی اگر برادرت را با چهره ای بشاش ملاقات کنی..... 273

کسی که بالای مردم رحم نمی‌کند، الله متعال به او رحم نخواهد کرد..... 274

الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، اِرْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنَ فِي السَّمَاءِ». «کسانی که مهربان هستند، الله مهربان به آنان رحم خواهد کرد، به اهل زمین رحم کنید، آنکه در آسمان است به شما رحم خواهد کرد...» 275

المُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ». «مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند، و مهاجر آن است آنچه را که الله متعال از آن نهی کرده ترک نماید» 276

حق مسلمان بر مسلمان پنج است: جواب سلام، عیادت بیمار، شرکت در تشییع جنازه ها، اجابت دعوت، و جواب دادن عطسه کننده..... 277

لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوْلَا أَدَلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمْوَهُ تَحَابَّبْتُمْ؟ أَفَسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» یعنی: «به بهشت وارد نمی‌شوید تا آنکه ایمان بیاورید، و ایمان نمی‌آورید تا آنکه همدیگر را دوست بدارید؛ آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر انجامش دهید، بین شما محبت رخ دهد؟ سلام را میان

خویش آشکار سازید..... 278

مردی از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید که: کدام اسلام بهتر است؟ فرمود: «تُطْعِمُ الطَّعَامَ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». «غذا دهی، و به کسی که می‌شناسی و نمی‌شناسی سلام گویی.....» 279

أَلَا أَدَلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا، وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ؟..... 280

،المُؤْمِنُ الْقَوِيُّ، خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ..... 282

جبرئیل در مورد همسایه مرا نصیحت می‌کرد، تا اینکه گمان بردم که از او میراث می‌برد..... 283

هر کس از آبروی برادرش دفاع کند، الله متعال در روز قیامت آتش را از روی او بازمی‌گرداند..... 284

همانا مهربانی و نرمی در هیچ چیز نمی‌باشد مگر اینکه آن را زیبا می‌سازد، و از هیچ چیزی دور نمی‌شود مگر آن چیز را معیوب می‌نماید..... 285

آسان بگیرید و سختگیر نباشید، بشارت دهید و متنفر کننده نباشید..... 286

نزد عمر رضی الله عنه بودیم، فرمود که: ما از تکلف منع شده ایم..... 287

إِذَا أَكَلْ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرِبْ بِيَمِينِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ». «اگر کسی از شما غذا خورد با دست راستش بخورد، و اگر نوشید با دست راستش بنوشد، زیرا شیطان با دست چپش می‌خورد، و با دست چپش می‌نوشد.....» 288

- 289.....ای نوجوان، نام الله را [در آغاز غذا] بگو، و با دست راست بخور، و از آنچه نزدیکت هست بخور.....
- الله متعال از بنده خشنود می‌شود که غذا بخورد وی را به خاطر آن ستایش کند، ویا اگر نوشیدنی بنوشد سپس او را بر آن ستایش کند.....
- 290.....«مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم با دست چپش خورد، پس [پیامبر] به ایشان فرمود: «كُلْ بِيَمِينِكَ یعنی: «با دست راستت بخور» او گفت: نمی‌توانم. ایشان فرمودند: «لَا اسْتَطَعْتَ.....»
- 291.....هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم عطسه می‌زد دست یا لباسش را روی دهانش می‌گذاشت، و با آن از صدایش می‌کاست.....
- 292.....الله متعال دوست دارد که به رخصت هایش عمل شود همانطوری که دوست دارد به عزیمت هایش عمل شود.....
- 293.....کسی را که الله متعال اراده خیر کند، او را به مصیبت‌ها مبتلا می‌سازد.....
- 294.....مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصِيٍّ وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ وَلَا أَذًى وَلَا عَمٍّ حَتَّى السَّوْكَةِ يُشَاكِّهَا إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». هیچ رنج، بیماری، نگرانی، ناراحتی، آزار و غم و اندوهی به مسلمان نمی‌رسد و حتی خاری در پایش فرو نمی‌رود مگر اینکه الله متعال [مقداری] از گناهانش را به سبب آن می‌بخشد.....
- 295.....عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ.....
- 296.....اگر بنده مریض شود و یا مسافرت کند، معادل کاری که در زمان اقامت و سلامتی انجام می‌داد، برای او نوشته می‌شود.....
- 297.....،بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ.....
- 298.....برای کسی که الله متعال اراده خیر داشته باشد.....
- 299.....علم را جهت فخر فروشی بر علما نیاموزید، و نه برای این که همراه سفیهان درگیر شوید.....
- 300.....بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد، و آن را به دیگران بیاموزاند.....
- 301.....از رسول الله صلی الله علیه وسلم ده آیت درس می‌گرفتند، و ده آیت دیگر را نمی‌گرفتند تا این که بدانند در این آیت‌ها چه چیز از علم و عمل وجود دارد.....
- 302.....هر کسی حرفی از کتاب الله را بخواند برای او یک پاداش دارد، و هر پاداش ده برابر آن می‌باشد.....
- 303.....به صاحب قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالا برو، و چنان که در دنیا تلاوت می‌کردی تلاوت کن، که جایگاه تو در آخرین آیه ای است که می‌خوانی.....
- 304.....آیا کسی از شما دوست دارد هنگامی که نزد خانواده خود باز می‌گردد، سه شتر بزرگ و چاق را در آن بیابد؟
- 305.....از قرآن کریم با تلاوت آن محافظت کنید، سوگند به ذات که جان محمد در دست اوست، (در فراموش شدن) سریعتر از فرار کردن شتر است که با ریسمان بسته شده باشد.....
- 306.....خانه‌های خود را قبرستان نسازید چون شیطان از خانه ای فرار می‌کند که در آن سوره بقره خوانده می‌شود.....
- 307.....

- ای ابوالمنذر آیا می دانی کدام آیت از کتاب الله نزد تو بزرگتر است؟» گفت: گفتتم: {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} (بقره: 255). - الله آن ذاتی است که هیچ معبودی برحق غیر از او وجود ندارد (که همیشه زنده و پایدار است (تدبیر تمام کائنات در دست اوست) - فرمود: ضربه ای به سینه ام زد و فرمود: «به الله سوگند ای ابو المنذر خوشحال تو با این علم که تو دارای 308
- هر کس دو آیه اخیر سوره بقره را در شب بخواند برای او کفایت من کند 309
- دعا عین عبادت است 310
- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در همه حالت هایش الله متعال را یاد می کرد 311
- هیچ چیز نزد الله متعال گرامی تر از دعا نیست 312
- ایمان در دل یکی از شما بگونه فرسوده می شود همان طوری که جامه استفاده شده فرسوده می شود، بناء از الله بخواهید که ایمان را در دل هایتان تجدید کند 313
- بنده در هنگام سجده نزدیکتر از هر وقت دیگر به پروردگارش می باشد، پس- در سجده - زیاد دعا کنید 314
- بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه و سلم این بود که: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» یعنی: «پروردگارا ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و از عذاب آتش [دوزخ] محافظت نما 315
- أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ، وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ، وَأَرْفَعُهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ 316
- شب هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و سلم به رختخواب خود می رفتند، دستان خود را جمع می کردند، سپس در آنها دم کرده و {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ}، و {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ} 318
- سید الاستغفار 319
- هنگام شام و صبح {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} و معوذتین را سه بار بگو، تو را از همه چیز کفایت می کند 321
- محبوبترین کلمه ها نزد الله متعال چهار است: سبحان الله (پاکبست الله را)، الحمد لله (ثنا و صفت الله را است)، لا اله الا الله (نیست معبودی بر حق جز الله)، و الله اکبر (الله بزرگ است)، فرقی نمی کند که از هر کدام آن شروع کرده اید 322
- کسی که ده بار: {لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} بگوید 323
- دو کلمه وجود دارد که بر زبان آسان گفته می شود، و در ترازوی اعمال سنگین هستند، و در نزد الله رحمان محبوبیت دارد 324
- کسی که در روز صد مرتبه {سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ} بگوید، گناهانش پاک می شود، ولو که مانند کف دریا باشد 325
- پاکبیزی نصف ایمان است، و الحمد لله ترازو را پر می کند، و "سبحان الله" و "الحمد لله" ما بین آسمان و زمین را پر می کنند 326
- این که: {سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ} بگوییم برای من عزیزتر از آن چیزی است که خورشید بر آن طلوع می کند 327
- بهترین ذکر: {لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ است، و بهترین دعا: الْحَمْدُ لِلَّهِ است 328

هر کسی در مکان بود و باش کرد، و بگوید: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، "من به کلمات و سخنان کامل الله- از شر مخلوقاتش - پناه می برم" تا زمانی که آن جا را ترک نکرده هیچ چیزی به او زبانی نمی رساند
329.....

هرگاه کسی از شما وارد مسجد شد بگوید: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ (پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای) و چون خارج شد بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ (بارالها از فضل تو خواهانم).....
330.....
إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ، وَلَا عَشَاءَ.....
331.....